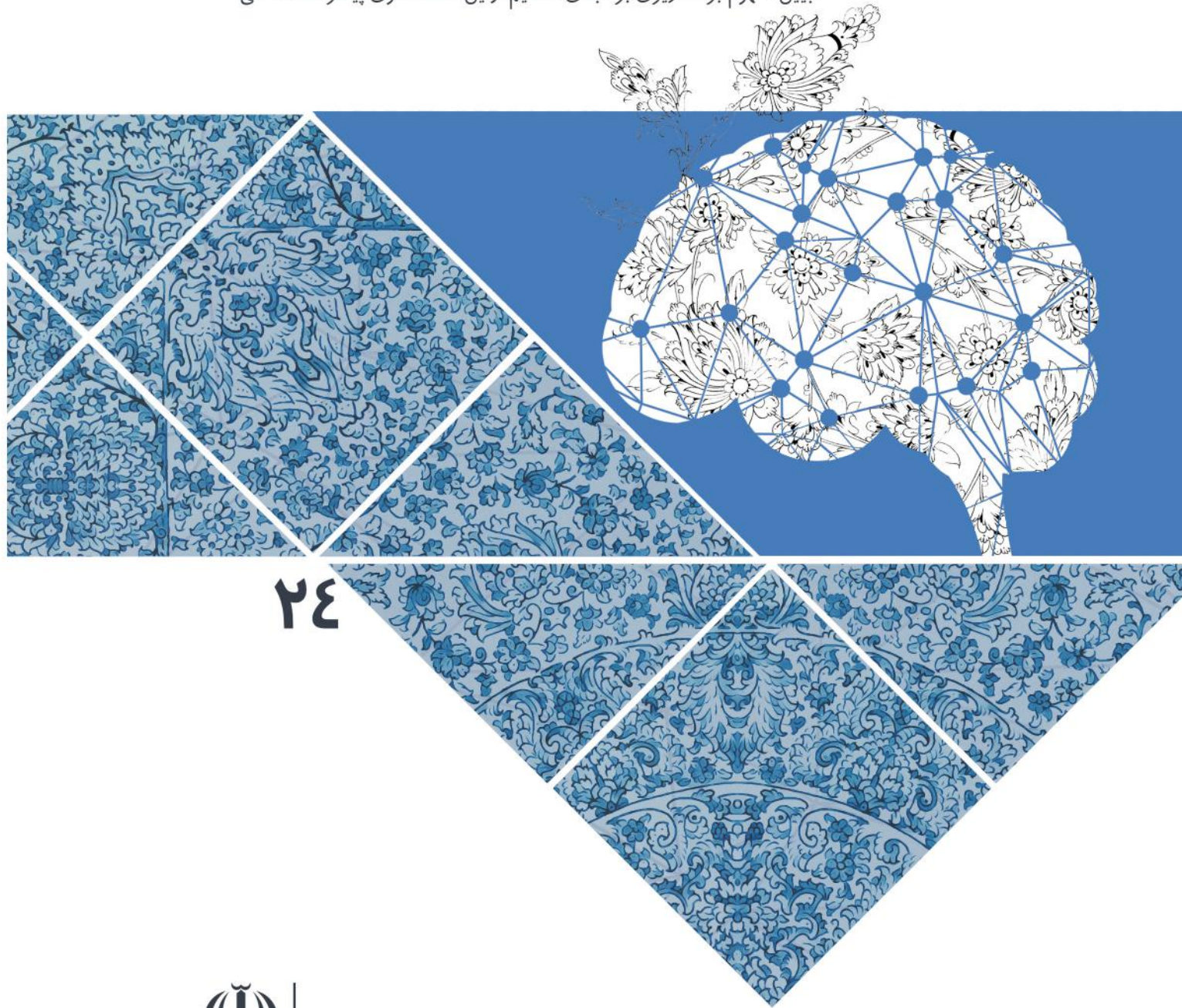


# برنامه ریزی

جلد چهارم

## برنامه ریزی

تبیین مفهوم برنامه‌ریزی بر مبنای مفاهیم اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی



۲۴ (جلد چهارم)

برنامه‌ریزی

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت



### بخش‌نویس

اگر بخواهیم کارآمدی در تفکر توسعه غربی را به‌صورت همه‌جانبه به چالش بکشیم، باید کجا ایستاده و آن را بحث کنیم؟ «اولین نقشه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» بیان می‌کند که باید بر روی به چالش کشیده شدن مفهوم "تبادل" تمرکز کنیم. مفهوم محوری‌ای که به‌وسیله آن مفهوم محوری، کارآمدی همه بخش‌ها در تمدن غرب تئوریزه می‌شود، بحث تبادل و عدم تعادل است. اساساً وقتی می‌خواهند کارآمدی خود را اثبات کنند، با یک مفهوم شروع می‌کنند و بیان می‌کنند که فلان مسئله دچار عدم تعادل شده است و ما می‌خواهیم آن عدم تعادل را رفع کنیم، می‌گویند که در فلان مسئله یک اتفاق نامتوازن اتفاق افتاده است. هرگاه این کلمه را شنیدید، اگر توانستید در آن بخشی که این کلمه استفاده می‌شود و تطبیق می‌شود، آن بخش را به چالش بکشید، کارآمدی جبهه توسعه غربی به چالش کشیده می‌شود.



شورای راهبردی  
الگوی پیشرفت اسلامی

دوره ۴۰ جلسه‌ای (جلسات ۳۴ الی ۴۰)

۱۶ لغایت ۲۵ آذر ۱۳۹۵

مباحث دوران تحلیل ذهنی

تهران: دانشگاه صنعتی شریف



شرح وضعیت برنامه ششم به عنوان یک نمونه‌سازی مبتنی بر الگوی ساخت نظامات اسلامی

تبیین مفهوم برنامه‌ریزی از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

۱۶ لغایت ۲۵ آذر ۱۳۹۵

دوره ۴۰ جلسه‌ای (جلسات ۳۴ الی ۴۰)

شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه به آدرس:  
**Nro-di.blog.ir**

تبیین معنای الگوی ساخت نظامات اسلامی

فعالیت‌های الگوی پیشرفت اسلامی در برنامه ششم

شناسایی عدم توازن‌های فرهنگی در چهار حوزه

۱. عدم توازن‌های فرهنگی مرتبط با جهت‌ساز تربیت  
 ۲. عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز علم  
 ۳. عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز جرم  
 ۴. عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز اقتصاد

- ۱. استنباط ترجمه جهت‌ساز به جهت
- ۲. مقایسه نظری ترجمه با نظریات رقیب
- ۳. برقراری ارتباط میان ترجمه و مشکلات فعلی

بخش‌های مختلف نظریه از منظر الگو

عدم قبول الگوی نظام‌سازی توسط جریان توسعه‌گرا

لزوم ارائه طرحی برای مقابله هدایت‌بنیان با جریان توسعه‌گرا

چالش اقتصادی؛ عدم تعادل جریان توسعه‌گرا

تعریف عدم توازن (عدم تعادل): نقطه مشترک جریان توسعه و الگوی پیشرفت اسلامی

لزوم ارائه تعریفی جدید از عدم توازن

**ارائه مفهوم نظریه؛ مرحله اول برنامه ریزی**

معنای عدم تعادل از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

تعریف عدم تعادل به امور ضد هدایت (عدم توازن فرهنگی)

تقابل الگوی پیشرفت با جریان توسعه در حوزه برنامه‌ریزی توسعه‌گرا از یک نقطه مشترک

لزوم شروع تفاهم با جریان توسعه‌گرا از یک نقطه مشترک تفاهم با جریان توسعه‌گرا

کارآمدی؛ نقطه مشترک تفاهم با جریان توسعه‌گرا

چالش کارآمدی غرب به محوریت عدم تعادل

تعریف عدم تعادل به امور ضد هدایت (عدم توازن فرهنگی)

به چالش کشیدن عدم توازن‌های جریان توسعه‌گرا

سطوح سه‌گانه‌ی مقابله

مقابله در سطح اسناد

چند نمونه از اسناد خطرناک

مقابله با اثرات سوء و عوارض اسناد

مقابله در سطح مبانی نظری

تعریف عدم تعادل توسط جریان توسعه‌گرا به امور ضد اقتصاد

ادله به چالش کشیدن این موضوع

عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز اقتصاد

راه حل رفع عدم توازن

- عدم توازن‌های فرهنگی مرتبط با جهت‌ساز تربیت در برنامه ششم
- مدیریت شهری فعلی؛ اصلی‌تره توازن مرتبط با جهت‌ساز تربیت شهری فعلی
- وجود هفت عدم توازن مرتبط با جهت‌ساز تربیت در مدیریت شهری فعلی
- تأمین نیازهای شغلی در بیرون از محله زندگی؛ عدم توازن اول از محله؛ عدم توازن دوم از محله؛ عدم توازن سوم از محله؛ عدم توازن چهارم از محله؛ عدم توازن چهارم

عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز ترجمه‌زدایی از علم

عدم توازن مرتبط با جهت‌ساز علم

عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز جرم

عدم توازن مرتبط با حوزه پیشگیری از جرم

عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز پیشگیری از جرم

وجود چهار نظریه برای پیشگیری از جرم در حال حاضر

- ساختاری، توسعه‌ای، کیفی، محیطی
- ناتوانی نظریات چهارگانه از تحلیل ریشه وقوع جرم
- عدم وجود تحلیل نسبت به ریشه جرم به علت عدم گفتگو
- مدیریت نگرش‌ها؛ راهکار پیشگیری از جرم
- نوشتن گزارش‌های راهبردی فصلی توسط قوه قضائیه
- حضور کارشناسان قوه قضائیه در مجلس و تقیح قوانین معارض

- لزوم اداره علمی کشور و پرهیز از تصمیم خلق‌الساعة
- ترجمه‌ای بودن علوم فعلی کشور و نادیدن واقعیات کشور
- تشکیل بانک سؤالات جمهوری اسلامی

- گسترش سفرهای درون‌شهری و مختل شدن سلامت روانی جامعه
- کم‌شدن تعرف و وقوع ازدواج‌های بدون شناخت
- کم‌شدن تعرف و از بین رفتن زیرساخت بهینه روابط انسانی

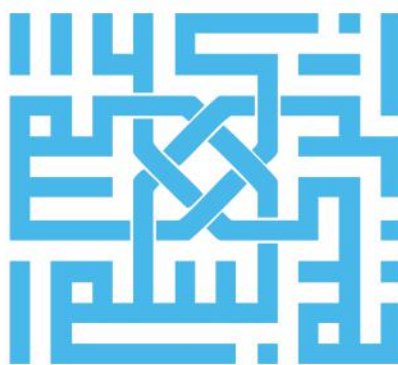
- تعلیق زکات به دلیل عدم استفاده از مسکوکات در معاملات
- عنوان ارز واسط و عدم رعایت معادله نشر اسکناس

- تعلیق توحید و عدم رفع فقر بنیادین در صورت تعطیل شدن حج
- تعلیق ایثارگری و تخریب وضعیت محرومین در صورت تعلیق عبادت
- بیشترین کمک‌ها به محرومین توسط هیئت‌ها و مساجد
- تأمین امنیت با کمترین هزینه؛ از ثمرات عبادت

- نقد نظریات کینزی و نهادگرایی در برنامه ششم
- نقد مدیریت شهری TOD
- سند 2030؛ یکی از اسناد خطرناک و لزوم مقابله با این سند

- شناسایی و احصاء عدم توازن‌ها با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی
- اطلاع‌رسانی افکار عمومی از عدم توازن‌های شناسایی شده
- تبیین نسبت میان عدم توازن‌های اقتصادی و عدم توازن‌های فرهنگی





## شناسنامه

### عنوان دوره

تبیین مفهوم برنامه‌ریزی از منظر اولین نقشه‌الگوی پیشرفت اسلامی  
(روش مقابله با جریان توسعه‌گرای وطنی)

### ارائه دهنده

حجت‌الاسلام والمسلمین کشوری

### تدوین‌گر

سجاد حسن‌زاده

### تاریخ برگزاری دوره

۱۶ لغایت ۲۵ آذر ۱۳۹۵

### مکان برگزاری

دانشگاه صنعتی شریف

### حاضرین در دوره

کارشناسان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت  
دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف

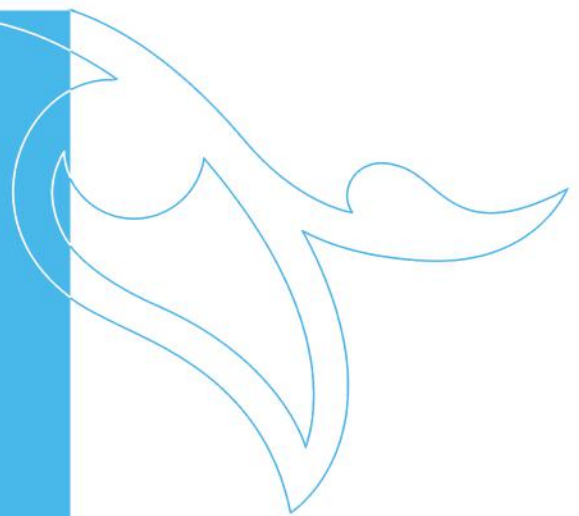
### مشخصات اثر

۱۲۶ صفحه (قطع رحلی)

### تاریخ انتشار

اردیبهشت ۱۳۹۶

### ویراست اول





# فهرست اجمالی



جلسه سی و چهارم به چالش کشیدن تعریف جریان توسعه غربی از مفهوم کارآمدی؛ راهکار مقابله هدایت بنیان الگوی پیشرفت اسلامی با این جریان	۱
جلسه سی و پنجم عدم توازن و عدم تعادل؛ محور کارآمدی در توسعه غربی و لزوم به چالش کشیدن این مفهوم	۱۷
جلسه سی و ششم امور ضد زیرساخت‌های هدایت؛ معنای عدم توازن از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی	۳۵
جلسه سی و هفتم لزوم مقابله با جریان توسعه غربی در مرحله تنظیم اسناد و به محوریت عدم توازن‌های فرهنگی	۵۵
جلسه سی و هشتم تشریح عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز تربیت در برنامه ششم توسعه	۷۳
جلسه سی و نهم تشریح عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌سازهای علم و پیشگیری از جرم	۹۱
جلسه چهلم تشریح عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز اقتصاد در برنامه ششم توسعه	۱۱۱
پیوست	۱۲۶

# توضیح اجمالی



در دهه اول از مباحث این دوره، محور بحث حول تبیین ضدیت نظام برنامه‌ریزی با شاخص‌های هویت اسلامی و دین‌داری مردم می‌چرخید. بیان داشتیم که دلیل مخالفت الگوی پیشرفت اسلامی با نظام برنامه‌ریزی، ضدیت این نظم با شاخص‌های هویت اسلامی است.

پس از تبیین نکته فوق، باید به تشریح شاخص‌های هویت اسلامی پرداخت. از منظر الگوی پیشرفت اسلامی شاخص‌های اداره جامعه در دو دسته کلی گنجانده می‌شوند؛ شاخص‌های کلان پیشرفت اسلامی و شاخص‌های بخشی پیشرفت اسلامی. آنچه در این دهه مورد بحث قرار خواهد گرفت، شاخص‌های کلان پیشرفت اسلامی است.

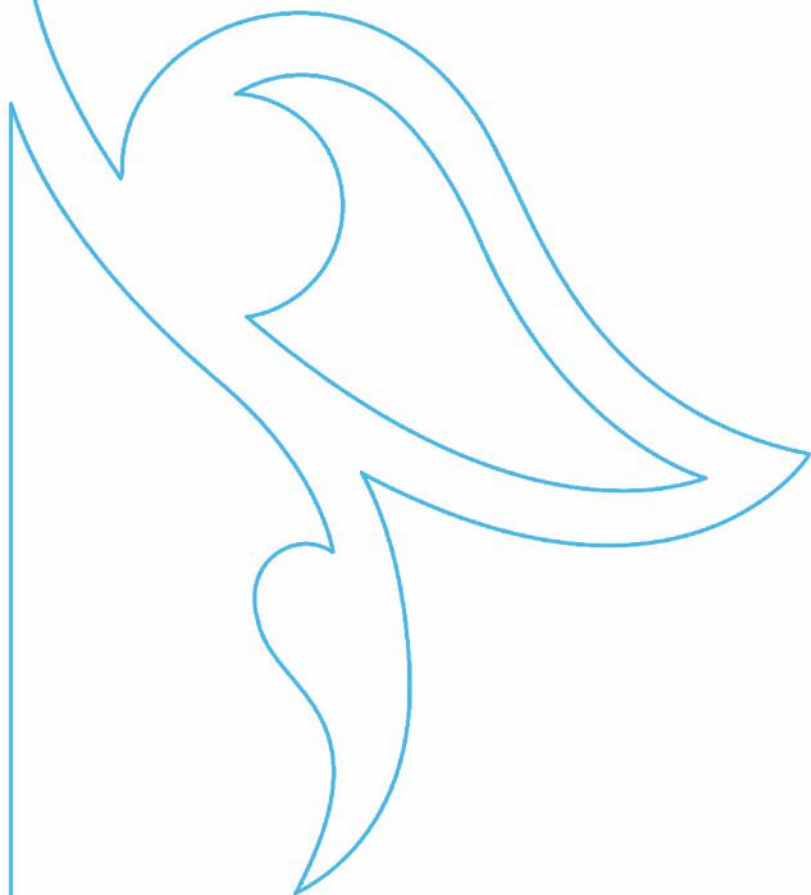
در بخش دوم مباحث به تشریح شاخص‌های کلان هویت دینی پرداخته شده است. از منظر اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی شاخص‌های کلان پیشرفت، شاخص‌هایی هستند که به وسیله آنها می‌توان روابط انسانی را بهبود بخشیده و وضعیت روابط انسانی را سنجید. در واقع برای فهم این مطلب که چرا الگوی پیشرفت اسلامی شاخص‌های بهینه روابط انسانی را به عنوان شاخص‌های کلان پیشرفت قرار داده باید به این نکته دقت نمود که محور پیشرفت تمام بخش‌های جامعه حتی بخش‌های صنعتی، انسان‌هایی هستند که در آن بخش فعالیت می‌کنند. بنابراین شاخص‌هایی که منجر به بهینه روابط انسانی می‌شوند به طور مستقیم بر پیشرفت تمام بخش‌های جامعه اثر می‌گذارند.

در بخش سوم مباحث به روش تحقیق و مدل برنامه‌ریزی بر مبنای مفاهیم هویت دینی و با محوریت مدل برآمده از نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی پرداخته شده و سه زیر مدل الگوی موسوم به الگوی ساخت نظامات اسلامی تشریح شده است.

در این بخش به عنوان آخرین بخش از تبیین مدل برنامه‌ریزی بر مبنای الگوی پیشرفت اسلامی به شرح یک نمونه از فعالیت اقدام بر مبنای مفاهیم متخذ از الگوی ساخت نظامات اسلامی پرداخته شده است.

برنامه ششم کشور یکی از مهمترین و در عین حال حساس‌ترین برنامه‌ها میان مدت در طول دهه‌های اخیر بوده است. حفره‌های نهفته در این برنامه به حدی بود که به تنهایی خطر چند برجام را در خود جای داده بود. از سوی دیگر غفلت مسئولان و نخبگان انقلاب اسلامی از این برنامه، خطر آن را دوچندان نموده بود. شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با تمرکز بر این برنامه و نمونه‌سازی الگوی ساخت نظامات اسلامی موفق شد برای اولین بار و پس از هفتاد سال حرکت مستمر جریان توسعه‌گرا در مسیر برنامه‌ریزی، موجب توقف این جریان شود. در این هفت جلسه به شرح چگونگی مواجهه با این برنامه خطرناک پرداخته شده است.

## جلسه سی و چهارم



به چالش کشیدن تعریف جریان توسعه غربی از مفهوم کارآمدی؛  
راهکار مقابله هدایت بنیان الگوی پیشرفت اسلامی با این جریان



## شناسنامه جلسه سی و چهارم

عنوان  
به چالش کشیدن تعریف جریان توسعه غربی از مفهوم کارآمدی:  
راهکار مقابله هدایت بنیان الگوی پیشرفت اسلامی با این جریان

تاریخ نشست  
۱۶ آذر ۱۳۹۵

مشخصات اثر  
۱۱ صفحه (قطع رحلی)

همانطور که در جلسات گذشته مطرح شد موضوع دهه سوم از مباحث این دوره به تبیین الگوی ساخت یا الگوی نظام‌سازی اسلامی اختصاص داشت. این الگو در طول جلسات ۲۰ تا ۳۳ تشریح و تبیین شد. در واقع این الگو، الگوی برنامه‌ریزی اسلامی بوده و ارکان و لوازم یک برنامه اسلامی را بیان می‌کند. اما باید به این نکته توجه کرد که در حال حاضر نخبگان جامعه به دلیل غرق شدن در مباحث توسعه غربی، اصلاً زمانی برای شنیدن مباحث الگوی پیشرفت اسلامی و برنامه‌ریزی بر اساس الگوی ساخت ندارند. بنابراین باید روشی را برای تفاهم با آنها اتخاذ نمود تا بتوان با آنها مقابله هدایت بنیان نموده و آنها را به جبهه الگوی پیشرفت اسلامی ملحق کرد.

برای رسیدن به چنین مقصودی باید از نقطه‌ای شروع کنیم که میان ما و جریان توسعه‌گرا مشترک باشد. این مهره مشترک چیست؟ جریان توسعه‌گرا، در مقام برنامه‌ریزی مفهومی محوری به نام تعادل و توازن دارد. این جریان معتقد است که هر امر ناموزون با اقتصاد یک امر نامتوازن و نامتعادل شناخته می‌شود و باید به نفع اقتصاد تعدیل شود.

جریان الگوی پیشرفت اسلامی نیز از همین نقطه استفاده نموده و با ارائه تعریفی تکاملی از عدم توازن و عدم تعادل، جریان توسعه‌گرا را با چالش عدم برنامه‌ریزی مناسب برای اداره کشور مواجه می‌سازد. در جلسات آینده شرح بیشتری از این موضوع ارائه خواهد شد.



### فهرست اجمالی

۱	۱. برنامه‌ریزی اسلامی یعنی: «استنباط ترجمه جهت‌ساز به جهت»؛ «مقایسه نظری ترجمه با نظریات رقیب» و «برقراری ارتباط میان ترجمه و مشکلات جامعه»
۳	۲. لزوم طراحی راهکاری برای هدایت جریان توسعه‌گرای وطنی
۸	۳. تکیه بر مفهوم عدم تعادل و بهینه‌کردن تعریف عدم تعادل؛ راهکار مقابله هدایت‌بنیان با جریان توسعه‌گرای وطنی





ارائه مفهوم نظریه؛ مرحله اول برنامه ریزی

روشن مقابله الگوی پیشرفت اسلامی با جریان توسعه‌گر در حوزه نظام برنامه‌ریزی

تئیس معنای الگوی ساخت نظامات اسلامی

بخش‌های مختلف نظریه از منظر الگو

لزوم ارائه طرحی برای مقابله هدایت‌بنیان با جریان توسعه‌گر

لزوم شروع تقاضا با جریان توسعه‌گر از یک نقطه مشترک

عدم توازن (عدم تعادل) و تعریف آن نقطه مشترک جریان توسعه‌گر و الگوی پیشرفت اسلامی

۱. استنباط ترجمه جهت‌ساز به جهت

۲. مقایسه نظری ترجمه با نظریات رقیب

۳. برقراری ارتباط میان ترجمه و مشکلات فعلی

عدم قبول الگوی نظام‌سازی و برنامه‌ریزی اسلامی توسط این جریان با وجود شکست‌های متعدد نظریات غربی

معرفی امور ناموزن با اقتصاد به عنوان عدم تعادل توسط جریان توسعه‌گر

لزوم ارائه تعریفی جدید از عدم توازن و عدم تعادل





### ۱. برنامه ریزی اسلامی یعنی ۱. استنباط ترجمه جهت ساز به جهت ۲. مقایسه نظری ترجمه با نظریات

#### رقیب و ۳. برقراری ارتباط میان ترجمه و مشکلات جامعه

سلام عليكم و رحمة الله و بركاته بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين لاسيما على بقية الله فى الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

تا جلسه ديروز بحث در مورد برنامه ریزی از نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بود. عرض ۱/۱. بهینه روابط انسانی؛ کردیم که محور برنامه ریزی در نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت «بهینه روابط انسانی» است؛ محور پیشرفت تمام یعنی هدف اصلی، بهینه روابط انسانی در بخش های مختلف است. اگر برای هر بخش دو دسته بخش های جامعه معادله تصور کنیم، یک دسته از معادلات متعلق به معادلات آن بخش خاص است. برای مثال در بخش صنعت یک قواعد خاصی وجود دارد. فرض بفرمایید یک استراتژی برای صنعت باید پیشنهاد شود. یک دسته از قواعد هم به تنظیم روابط انسانی بازمی گردد. نقطه شروع برنامه ریزی با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تحول در قواعد خاص هر بخش نیست، نه اینکه به آنجا نمی رسیم؛ دقت بفرمایید به معادلات اختصاصی هر بخش با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز خواهیم رسید؛ اما نقطه شروع آنجا نیست. نقطه شروع به معادلات عمومی هر بخش یعنی به مسئله روابط انسانی و مسئله تنظیم قواعد بین انسان ها باز می گردد، این قاعده وجود دارد. پس بنابراین نقطه شروع، بهینه شدن روابط انسانی است نه بهینه شدن قواعد اختصاصی هر بخش.



۱/۲. هدایت و تحریک  
وعاء فکر؛ راهکار بهینه  
روابط انسانی

عرض کردیم «الگوی ساخت» نحوه بهینه شدن روابط انسانی را به ما نشان می‌دهد. الگوی ساخت یک هدف و محور اصلی داشت که درونی‌سازی و هدایت بود. چون ماهیت انسان با ماهیت سایر آلیاژها متفاوت است. لذا مبتنی بر حکمت انبیاء علیهم‌السلام تصرف در انسان تنها یک‌راه دارد، آن‌هم اینکه انسان‌ها را «هدایت» نماییم و هدایت یعنی وعاء فکر آنها را تحریک کنیم. این تنها راه بهینه شدن روابط انسانی است. اگر شخص، نظام و یا یک مکتب علمی قصد تصرف در انسان را داشته باشد؛ باید وعاء فکر انسان را تحریک کند. هیچ ورودی دیگری برای تصرف در انسان وجود ندارد. حتی وقتی شما می‌خواهید از شهود<sup>۱</sup> استفاده نمایید، ابتدا باید وعاء فکر را تحریک کنید؛ در شهود نوعی تجرب وجود دارد؛ یعنی جزئیات و دقائق بیشتری به دست می‌آید. باید این ایده در او ایجاد شود تا مناسب کسب شهود را طی کند. پس ورودی در این قسمت نیز تحریک وعاء فکر است. هر کاری بخواهید انجام دهید باید تحریک وعاء فکر را در دستور کار قرار دهید. وعاء فکر، دروازه تصرف در انسان‌هاست. هر کس قدرت تصرف در وعاء فکر انسان‌ها را داشته باشد می‌تواند در گام‌های بعد رفتار و اخلاق انسان‌ها را نیز بهینه کند.

۱/۳. الگوی ساخت؛ ابزار  
هدایت و تحریک وعاء  
فکر

منتهی ما یک بحث فنی را در طول این دوره مطرح کردیم که تحریک وعاء فکر، اختصاصی به مکانیزم‌های بیانی ندارد ولی به‌هرحال مسئله تحریک وعاء فکر، اصل است. الگوی ساخت، چگونگی مدیریت تحریک وعاء فکر را به ما نشان می‌دهد. این بحثی بود که ما مطرح کردیم. لذا اگر کسی قواعد نه‌گانه الگوی ساخت را فهم کند، در واقع می‌تواند در وعاء فکر طرف مقابل تصرف انجام دهد و تصرف در وعاء فکر طرف مقابل به معنای تصرف در همه‌چیز اوست. کفایت یک شخص ایده‌ای را از شما بپذیرد؛ زندگی او تحت تأثیر آن ایده قرار خواهد گرفت. تصرف در انسان‌ها باید نقطه شروع باشد. از طریق تصرف در انسان‌ها می‌توان به تصرف خاص در طبیعت دست زد و همچنین خلاقیت را نیز ارتقا داد. از طریق تصرف در روابط انسان‌ها می‌توان همه چیز را تحت تأثیر قرار داد. پس الگوی ساخت از طریق فریه‌شدن امر هدایت به بهینه شدن روابط انسانی منجر می‌شود. در واقع الگوی ساخت، نظام مفهیمی را در اختیار ما قرار می‌دهد که ما از این نظام مفهیم منطبق با الگوی ساخت، به نظریه، تعبیر کرده‌ایم. نظریه یعنی نظام مفهیمی که قدرت هدایت انسان‌ها را دارد، قدرت هدایت طرف مقابل را دارد.

۱/۴. ارائه نظریه منجر به  
هدایت؛ وظیفه الگوی  
ساخت

۱/۴/۱. استنباط ترجمه  
جهت‌ساز به جهت، مقایسه  
نظری ترجمه با نظریات رقیب  
و برقراری ارتباط میان ترجمه و  
مشکلات جامعه؛ ارکان  
سه‌گانه یک نظریه

نظریه دارای سه بخش است. همیشه در نظریه این سؤال وجود دارد که کدام «جهت‌ساز» به کدام «جهت» و با کدام «ترجمه» باید پردازش شود؟ این بخش اول است. حال ترجمه‌ای که به دست می‌آید باید با کدام نظریه رقیب مقایسه نظری شود؟ این هم بخش دوم خواهد بود. اساساً نظریه‌ای که مقایسه ندارد، قدرت ارتباط خود را از دست خواهد داد. در گام سوم هم ارتباط بین ترجمه با مشکلات و چالش‌های مشترک را برقرار می‌کنیم. پس هر سه بخش باید وجود داشته باشد؛ بخش

۱. کشف و شهود یاهمان "مکاشفه و مشاهده" که عده‌ای آن را از جمله مراتب و مراحل سیر و سلوک برشمرده‌اند، به مرتبه‌ای از طریق سالک گفته می‌شود که در آن پرده‌های حجاب از دیدگان کنار رفته و سالک بر باطن امور آگاهی می‌یابد. در کتاب "تجربه دینی و مکاشفه عرفانی" صفحه ۱۳۱-۱۳۶ آمده است: "کشف، از سنخ علم حضوری است و قابل انتقال به دیگران نیست و در حوزه «مَن مکاشف» باقی می‌ماند. راغب اصفهانی هم در صفحه ۷۱۲ مفردات الفاظ القرآن، کشف را چون پارچه‌ای می‌داند که از روی صورت و غیر آن بردارند یا غم از دل دیگری بردایند، "کشف الثوب عن الوجه و غیره و يقال کشف غمه".





اول، اصل ترجمه جهت‌ساز به جهت، بخش دوم مقایسه ترجمه جهت‌ساز به جهت به صورت نظری و با نظریات رقیب و بخش سوم نیز برقراری ارتباط میان ترجمه جهت‌ساز به جهت با مشکلات جامعه است. پس چگونگی اتفاق افتادن برنامه‌ریزی را بحث کردیم. این برنامه‌ریزی با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.

## ۲. لزوم طراحی راهکاری برای هدایت جریان توسعه‌گرایی وطنی

۲/۱. عدم قبول مباحث الگوی پیشرفت اسلامی توسط جمع زیادی از کارشناسان کشور و لزوم به چالش کشیدن این جریان

حال یک فهم اثباتی از برنامه‌ریزی با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در اختیار داریم؛ اما جمعیت زیادی از کارشناسان در کشور وجود دارند که به دلیل کثرت تدریس و تدرّس در علوم توسعه غربی، تصور اینکه یک حرف جدید در حوزه برنامه‌ریزی وجود داشته باشد را ندارند؛ حتی نمی‌توانند به آن فکر کنند.

۲/۲. به چالش کشیدن نظریات مبتنی بر توسعه توسط امام خمینی علیه السلام و امام خمین‌های علیهم السلام در طول دوران انقلاب اسلامی

اجازه دهید بنده مثالی را عرض کنم تا داستان روشن شود. چهار دهه است که از انقلاب اسلامی می‌گذرد. هم امام خمینی عظیم‌الشأن و هم امام خامنه‌ای عظیم‌الشأن هیچ‌کدام تحصیلات آکادمیک دانشگاهی نداشتند؛ به این معنا که مثلاً رشته علوم سیاسی یا جامعه‌شناسی یا روانشناسی خوانده باشند یا رشته‌های موجودی که غرب آن را ترویج می‌کند خوانده باشند. اما نوعی مدیریت در دستور کار ایشان وجود دارد که طی چهار دهه، خروجی مبتنی بر آن تحصیلات را به چالش کشانده‌اند.

۲/۳. مقایسه دیدگاه رهبر انقلاب راجع به استکبار و دیدگاه جریان توسعه‌گرا راجع به استکبار در قضیه برجام؛ نمونه‌ای از به چالش کشیدن نظریات غربی توسط امام خامنه‌ای علیه السلام

آخرین مثال این نوع مدیریت، مقایسه تشخیص آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام در مذاکرات هسته‌ای با تشخیص گروه توسعه‌گرای ساکن در دولت یازدهم و مدیریت کننده پدیده برجام بود. تیم مذاکره‌کننده خیلی روشن بیان می‌کرد که بر اساس نظریه سیاست خارجی توسعه‌گرا<sup>۲</sup> وارد مذاکره شده و مشکلات کشور از جمله تحریم‌ها را حل خواهد نمود. بنده تا زمانی که زنده هستم فراموش نخواهم کرد که یک ویدئویی از آقای ظریف وقتی در ژنو مشغول انجام آن مذاکرات مقدماتی بودند، منتشر شد که در آن گفته بود: من آمده‌ام اینجا تا به چالش میان ایران و آمریکا در چهار دهه گذشته پایان دهم.<sup>۳</sup> ایشان بسیار منظم و با بیان شیوا این بحث را مطرح کردند؛ به اصطلاح هم استدلال در بحثشان وجود داشت و هم حالت رهبری در چهره ایشان قابل مشاهده بود و خود را در کسوت یک منجی که قرار است یک مشکل را حل کند معرفی می‌کردند. همچنین فراموش نمی‌کنم زمانی را که

۲. الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا نام کتابی است که مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام منتشر نموده است. در بخشی از این مفاهیم هدف اصلی سیاست خارجی کشور به محوریت توسعه اینگونه معرفی شده است:

سومین کارکرد پراهمیت سیاست خارجی در تحقق اهداف توسعه‌ای یک کشور تصویرسازی از آن به عنوان فرصتی جمعی است. به گونه‌ای که اولاً رشد و توسعه آن تهدیدی برای سایرین تلقی نگردد و ثانیاً اکثریت آنها این روند را فرصتی برای خود تلقی کنند. طبیعی است مادامی که تصویر یک کشور در عرصه بین‌الملل به عنوان یک تهدید جلوه کند نه تنها این کشور نمی‌تواند از امکانات و فرصت‌های این عرصه بهره بگیرد، بلکه این امکانات در جهت مقابله و مانع‌تراشی در مسیر توسعه آن بسیج می‌گردد. بر این مبنا می‌توان گفت: طراحی و اجرای سیاست خارجی متناسب با هدف کانونی سند چشم‌انداز، نقش بسیار اساسی‌ای را جهت تحقق آن ایفا می‌کند. سیاست خارجی متناسب با این هدف را با توجه به موارد یاد شده می‌توان سیاست خارجی توسعه‌گرا نام نهاد.

کتاب الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا، ص ۱۱

۳. فایل تصویری این سخنرانی در آدرس زیر:

<https://www.youtube.com/watch?v=1s2quTYiO2k>



رهبر انقلاب بحث خوش‌بین نبودن به مذاکرات را مطرح فرمودند<sup>۴</sup> و جناب آقای روحانی سخنرانی کردند و گفتند: اساساً در مورد مذاکرات و در دنیای امروز خوش‌بینی و بدبینی معنا ندارد.<sup>۵</sup>

این چهار سال گذشته فضای بسیار خوبی بود. می‌توان به اندازه چهل سال از آن بهره‌برداری کرد؛ زیرا دو نظریه مطرح شدند و هر دو نظریه فرصت تبیین داشتند و هر روز استدلال‌ها، ایده‌ها و مسائل خود را مطرح می‌کردند. بعد از حدود سه سال و اندی، کارآمدی آن نظریه‌ای که مبتنی بر فقه و ظهورگیری از آیات بود در عمل ثابت شد و ناکارآمدی نظریه‌ای که مبتنی بر تحلیل‌های پوزیتیویستی و علوم انسانی ناقص امروز بود، به صورت عمومی اثبات شد.

۲/۳/۱. اثبات درست بودن نظریه مبتنی بر فقه و ظهورگیری (نظریه امام خامنه‌ای علیه السلام) و غلط بودن تفکر جریان توسعه‌گرا؛ نتیجه توافقی هسته‌ای و

عرض بنده این است که چهار دهه است اتفاقاتی مانند برجام در طول حیات جمهوری اسلامی اتفاق می‌افتد. یک طرف قضیه تشخیص فقهی وجود دارد، اما در یک طرف قضیه تمام دپارتمان‌های علمی دنیا وجود دارند و اظهار نظر در مورد مسائل مختلف اتفاق می‌افتد. بعد از یک مدت، یک قضاوت عمومی درست می‌شود که نظریه‌ای که مبتنی بر تحلیل‌های پوزیتیویستی<sup>۶</sup> و تحلیل‌های مادی بود چه نتایجی داشت و نظریه‌ای که مبتنی بر تحلیل‌های فقهی و تحلیل‌هایی که از روش تحلیل مع الرسول بیرون آمده بود، چه نتایجی داشت. یک قضاوت عمومی درست شده است، یک فضای عمومی درست شده است که ما در حال مقایسه هستیم.

یک جمعیتی که آمادگی‌های ذهنی و آمادگی‌های روحی بالاتری دارند، در اثر این مقایسه‌ها به یک سمت و سوی خاصی هدایت می‌شوند. البته جمعیت دیگری هم دائماً انکار می‌کنند و مثلاً تحریم‌های ایسا (ISA)<sup>۷</sup> را انکار می‌کنند؛ شما دیدید قبل از اینکه آقای روحانی انصاف به خرج

۲/۴. عدم پذیرش کارآمدی دستگاه مبتنی بر فقه توسط جریان توسعه‌گرا و لزوم طراحی تدبیری برای مقابله با این جریان

۴. البته بنده همچنان که گفتم خوشبین نیستم؛ من فکر نمی‌کنم [از] این مذاکرات آن نتیجه‌ای را که ملت ایران انتظار دارد، به دست بیاید، لکن تجربه‌ای است و پشتوانه تجربی ملت ایران را افزایش خواهد داد و تقویت خواهد کرد؛ ایرادی ندارد اما لازم است ملت بیدار باشد.

*بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانش‌آموزان ۱۳ آبان ۱۳۹۲*

۵. خوش‌بینی یا بدبینی در دنیای سیاست خیلی معنا ندارد و باید واقع‌بین باشیم. با شناختی که از دنیا و مسئله دارم بدبین نیستم اما اینکه در ۶ ماه می‌توان به توافق رسید یا زودتر بسته به این است که آنها برای تعامل آماده باشند و کشور ما آمده است با تعامل سازنده و منطبق صحبت کند البته فشار بر خود را نپذیرفته و نخواهد پذیرفت.

*گفتگوی تلویزیونی دکتر روحانی در ۹ اردیبهشت ۱۳۹۳ به نقل از خبرگزاری فارس <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930209000196>*

۶. اصطلاح پوزیتیویسم **positivism** به معنای اثبات‌گرایی یا اصالت تحصیل حسی برای اولین بار توسط آگوست کنت در سال ۱۸۲۶ با آغاز تدریس دوره عمومی فلسفه اثباتی ابداع و طرح شد. هر گونه فلسفه علم بر اساس این دیدگاه بیان می‌دارد که در علوم طبیعی و اجتماعی، داده‌های برگرفته شده از «تجربه حسی» [و تلقی منطقی و ریاضی از این داده‌ها]، تنها منبع همه معرفت‌های معتبر است. داده‌هایی که می‌توان از راه حس‌ها به دست آورد را «شواهد تجربی» گویند.

*رک: پوزیتیویسم منطقی؛ بهاء‌الدین خرمشاهی؛ نشر علمی و فرهنگی*

۷. قانون داماتو - کندی، یا قانون مجازات‌های ایران و لیبی ۱۹۹۶، با حضور خانواده‌های قربانیان پرواز شماره ۱۰۳ پان امریکن که در ۲۱ دسامبر ۱۹۸۸ بر فراز شهر لاکربی منفجر شده بود، بر ضد ایران و لیبی در ۱۵ اوت ۱۹۹۶ امضاء شده است. به نظر میرسد که آمریکا با چنین نمایشی (جریان امضای قانون مجازات‌های ایران و لیبی) که در کمتر از یک ماه بعد از انفجار هواپیمای تی - دبلو - ای (T.W.A)800، در ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۶ بر فراز لانگ آیلند به صحنه می‌آورد قصد ارسال پیامی داشته که در آن بطور ضمنی انفجار اخیر را هم به یکی از این دو کشور (لیبی - ایران) که از سوی آمریکا به‌عنوان «خطرناکترین حامیان تروریسم در جهان» معرفی شده‌اند نسبت دهد.

این قانون به نام مبدع آن در مجلس سنای آمریکا، به داماتو شهرت یافته است. هدف قانون داماتو، که شرکت‌های اروپایی دارنده روابط تجاری زیاد با ایران و لیبی را مد نظر دارد، محروم کردن این دودولت از منابع مالی است؛ برای اینکه آنها را از ادامه سیاست فعلی شان باز دارد. البته مبانی توجیهی قانون داماتو - کندی کاملاً در مورد هر دو کشور یکسان نیست. اتهامات وارده به ایران خرید تسلیحات با قدرت تخریب و وسیع حمایت از تروریسم بین‌المللی است که «امنیت ملی و منافع سیاسی خارجی ایالات متحده را با خطر مواجه مینماید».





دهند،<sup>۸</sup> برخی می‌گفتند تحریم‌های ایسا نقض برجام نیست؛ اما به‌هرحال دیرباورها هم آرام‌آرام باور می‌کنند که تحلیل‌های مبتنی بر فقه خیلی دقیق‌تر از تحلیل‌های مبتنی بر علوم موجود است. عرض بنده این است که ما با یک دستگاه تحلیلی روبرو هستیم که این دستگاه تحلیلی علی‌رغم همه تجربه‌ها، همچنان در حال انکار کارآمدی تحلیل‌های فقهی است و نمی‌خواهد باور کند که دوران تمدن مدرنیته و تئوری‌های پیشنهادی او با ظهور انقلاب اسلامی در حال به پایان رسیدن است.

حالا این جمعیت در کشور ما هم حضور دارند، ما باید با این افراد به چه شکلی رفتار کنیم؟ آنها که حاضر نیستند وقت‌های طولانی بدهند، یا شرح صدر در گفت‌وگو به خرج دهند تا بتوانیم یک مبنای دیگری را با هم گفت‌وگو کنیم. شما در همین مناظرات مرتبط با برنامه ششم حتماً مناظرات حقیر را با برخی از افراد جریان توسعه‌گرا مشاهده کردید. دقیقاً در گفت‌وگوها وقتی بحث در حال رسیدن به نتیجه بود، آقایی در مناظره آخر شرکت کرد و با رفتار غیر علمی خودش، مناظره را از حالت گفت‌وگو خارج کرده و آن را به یک چالش سیاسی تبدیل کرد. حتی جلوتر رفته و نمی‌گذارند گفت‌وگو شکل بگیرد. فشار ایجاد کرده و طراحی می‌کنند. ما با این جمعیت در درون کشور باید چکار کنیم؟ این سؤال، سؤالی بسیار جدی است. البته برای کسانی که قرآن را با تدبر می‌خوانند، داستان اصرار بر استکبار یک داستان آشناست. اما باید تدبیری هم برای آن انجام داد.

بنده از امروز می‌خواهم نحوه مدیریت کردن جریان توسعه‌گرایی وطنی را توضیح تفصیلی بدهم و بگویم ما با این جریان به چه شکل روبرو شویم که هم به تدریج زمینه را برای پیشروی گفتمان مترقی و کارآمد الگوی پیشرفت اسلامی آماده کنیم و هم اجازه ندهیم ناکارآمدی‌های توسعه غربی که توسط همین جریان غرب‌گرای وطنی در داخل کشور ایجاد می‌شود به اسم اسلام نوشته شود. این هم مسئله بسیاری مهمی است.<sup>۹</sup>

---

در واقع هدف این قانون محروم کردن ایران و لیبی از کسب درآمد لازم برای کمک به تروریسم بین‌المللی و توسعه صنایع نظامیشان میباشد. البته در سال ۲۰۰۶ کشور لیبی از قانون داماتو حذف شد و فقط ایران در ذیل این قانون قرار گرفت. به موجب قانون داماتو - کندی «هرگونه سرمایه‌گذاری آتی بیش از ۴۰ میلیون دلار در سال برای توسعه بخش نفت و گاز در ایران توسط هر شرکتی در دنیا» ممنوع میشود. این ممنوعیت قابلیت تشدید هم داشته و در صورت ادامه آنچه سیاست‌های تروریستی از سوی ایران در طی یکسال خوانده میشود (یعنی تا پایان سال ۱۹۹۷) به سرمایه‌گذاری‌های بیش از ۲۰ میلیون دلار نیز گسترش مییابد. بنابراین در حال حاضر این قانون علیه شرکت‌هایی است که سرمایه‌گذاری‌های بالای ۲۰ میلیون دلار در ایران داشته باشند.

<http://yon.ir/plvku> پایگاه خبری رجا به آدرس

۸. بنده به عنوان رئیس‌جمهور کشور و رئیس شورای عالی امنیت ملی به صراحت اعلام می‌کنم که نقض برجام را از سوی هیچ یک از اعضای ۵+۱ تحمل نخواهیم کرد و به آن پاسخ مناسب خواهیم داد. مصوبه اخیر کنگره آمریکا به اعتقاد ما با برجام مغایرت داشته و ناقض آن است.

<http://kayhan.ir/fa/mobile/news/91840/878> سخنران در صحن علنی مجلس، ۱۳ آذر ۱۳۹۵ به نقل از *وبسایت روزنامه کیهان*

۹. اخیراً بنده دیده‌ام که جبهه روشنفکری می‌گوید: طلاق تهران به چهل‌ودو درصد رسیده است. ببینید این هم ثمره حکومت دینی! خود آنها نظم اجتماعی را تنظیم کرده‌اند، آثار سوء در روابط انسانی را تحمیل کرده‌اند و بعد می‌خواهند آن را به پای حکومت اسلامی بنویسند. خیر! بسیج، ثمره حکومت اسلامی است که در ناامن‌ترین منطقه دنیا، ایران را - علی‌رغم طراحی‌های بین‌المللی علیه امنیت کشور - به امن‌ترین کشور دنیا تبدیل کرده است. ولایت فقیه ثمره حکومت اسلامی است که چهار دهه است به صورت پیاپی طراحی‌هایی علیه مردم اتفاق می‌افتد اما جهت‌گیری به سمت ظهور، جهت‌گیری خدمت به مردم عوض نشده است. چالش‌های سیاسی با کمترین هزینه مدیریت می‌شود.

هر موقع خواستید کارآمدی انقلاب اسلامی و ولی فقیه را متوجه شوید، اوایل انقلاب کبیر فرانسه را با انقلاب خودمان مقایسه کنید. ناپلئون بناپارت که بزرگ‌ترین دیکتاتور دنیاست، در حدود پانزده سال بعد از انقلاب کبیر فرانسه سرکار آمده است. در حدود صدسال بعد از انقلاب کبیر فرانسه

۲/۳/۲. عمومی شدن  
تفاهم بر روی ناکارآمدی  
توسعه غربی با شکست  
پروژه مذاکرات هسته‌ای و  
توافق برجام

عرض بنده این است که ما با اینکه چنین کارآمدی‌هایی داشتیم و توانستیم تفاهم جهانی و بین‌المللی ایجاد کنیم [باز هم عده‌ای قبول نمی‌کنند]. بنده نمی‌دانم بعد از نقض برجام، نقض مکرر برجام، امثال آقای زیباکلام<sup>۱۰</sup> می‌خواهند به مردم چه بگویند؟! ما در چاه ویل برجام افتاده‌ایم. چه کسی به شما اجازه داد که مردم را در چاه ویل برجام بیاندازید؟! چه کسی به شما اجازه داد که همکاری با استکبار را به دلیل عقل پوزیتیویستی‌ای که داشتید به‌عنوان راه‌حل حل مشکلات مردم معرفی کنید؟! واقعاً برای آنها چالشی ایجاد شده است. می‌گفتند ما تحلیل داریم، نظریه و کتاب داریم، صدها سال بحث داریم. اگر ما می‌خواستیم صدها ساعت بحث کنیم و صدها جلد کتاب بنویسیم، به خوبی برجام نمی‌توانستیم ناکارآمدی نظریات غربی را اثبات کنیم. اتفاق بسیار عجیبی افتاده است. همه تئوری‌های مطرح، به یک‌باره همه باهم به شکست انجامیده است. آن‌هم نه در ذهن خواص بلکه تا عمق روستاها و تا محیط بین‌الملل. این کار، شبیه کار پیامبران گذشته است. اینکه بنده همیشه عرض می‌کردم هدایت و ضلالت از طریق بیان و کلاس درس و این موارد به‌تنهایی اتفاق نخواهد افتاد، مصداق کامل آن، این آبر پروژۀ نرمش قهرمانانه است که برای مدیریت داستان برجام اتفاق افتاده است.<sup>۱۱</sup>

بنده در حدود یک سال پیش یعنی در اواخر مجلس قبل بود که به یکی از نمایندگان مجلس گذشته عرض کردم -در نمازخانه صحن مشروطه بنده به ایشان گفتم-: آقای فلانی داستان برجام به شکست می‌انجامد؛ اما معنای شکست آن این است که برای اولین بار بعد از حدود دویست

جنگ‌های داخلی در این کشور بوده است. دموکراسی، بعد از این دوره طولانی تثبیت شده است. یعنی وقتی لوئی شانزدهم -که یک دیکتاتور بود- ساقط شد باید به سمت دموکراسی می‌رفتند، اما حدوداً پانزده سال بعد ناپلئون بناپارتی بر سرکار آمده است که دیکتاتورتر از لوئی شانزدهم بوده است. یعنی قضیه برگشته است و هدف‌های انقلاب گم شده‌اند. در فرانسه حدود صدسال درگیری بوده است و بعد تثبیت شده است. بعد هم تثبیت شده یعنی به‌جای دیکتاتوری لوئی‌ها، دیکتاتوری حزب‌ها ایجاد شده است. نه اینکه توانسته‌اند واقعاً یک تغییر بنیادین ایجاد کنند. نوع دیکتاتوری را عوض کرده‌اند و دیگر یک نفر دیکتاتور نیست، بلکه چهار سال به چهار سال در ذیل دموکراسی، دیکتاتورها جای خود را به یکدیگر می‌دهند. یک روز دیکتاتور او باما سرکار است، فردا دیکتاتور ترامپ بر سرکار خواهد آمد، قبل او هم دیکتاتور بوش بر سرکار بوده است. همه آنها هم دیکتاتور هستند قبلاً یک نفر تا آخر عمر دیکتاتوری می‌کرده است؛ اما در حال حاضر یک حزب دیکتاتور است و فقط نوع آن فرق کرده است. اما چهار دهه بعد از بر سرکار آمدن انقلاب اسلامی، چهار کشور منطقه طرفدار آن شده‌اند و در دهه چهارم انقلاب برای همه مردم اثبات شد که تفکر انقلاب اسلامی کارآمدتر از تفکر غربی است. این مسئله عمومی هم شده است. آن خبرنگار اصلاح‌طلب محترم، عکس مقام معظم رهبری را در کانال خود گذاشته و در زیر آن نوشته بود: شما راست گفتید، نمی‌توان به آمریکا اعتماد کرد. آن دیگری که خبرنگار صداوسیما بود، گفت و گو کرد و گفت که به دو چیز نمی‌توان اعتماد کرد، یکی به آب‌وهوا و یکی به آمریکا. تفاهم بر روی این مسئله عمومی شده است. خیلی مسئله مهمی شده است. نه تنها جهت برنگشته بلکه تفاهم در سطح منطقه بیش از دوره حضرت امام علیه‌السلام، عمومی شده است. وقتی توانستید هدایت ایجاد کنید، از دل هدایت، سازمان‌دهی جدید می‌جوشد. طبق برخی از گزارش‌ها ما فقط در داخل کشور چهل هزار مؤسسه خودجوش فرهنگی داریم. وقتی بیان می‌کنید مؤسسه خودجوش فرهنگی یعنی چه؟ یعنی مؤسساتی که اصل کار آنها وابسته به بودجه‌های حکومتی نیست. ممکن است کمک بگیرند؛ اما اصل داستان تحریک مالی نیست، اصل داستان این است که هدایت و احساس تکلیفی اتفاق افتاده است.

انتقال از متن

۱۰. دکتر صادق زیبا کلام استاد علوم سیاسی در دانشگاه تهران

۱۱. بنده دو سه سال پیش به شورای عالی انقلاب فرهنگی رفتم و می‌خواستیم یکی از اعضای ارشد شورای عالی انقلاب فرهنگی را دعوت کنم تا به جبهه الگو بیوندد. با هم دیگر صحبت‌هایی داشتیم؛ آخرین جمله بنده به ایشان این بود که شما اصل مشکل سر راه حفظ هویت اسلامی جامعه را چه می‌دانید؟ چه چیزی مانع است که ما نمی‌توانیم جلوی مدرنیزاسیون جامعه را بگیریم؟ این سؤال را از ایشان پرسیدم. ایشان گفت: عوام مردم متوجه ضعف‌های مدرنیته نیستند. عامه مردم این نوع از زندگی را پسندیده‌اند، فکر می‌کنند این نوع از زندگی -زندگی غربی- یک زندگی بهتری است. این گفت‌وگوی ما دو یا سه سال پیش بود و همان‌جا به اتمام رسید.

انتقال از متن





سال ما توانسته‌ایم یک تفاهم عمومی با همه مردم انجام دهیم که غرب و تئوری‌های آن ناکارآمد است. به این موضوع توجه کنید. یک وقت یک کلاس درس می‌گذاریم، با چنده نخبه می‌نشینیم و یک بحث را مطرح می‌کنیم. در چهل جلسه استدلال می‌کنیم و ناکارآمدی‌های توسعه غربی را بحث می‌کنیم. اما امکان ندارد که در این سطح با مردم جلو برویم. برجام یک پدیده قابل مطالعه برای استنباط راه‌هایی است که اگر ما از آن راه‌ها استفاده کنیم می‌توانیم تفاهم عمومی برای اثبات ناکارآمدی تمدن مدرنیته ایجاد کنیم و این موضوع در حال حاضر اتفاق افتاده است. کافی است کسی که اهل تحلیل گفت‌وگو است و می‌تواند ادبیات را تحلیل کند، به فضای مجازی برود و طنزها، پیام‌ها، تصویرها، موسیقی‌ها و همه این چیزهایی که در مورد برجام اتفاق می‌افتد را تحلیل کند. اطلاعات زیادی از تحلیل اطلاعاتی صحنه عمومی جامعه به دست می‌آید و مهم‌ترین تحلیلی که به دست می‌آید این است که این مسئله عمومی شده است.

بنده از دولت یازدهم تشکر می‌کنم؛ این دولت بهترین دولت برای جمهوری اسلامی است. بنده الان این حرف را زده‌ام، این حرف متعلق به دو سال پیش است. این دولت بهترین دولت برای جمهوری اسلامی است. آقای روحانی بهترین خدمت را به تفکر امام کرد، بهترین از این نمی‌شد اثبات کنیم تفکرات غربی ناکارآمد هستند. از امروز به بعد تفکرات غربی در چالش هستند و آنها باید دفاع کنند. از امروز به بعد زبان ما در تبیین بحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت رساتر و برنده‌تر و گویاتر است. فضایی بسیار استثنایی به وجود آمد. لذا بنده به خاطر این شرایط تاریخی ویژه باید عرض کنم که این موضوع از برکات برجام است. واقعاً برکت بسیار بزرگی است، فقط در همین سه چهار ماه آخر سال، بیش از صد نشست برای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به وجود آمده است، به میزان همین نشست‌ها نیز نشست‌های دیگری را رد کرده‌ایم، یعنی واقعاً دیگر نمی‌توانیم پاسخ‌گو باشیم. یعنی موج تقاضا برای آشنایی با تفکرات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به وجود آمده است. درحالی که سال‌های قبل از برجام ما حداکثر سالی صد نشست داشتیم. اگر توان مجموعه ما اجازه می‌داد، گفتمان الگو چهار برابر بیشتر نسبت به گذشته قابلیت مدیریت دارد.

بنابراین با توجه به شرایطی که عرض می‌کنم گفت‌وگوهایی که از این به بعد مطرح می‌کنم، ۲/۳/۳. لزوم استفاده گفت‌وگوهایی حیاتی برای جمهوری اسلامی هستند. همه دوستان زحمت کش انقلاب را دعوت می‌کنم که به این عرایض برادر حقیر و کوچک خود توجه کنند، ما باید به سرعت یک راهبرد مقابله جدید با جریان غرب‌گرایی وطنی تعریف کنیم. دوران پسابرجام واقعاً دورانی استثنایی است که ما می‌توانیم کار را مدیریت کنیم و پیش ببریم. بنده با آقای روحانی هم‌نوا و هم‌کلام و هم‌اعتقاد هستیم که برجام آفتاب بود،<sup>۱۲</sup> آفتاب درخشان و سوزانی بود که توانست تفکرات غربی را در ذهن ملت ایران تا میزان قابل توجهی بسوزاند، راه را خیلی روشن کرده است. از این به بعد اگر ما جهاد کرده و کاربردی و حجیت‌دار حرف بزنیم، مردم با تفکرات انقلاب همراهی بیشتری انجام می‌دهند، به تعبیر

۱۲. خیلی‌ها می‌گفتند این‌ها می‌گویند سانتریفیوژ می‌چرخد زندگی مردم هم می‌چرخد اما حالا می‌بینید که واقعا سانتریفیوژهای ما می‌چرخد و زندگی مردم هم می‌چرخد و برجام مثل آفتاب تابان است و اگر چشم‌ها را باز کنید می‌بینید آفتاب هست.

دکتر روحانی در نشست خبری با اصحاب رسانه در تاریخ ۱۶ اسفند ۱۳۹۴ به نقل از خبرگزاری ایسنا <http://www.isna.ir/news/94121610633>



رهبر معظم انقلاب اسلامی خرمشهرها در راه است.<sup>۱۳</sup> واقعاً می‌توانیم این خرمشهرها را فتح کنیم. تازه کار شروع شده است. برای امثال بنده که بیش از دو دهه است با تفکرات غربی در چالش بودم، این روزها بسیار شیرین است. بنده روزهایی را پشت سر گذاشتم که وقتی راجع به ارتقا اسلام و یا صنعت اسلامی بحث می‌کردیم، جاهلانی به ما می‌گفتند آیا می‌خواهید ماشین مناره‌دار بسازید؟ آهن، فرهنگ دارد؟ تمسخر و تحقیر می‌کردند. می‌گفتند علم، علم است، هنر، هنر است. در این سال‌ها، از این حرف‌ها بسیار شنیده‌ایم. حالا چنین شرایطی به وجود آمده است که می‌شود به برکت تدبیر تاریخی یک فقیه - که خیلی از ماها هم اول نمی‌دانستیم چه داستانی در حال رخ دادن است - می‌توانیم با همه مردم در مورد تمدن اسلامی صحبت و تفاهم کنیم و به آنها بگوییم که باید به سمت یک‌راه جدید رفت. باید به سمت عصر ظهور برویم. این، اتفاق افتاده است! ما نیز خیلی متوجه این موضوع نبودیم.

پس از آنکه توافق ژنو امضا شد دوستی به من می‌گفت، من می‌خواهم بروم سوریه؛ گفتم چرا؟ گفت اینجا از دست رفت. بعضی از ما این‌گونه بودیم. نه تنها از دست رفت، بلکه سطح هدایت مردم ارتقا پیدا کرد و البته این ابتدای داستان است. کار، بسیار جلوتر خواهد رفت و فضا بسیار روشن‌تر خواهد شد. می‌توان از فضای پس‌ابرجام استفاده کرد و افق تمدن اسلامی و ظهور را نشان داد؛ بنابراین بحثی که مطرح خواهیم کرد بسیار مهم است. چگونه جریان توسعه‌گرا، سازمان‌های مبتنی بر توسعه و رشته‌های علمی پشتیبان توسعه را در داخل کشور به چالش بکشیم؟ عرض اصلی بنده این است که این بحث را چگونه مدیریت کنیم؟ بنده طرح مسئله می‌کنم و ان‌شاءالله این ۵-۶ جلسه باقیمانده، این راهبرد را به‌اندازه‌ای که وقت باشد تشریح خواهیم کرد.

### ۳. تکیه بر مفهوم عدم تعادل و بهینه‌کردن تعریف عدم تعادل؛ راهکار مقابله هدایت‌بنیان با جریان

#### توسعه‌گرایی وطنی

نکته محوری بحث برای ایجاد هدایت در جریان توسعه‌گرا و وادار کردن آن‌ها به تأمل<sup>۱۴</sup> این است که باید ظرفیت طرف مقابل را در نظر گرفته و به لسان قوم حرف بزنیم. نتیجه کاربردی ملاحظه ظرفیت این است که به لسان قوم حرف بزنیم. تشخیص بنده مبتنی بر الگوی ساخت، این است که اگر فقط و فقط، جبهه فکری فرهنگی انقلاب یک اصطلاح را در جریان توسعه‌گرا بشناسد و سپس مبتنی بر آن اصطلاح، رفتار را تنظیم کرده و آن اصطلاح را به چالش بکشد، تمام جبهه توسعه به چالش کشیده خواهد شد. آن اصطلاح چیست؟ پیش از توضیح این اصطلاح نکته‌ای را عرض کنم.

۱۳. آینده انقلاب متعلق به شما است و شما هستید که باید این تاریخ را با عزت حفظ کنید و بدانید در آینده، خرمشهرها، در پیش است؛ البته نه در میدان جنگ نظامی، بلکه در میدانی که ویرانی‌های جنگ نظامی را ندارد و برعکس آبادانی نیز به‌دنبال دارد اما از جنگ نظامی سخت‌تر است.

بیانات امام خامنه‌ای علیه‌السلام در دانشگاه امام حسین، ۳ خرداد ۱۳۹۵

۱۴. اگر خاطرتان باشد، عرض کردیم که تفکر پنج سطح دارد؛ اما سطح اول تفکر، تأمل است، آن است که طرف مقابل تصدیق کرده و رجوع به نفس کند. در او تأمل ایجاد شود.





در حال حاضر افرادی در کشور ما برای به چالش کشیدن غرب کماکان از روش‌های دیگری استفاده می‌کنند و مبانی نظری غرب را به چالش می‌کشند. به‌عنوان مثال، اشکالات لیبرالیسم و راسیونالیسم را بحث می‌کنند. نظریات جان رالز<sup>۱۵</sup> در حوزه عدالت که جزء کامل‌ترین و نوین‌ترین نظریات لیبرالیسم است چه اشکالی دارد؟ فلسفه علم غرب را به چالش می‌کشند. نظریات حوزه فلسفه علم را نقد می‌کنند. اشکالات لاکاتوش<sup>۱۶</sup> و پوپر<sup>۱۷</sup> را بحث می‌کنند. سبک ورودشان، بحث نظری است.

این شیوه‌ها مناسب گفت‌وگو با خواص است. برخی از این شیوه‌ها و برنامه‌های مبتنی بر این شیوه‌ها نام غرب‌شناسی دارند، اما صرفاً به تثبیت تفکرات غربی در ذهن مخاطبین کمک می‌کند. آقایی می‌گفت در دوره‌ای شرکت کردیم و آن دوره به‌جای آنکه با نقد غرب آشنا کند، غرب را به ما بیشتر شناساند و به غرب معتقدتر کرد. مقابل این شیوه‌های نظری چه کنیم؟

پیشنهاد ما آن است که مفهوم عدم توازن را در میان مفاهیم دوستداران توسعه بشناسید و سپس به چالش بکشید. دقت کنید! پایه مفاهیم تفکر غربی در حوزه برنامه‌ریزی - نه در حوزه مبانی - مفهومی به نام تعادل است؛ بسیار دیده‌اید که این مفهوم را بحث می‌کنند. به‌عنوان مثال می‌گویند، تعادل در حوزه اقتصاد، تعادل بین صادرات و واردات، تعادل بین بودجه و راندمان، تعادل بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، تعادل بین زوجین در خانواده؛ در کل یک مفهوم محوری به نام تعادل وجود دارد. تعادل اجتماعی؛ در فیزیک و شیمی نیز تعادل وجود دارد. این مفهوم محوری در حوزه برنامه‌ریزی نیز هست.

تعادل در تفکر توسعه غربی دارای تعریفی است که باید آن را بشناسیم. جریان توسعه‌گرا هر آنچه که با این تعریف در تعارض است را عدم توازن می‌نامد. عدم توازن یعنی قسمت به هم زننده تعادل. بنده تعادل را به‌صورت مختصر توضیح می‌دهم تا عدم توازن تبیین شود. در توسعه غربی، اقتصاد را به‌عنوان پایه اصلی اداره جامعه قرار می‌دهند و همه امور را با اقتصاد هماهنگ می‌کنند. هم بخش آموزش، هم بخش قانون‌گذاری، هم فرهنگ، هم سیاست خارجی و بخش‌های دیگر. همه چیز را با این مفهوم هماهنگ می‌کنند. به هماهنگ کردن همه بخش‌ها با بخش اقتصاد، استراتژی ایجاد تعادل می‌گویند. این نگاه کلی جریان توسعه‌گرا است که در ده جلسه اول شرح دادم. حال اگر در یک کتاب درسی نظام آموزشی مفاهیم توسعه به چالش کشیده شود، از نظر جریان توسعه‌گرا، آن کتاب درسی امری نامتوازن و ناموزون است؛ اگر یک فرهنگ مانند فرهنگ مقدس خانواده و مادر بودن در جامعه باشد که موجب شود زن‌های جامعه فعالیت اکونومیک را به فعالیت فرعی تبدیل کنند این کار از نظر آنها اقتصاد را به چالش می‌کشد، در نتیجه این فرهنگ نیز یک امر نامتوازن خواهد بود.<sup>۱۸</sup>

۱۵. جان رولز (زاده ۲۱ فوریه ۱۹۲۱ - درگذشته ۲۱ نوامبر ۲۰۰۲) فیلسوف آمریکایی معاصر و مشهور به دلیل صورت‌بندی یک نظریه عدالت بود.

۱۶. ایمره لاکاتوش از فیلسوفان ریاضیات و علم بود.

۱۷. سر کارل رایموند پوپر (زاده ۲۸ ژوئیه ۱۹۰۲ - درگذشته ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۴) فیلسوف علم، منطق دان، ریاضی‌دان و اندیشمند اتریشی-انگلیسی و استاد مدرسه اقتصاد لندن بود.

۱۸. اخیراً خانم مولوردی اظهار فضل فرمودند؛ گفتند اصطلاحاتی در جامعه است که برای بانوان ما مشکل ایجاد می‌کند. به‌عنوان مثال وقتی می‌گوییم سرپرست خانواده کیست موجب به چالش کشیده شدن شخصیت زن می‌شود. خانم مولوردی لطفاً تأمل بفرمایید! وقتی می‌گویید خانواده نیاز به

بنابراین بحث‌هایی در جریان توسعه‌گرا وجود دارد که دائماً به محوریت اقتصاد، ناموزون‌یابی می‌کند. کار جریان توسعه‌گرا در حوزه برنامه‌ریزی همین است. هر وقت و در هر حوزه‌ای که وارد می‌شوند می‌گویند من می‌خواهم یک نامتوازن را رفع کنم؛ اما مقصود آن‌ها از امر نامتوازن، امر ناهماهنگ با بخش اقتصاد است.

فهم بنده این است که اگر بخواهیم جریان غرب‌گرای وطنی را به چالش بکشیم<sup>۱۹</sup> باید با آنها گفت‌وگو کنیم؛ اگر می‌خواهیم گفت‌وگو با جریان توسعه‌گرا را به گونه‌ای مدیریت کنیم که آن‌ها نیز به فکر فرو روند و پاسخ دهند و بحث کنند، باید بر روی مفهوم عدم توازن بایستیم و سعی کنیم این مفهوم را بهینه کنیم. چرا باید روی این مفهوم ایستاد؟ زیرا نقطه فهم طرف مقابل دقیقاً اینجاست و در نتیجه باید از این نقطه آغاز کنیم. در واقع «پایه سؤال» بین جریان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و جریان توسعه غربی مفهوم عدم توازن است. همه بحثی که بنده در جلسات آینده می‌گویم شرح همین موضوع است که چگونه مفهوم عدم توازن را که مفهوم محوری جریان توسعه‌گراست به چالش بکشیم.

۳/۴. هدایت جریان  
توسعه‌گرا؛ نتیجه تفاهم با  
این جریان به محوریت عدم  
توازن

پیش از شرح این بحث، مبتنی بر همین راهبرد، ما برنامه ششم را به چالش کشیدیم و در حال حاضر می‌خواهیم آن را شرح دهیم؛ یعنی کارآمدی این موضوع قبلاً به اثبات رسیده است و در حال حاضر به صورت تئوریک، توضیح خواهیم داد. اگر همه، این راهبرد را انتخاب کنیم، جبهه فکری فرهنگی انقلاب در همه حوزه‌ها بر جبهه غرب‌گرای وطنی غلبه خواهد کرد. غلبه هدایت بنیان! باید این جریان را به جبهه اسلام جذب کنیم و نباید با این جریان به سمت نزاع برویم؛ چه بسا این وضعیت تقصیر ما باشد. وقتی در جامعه به صورت هدایت‌بنیان کار نمی‌کنیم پس در این انحرافات ایجاد شده شریک هستیم، در نتیجه این کار، توبه خود ماست. فکر نکنیم که ما برحقیم؛ خیر! در این

سرپرست دارد، یعنی زن خانه، دارای آرامش بیشتری باشد؛ بانوی خانه به لحاظ جسمی، روحی و فکری، ریحانه است. ریحانه یعنی گل؛ هر عقلی متوجه می‌شود که باید از گل محافظت کرد. وقتی می‌گوییم مرد خانه سرپرست خانه است یعنی گل و ریحانه نیاز به مراقبت دارد. بنده به صورت ساده در حال توضیح این داستان برای خانم مولودری هستم. ذائقه انسان تلخ می‌شود؛ یعنی شما می‌خواهید کاری کنید که فشار اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و روحی و روانی روی دوش خانم‌ها بیفتد! اصلاً آیا این موضوع با طبیعت زن سازگار است؟! خدای متعال بانوان را ریحانه خلق کرده است پس احکام حقوقی باید از ریحانه بودن بانوان حفاظت کند. از نظر ایشان، این موضوع یک عدم توازن است؛ زیرا این موضوع، بخشی از فرهنگ مقدس خانواده است و مادامی که این فرهنگ مقدس وجود دارد، نمی‌توانند زن‌ها را به نیروی کار ارزان قیمت تبدیل کنند.

البته بحث‌های دیگری نیز داریم. ما در جامعه‌مان با پدیده واقعاً زشتی روبرو هستیم؛ این که مردها با وظایف خود آشنا نیستند؛ ابعاد مرد بودن را به صورت حداقلی تعریف می‌کنند. از مقام پدر و شوهر و مرد درک ندارند. به دلیل اینکه ریاضی و فیزیک و زیست را فراگرفته‌اند. آن مردی که درک درستی ندارد، خانواده را به چالش می‌کشد. برخی اوقات این جریان برای رفع چالش‌ها، اصل فرهنگ خانواده را به چالش می‌کشد. این راه درستی نیست که به علت درک حداقلی مرد از نهاد خانواده و حمایت خانواده، اصل نهاد خانواده را به چالش بکشد. باید سیستم آموزش را درست کرد؛ به جای ریاضی ۱ و ۲ و فیزیک ۱ و ۲ و ۳، همسر داری ۱ و ۲ و ۳ را به عنوان آموزش قرار دهید. البته آن بخش‌هایی که بیانی است؛ بخشی از این موضوعات نیز که غیر بیانی است. آن وقت مردهای نسل آینده واقعاً مرد خواهند شد. بین مرد و مذکر تفاوت وجود دارد. به دلیل آموزش‌های مدرن، در ذهن‌ها بین مفهوم مذکر و مفهوم مرد یکسان انگاری ایجاد شده است. وقتی می‌خواهید فرق این دو را بگویید باید کار آموزشی بکنید نه آنکه اساس داستان را به چالش بکشید.

*انتقال از متن*

۱۹. چالش منجر به ایجاد تأمل و هدایت است نه نزاع و دعوا «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛ (مبارکه نحل آیه ۱۲۵) زیرا از سوی دیگر قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا» (سوره مبارکه انفال آیه ۱۶۶) نزاع فایده ندارد اما جدال احسن اشکال ندارد.

*انتقال از متن*



مسئله حق با جبهه الگویی پیشرفت اسلامی است؛ با قضایای برجام نیز کاملاً برای همه مشخص شده است که حق با تفکر اسلامی است، حق با تفکر فقه بنیان است؛ اما به هر حال کوتاهی‌ها نیز بسیار بوده است. چند جلسه برگزار کردیم؟ چند کتاب نوشتیم؟ چند طراحی عملیات انجام دادیم؟ بسیار اندک بود! بنابراین این جریان نیز به سراغ همین کتاب‌ها رفته است.

بنابراین این پیشنهادی که عرض کردم، مسیر توبه برای حوزه‌های علمیه کشور و حوزه علمیه قم است؛ باید از ابتدای انقلاب تفکرات غربی را به چالش می‌کشیدند. این مسئله مهمی است. از این منظر نگاه کنید؛ بسیار بد است که عیب‌های خودمان را نبینیم و طرف مقابل را متهم کنیم. برجام بزرگ‌ترین عیب جریان توسعه‌گراست؛ اما قعود و قیام نکردن نیز در جبهه خودی بسیار است. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «رَحِمَ اللهُ إِمْرَأَةً عَمِلَتْ عَمَلًا فَأَتَقَنَهُ»؛<sup>۲۰</sup> کار غیردقیق کردن در جبهه انقلاب، عمومی شده است. کارها را باید دقیق و محکم انجام بدهیم؛ خدای ناکرده کسی به این سمت نرود که فضای پسابرجام و موفقیت‌های جبهه انقلاب را به نزاع تبدیل کند و «لجج» طرف مقابل را در بیاورد. می‌خواستیم بگوییم این مسیر اشتباه بود و حالا این اشتباه ثابت شد؛ اکنون باید از ظرفیت طرف مقابل استفاده کنیم که ان شاء الله مسیر را به سمت عصر ظهور تسریع کنیم. فردا ان شاء الله نظریه هسته‌های توازن را شرح می‌دهم؛ این نظریه در واقع برای ایجاد دیالوگ ملی بین جبهه فکری فرهنگی انقلاب و جبهه غرب‌گرای داخلی و توسعه‌گرایان وطنی است.

وصلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۲۰. رحم الله امرءاً عمل عملاً صالحاً فأتقنه

خداوند فردی را که کار نیکویی انجام دهد و آن [کار] را محکم و متقن گرداند، مورد رحمت قرار میدهد.

علی بن جعفر الصادق؛ وفات: ۲۵۰ ق؛ مسائل علی بن جعفر علیه السلام و مستدرکاتها؛ انتشارات مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث؛ ص ۹۳

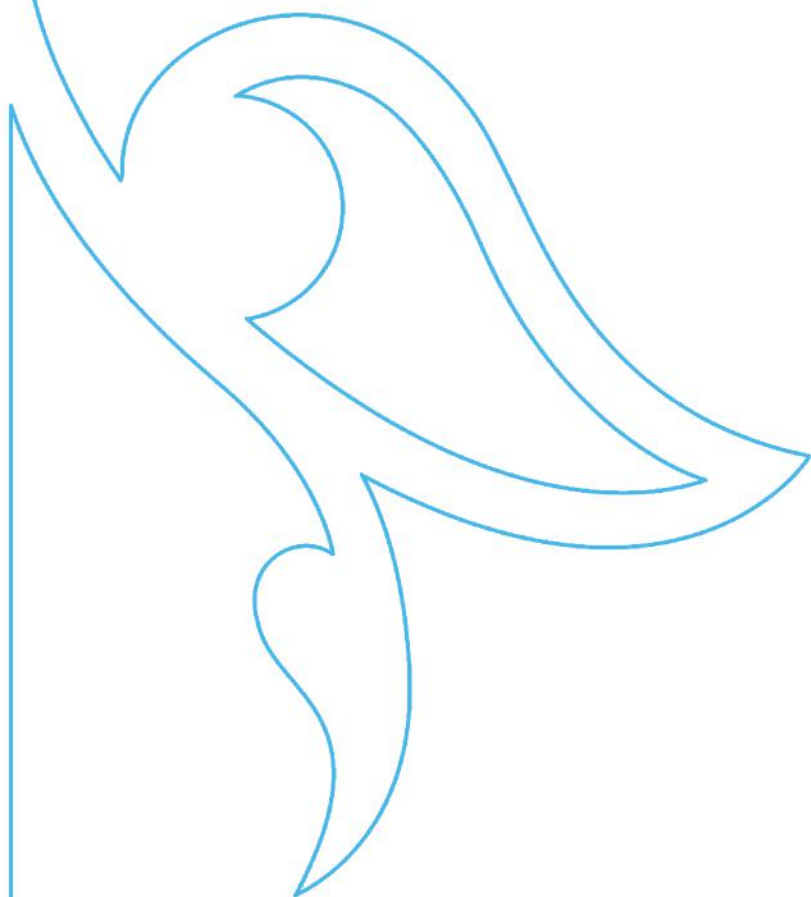




### فهرست تفصیلی

۱. برنامه‌ریزی اسلامی یعنی ۱. استنباط ترجمه جهت‌ساز به جهت ۲. مقایسه نظری ترجمه با نظریات رقیب و ۳. برقراری ارتباط میان ترجمه و مشکلات جامعه ..... ۱
- ۱/۱. بهینه روابط انسانی؛ محور پیشرفت تمام بخش‌های جامعه ..... ۱
- ۱/۲. هدایت و تحریک و عاء فکر؛ راهکار بهینه روابط انسانی ..... ۲
- ۱/۳. الگوی ساخت؛ ابزار هدایت و تحریک و عاء فکر ..... ۲
- ۱/۴. ارائه نظریه منجر به هدایت؛ وظیفه الگوی ساخت ..... ۲
- ۱/۴/۱. استنباط ترجمه جهت‌ساز به جهت، مقایسه نظری ترجمه با نظریات رقیب و برقراری ارتباط میان ترجمه و مشکلات جامعه؛ ارکان سه‌گانه یک نظریه ..... ۲
۲. لزوم طراحی راهکاری برای هدایت جریان توسعه‌گرایی وطنی ..... ۳
- ۲/۱. عدم قبول مباحث الگوی پیشرفت اسلامی توسط جمع زیادی از کارشناسان کشور و لزوم به چالش کشیدن این جریان ..... ۳
- ۲/۲. به چالش کشیدن نظریات مبتنی بر توسعه توسط امام خمینی و امام خامنه‌ای در طول دوران انقلاب اسلامی ..... ۳
- ۲/۳. مقایسه دیدگاه رهبر انقلاب راجع به استکبار و دیدگاه جریان توسعه‌گرا راجع به استکبار در قضیه برجام؛ نمونه‌ای از به چالش کشیدن نظریات غربی توسط امام خامنه‌ای علیه السلام ..... ۳
- ۲/۳/۱. اثبات درست بودن نظریه مبتنی بر فقه و ظهورگیری (نظریه امام خامنه‌ای) و غلط بودن تفکر جریان توسعه‌گرا؛ نتیجه توافق هسته‌ای و برجام ..... ۴
- ۲/۳/۲. عمومی شدن تفاهم بر روی ناکارآمدی توسعه غربی با شکست پروژه مذاکرات هسته‌ای و توافق برجام ..... ۶
- ۲/۳/۳. لزوم استفاده نیروهای انقلاب از دوران پسابرجام برای گسترش تفکر انقلاب به دلیل شکست کامل نظریات غربی در برجام ..... ۷
- ۲/۴. عدم پذیرش کارآمدی دستگاه مبتنی بر فقه توسط جریان توسعه‌گرا و لزوم طراحی تدبیری برای مقابله با این جریان ..... ۴
۳. تکیه بر مفهوم عدم تعادل و بهینه‌کردن تعریف عدم تعادل؛ راهکار مقابله هدایت‌بنیان با جریان توسعه‌گرایی وطنی ..... ۸
- ۳/۱. لزوم ملاحظه ظرفیت جریان توسعه‌گرا برای ایجاد هدایت در این جریان ..... ۸
- ۳/۲. استفاده از روش‌های نظری و پرداختن به نقد مبانی؛ اشتباه نیروهای انقلاب برای نقد جریان توسعه‌گرا ..... ۹
- ۳/۳. مفهوم عدم توازن؛ پایه مشترک میان جریان توسعه‌گرا و جریان الگوی پیشرفت اسلامی و هدایت جریان توسعه‌گرا ..... ۹
- ۳/۳/۱. معرفی امور ناموزون با اقتصاد به عنوان عدم تعادل؛ تعریف عدم تعادل و عدم توازن نزد جریان توسعه‌گرا ..... ۹
- ۳/۴. هدایت جریان توسعه‌گرا؛ نتیجه تفاهم با این جریان به محوریت عدم توازن ..... ۹

## جلسه سی و پنجم



لزوم به چالش کشیدن مفایم تعادل ها و توازن  
به عنوان دو متغیر اصلی کارآمدی جریان توسعه گرا

عنوان  
عدم توازن و عدم تعادل؛ محور کارآمدی در توسعه غربی و لزوم به چالش کشیدن این مفهوم

تاریخ نشست  
۱۷ آذر ۱۳۹۵

مشخصات اثر  
۱۳ صفحه (قطع رحلی)

در جلسه گذشته بیان شد که جریان توسعه غربی به راحتی نظریات الگوی پیشرفت اسلامی را قبول نکرده و آنها را وارد فاز اجرایی نمی‌کند. در اینصورت سؤال اصلی این است که چگونه با جریان توسعه‌گرا وارد تفاهم شده و به اصطلاح مقابله هدایت‌بنیان بکنیم؟ برای تفاهم با جریان توسعه‌گرا ابتدا باید پایه سؤال و پایه تفاهم با این جریان را به دست آوریم. پایه تفاهم با جریان توسعه‌گرا مفهوم کارآمدی است. در واقع جریان توسعه‌گرا مدعی است که کارآمد است و می‌تواند مشکلات و معضلات را حل کند. به همین دلیل ما باید از این نقطه ورود پیدا کرده و کارآمدی جریان توسعه‌گرا را به چالش بکشیم.

اما محور کارآمدی در جریان توسعه‌گرا چیست؟ محور کارآمدی در جریان توسعه‌گرا مفهومی به نام عدم تعادل و عدم توازن است. در واقع جریان توسعه‌گرا مدعی است که می‌خواهد عدم توازن‌ها و عدم تعادل‌های کشور را حل کند. اما مراد جریان توسعه‌گرا از عدم تعادل چیست؟ این جریان هر مفهومی که با اقتصاد تعارض و تنافی داشته باشد را نامتوازن محسوب نموده و درصدد اصلاح آن برمی‌آید. به عنوان مثال جریان توسعه‌گرا می‌گوید فعالیت‌هایی مانند حج و عزاداری و هزینه برای اموری از این دست موجب می‌شود که فاصله میان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری افزایش یابد و این موضوع امری ضد اقتصاد و عدم توازن محسوب می‌شود.

جریان الگوی پیشرفت اسلامی برای مقابله با جریان توسعه‌گرا به محوریت مفهوم عدم تعادل باید سه کار را انجام دهد: ۱. عدم توازن‌های ادعایی جریان توسعه‌گرا مانند موارد فوق را به چالش بکشد. ۲. در کنار عدم توازن‌های اقتصادی، بسته‌ای از عدم توازن‌های فرهنگی را مطرح کند. ۳. تبیین نسبت میان عدم توازن‌های فرهنگی و عدم توازن‌های اقتصادی.



### فهرست اجمالی

۱۷	۱. لزوم تمرکز بر روی مفهوم کارآمدی برای به چالش کشیدن جریان توسعه‌گرایی وطنی
۱۹	۲. عدم توازن؛ محور کارآمدی ادعایی غرب و لزوم به چالش کشیدن عدم توازن‌های ادعایی
۲۰	۳. افزایش فاصله پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به دلیل استفاده سرمایه‌ها در اموری مانند حج و عزاداری؛ یکی از عدم توازن‌های ادعایی جریان توسعه‌گرا و لزوم به چالش کشیدن این عدم توازن
۲۶	۴. به چالش کشیدن عدم توازن‌های ادعایی جریان توسعه‌گرا، مشخص نمودن عدم توازن‌های فرهنگی در کنار عدم توازن‌های اقتصادی و تبیین نسبت میان عدم توازن‌های فرهنگی و اقتصادی؛ سه سطح فعالیت برای به چالش کشیدن کارآمدی غربی









### ۱. لزوم تمرکز بر روی مفهوم کارآمدی برای به چالش کشیدن جریان توسعه گرای وطنی

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين لاسيما على بقية الله فى الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

عرض کردم که امروز تبیین بحث «هسته‌های توازن فرهنگی» را خدمت شما آغاز می‌کنم. همان‌گونه که در جلسه گذشته اشاره کردم ما به یک نقطه شروع و یک موضوع مشترک میان جریان توسعه غربی و جریان «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» نیاز داریم. سؤال دقیقاً این است که باید از کجا شروع کنیم تا گفت‌وگو بین ادبیات توسعه غربی و ادبیات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت شکل بگیرد؟ باید به این نکته توجه کنیم که وقتی قرار است هدایت‌بنیان عمل کنیم، پیدا کردن نقطه مشترک برای گفت‌وگو وظیفه کسی است که «پالهدی» حرکت می‌کند. نباید به این سمت حرکت کرد که بگوییم چون طرف مقابل استکبار و غفلت می‌ورزد پس تکلیف از جبهه حق ساقط است. خیر! باید حرف باطل و غلط را به چالش کشید و فرآیند به چالش کشیدن حرف غلط باید از یک نقطه مشترک آغاز شود. اگر شما نقطه مشترک خود را با جریان مقابل شناسایی نکنید اساساً گفت‌وگو شکل نخواهد گرفت و بعداً نخواهید توانست نه برای جریان توسعه‌گرا و نه برای کسانی که در حال زندگی تحت نظم پیشنهادی جریان توسعه‌گرا هستند تأمل ایجاد نمایید. آن نقطه شروع چه باید باشد؟

۱/۱. لزوم داشتن یک نقطه مشترک برای تفاهم با جریان توسعه‌گرا و مقابله هدایت‌بنیان



۱/۲. شروع از مبانی نظری و پایه‌هایی مانند انسان‌شناسی، روش تحقیق؛ اشتباه فعلی نیروهای انقلاب برای نقد غرب و مقابله با مدرنیته

عرض کردیم یک غفلت اتفاق افتاده است. کسانی در جامعه ما تصور می‌کنند که اگر بحث را از نقطه مبانی نظری آغاز کنند می‌توانند در جبهه توسعه غربی تأمل ایجاد کنند. زیاد شنیده‌اید که وقتی بعضی از جمعیت‌ها وارد می‌شوند می‌گویند که تفاوت فکر اسلامی با فکر غربی مثلاً در انسان‌شناسی است و ما انسان را دارای ابعاد مادی و معنوی تعریف می‌کنیم و در دستگاه فکر غربی انسان فقط دارای بعد مادی تعریف می‌شود. نقطه شروع را انسان‌شناسی قرار می‌دهند و وارد بحث می‌شوند. این نقطه شروع، چهار دهه تجربه شده و نتوانسته است که یک چالش جدی برای فکر توسعه غربی ایجاد نماید. برخی هم نقطه شروع را مباحث متدولوژی قرار می‌دهند؛ یعنی دعوی با غرب را مثلاً از روش تحقیق تفکر غربی آغاز می‌کنند. این نیز در جبهه فکری فرهنگی انقلاب سابقه دارد. کسانی به روش تحقیق غرب نقدهای جدی وارد کرده‌اند. جریان فرهنگستان علوم اسلامی در قم که ما به‌صورت مفصل در طول یک دهه، آراء این جریان را بررسی نموده‌ایم، چنین توانمندی‌ای را از خود بروز داده است و روش تحقیق غرب را به چالش جدی کشانده است؛ اما ضمن این توانمندی که وجود دارد، نتوانستند موج اجتماعی علیه تمدن مدرنیته را سازمان‌دهی نمایند. اشخاص و جریان‌های دیگری نیز وجود دارند که بحث را مثلاً از بحث‌های بینشی آغاز می‌کنند. سعی می‌کنند که فضای بینشی تمدن مدرنیته و جهان‌بینی حاکم بر آن تمدن را به‌صورت عام و به‌صورت دسته‌بندی‌شده به چالش بکشانند.

۱/۲/۱. چالش کشیده نشدن غرب در ذهن مردم در طول این ۴۰ سال؛ نتیجه استفاده از مبانی نظری

عرض بنده این است گاهی ما نقطه شروع را در جبهه فکری فرهنگی انقلاب از مبانی نظری به معنای عام آن قرار می‌دهیم. تجربه این موضوع نزد جریان‌های مختلف موجود است و قابلیت ارزیابی دارد؛ لذا بعد از بررسی این تجربه‌ها و عبرت‌گیری از آن‌ها، ما یک روش جدیدی را برای مقابله با جریان توسعه‌گرایی وطنی مطرح کرده‌ایم. یعنی از روش دوستان خود در جبهه فکری فرهنگی انقلاب استفاده نکرده‌ایم. مهم‌ترین دلیل قطعی نمودن این معنا در ذهن ما که روش‌های موجود توانایی سازمان‌دهی موج اجتماعی علیه توسعه غربی را ندارند، همین تجربه چهار دهه‌ای است که ما پشت سر نهادیم. صدها همایش و دوره تفصیلی برگزار شده است، هزاران جلد کتاب نگاشته شده است، شاید ده‌ها هزار مقاله نوشته شده است ولی همه با رویکرد مبانی نظری، غرب را به چالش کشیده‌اند. اما چرا غرب در ذهن مردم ما با این روش به چالش کشیده نشد؟ چرا با این روش‌ها موج اجتماعی علیه توسعه غربی ایجاد نشد؟ این یک سؤال بزرگ است. ما نمی‌توانیم بدون پاسخ به این سؤال، دور جدید سازمان‌دهی جبهه فکری فرهنگی انقلاب علیه توسعه غربی را مدیریت کنیم. آزموده را آزمودن خطاست. این مسئله مهمی است.

۱/۳. ادعای کارآمدی و حل مشکلات؛ نقطه شروع تفاهم جریان توسعه‌گرا با مردم

الآن که به برکت فضای پسابرجام، دوباره جهت‌گیری انقلاب در افکار عمومی در حال تثبیت است، ما باید دور جدید فعالیت‌های خود برای حرکت به سمت تمدن اسلامی را بعد از بررسی این آسیب‌ها دنبال کنیم. چرا این اتفاق رخ داده است؟ دلیلش روشن است؛ چون تفاهم غرب با نخبگان، با مدیران، با عامه مردم از پایگاه کارآمدی است؛ یعنی برنامه‌ریزی مبتنی بر توسعه غربی نقطه شروع خود را از مبانی نظری آغاز نمی‌کند بلکه از حل چالش‌های عینی یا به بیان بهتر از طرح ادعای حل چالش‌های عینی آغاز می‌کند. وقتی شما می‌خواهید فکری را به پذیرش برسانید، اگر





ارتباط آن فکر را با چالش‌هایی که مردم به آن چالش‌ها مبتلا هستند، تبیین کنید، جایگاه و ضرورت نیاز به آن فکر برای عامه مردم و نخبگان و مدیران، تبیین بیشتری پیدا می‌کند؛ برخلاف زمانی که بحث را از مبانی نظری آغاز می‌کنید. حتماً مبانی نظری باید حاکم بر یک فکر باشد، بدون مبانی نظری نمی‌توان یک بحث را مدیریت کرد اما سخن در این است که مبانی نظری نمی‌تواند محمل مناسبی برای تفاهم اجتماعی باشد.

بنابراین ما (جبهه فکری فرهنگی انقلاب) این اشتباه را مرتکب شدیم و جریان توسعه غربی در دهه چهارم انقلاب و در زمان دولت توسعه‌گرایی یازدهم به این سمت رفت که نظم سیاست خارجی جمهوری اسلامی را بر اساس مفاهیم توسعه غربی تغییر دهند. صدها نشست گذاشتیم و صدها بار این مباحث را برای نیروهای انقلاب تبیین کردیم اما نتوانستیم جلوی پیشروی جریان توسعه غربی را بگیریم. دقت بفرمایید! نمی‌گوییم مباحثی که تاکنون انجام شده بدون فایده بوده است. بله؛ یک عده‌ای با فکر اسلامی آشنا شده‌اند اما در موازنه نتوانستیم فکر توسعه غربی را به چالش بکشیم؛ زیرا آن‌ها از پایگاه کارآمدی با مردم حرف می‌زنند اما ما از پایگاه مبانی نظری با مردم حرف می‌زنیم. این موضوع، علت اصلی مشکلات است. بر روی این بحث، ما مفهوم محوری کارآمدی را در فکر توسعه غربی به چالش کشیدیم.

## ۲. عدم توازن؛ محور کارآمدی ادعایی غرب و لزوم به چالش کشیدن عدم توازن‌های ادعایی

حوزه کارآمدی غرب به محوریت کدام مفهوم تئوریزه می‌شود؟ به محوریت مفهوم تعادل؛ نه به محوریت هستی‌شناسی و انسان‌شناسی. اگر می‌خواهید موازنه را بین فکر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و فکر توسعه غربی برقرار کنید باید نقطه شروع خود را بحث کارآمدی توسعه غربی قرار دهید، باید نشان دهید توسعه غربی کارآمد نیست؛ این سر نهفته در نرمش قهرمانانه بود. رهبر معظم انقلاب روی این نقطه ایستادند. تفکر توسعه‌گرا دچار یک چالش تاریخی شد. در جلسه قبل عرض کردم، در فضای پسابرجام یک اتفاق نادر و تاریخی افتاده است؛ طرفداران توسعه غربی برای اولین بار در طول دوران مدرن شدن ایران، در مقام پاسخگویی و دفاع از خود قرار گرفتند. چرا حالت طلبکاری جریان توسعه‌گرا کمرنگ شده است؟ زیرا کارآمدی این جریان به چالش کشیده شده است.

حال اگر بخواهیم کارآمدی در تفکر توسعه غربی را به صورت همه‌جانبه به چالش بکشیم، باید کجا ایستاده و آن را بحث کنیم؟ «اولین نقشه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» بیان می‌کند که باید بر روی به چالش کشیده شدن مفهوم "تعادل" تمرکز کنیم. مفهوم محوری‌ای که به وسیله آن مفهوم محوری، کارآمدی همه بخش‌ها در تمدن غرب تئوریزه می‌شود، بحث تعادل و عدم تعادل است. اساساً وقتی می‌خواهند کارآمدی خود را اثبات کنند، با یک مفهوم شروع می‌کنند و بیان می‌کنند که فلان مسئله دچار عدم تعادل شده است و ما می‌خواهیم آن عدم تعادل را رفع کنیم، می‌گویند که در فلان مسئله یک اتفاق نامتوازن اتفاق افتاده است. هرگاه این کلمه را شنیدید، اگر توانستید در آن بخشی که این کلمه استفاده می‌شود و تطبیق می‌شود، آن بخش را به چالش بکشید، کارآمدی جبهه توسعه غربی به چالش کشیده می‌شود.

۱/۴. به چالش کشیدن مفهوم کارآمدی (همان ادعای جریان توسعه‌گرا): نقطه شروع جریان الگوی پیشرفت اسلامی برای مقابله با جریان توسعه‌گرایی وطنی

۲/۱. مفهوم تعادل؛ تئوریزه کننده کارآمدی غرب و لزوم به چالش کشیدن این مفهوم

۲/۲. ادعای حل عدم تعادل‌ها و عدم توازن‌ها توسط جریان توسعه‌گرا و لزوم به چالش کشیدن عدم توازن‌هایی ادعایی این جریان

### ۳. افزایش فاصله پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به دلیل استفاده سرمایه‌ها در اموری مانند حج و

#### عزاداری اهل بیت (علیهم‌السلام)؛ یکی از عدم توازن‌های ادعایی جریان توسعه‌گرا و لزوم به چالش کشیدن آن

مثلاً در حال حاضر از جمله عدم تعادل‌های و عدم توازن‌هایی که جریان توسعه‌گرایی غربی بحث می‌کند، عدم توازن میان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری است. تفکر توسعه غربی به دنبال مدیریت سه‌گپ (شکاف) اصلی است؛<sup>۱</sup> این جریان می‌گوید اگر شکاف بین سه چیز مدیریت شود، دستگاه برنامه‌ریزی به سمت توسعه حرکت خواهد کرد. اولین شکاف، شکاف میان میزان سرمایه‌گذاری و میزان پس‌انداز یک جامعه است، یک عدد مشخصی هم دارد. می‌گویند نباید میان میزان پس‌انداز و میزان سرمایه‌گذاری خیلی فاصله باشد. همیشه باید نرخ پس‌انداز بالا باشد. چون اگر نرخ پس‌انداز پایین بود، نرخ سرمایه‌گذاری هم پایین خواهد آمد. لذا آن‌ها سعی می‌کنند همیشه نرخ پس‌انداز را بالا نگه‌دارند. پس اصطلاحاً گپ میان سرمایه‌گذاری و پس‌انداز را کم می‌کنند. این موضوع از نظر این جریان یک نامتوازن است. لذا مثلاً وقتی شما محاسبه می‌کنید که مردم در محرم و صفر چند هزار میلیارد تومان خرج دین خود می‌کنند و این را پس‌انداز نمی‌کنند، جریان توسعه‌گرا این موضوع را مانع توسعه می‌داند. باید همه چیز اصلاح شود تا سرمایه‌گذاری در یک کشور تقویت شود. هر فرهنگی که ضد پس‌انداز است باید اصلاح شود.

شاید برای شما عجیب باشد که به این موضوع تصریح کرده‌اند که فرهنگ دینی مانع توسعه است.<sup>۲</sup> به دلیل اینکه فرهنگ دینی جلوی پس‌انداز به این معنایی که عرض کردم را می‌گیرد. گاهی اوقات شما بیان می‌کنید که طرف ولخرجی می‌کند اما گاهی اوقات بیان می‌کنید که چند هزار میلیارد تومان در سال خرج برنامه‌های عاشورا می‌شود، خرج برنامه‌های حج می‌شود، خرج مناسبت‌های مختلف می‌شود. عدد بسیار بالایی است. لذا شما مشاهده می‌کنید که در فضای مجازی اعتراض به راه انداخته‌اند؛ بیان می‌کنند که چرا این مقدار پول را خرج مکه رفتن می‌کنید، البته برای اینکه حرف آن‌ها معقول‌تر هم به نظر برسد، می‌گویند که چرا این همه پول را تحویل اعراب می‌دهید. این افراد کلمات حکیمانه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را نخوانده‌اند که حضرت می‌فرماید: اگر خواستید توحید را حفظ کنید، نگذارید حج تعطیل شود.<sup>۳</sup> اگر می‌خواهیم توحید تعطیل شود، کافی است حج را تعطیل کنیم. اگر توحید تعطیل شود چه اتفاقی می‌افتد؟ دیگر فقر، الی‌الله مدیریت نخواهد شد و انسان، در عمل به یک انسان دیگری که او هم فقیر است واگذار خواهد شد و اصطکاک به‌عنوان

۳/۱. نامتوازن محسوب کردن نذورات ماه محرم، سفر حج و ... به دلیل افزایش فاصله میان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری؛ یکی از نامتوازن‌های ادعایی جریان توسعه‌گرا

۳/۲. از بین رفتن توحید و در نتیجه عدم مدیریت فقر انسان‌ها به صورت واقعی و ایجاد اصطکاک میان افراد جامعه؛ نتیجه تعطیل کردن حج

۱. مدل «تری‌گیس»، سه ورودی بزرگ برای شناختن تعادل دارد که عبارت است از: «پس‌انداز و سرمایه‌گذاری»، «صادرات و واردات (موازنه ارزی)» و «بودجه و راندمان». اگر هر کدام از این سه ورودی در بطن خود دچار عدم هنجار و عدم تعادل شود، عدم تعادل اقتصادی رخ می‌دهد.

برگرفته از: مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۸، بهار ۱۳۸۴، محدودیت‌های اساسی رشد اقتصادی ایران بر اساس الگوهای سه‌شکافه

۲. دکتر سریع‌القلم در کتاب ایران و جهانی شدن؛ چالش‌ها و راه‌حل‌ها

۳. قال امیرالمؤمنین (علیه‌السلام): انظروا بیت ربکم فلا یخلون منکم فلا تناظروا.

امام علی (علیه‌السلام) فرمودند: خانه خدا را بنگرید، پس از شما خالی نماند که اگر چنین شود، مهلت داده نمی‌شود.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، وفات: ۳۲۹ ق، الکافی، محقق / ناشر: دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۲۷۰

و عنه (علیه‌السلام) قال: و الله الله فی بیت ربکم لا یخلون منکم ما بقیتهم فإنه إن ترک لم تناظروا.

خدا را! خدا را! درباره خانه پروردگارتان، مبادا که تا باقی باشید، آن خانه از شما خالی گردد؛ زیرا اگر آن بیت مقدس متروک شود، شما از آن پس مهلتی نیابید و منقرض خواهید شد.

محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی؛ وفات: ۳۸۱؛ مرسله؛ انتشارات مکتب النواوری قم ایران، ج ۴، ص ۱۹۰



یک پیش‌فرض در چنین جامعه‌ای اصل قرار می‌گیرد. لذا ما با رفتن به حج، فرار الی‌الله می‌کنیم، از دنیا و تعلقات آن فاصله می‌گیریم و در این صورت اثر آن بهینه روابط انسانی خواهد شد. برای فهمیدن حکمت احکام، لب نیاز است. در جوامعی که مناسک تقویت توحید وجود ندارد و یا تضعیف می‌شود، هزینه‌های ناشی از اصطکاک روابط انسانی، همه ارزش‌افزوده ناشی از سرمایه‌گذاری را به چالش می‌کشد. لذا وقتی هزینه می‌کنید باید توجه کنید که بعداً این سرمایه‌گذاری و این پولی که خرج می‌کنیم، هزینه‌های ناشی از روابط انسانی را کاهش خواهد داد. آن هزینه‌ها دیگر قابلیت محاسبه ندارند. وقتی یک جامعه‌ای دائم‌الاصطکاک بود، می‌توان محاسبه کرد که دائم‌الاصطکاک بودن یک جامعه چقدر هزینه ریالی و دلاری دارد. مثلاً در یک نمونه در جامعه‌ای مانند آمریکا نودوسه درصد مردم داروی آرام‌بخش مصرف می‌کنند؛<sup>۴</sup> یعنی در حوزه روانشناسی باید تحقیقات گسترده‌ای را آغاز کنیم تا این عدم تعادل ناشی از اصطکاک روابط انسانی را به صورت موقت تسکین ببخشیم. تازه این مسئله به صورت بنیادین هم حل نخواهد شد. باید به این مسئله توجه کنیم.

در حال حاضر آقایان توجه نمی‌کنند و فقط یک‌طرف داستان را می‌بینند. یا مثلاً بیان می‌کنند<sup>۵</sup> بهتر نیست هزینه‌های عزاداری‌ها و مراسمات اهل بیت (علیهم‌السلام) را برای فقرای یک جامعه هزینه کنیم. ظاهر این حرف بسیار زیبا است، اما باطن قضیه این است که کسی حاضر است ایثار مالی انجام دهد که از قبل، ایثار را در وجود او نهادینه کرده‌اند. اگر دیدید که فردی به صورت دائمی ایثار مالی می‌کند، به فقرا امداد می‌کند، پیداست که مفهوم ایثار به پذیرش او رسیده است. لذا فقط دستگاه روضه امام حسین (علیه‌السلام) این قدرت را دارد که مفهوم ایثار را به پذیرش انسان‌ها برساند. وقتی مفهوم ایثار به پذیرش انسانی رسید، در گام بعد او حاضر است برای فقرا هم هزینه کند. اگر ما دستگاه امام حسین (علیه‌السلام) را تقویت نکنیم - بنده از جریان توسعه‌گرا و جریان روشنفکر می‌پرسم - شما چه مکانیزمی دارید که مفهوم ایثار را در جامعه جا بیندازید؟! می‌خواهید برای آن‌یک همایش بگیرید؟! البته برخی از آن‌ها گفته بودند که باید روز عاشورا را به یک همایش محدود کنیم و یک نفر بیاید در آن سخنرانی کند. می‌خواهید یک سخنرانی انجام دهید تا مفهوم ایثار جا بیفتد؟! از یک‌طرف انتظار دارید مردم برای حل مشکلات مالی جامعه، برای حل مشکلات فقرا ایثار کنند اما از طرف دیگر نمی‌گویید آدمی که از او چنین انتظاری دارید را باید از قبل بر مبنای ایثار پرورش دهید، برای او جا بیندازید که ایثار

۴. مطالعه جدید محققان نشان می‌دهد از هر ۶ فرد بزرگسال در آمریکا یک نفر برای مقابله با مشکلاتی نظیر افسردگی، اضطراب و بیخوابی دارای روانپزشکی مصرف می‌کند.

نیویورک تایمز: <http://yon.ir/M0GbO>

آمریکا کمتر از ۵ درصد از جمعیت جهان را در خود جای داده، اما همین جمعیت، معادل چهار پنجم از داروهای آرام‌بخشی را مصرف می‌کند که بسیار اعتیادآور هستند.

وبسایت شبکه تلویزیونی سی‌ان‌بی‌سی: <http://yon.ir/vqpNe>

۵. قبلاً هم عرض کرده‌ام که به صورت ساده بیان می‌کنند و آدم به یاد شبهات این‌گونه در چند صد سال پیش می‌افتد، تعقل به چالش کشیده شده است که این شبهات جریان پیدا می‌کند.

چه جایگاهی در عالم معنا دارد. اگر این کار را نکند او حاضر به ایثار نخواهد شد. مثلاً تبدیل به بنیادهای خیریه‌ای می‌شود که در غرب وجود دارد، اسم آن، بنیاد خیریه است اما در باطن برای فرار از مالیات طراحی شده است؛ مانند بنیاد خیریه خانم کلینتون<sup>۶</sup> که نام آن بنیاد خیریه است؛ اما پول‌هایی که این بنیاد خیریه جذب می‌کرد، صرف هزینه‌های انتخابات ریاست جمهوری می‌شد. در این صورت فقط نامی از ایثار باقی خواهد ماند، یک مفهوم حداقلی و از روی ترحم از ایثار باقی خواهد ماند. شبیه همین بنیادهای خیریه ابتدایی که در غرب وجود دارد که بسیاری از آن‌ها هم برای فرار از مالیات درست شده است.

بنابراین پولی که برای دستگاه امام حسین علیه السلام خرج می‌کنیم باعث ایجاد پذیرش نسبت به جایگاه ایثار خواهد شد. بعد از این کار مردمی که ایثار را یاد گرفتند، عملاً ایثار خواهند کرد. علامت آن هم این است که طبق آمار و بررسی‌های دقیق بیشترین خیریه‌هایی که در ایران در حال کمک برای حل مشکلات فقرا هستند، زیرمجموعه هیئات و مساجد هستند و اگر دستگاه امام حسین علیه السلام نبود، اگر مساجد ما نبودند، این همه خیریه هم به وجود نمی‌آمد و الآن جامعه ایران هم از حیث فقر مالی مانند جامعه آمریکا بود، دچار یک شکاف طبقاتی عجیبی بود. باینکه تئوری‌های توسعه غربی چهار دهه است که نمی‌گذارند در جمهوری اسلامی عدالت به صورت بنیادین اجرا شود، اما یکی از آثاری که دستگاه امام حسین علیه السلام در ایران گذاشته این است که آثار بی‌عدالتی ناشی از توسعه غربی را تعدیل کرده و آن را تخفیف بخشیده است. اگر این خیریه‌های مردمی نبودند، الآن معلوم نبود فاصله طبقاتی ناشی از برنامه‌های توسعه در ایران چه مشکلات عظیمی را ایجاد کرده بود.

بنده با یکی از مسئولین کمیته امداد جلسه داشتم، ایشان بیان می‌کرد که طبق گزارش‌های ما، خیریه‌ها و واحدهای امدادی وابسته به مساجد و هیئات در همین الآن بیش از کمیته امداد و نهادهای حکومتی مشکلات مالی مردم را مدیریت می‌کنند. شما همین معجزه صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی را نگاه کنید؛ شما این حجم از تبادلات مالی - که عدد مبالغ آن که در حال دست‌به‌دست شدن است قابل‌محاسبه نیست - را تصور کنید؛ تصور کنید که مدیریت این کار به دست بانک‌های کثیف بود؛ در این صورت چه اتفاقی می‌افتاد؟ یک‌هزارم این خدمات به مردم داده نمی‌شد و اگر هم داده می‌شد با هزاران مصیبت بوروکراتیک<sup>۷</sup> و هزاران قید ربوی اتفاق می‌افتاد. انسان باید از سر حساب حرف بزند. چند جلسه به حوزه علمیه قم تشریف ببرید و نزد یک فقیهی بنشینید و بگویید آثار اقتصادی روضه را برای شما تحلیل کنند، آثار اقتصادی حج را برای شما تحلیل کنند و بعد اگر جوابی نگرفتید، بیایید و در تریبون‌ها به این شکل صحبت کنید. این بحث بزرگی است.

عرض بنده این است که اگر می‌خواهیم این جریان منکرِ مُصِرِّ مستکبرِ توسعه غربی را در کشور به چالش بکشیم، پایگاه ایجاد چالش، مفهوم عدم تعادل است. آیا گپ بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری عدم تعادل است؟! مانند همین بحثی که بنده همین الان انجام دادم بیایید بحث کنید. واقعاً اگر در

۳/۴. ایجاد صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی، تأسیس موقوفات و کاهش جرم در ماه محرم و صفر؛ نمونه‌هایی از فواید هزینه‌کردن برای حج و عزاداری

۶. بنیاد کلینتون، توسط بیل کلینتون رئیس جمهور سابق ایالات متحده بنیان نهاده شد و هدفش بالابردن امنیت بهداشتی، توان مالی و خدمات شهروندی برای مردم سراسر جهان، در مقابله با چالش‌های متقابل جهانی، اعلام شده است.

۷. دیوان‌سالاری و اداری





ایران نرخ پس انداز بالا نیست، این موضوع یک عدم توازن است؟ این طور نیست. نرخ پس انداز در ایران بالا نیست و معنای آن این است که همه پول مردم به بانکها نمی آید که از طریق بانکها در اختیار مردم قرار بگیرد. مثلاً در صندوق قرض الحسنه خانگی می آید، مثلاً در مسئله پر از سر روضه امام حسین علیه السلام می آید، یا در مسئله پر از اسرار حج می آید. این موضوع که دقیقاً توازن و تعادل است. شما یک عاملی را که منشأ تعادل در جامعه است را به عنوان یک عدم تعادل مطرح می کنید، می توانید بر روی این موضوع وارد بحث شوید. ای کاش ما یک کار تحقیقاتی انجام می دادیم و به صورت تخمینی، مبالغی که مردم از روی اخلاص در دستگاه امام حسین علیه السلام خرج می کنند را محاسبه می کردیم، بعد یک محاسبه تخمینی می کردیم که اگر این پول به بانکها می رفت، چه بلایی بر سر آن می آمد؟! البته غیر از آن مقداری که تبدیل به حقوق های نجومی می شد و در اختیار مدیران بانکها قرار می گرفت تا تبدیل به ذخایر نظام شوند!!! غیر از این مقدار برای بقیه آن، چه اتفاقی می افتاد؟ مثلاً تبدیل به یک کارخانه مواد غذایی می شد که کیک تولید می کند و مثلاً ما کیک بیشتری را به فروش می رسانیم که البته چند صد اشتغال هم به صورت موقت ایجاد می شد و تا مادامی که به سرمایه دار احساس ضرر دست ندهد، کارگرا اخراج نمی شدند؛ اما در این سوی داستان شما این مبلغ را مثلاً خرج جهیزیه می کنید، خرج وقف می کنید، این را خرج دستگاه امام حسین علیه السلام می کنید، این پول را خرج حج می کنید، خرج قرض الحسنه و همین خرج هایی که در حال حاضر وجود دارد می کنید. البته داخل پراتنز عرض کنم که باید بخش اقتصاد دینی را سازمان دهی کرده تا بتوانیم بهره برداری بیشتری از آن کنیم؛ اما با این حال که در حال حاضر مشکلاتی هم در سازمان دهی وجود دارد، این پس انداز و این مخارج خرج بهینه روابط انسانی خواهد شد. شما می دانید که اگر این خرج را نمی کردید جامعه ایران دچار چه چالشی می شد؟ همین الان در ماه محرم و صفر نیروی انتظامی هر سال اعلام می کند که جرائم در حال کاهش است.<sup>۸</sup> اساساً جریان توسعه گرا می تواند یک روز جرم را کاهش دهد؟ می تواند یک روز این چالش ها را کم کند؟ البته ما باید تلاش کنیم که با قدرت دین و با قدرت بلامنازعه مسئله هدایت، همه بخش ها را اداره کنیم؛ اما همین بخشی هم که وجود دارد، در حال حاضر خیلی تأثیر دارد، پس چرا شما می گوئید گپ بین سرمایه گذاری و پس انداز یک عدم توازن است؟! باید این موضوع را به چالش کشید.

۸. به گزارش شبکه اطلاع رسانی راه دانا؛ احمد فاضلیان، رئیس کل دادگستری استان البرز در گفتگو با خبرنگار شبکه خبر دانشجویان البرز (ایسنا) به تبیین شرایط و وضعیت اجتماعی استان البرز پرداخت.

فاضلیان با اشاره به نیازهای معنوی جامعه گفت: باید به همان اندازه که به نیازهای مادی خود می پردازیم به نیازهای معنوی نیز توجه کنیم، امروزه ریشه بسیاری از مشکلات اجتماعی و ناهنجاری ها در بخش های مختلفی است که جامعه از ارزش های معنوی و اخلاقی فاصله گرفته است و این ناشی از غفلت مسئولین و متولیان امور فرهنگی است.

وی در مورد تأثیر معارف اسلامی و دینی در کاهش ناهنجاری های اجتماعی افزود: مردم علاقه مند و تشنه این نوع معارف و مسائل هستند. باید بسترهای لازم برای این امر مهم آماده شود و فرهنگ اسلامی ما که فرهنگ متعالی است اشاعه یابد.

در ایام محرم و صفر شاهد کاهش چشمگیر وقوع جرم و جنایت هستیم که این خود نشانگر قابلیت پذیرش جامعه و وجود پتانسیل در جوانان جهت تأثیرگذاری برنامه های فرهنگی می باشد.



بنده چند مثال زدم. حال هر کجا دیدید این افراد بیان می‌کنند که فلان مسئله یک نامتوازن است، شما در آن موضوع حساس باشید. دقیقاً کلمه نامتوازن، ناموزون و عدم تعادل و این کلمات هم‌معنا را که به کار می‌برند، می‌خواهند آنجا یک غلطی کرده و یک مشکلی ایجاد کنند. تجربه بررسی‌های ما در این دو دهه نشان می‌دهد که هر وقت مسئولی بیان کرده که در فلان جا یک عدم توازن وجود دارد و ما می‌خواهیم آن را رفع کنیم، منظور قطعی ایشان آن است که یک موضوعی در آنجا وجود دارد که این موضوع ضد اقتصاد سرمایه‌داری است و آن‌ها می‌خواهند آن را رفع کنند. مصادیق این موضوع را زیاد بحث کرده‌اند، همان‌طور که عرض کردم اخیراً وقاحت را به‌جایی رسانده‌اند که هزینه‌کردن برای بهینه روابط انسانی و هزینه‌کردن برای مناسکی که منجر به بهینه شدن روابط انسانی می‌شود را جزء امور نامتوازن معرفی می‌کنند و در فضای عمومی هم این فکر را منتشر می‌کنند. هزینه برای حج را به‌عنوان یک هزینه زائد معرفی می‌کنند، هزینه برای دستگاه امام حسین علیه السلام را به‌عنوان یک هزینه زائد معرفی می‌کنند. این‌ها خرج کردن برای بهینه روابط انسانی است.

بنده یک مثال دیگری بزنم؛ من این موضوع را دل‌نگه‌داشته بودم و در حال حاضر فرصتی پیش آمده است، اجازه دهید تا برای شما بگویم. در آمریکا وقتی می‌خواهند نیروی نظامی خود را مدیریت کنند، قبل از اینکه رئیس‌جمهور یک جنگی را امضا کند، ثانیه به ثانیه، نفر به نفر و قطعه به قطعه، واحد به واحد ابتدا محاسبه مالی می‌کنند که اگر ما این تحرک نظامی را انجام دادیم، به چه مقدار هزینه خرج خواهد شد. به چه دلیل؟ به دلیل اینکه عامل تحریک مالی در یک جامعه عقب‌افتاده و توسعه‌یافته‌ی مانند آمریکا تحریک منافع مالی افراد است و هیچ عاملی دیگری وجود ندارد. باید حرص را تحریک کنند تا تحرک اتفاق بیفتد.

می‌بینید که دستگاه محاسباتی اقتصادی آمریکا به‌صورت برخط می‌گوید که جنگ افغانستان ساعتی فلان میلیون دلار هزینه داشته است. آماری که ترامپ نامتعالی در مبارزات انتخابات ریاست جمهوری آمریکا می‌داد در حدود شش بیلیون دلار بود؛ دیگر از بیلیون و میلیارد گذشته بود؛ من وقتی می‌خواستم سفرهایش را بشمارم، سکانس عوض شد. او می‌گفت اگر این پول را برای ساخت‌وساز خودمان خرج می‌کردیم چه اتفاقاتی می‌افتاد. خواهش می‌کنم دوستان عدد این مقدار و سفرهایش را که بسیار زیاد است در پاورقی بیاورند تا بفهمیم چه قدر خرج شد.<sup>۹</sup> امنیت تا این حد در آمریکا خرج دارد.

حالا شما این را با مدل مترقی بسیج مقایسه کنید؛ تقریباً در ایران مفت تمام می‌شود چون مبنای آن تحریک مادی نیست. برای چه این اتفاق می‌افتد؟ برای اینکه عاملی به نام ایثار و یک آبر عامل به نام هیئات من‌الذله و یک دستگاه کارآمد غنی‌سازی روابط انسانی به نام روضه ابا عبدالله علیه السلام وجود دارد. این نه‌تنها امنیت کشور را حفظ کرده است بلکه عامل امنیت چهار کشور منطقه هم شده

۳/۵. تأمین امنیت ایران با هزینه‌ای بسیار اندک برخلاف امنیت کشورهای توسعه‌یافته به دلیل گسترش روحیه ایثارگری؛ از دیگر فواید گسترش عزاداری امام حسین علیه السلام به عنوان عامل اصلی ایجاد روحیه ایثارگری

۹. تاکنون ما حدود شش تریلیون دلار (۶۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) برای این جنگ‌ها صرف کرده‌ایم. با این پول می‌توانستیم کشورمان را دو مرتبه بازسازی کنیم. نتیجه این وضع نیز آن بوده است که در موقعیت بسیار بدی قرار گرفتیم.

دوناتل ترامپ در گفت‌وگوی اختصاصی تلفنی با لری کینگ، مجری شبکه تلویزیونی راشا تودی به نقل از باشگاه خبرنگاران جوان به آدرس <http://yon.ir/tvNDO>



است. مگر مبنای شما (جریان توسعه‌گرا) ارزش افزوده نیست؟ ما نیز در حال مقایسه هستیم؛ البته از همه خانواده‌های شهدا و همه مدافعین حرم که در آنجا زحمت می‌کشند معذرت می‌خواهم؛ می‌خواهم ارزش مالی این کار را مقایسه کنم. می‌فهمم که به مقام مقدس شهدا و خانواده‌های شهدا و اهل ایثار توهین می‌شود اما چه کنم؟ مجبورم با عده‌ای از انسان‌های دچار مشکل فکری و عقلی که فقط یک پنجم فکرشان فعال است حرف بزنم؛ باید مانند خودشان به صورت پوزیتیویستی و حسی و با دلار و ... صحبت کرد. امنیت کشور ایران تقریباً مفت تمام می‌شود؛ بروید عدد هزینه‌هایی را که در مسئله دفاع در این طرف داستان و آن طرف خرج می‌شود، باهم مقایسه کنید؛ به نظر من یک به هزار است؛ در حال حاضر که موشک می‌سازیم و فناوری‌هایمان رشد کرده است بودجه نظامی‌مان در زمره پایین‌ترین بودجه‌های دنیا است؛ حتی بودجه نظامی عربستان از ما بیشتر است.<sup>۱۰</sup> بودجه نظامی بسیاری از کشورها از ما بیشتر است؛ تازه این بودجه نظامی خرج نیروی نظامی نمی‌شود و عمده آن در بسیاری از موارد خرج فناوری می‌شود.

۳/۶. گسترش هزینه‌های صرف‌شده برای دین‌داری؛ نشان از قدرت تفاهم بسیار بالای دین

باید مقایسه کنیم؛ چرا می‌گویید خرج کردن برای دستگاه امام حسین علیه السلام هزینه است؟ همه‌اش فایده است؛ زیرا روابط انسانی را بهینه می‌کند. اگر جرئت و شجاعت و انصاف دارند، دانشجویانشان را وادار کنند که پدیده بی‌بدیل اربعین را مطالعه کنند. اساساً می‌توانید تصور کنید که بدون حتی یک آیین‌نامه، بدون یک قانون اساسی، بدون ابلاغیه، بدون سازمان‌دهی به معنای متمرکز، سی میلیون انسان فعالیت جمعی را انجام بدهند و همه در اوج رضایت برگردند؟! چه اتفاق عجیبی در روابط انسانی این سی میلیون افتاده است و چگونه افتاده است؟! مگر قائل به این موضوع نیستید که هر اتفاق در حال وقوع نیاز به بررسی علمی دارد؟ چرا در برابر این حادثه سکوت می‌کنید؟ تمام رسانه‌های غربی در مقابل این معجزه دینی خفقان گرفته‌اند؛ چرا این اتفاق در حال وقوع است؟ بنده زمانی را به خاطر دارم که در مباحثات جریان توسعه‌گرا می‌گفتند چند میلیون نفر از ایران به آمریکا رفته‌اند؛ حالا همین‌جا عرض کنم، بسیاری از افرادی که به آمریکا رفته‌اند، برادران سپاه هستند؛ انقلاب در حال طراحی‌هایی در آنجاست؛ البته برخی نیز از مردم عادی هستند. خب عراق که چیزی ندارد؛ کشور توسعه‌یافته که نیست؛ جاده هم ندارد. این اتفاق را چگونه باید تحلیل کنیم؟ جذبه آنجا (عراق) چیست؟ این تفکر امام حسین علیه السلام در حال سازمان‌دهی است. سازمان‌دهی جهانی و بین‌المللی است! در ابتدا فقط ایران بود، حالا چهار کشور همپای ما ایستاده‌اند و در حال کمک هستند، یعنی این فکر، بین‌المللی شد. این موضوعات همه قابل‌بحث است؛ اگر متد و روش، علمی است، این موضوعات جزء مصادیق علمی است.

شما به صورت مداوم می‌گویید گپ (شکاف) بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری یک عدم توازن است؛ زیرا پول مردم به حساب بانک‌ها نمی‌آید تا شما آن پول‌ها را خرج شاخص‌های توسعه کنید. دستگاه امام حسین علیه السلام و دستگاه پیامبران علیهم السلام قدرت تفاهم با مردم را دارد و مال آن‌ها را در آخرت ضرب

۱۰. طبق آمار رسمی مؤسسه صلح استکهلم در سال ۲۰۱۶؛ بودجه نظامی ۵ کشور اول عبارتند از: ایالات متحده ۶۱۱ میلیارد دلار، چین ۲۱۵ میلیارد دلار، روسیه ۶۹/۲ میلیارد دلار، عربستان سعودی ۶۳/۷ میلیارد دلار، هند ۵۵.۹ میلیارد دلار. ایران در مراتب بعدی ۱۲ میلیارد دلار می‌باشد.

مؤسسه صلح استکهلم <https://www.sipri.org/sites/default/files/Milex-constant-2015-USD.pdf>

می‌کنند. بنده همیشه گفته‌ام، طبق برخی از آمارها، نیمی از کشور ایران وقف است؛<sup>۱۱</sup> این، قدرت ادبیات علمای دین است، قدرت فقه است. همیشه در جلسات گفته‌ام، نیمی از شهر اصفهان وقف است؛<sup>۱۲</sup> یعنی ادبیات دینی توانسته مردم دقیق و محاسبه‌گر اصفهان را قانع کند که سود وقف از همه سودها بیشتر است. این‌ها جزء کارهای بزرگ است. اگر به این‌ها توجه کنیم می‌توانیم یک نظام اجتماعی را بسازیم.

#### ۴. به چالش کشیدن عدم توازن‌های ادعایی جریان توسعه‌گرا، مشخص نمودن عدم توازن‌های فرهنگی در کنار عدم توازن‌های اقتصادی و تبیین نسبت میان عدم توازن‌های فرهنگی و اقتصادی؛ سه سطح فعالیت برای به چالش کشیدن کارآمدی غربی

خلاصه عرض بنده آن است که باید حساس باشیم که جریان توسعه غربی به چه چیز، عدم توازن می‌گوید. بنده می‌خواستم در این جلسه اول، مفهوم عدم توازن را شرح دهم و بگویم دقیقاً همان نقطه‌ای که به عنوان عدم توازن اعلام می‌کنند، در بسیاری از مواقع، دقیقاً ریشه تعادل و توازن است. این موضوع را به صورت تمثیلی و تطبیقی توضیح دادم. ان‌شاءالله از فردا که وارد بحث شدم، مفهوم تعادل و احتمالات پیرامون آن را به صورت مفهومی بررسی می‌کنم.

اما عرض بنده آن است که باید در به چالش کشیدن مفهوم تعادل به محوریت اقتصاد و توسعه، قدرت ذکر داشته باشیم. باید مطلب را جا بیندازیم و مطلب را به درستی تطبیق دهیم. بنده سعی کردم این موضوع را تطبیق دهم؛ البته این موضوع یک بحث مفهومی نیز دارد که این بحث مفهومی دارای سه بخش است و بنده آن‌ها را شرح می‌دهم.

سه احتمال وجود دارد؛ احتمال اول آن است که همه عدم تعادل و عدم توازن‌ها را به محوریت بخش اقتصاد تعریف کنیم؛ احتمال دوم آن است که در کنار عدم تعادل‌های اقتصادی، عدم تعادل‌های فرهنگی را نیز تصویر کنیم؛ یعنی همه امور نامتعادل را به محوریت بخش اقتصاد نینیم و نسبت عدم تعادل با فرهنگ را نیز بسنجیم؛ احتمال سوم آن است که ارتباط بین عدم تعادل‌های

۱۱. مدیرکل اعزام مبلغ سازمان اوقاف و امور خیریه گفت: ۱۸ شهر کشور کاملاً موقوفه است که بسیاری از آنها در دست افراد افتاده است که حتی برخی خودشان هم خبر ندارند که ملک آنان موقوفه است. به گزارش خبرنگار مهر، حجت الاسلام احمد پاک‌نهاد پیش از ظهر چهارشنبه در گفتگو با خبرنگاران گفت: بسیاری از موقوفات به تصرف اشخاص درآمده است و طبق شناسایی ما ۱۸ شهر کشور کاملاً موقوفه است.

<http://www.mehrnews.com/news/1413730/18> خبرگزاری مهر

۱۲. گزارش سازمان اوقاف و امور خیریه اصفهان نشان می‌دهد که موقوفات این استان و به ویژه شهر اصفهان از اهمیت خاصی برخوردار است، به طوری که شهر اصفهان دارای ۱۴۰۲ موقوفه و ۴۹۴۹ رقبه و استان اصفهان دارای ۵۳۸۳ موقوفه و ۱۸۱۷۸ رقبه می‌باشد.

*اطلاعات آماری سازمان اوقاف و امور خیریه اصفهان، مهر ۱۳۷۳*

در عصر صفویه، اصفهان ۱۶۲ باب مسجد، ۴۸ باب مدرسه، ۱۸۰۲ باب کاروان‌سرا و ۲۷۳ باب گرمابه که احتمالاً همه وقف بوده، داشته است.

*سفرنامه شاردن؛ ترجمه محمد عباسی، تهران، ۱۳۴۵ هـ.ش، ج ۱، ص ۱۲۱*

در عصر صفویه، علاوه بر موقوفاتی که از سابق باقی مانده بود، وقف، رشد چشم‌گیری یافت، و خصوصاً از سلطنت شاه‌عباس به بعد، جهش خاصی برای توسعه موقوفات صورت گرفت. اغلب اعیان و مالکان به وقف اموال خود پرداختند و در رأس همه آنان شاه‌عباس قرار داشت که سرمشق امرا و بزرگان بود و در سال ۱۰۱۶ هـ.ق کل املاک خاصه خود، از رساتیق و خانان و قیصریه و چهاربازار و حمامات و غیره را به چهار رده تقسیم و بر چهارده معصوم وقف کرد. اسکندربیک منشی در این باره می‌نویسد: شاه‌عباس، املاک و رقبات زیادی، از جمله کاروان‌سراها و بازارها و حمام اطراف میدان و قیصریه را وقف این مسجد کرده است.

*اسکندربیک ترکمان؛ تاریخ عالم‌آرای عباسی، تهران، ۱۳۳۵ هـ.ش، ص ۶۵*





فرهنگی و اقتصادی را بحث کنیم. ببینیم کدام یک، ریشه دیگری است؛ آیا عدم تعادل اقتصادی، زیرساخت عدم تعادل فرهنگی است یا بالعکس؟

بنابراین سه مرحله فعالیت داریم. یک بخش کار آن است که عدم تعادل‌های اقتصادی -مانند همین مثالی که عرض کردم (شکاف بین پس انداز و سرمایه)- را به چالش بکشیم؛ سطح دوم کار آن است که کنار عدم توازن‌های اقتصادی که جریان توسعه‌گرا در حال تعریف آن است، عدم توازن‌های فرهنگی را نیز بحث کنیم؛ به عنوان مثال، طلاق نیز یک عدم توازن فرهنگی است؛ نگذاریم همه چیز را به نام عدم توازن‌های اقتصادی پیش ببرند. وقتی می‌گوییم چهل و دو درصد طلاق، یعنی یک عدم توازن فرهنگی، وقتی می‌گوییم جرم در جامعه زیاد است، این موضوع یک عدم توازن فرهنگی است. مصادیق این موضوع را به طور مداوم بحث کنیم تا سبب عدم توازن‌ها فقط مختص به عدم توازن‌های اقتصادی نباشد. کار سوم آن است که نسبت بین عدم توازن‌های فرهنگی و اقتصادی را بحث کنیم تا ببینیم کدام یک، ریشه دیگری است. این سه سطح فعالیت، سه راهبرد برای به چالش کشیده شدن مفهوم عدم توازن در نگاه توسعه غربی است.

۴/۱. عدم توازن؛ محور تمام

مفاهیم توسعه غربی و به چالش کشیدن این مفهوم به معنای مقابله با تمام ابعاد جریان توسعه غربی

توجه کنید! مفهوم تعادل و عدم تعادل، مفهوم توازن و عدم توازن، محور مفاهیم توسعه غربی در حوزه کارآمدی است؛ مزیت الگوهای توسعه غربی، مسئله کارآمدی است؛ بنابراین اگر این مفهوم را به چالش کشیدیم، کارآمدی این جریان را به چالش کشیدیم؛ نشان دادیم که این جریان، کارآمد نیست. آنگاه این راهبرد می‌تواند فکر اسلامی را بر فکر توسعه‌گرای غربی، غلبه دهد.

۴/۲. به چالش کشیدن

برنامه ششم توسعه؛ نمونه‌ای از کارآمدی نظریه هسته‌های توازن فرهنگی

البته بنده در مقام رجز هستیم؛ زمانی بحث نظری می‌کردیم و حالا نیز در مقام شرح هستیم؛ ما با همین نگاه برنامه ششم را به فضل الهی دو بار به چالش کشیدیم. بنده در جلسه‌ای گفتیم که اولین بار است که پس از ۷۰ سال، یک برنامه توسعه، دو بار در زمان توسعه‌گراترین دولت جمهوری اسلامی، زمین می‌خورد؛ در تنها زمانی که مفهوم توسعه بیشترین آزادی عمل را در بخش اجرا داشته است. در هیچ زمانی به اندازه زمان دولت یازدهم، برنامه‌های توسعه، اجرایی نشده‌اند؛ در طول تاریخ جمهوری اسلامی به یاد نداریم که جریان توسعه، شعار اصلی جمهوری اسلامی -استکبارستیزی- را به چالش کشیده باشد؛ دو بار در چنین شرایطی برنامه ششم به چالش کشیده شد؛ چرا؟ زیرا نقطه مرکزی که فکر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برای به چالش کشیدن برنامه ششم انتخاب کرد، مفهوم عدم توازن بود؛ یعنی به سبب عدم توازن‌های دولت، عدم توازن‌های فرهنگی را اضافه کردیم و دائماً در همه جا اعلام کردیم که دولت به عدم توازن‌های فرهنگی توجه نکرده است.

بنده به صورت مکرر در همه تریبون‌های ملی و بخشی بحث کردم که مثلاً در برنامه ششم هیچ موضوعی در مورد طلاق چهل و دو درصدی شهر تهران وجود ندارد؛ آن‌ها می‌گفتند که مشکل اصلی، صندوق‌های بازنشستگی و آب و ... است؛<sup>۱۳</sup> بنده گفتیم: ما این موارد را مشکل می‌دانیم؛ اما شما چرا طلاق چهل و دو درصدی را مشکل نمی‌دانید؟ وقتی نقطه محوری عملیات را به درستی شناسایی کنیم، طرف مقابل حتماً به چالش کشیده می‌شود.

۱۳. گفت‌وگوی دکتر نوبخت با دکتر احمد توکلی در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری (۶ بهمن ۱۳۹۴)



به نظر بنده نظریه هسته‌های توازن که اجازه نداد تعریف عدم توازن و تعریف تعادل، به غلط اتفاق بیافتد، نقطه‌ای است که می‌تواند فکر توسعه غربی را به چالش بکشد و طرف مقابل نمی‌تواند به شما بگوید بی‌سواد و بی‌شناسنامه؛<sup>۱۴</sup> دولت به کسانی که در قضیه برجام کار می‌کردند توانست بگوید بی‌سواد و بی‌شناسنامه؛ اما این اتفاق در مورد مخالفین برنامه ششم محقق نشد؛ زیرا ما بر روی حرف خود آن‌ها ایستاده بودیم و در حال بهینه نمودن حرف آن‌ها بودیم؛ برنامه ششم برنامه‌ای برای رفع عدم توازن‌های اقتصادی بود.

خواهش می‌کنم، ویژه‌نامه روزنامه شرق را در مورد دور اول طرح برنامه ششم (در زمان مجلس قبل) مطالعه بفرمایید؛<sup>۱۵</sup> در سطح وزرای اصلی کشور و برخی دیگر از وزرا، همه گفتند که برنامه ششم، رفع عدم توازن‌های اصلی کشور را به عهده گرفته است.<sup>۱۶</sup> ما برای آنکه این قضیه را مدیریت کنیم، نیامدیم بگوییم، این موارد که گفته شده، عدم توازن نیستند؛ بلکه گفتیم این موارد، عدم توازن‌های اقتصادی هستند، چرا شما عدم توازن‌های فرهنگی را اضافه نمی‌کنید؟ این موارد را با تمثیل و مصداق بحث می‌کردیم؛ ما از نقطه شروع آن‌ها شروع کردیم؛ او می‌گفت من به دنبال رفع عدم توازن هستم، الگوی پیشرفت هم می‌گفت من به دنبال رفع عدم توازن هستم. نقطه شروع همان نقطه شروع آن‌ها بود، در نتیجه ما تمام ظرفیت جریان توسعه‌گرا را در مناظرات مصادره کردیم. تنها تفاوت این بود که می‌گفتیم ما در مورد مصادیق عدم توازن اختلاف داریم، باید بر روی مفهوم عدم توازن دقت بیشتری بشود. لذا هر چه دولت تلاش می‌کرد که از سؤال چرا برنامه ششم بر مبنای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تنظیم نشده فرار کند، نتوانست. آخرین تدبیر آقای نوبخت این بود که دو بار در تلویزیون عصبانی شد؛<sup>۱۷</sup> در انتها گفت الگوی پیشرفت که وجود ندارد و بنده نیز برای ایشان نامه‌ای<sup>۱۸</sup> نوشتم که آقای نوبخت! شما در فلان تاریخ گفته‌اید که برنامه ششم مبتنی بر الگوست؛<sup>۱۹</sup> در فلان تاریخ دیگر گفته‌اید که بحث الگو و اقتصاد مقاومتی برای ما امر جدیدی نیست و در سال ۸۷ این الگو را نوشته‌ایم<sup>۲۰</sup> و حالا می‌گویید الگو اصلاً وجود ندارد؟! دفاع طرف مقابل مُتَشَتَّت شد. نخبگان قضاوت خواهند کرد که کدام فکر به چالش کشیده شد.

این مواردی که بنده عرض کردم، اصطلاحاً دارای منطق و حکمتی است. علت اینکه ما در طول دو سال و در جاهای مختلف، متشتت حرف نمی‌زدیم آن بود که ما بر روی بهینه شدن مفهوم عدم توازن ایستاده بودیم؛ بهینه شدن نقطه محوری برنامه طرف مقابل را موضوع کار قرار داده بودیم؛ ان شاء الله فردا توضیحات بیشتری در مورد نظریه هسته‌های توازن ارائه می‌کنم اما توجه کنید که

۱۴. اشاره به سخنان رئیس جمهور دولت یازدهم در ۹ اردیبهشت ۱۳۹۳

۱۵. ویژه‌نامه چالش‌ها و چشم‌انداز برنامه ششم توسعه به آدرس <http://www.sharqhdaily.ir/1394/05/05/Vijeh/PDF/2356.zip>

۱۶. به عنوان مثال دکتر افشین دانه‌کار (عضو هیأت علمی گروه محیط‌زیست دانشگاه تهران) و دکتر عبدالرضا رحمانی فضل‌ی (وزیر کشور) در این ویژه‌نامه مطالبی را در مورد لزوم توازن بین بخش‌های مختلف کشور در برنامه ششم عرضه کرده‌اند.

۱۷. گفتگوی خبر ۲۱؛ ۲۶ مرداد ۱۳۹۵ و گفت‌وگو با برنامه نگاه یک؛ ۳۰ مرداد ۱۳۹۵

۱۸. متن نامه حجت الاسلام کشوری به دکتر نوبخت: <http://www.farsnews.com/13950527001108>

۱۹. دکتر محمدباقر نوبخت در نشست تبیین لایحه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۲۶ فروردین ۱۳۹۳

۲۰. دکتر محمدباقر نوبخت در گفت‌وگوی ویژه خبری (۹ فروردین ۱۳۹۵)



حرف اصلی در این نظریه یک جمله است؛ به جای آنکه مفهوم محوری دستگاه مقابل را رد کنید، باید آن را ارتقاء بدهید؛ ما این تدبیر را به کار بردیم؛ البته عرض می‌کنم که این تدبیر ریشه قرآنی دارد و روایات و آیات مرتبط با آن را بحث می‌کنم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

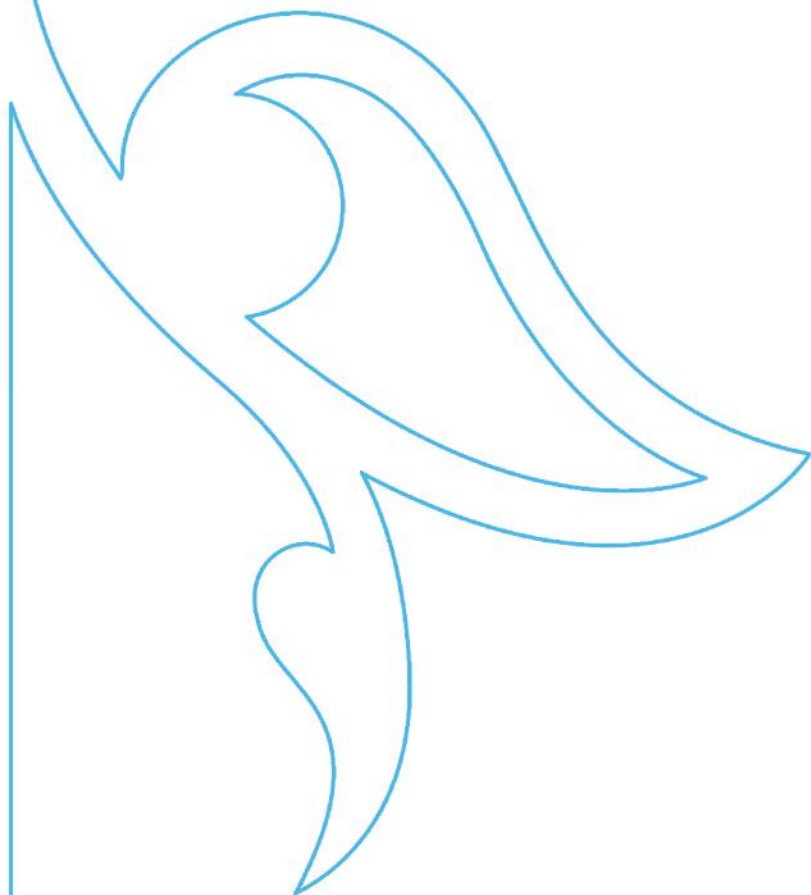


### فهرست تفصیلی

۱. لزوم تمرکز بر روی مفهوم کارآمدی برای به چالش کشیدن جریان توسعه‌گرای وطنی ..... ۱۷
- ۱/۱. لزوم داشتن یک نقطه مشترک برای تفاهم با جریان توسعه‌گرا و مقابله هدایت‌بنیان ..... ۱۷
- ۱/۲. شروع از مبانی نظری و پایه‌هایی مانند انسان‌شناسی، روش تحقیق؛ اشتباه فعلی نیروهای انقلاب برای نقد غرب و مقابله با مدرنیته ..... ۱۸
- ۱/۲/۱. به چالش کشیده‌نشدن غرب در ذهن مردم در طول این ۴۰ سال؛ نتیجه استفاده از مبانی نظری ..... ۱۸
- ۱/۳. ادعای کارآمدی و حل مشکلات؛ نقطه شروع تفاهم جریان توسعه‌گرا با مردم ..... ۱۸
- ۱/۴. به چالش کشیدن مفهوم کارآمدی (همان ادعای جریان توسعه‌گرا)؛ نقطه شروع جریان الگوی پیشرفت اسلامی برای مقابله با جریان توسعه‌گرای وطنی ..... ۱۹
۲. عدم توازن؛ محور کارآمدی ادعایی غرب و لزوم به چالش کشیدن عدم توازن‌های ادعایی ..... ۱۹
- ۲/۱. مفهوم تعادل؛ تئوریزه‌کننده کارآمدی غرب و لزوم به چالش کشیدن این مفهوم ..... ۱۹
- ۲/۲. ادعای حل عدم تعادل‌ها و عدم توازن‌ها توسط جریان توسعه‌گرا و لزوم به چالش کشیدن عدم توازن‌هایی ادعایی این جریان ..... ۱۹
۳. افزایش فاصله پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به دلیل استفاده سرمایه‌ها در اموری مانند حج و عزاداری؛ یکی از عدم توازن‌های ادعایی جریان توسعه‌گرا و لزوم به چالش کشیدن این عدم توازن ..... ۲۰
- ۳/۱. نامتوازن محسوب کردن نذورات ماه محرم، پول‌های حج و ... به دلیل افزایش فاصله میان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری؛ یکی از نامتوازن‌های ادعایی جریان توسعه‌گر ..... ۲۰
- ۳/۲. از بین رفتن توحید و در نتیجه عدم مدیریت فقر انسان‌ها به صورت واقعی و ایجاد اصطکاک میان افراد جامعه؛ نتیجه تعطیل کردن حج ..... ۲۰
- ۳/۳. از بین رفتن روحیه ایثار و در نتیجه ایجاد هزینه برای فقرا و عدم رسیدگی افراد جامعه به یکدیگر؛ نتیجه تعطیل کردن عزاداری و مراسمات اهل بیت علیهم‌السلام ..... ۲۱
- ۳/۴. ایجاد صندوق‌های قرض الحسنه خانگی، تأسیس موقوفات و کاهش جرم در ماه محرم و صفر؛ نمونه‌هایی از فواید هزینه‌کردن برای حج و عزاداری ..... ۲۲
- ۳/۵. تأمین امنیت ایران با هزینه‌ای بسیار اندک برخلاف امنیت کشورهای توسعه‌یافته به دلیل گسترش روحیه ایثارگری؛ از دیگر فواید گسترش عزاداری امام حسین علیه‌السلام به عنوان عامل اصلی ایجاد روحیه ایثارگری ..... ۲۴
- ۳/۶. گسترش هزینه‌های صرف‌شده برای دین‌داری؛ نشان از قدرت تفاهم بسیار بالای دین ..... ۲۵
۴. به چالش کشیدن عدم توازن‌های ادعایی جریان توسعه‌گرا، مشخص‌نمودن عدم توازن‌های فرهنگی در کنار عدم توازن‌های اقتصادی و تبیین نسبت میان عدم توازن‌های فرهنگی و اقتصادی؛ سه سطح فعالیت برای به چالش کشیدن کارآمدی غربی ..... ۲۶
- ۴/۱. عدم توازن؛ محور تمام مفاهیم توسعه‌ غربی و ایجاد چالش برای جریان توسعه‌گرا در صورت به چالش کشیدن این مفهوم ..... ۲۷
- ۴/۲. به چالش کشیدن برنامه ششم توسعه؛ نمونه‌ای از کارآمدی نظریه هسته‌های توازن فرهنگی ..... ۲۷



## جلسه سی و ششم



امور ضد زیرساخت‌های هدایت؛ معنای عدم توازن از  
نگاه الگوی پیشرفت اسلامی



## شناسنامه جلسه سی و ششم

عنوان  
امور ضد زیرساخت‌های هدایت: معنای عدم توازن از نگاه الگوی پیشرفت  
اسلامی

تاریخ نشست  
۱۳۹۵ آذر ۲۰

مشخصات اثر  
۱۴ صفحه (قطع رحلی)

در دو جلسه گذشته مباحث این دوره بحثی وارد سطح جدیدی شد؛ در واقع پس از اینکه الگوی ساخت یا همان الگوی برنامه‌ریزی اسلامی را توضیح دادیم، این نکته مطرح شد که در حال حاضر جریان توسعه گرا تئوری‌های الگوی پیشرفت اسلامی و برنامه‌ریزی اسلامی را اصلاً قبول ندارد؛ حال سؤال این است که چگونه آنها را به ضرورت توجه به الگوی ساخت رهنمون کنیم؟

در پاسخ به این سؤال گفتیم که باید وارد گفت‌وگو با این جریان شده و به نقد آن بپردازیم تا اشکالات این جریان معلوم گردد. اما هنگام تفاهم با جریان توسعه گرا باید یک نقطه شروع مشترک داشته باشیم. این نقطه مشترک چیست؟ همان‌طور که در جلسات گذشته بیان شد، نقطه شروع تفاهم با جریان توسعه گرا مفهومی به نام کارآمدی است؛ در واقع جریان توسعه گرا مدعی است که در حل مسائل اجتماعی و مشکلات جامعه کارآمد است و می‌تواند مسائل را حل کند. جریان الگوی پیشرفت اسلامی نیز باید از همین نقطه وارد شده و کارآمدی جریان توسعه گرا را به چالش بکشد.

اما محور کارآمدی در جریان توسعه گرا چیست؟ جریان توسعه گرا کارآمدی را به محوریت مفهومی به نام تعادل و توازن تعریف می‌کند؛ در واقع این جریان معتقد است که باید عدم تعادل‌ها و عدم توازن‌ها را شناسایی کرد تا مسائل جامعه حل شوند. اما مراد این جریان از عدم توازن چیست؟ جریان توسعه گرا معتقد است هر امری که با اقتصاد نامتوازن باشد، یک عدم تعادل محسوب می‌شود و باید برطرف گردد.

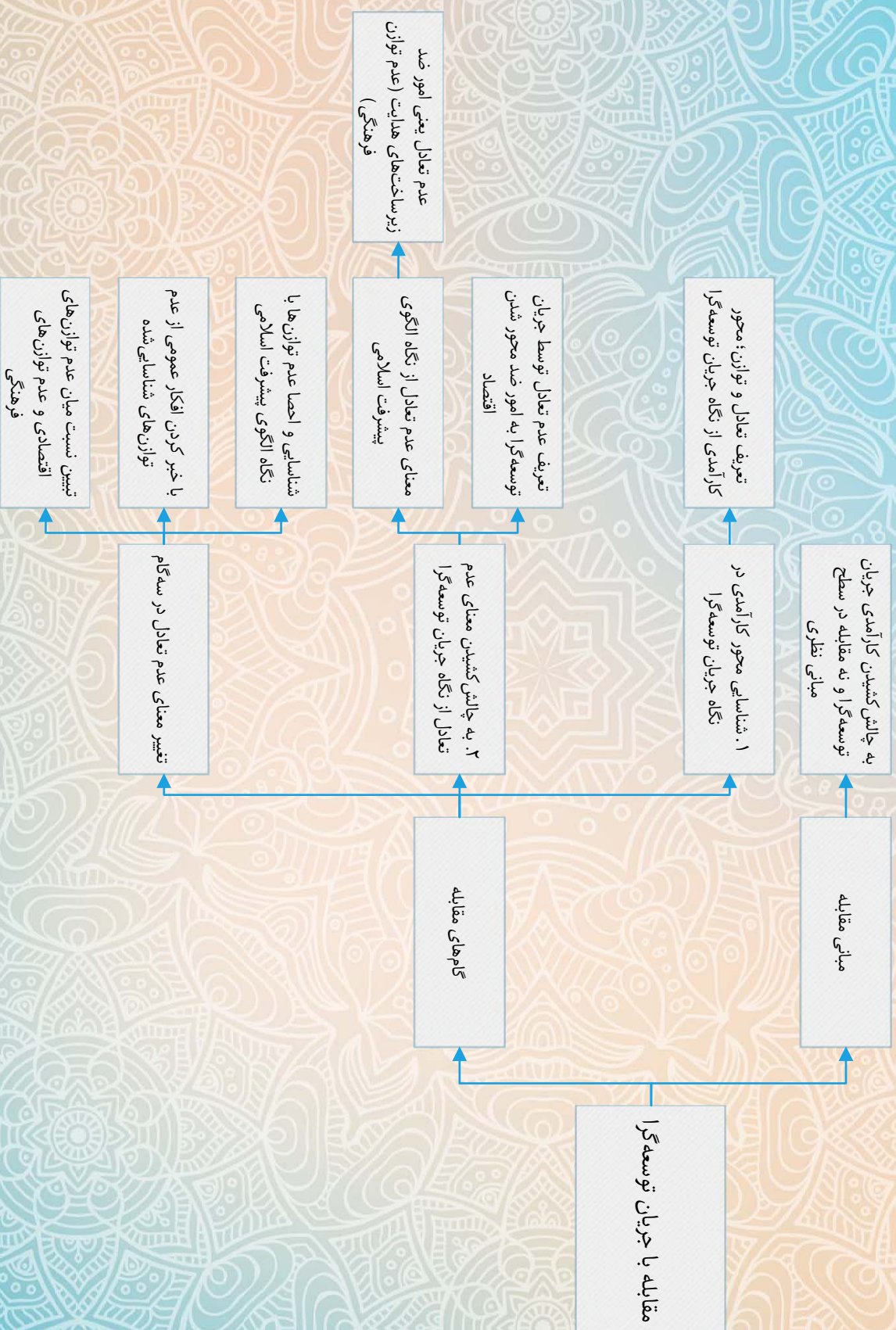
اما جریان الگوی پیشرفت اسلامی در همین نقطه وارد مصاف با جریان توسعه گرا شده و تعریف این جریان از عدم تعادل را به چالش می‌کشد. از منظر الگوی پیشرفت اسلامی عدم تعادل، هر امری است که به زیرساخت‌های هدایت ضربه بزند. در واقع اگر ما اقتصاد را محور تعادل اجتماعی قرار دهیم نه تنها عدم تعادل‌ها برطرف نمی‌گردند بلکه جامعه دچار عدم تعادل می‌شود. جریان الگوی پیشرفت اسلامی از امور ضد زیرساخت‌های هدایت به عدم توازن فرهنگی تعبیر می‌کند.

حال سؤال این است که نقشه مقابله با جریان توسعه گرا را چگونه به محوریت عدم توازن‌های فرهنگی تنظیم کنیم؟ گام اول این است که عدم توازن‌های فرهنگی را احصا و شناسایی کنیم. سپس در گام دوم باید افکار عمومی را متوجه این عدم توازن‌ها نموده و در گام بعد نیز نسبت میان عدم توازن‌های فرهنگی و عدم توازن‌های اقتصادی را بحث کنیم

### فهرست اجمالی

۳۵	۱. مقابله با غرب از پایگاه کارآمدی؛ راهکار کنترل جریان توسعه‌گرای وطنی
۳۸	۲. توازن (تعادل)؛ محور کارآمدی از نگاه جریان توسعه‌گرا و لزوم به چالش کشیدن این مفهوم
۳۹	۳. تعریف نقشه الگوی پیشرفت اسلامی از عدم توازن به محوریت هدایت و زیرساخت‌های آن (عدم توازن فرهنگی)
۴۲	۴. شناسایی عدم توازن‌های فرهنگی، به وسیله تبیین افکار عمومی از این عدم توازن‌ها و تبیین نسبت میان عدم توازن‌های فرهنگی و اقتصادی؛ گام‌های سه‌گانه اصلاح معنای عدم تعادل و عدم توازن
۴۴	۵. متفاوت‌بودن عدم توازن و پایه تصمیم
۴۷	پرسش و پاسخ









### ۱. مقابله با غرب از پایگاه کارآمدی؛ راهکار کنترل جریان توسعه‌گرایی وطنی

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين لاسيما على بقية الله في الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

امروز روز آغاز آخرین هفته از این هشت هفته مباحثات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در دانشگاه شریف است. «خَتَامُهُ مِسْكٌ»<sup>۱</sup> باشد و خدای متعال این زحمات، قدم‌ها و تلاش‌های شما را ذخیره قبر و قیامت همه ما قرار دهد. همان‌طور که در جلسه گذشته عرض کردم ما به باز تعریف نقشه مقابله با جریان توسعه‌گرایی وطنی نیاز داریم. هفتاد سال است که به اسم توسعه غربی در این کشور ناکارآمدی ایجاد می‌شود، ولی جریان توسعه غربی کماکان در بسیاری از حوزه‌ها وارد گفت‌وگو شده و خود را به پذیرش می‌رساند.

۱/۱. معتقد بودن مردم به جریان توسعه غربی با وجود ناکارآمدی‌های این جریان در طول سالیان متمادی و لزوم ارائه راه حلی برای رفع این چالش

این معما را چگونه باید حل کرد؟ ناکارآمدی جریان توسعه غربی مورد اتفاق است؛ بعد از نوشته شدن برجام و نقض مکرر آن، این ناکارآمدی عمومی هم شده است ولی چه می‌شود که با توجه به همه این ناکارآمدی‌ها جریان توسعه غربی می‌تواند تفاهم ایجاد کند؟ حداقل تا قبل از برجام این‌گونه بود، یعنی دولت یازدهم که توسعه‌گراترین دولت جمهوری اسلامی است؛ با شعار تدبیر و امید روی کار آمد و مدعی شد که برای مسائل مختلف از خشک‌سالی و آلودگی هوا تا رکود، تورم و روابط بین‌الملل راه‌حل دارد.

۱. خَتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ؛ سوره مبارکه مطففین آیه ۲۶ [باده ای که] مهر آن مشک است و در این [نعمتها] مشتاقان باید بر یکدیگر پیشی گیرند



شرایط کنونی جریان توسعه‌گرا که کاملاً در مقام دفاع قرار گرفته است و حالت تدافعی آن واضح است را نبینید؛ بنده در خاطر دارم که قبل از سر کار آمدن دولت نهم، میزان مشارکت مردم تهران در یک انتخابات شورای شهری تنها دوازده یا سیزده درصد بود.<sup>۲</sup> یعنی پایان دوره اصلاحات آنقدر ناامیدی بالا بود که سطح مشارکت مردم در انتخابات تا این حد کاهش یافت. چه می‌شود که این حالت‌ها تکرار می‌شود ولی جریان توسعه‌گرا فرصت بازتعریف و بازیابی خود را می‌یابد؟! مقام معظم رهبری در تهران نماندند و به یک شهر با جمعیت کمتر از صد هزار نفر تشریف بردند<sup>۳</sup> و طبق قانون اگر شخصی وارد یک شهر کم جمعیت [با حد نصاب] کمتر از صد هزار نفر شود نمی‌تواند در انتخابات شرکت کند. رهبر معظم انقلاب در پایان دوره اصلاحات و در زمان انتخابات شورای شهر برای اینکه انقلاب در مقابل مردم قرار نگیرد در آن انتخابات شرکت نکردند و به آن شهر کم جمعیت رفتند. رسماً هم در تلویزیون اعلام شد که طبق قانون ایشان نمی‌تواند در انتخابات شرکت کنند. آن ناامیدی عجیبی که دولت اصلاحات در پایان عمر خود ایجاد کرده بود، منجر به روی کار آمدن دولت نهم و دهم شد که یک فرصت تاریخی عجیب در اختیار قرار گرفت.

بنده اکنون قصد بازخوانی آن دوره‌ها و اشتباهاتی که اتفاق افتاده است را ندارم، بلکه حرف بنده بر سر این موضوع است که در ایران بار اول نیست که مردم از تدابیر مبتنی بر توسعه ناامید شده‌اند. ولی باز شاهد آن هستیم که فکر توسعه در یک فرصت چند ساله خودش را با استفاده از حافظه فراموش‌کار ما احیاء می‌کند و دوباره تحت عنوان یک برنامه و طرح جدید روی کار می‌آید. این معما را باید چگونه حل کنیم؟

در جلسه گذشته عرض کردیم که علت اصلی آن این است که جریان فکری فرهنگی انقلاب به فکری فرهنگی انقلاب به ۱/۱/۱. عدم ورود جریان فکری فرهنگی انقلاب به موضوع نظریه‌پردازی برای حل مشکلات مردم و ادعای حل مشکلات توسط توسعه غربی؛ علت

در جلسه گذشته عرض کردیم که علت اصلی آن این است که جریان فکری فرهنگی انقلاب به مسئله نظریه‌پردازی - آن هم نظریه‌پردازی برای حل مشکلات مردم - کمتر توجه کرده است. بیش از نود درصد از متفکرین فعال در جبهه فکری فرهنگی انقلاب به هنگام مواجهه با فکر غرب و به چالش کشاندن آن، بحث خود را از پایگاه نظری آغاز می‌کنند. لذا عملاً میدان برای جریان توسعه‌گرا خالی می‌شود تا سوار بر مشکلات مردم شود و ادعای کارآمدی نماید.

مثلاً ادعا می‌کند در مورد مشکلات محیط زیست، مشکلات اقتصادی، مشکلات خانوادگی و مسئله بسیار تلخ طلاق در شهر تهران و مسائل فراوانی که در جامعه ایران نیاز به مدیریت دارد حرف کارآمد دارد. بالاخره مردم می‌خواهند مشکلات حل شود؛ شما تصور کنید جریان فعال در جبهه فکری فرهنگی انقلاب، این موضوعات را مسئله خود قرار ندهد و برای آن نشست نگذاشته و تلاش فکری و علمی نکند؛ در این صورت پیداست که رقیب بعد از مدتی با تغییر در شخصیت خود و با یک تغییر روبنایی ورود پیدا کرده و ادعا می‌کند تدابیری را برای حل آن مسائل در اختیار دارد.

در همین نشست اخیری که مقام معظم رهبری با فعالان فرهنگی جبهه فکری فرهنگی انقلاب داشتند خطاب به فعالان فکری فرهنگی فرمودند:<sup>۴</sup> مخاطب خود را فقط کسانی که معتقد به انقلاب

۲. انتخابات دومین دوره شوراهای شهر و روستا، ۹ اسفند ۱۳۸۱؛ تعداد آراء: ۵۲۶۹۷۲ رأی (حدود ۱۲.۷ درصد مشارکت)

۳. کنارک استان سیستان و بلوچستان

۴. در دیدار با نیروهای قرارگاه قرب بقیةالله ۱۹ آبان ۱۳۹۵



هستند تعریف نکنید؛ یعنی ما یک جبهه فکری فرهنگی داریم ولی یک غفلت بزرگ در آن وجود دارد؛ هیچ برنامه مدونی برای - اصطلاحاً - قشر خاکستری و آنهایی که چالش در ذهنشان وجود دارد نداریم. برای بسیاری از مشکلات پرونده تحقیقی پژوهشی تشکیل نداده‌ایم؛ وقتی پرونده تشکیل ندهیم جریان توسعه‌گرا خود را به عنوان راه‌حل معرفی خواهد کرد. این نکته داستان است. این گزارش را یک برادر کوچک که بیش از دو دهه آثار فکری همه جریان‌های فکری فرهنگی انقلاب را بررسی کرده ارائه می‌دهد. بنده نه از سر خواندن گزارش‌های دیگران، بلکه از سر تجربه، همکاری و رفت‌وآمد با فعالان مکاتب مختلف این گزارش را مطرح می‌کنم؛ آنقدر روی مبانی نظری و مباحث روش تحقیق بحث می‌کنند که با تمام ناکارآمدی جریان توسعه‌گرا، بازهم جبهه توسعه‌گرا خود را به عنوان راه‌حل معرفی می‌کند. این مشکل ماست. این مشکلی است که ما باید به نوعی آن را مدیریت کنیم.

۱/۲. لزوم اجتناب از نقد  
نظری غرب در دور جدید  
فعالیت‌های جبهه فکری  
فرهنگی انقلاب

حال بر اساس بازخوانی این تجربه تاریخی جبهه فکری فرهنگی انقلاب ما نکته‌ای را مطرح کرده‌ایم؛ دور جدید سازماندهی جبهه فکری فرهنگی انقلاب، نباید با تمرکز روی نقد مبانی نظری غرب آغاز شود. نباید هدف محوری دور جدید فعالیت‌ها بحث‌های مبانی نظری باشد. دقت بفرمایید بنده نمی‌خواهم جایگاه مبانی نظری را تضعیف کنم یا بگویم ما نیازی نداریم به مبانی نظری مسلط شویم، خیر این را نمی‌گوییم؛ بلکه می‌خواهم بگویم در مدیریت تحولات هیچ عاقلی بر روی مبانی نظری متمرکز نمی‌شود. اگر ما در حال اداره یک جامعه و همانند یک کشتی در حال حرکت هستیم، نمی‌توانیم مشکلاتی که برای یک جامعه در حال حرکت متصور است را نادیده بگیریم و از همه بخواهیم که سر کلاس مبانی نظری بیایند. بنده این را عرض می‌کنم. دو مقام وجود دارد، هر کس قصد یادگیری مبانی نظری را دارد برود این کار را انجام دهد؛ بی‌مایه فطیر است؛ باید همه مبانی نظری را بدانند. اما دعوا بر سر این است که آیا در مدیریت تحولات و در مشکلات جاری کشور می‌توان بحث را از مبانی نظری آغاز کرد یا خیر؟

به عنوان مثال امروزه ما مشکل پایه‌ی پولی و پول پرفشار داریم. این یک مشکل در سیاست‌های پولی و مالی است. اگر کسی برای حل این مشکل در یک مصاحبه و یا سخنرانی در جواب اینکه باید با این مشکل چه کار کرد، پاسخ دهد که اساساً اقتصاد غرب سودمحور است؛ حرف درستی است ولی آیا از نقد اقتصاد مبتنی بر سود، راه‌حلی برای حل این مشکل به وجود می‌آید یا خیر؟ اگر نتوانیم آن را به یک راه‌حل ختم نماییم دوباره جریان توسعه‌گرا خود را بازتعریف و بازتولید خواهد کرد.

۱/۳. لزوم مقابله با جریان  
توسعه‌گرا از پایگاه  
کارآمدی و اثبات  
ناکارآمدی جریان  
توسعه‌گرا و کارآمدی جبهه  
انقلاب

این عرض مشخص بنده با دوستان فعال در جبهه فکری فرهنگی انقلاب است. بنده اسم نمی‌برم ولی همه مجموعه‌هایی که به اسم جبهه فکری فرهنگی انقلاب در حال فکر کردن هستند، باید مصاف با جریان توسعه‌گرا را از پایگاه کارآمدی شروع کنند. او ادعای کارآمدی می‌کند و شما نیز باید از همین حیث به مصاف او بروید. نه اینکه به مبانی او نقد نظری وارد کنید. او هنگام ارتباط گرفتن با مردم از برداشتن تحریم‌ها، کاهش آلودگی هوا، مدیریت اشتغال، کاهش تنش



بین‌الملل و برداشتن ایران‌هراسی سخن می‌گوید. روی پنج یا ده مورد از مشکلات دست گذاشته و برای آن یک کار فکری هم انجام می‌دهد.

به عنوان مثال برای کاهش تنش در حوزه بین‌الملل، سیاست خارجی توسعه‌گرا را تئوریزه می‌کند. یا مثلاً برای حل مسئله تورم، بخش تولید را رندانه به رکود برده و با هر سیاستی که هست مسئله تورم را مقداری کنترل می‌کند. یک سری مشکلات را انتخاب کرده و بعد برای آنها راه‌حل‌هایی تدوین می‌کند. ما سبد مشکلات خود را در جبهه فکری فرهنگی انقلاب معلوم نمی‌کنیم و یا اگر برخی از ما معلوم می‌کنند، راه‌حل‌هایی که ارائه می‌دهیم خیلی به راه‌حل‌های جریان توسعه‌گرا شبیه است. راه‌حل‌های ما تدوین شده نیست، به تفاهم رسیده نیست. در این حالت طبیعی است که بیست سال هم این دور ادامه پیدا کند، دوباره آنها خود را به عنوان یک نظر کارآمد معرفی می‌کنند.

۱/۳/۱. کارآمدی با نگاه  
دینی و حجیت‌یافته؛ مراد  
جریان الگوی پیشرفت  
اسلامی از کارآمدی

عرض بنده این بود که محور نقشه جدید جبهه فکری فرهنگی انقلاب، باید مسئله کارآمدی باشد. منتهی کارآمدی با نگاه دینی و نگاه حجیت‌دار. حالا به چه شکلی ما نقشه‌ای به محوریت کارآمدی بکشیم؟ مثلاً الآن بعضی از اعضای جبهه انقلاب اسلامی پلی را که مثلاً چهار سال پروژه آن طول می‌کشد، دو ساله به اتمام می‌رسانند. منظور آنها از مفهوم کارآمدی این است. بیان می‌کنند که اگر یک پروژه چهارساله را دو ساله به اتمام رساندیم، این یعنی کارآمدی. باید توجه کنیم که این کار یک معنای بسیار حداقلی از کارآمدی است. کارآمدی دارای حجیت خیلی متفاوت با کارآمدی فقط از حیث زمان است که راه‌حل شما برای حل مسئله ترافیک هیچ فرقی با راه‌حل جریان توسعه‌گرا نکند و آنها بحث را در چهار سال به اتمام برسانند و شما آن را در دو سال به اتمام برسانید. این معنا از کارآمدی را خصوصاً در شهرداری تهران تبلیغ می‌کنند. خیر، بنده کارآمدی دارای حجیت را بحث می‌کنم. پس مدیریت تحولات باید به محوریت مسئله کارآمدی تعریف شود. این حرفی بود که بنده در جلسات گذشته مطرح کردم.

## ۲. توازن (تعادل)؛ محور کارآمدی از نگاه جریان توسعه‌گرا و لزوم به چالش کشیدن این مفهوم

۲/۱. تعادل (توازن)؛ محور  
کارآمدی در نگاه جریان  
توسعه

در دستگاه جریان فکری توسعه‌گرا کارآمدی یا ناکارآمدی یک اصطلاح محوری دارد و به محوریت یک اصطلاح بازتعریف می‌شود و آن اصطلاح عدم تعادل یا عدم توازن است. در واقع جریان توسعه‌گرا وقتی می‌خواهد با مردم در حوزه نظام برنامه‌ریزی صحبت کند و می‌خواهد از پایگاه برنامه ورود پیدا کند، به دنبال شناسایی عدم توازن‌ها می‌گردد. این اصطلاح عدم توازن‌ها، اسم علمی همین مفهوم ناکارآمدی و کارآمدی هست که ما راجع به آن صحبت می‌کنیم. اصطلاح این جریان در حوزه برنامه‌ریزی است. وقتی می‌خواهند در حوزه برنامه‌ریزی صحبت کنند از هر مسئله چالش‌برانگیز به یک مسئله نامتوازن تعبیر می‌کنند و بحث را از این نقطه شروع می‌کنند.

۲/۲. لزوم به چالش کشیدن  
مفهوم تعادل و توازن به  
منظور به‌چالش کشیدن  
کارآمدی توسعه‌گری

ما گفتیم که اگر بخواهیم جریان توسعه‌گرا را به چالش بکشیم باید مفهوم محوری آنها برای تئوریزه کردن کارآمدی و یا ناکارآمدی را به چالش بکشیم. یعنی هرکجا آن جریان ورود پیدا کرد و بیان کرد که موضوعی نامتوازن است، ما بیاوریم این موضوع را مورد نقد و بحث و بررسی قرار دهیم و ببینیم آیا ادعای آنها در مورد ناموزونی در یک موضوع صحیح است و یا خیر.



اگر دیالوگ با جریان توسعه‌گرا را از این نقطه شروع کنید، دیگر آنها نخواهند توانست با جریان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت وارد بحث نشوند. هر وقت هر موضوعی را به‌عنوان یک امر ناموزون معرفی کردند، ما باید بررسی آن ادعا را در دستور کار خود قرار دهیم.

در جلسه گذشته عرض کردم که از منظر این جریان گپ بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری یک ناموزون بود. بعد بنده نشان دادم که بسیاری از پول‌هایی که پس‌انداز نمی‌شوند، صرف تولید اخلاق می‌شود و نه تنها ناموزون نیست، بلکه به دلیل اینکه منجر به بهینه روابط انسانی می‌شود، توازن در جامعه را تقویت کرده و منجر به تعادل هم خواهد شد.

### ۳. تعریف عدم توازن توسط الگوی پیشرفت اسلامی به محوریت هدایت و زیرساخت‌های آن (عدم

#### توازن فرهنگی)

مثالی که بنده در جلسه گذشته راجع به هزینه‌های حج، هزینه‌های مراسمات عزاداری، هزینه‌هایی که ما از این نوع انجام می‌دهیم تا روابط انسانی بهینه شود، باید همه‌جا این راهبرد تکرار شود؛ هر کجا جریان توسعه‌گرا سخن از یک امر نامتوازن به میان آورد، ما باید وارد بحث و بررسی شویم. چون جریان توسعه‌گرا به‌عنوان یک پیش‌فرض پذیرفته که هر آنچه با محور بودن اقتصاد در تعارض است، یک امر ناموزون است. اصلاً تعریف کلی آنها از عدم توازن این است که عدم توازن یعنی هر آنچه که با محوریت اقتصاد در تعارض باشد.

ما هم در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به‌عنوان پیش‌فرض اعتقاد داریم که محور قرار دادن اقتصاد همه‌چیز را نامتوازن خواهد کرد. این هم پیش‌فرض دستگاه فکری الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. اقتصاد اساساً ظرفیت ندارد که محور تعادل اجتماعی قرار گیرد، به دلیل اینکه بخشی از جهت‌سازها را پردازش می‌کند و هر آن چیزی که بخشی از جهت‌سازها را پردازش می‌کند، از همه جهت‌سازها غفلت کرده است. وقتی هم همه جهت‌سازها پردازش نشدند، انسان نامتعادل شده است. پس در جریان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ما چیزی را محور تعادل قرار می‌دهیم که قابلیت پردازش همه جهت‌سازها در آن وجود داشته باشد. مفصل عرض کرده‌ایم که اگر وعاء فکر انسان‌ها را موضوع قرار دهیم، وعاء فکر بر همه جهت‌سازها تأثیر می‌گذارد.

ما برخلاف بخش اقتصاد به افراد می‌گوییم فکر آنها باید مبتنی بر هدایت باشد؛ وقتی هدایت و حق، محور بازسازی حوزه فکر قرار گرفت، همه بخش‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از این فکر هدایت‌یافته تأثیر می‌پذیرند. برخلاف وقتی که می‌گوییم تأمین معیشت و اقتصاد، محور تعادل اجتماعی قرار می‌گیرد. یعنی از اول بیان می‌کنید که کل نظام حکومتی - کما اینکه آقای سریع القلم و بقیه هم گفته‌اند - وظیفه‌اش رفاه و بهداشت است<sup>۵</sup>، یعنی از اول انسان را به حیوان تقلیل می‌دهند.

۵. دولت رفاه دولتی است که نهادهای قدرت از طریق قانون، وظیفه تهیه و بهبود رفاه عمومی را وظیفه مقدم خود می‌شمارند. و دولت رفاه در عمل، بدان معناست که هیچ کس بدون درآمد نمی‌تواند زندگی کند. لذا دولت همه کسانی که به نحوی از انحاء و بنابر هر دلیلی قادر به تأمین هزینه‌های خود نیستند، کمک‌های نقدی می‌کند. بدین ترتیب دولت یا از طریق تضمین یک حداقل درآمد ثابت (به عنوان مثال حقوق بیکاری، بیمه سالخوردگی) یا از طریق کمک‌های نقدی دیگر، در هنگام سوانح کاری، ناتوانی جسمی و روحی، بیماری، سالخوردگی و فشارهای اقتصادی و ناتوانی در امرار معاش





بیان می‌کنند که ما نیازهای حیوانی را برطرف می‌کنیم. تجربه کشورهای توسعه‌گرا نشان داده است که وقتی شما هدف را اقتصاد قرار می‌دهیم، حتی همان اقتصاد هم برای همه تأمین نمی‌شود. پس بنابراین عدم‌تعادل پایه‌گذاری خواهد شد.

لذا آنها تعریفی از عدم توازن دارند و ما هم تعریف دیگری از عدم توازن داریم؛ آن‌ها می‌گویند هر آن چیزی که در تعارض با محوریت اقتصاد باشد یک عدم توازن است. مثلاً در حوزه فرهنگ مسئله‌ای مانند مقام مقدس مادر منجر به تضعیف اقتصادمحوری می‌شود و در نتیجه یک عدم توازن است. گپ بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در حوزه اقتصاد نیز یک عدم توازن می‌باشد. سیاست خارجی انقلابی، سیاست خارجی‌ای که از مظلوم دفاع می‌کند و با ظالم مقابله می‌کند، یک عدم توازن است. هر آن چیزی که محور بودن اقتصاد را تضعیف کند، از نظر جریان توسعه‌گرا عدم توازن است.

ما در بحث‌های الگوی پیشرفت اسلامی گفته‌ایم هر آن چیزی که به هدایت و زیرساخت‌های هدایت ضربه بزند، عدم توازن است. چون هدایت، وعاء فکر را بهینه می‌کند و در بهترین وضعیت تأثیرگذاری قرار می‌دهد. بنابراین هر چیزی که منجر به گمراهی و ضلالت انسان‌ها شد، به دلیل جایگاه محوری هدایت، یک عدم توازن است.

همان‌طور که عرض کردیم هدایت دارای زیرساخت است؛ هر چیزی که با زیرساخت‌های هدایت در تعارض باشد، تبدیل به یک عدم توازن می‌شود. پس دو تعریف از عدم توازن داریم؛ تعریفی که امر نامتوازن را به تعارض با محوریت اقتصاد تعریف می‌کند و تعریفی که امر نامتوازن را به محوریت هدایت تعریف می‌کند. آنگاه به دلیل اینکه هدایت دارای زیرساخت است، هر آنچه با زیرساخت‌های هدایت در تعارض است، نامتوازن خواهد شد.

مثلاً اگر نفی سبیل زیرساخت هدایت است پس جذب سرمایه‌گذاری خارجی به دلیل اینکه موجب به چالش کشیده شدن مسئله نفی سبیل می‌شود امری ناموزون است. اساساً محور قرار دادن سرمایه‌گذاری خارجی برای اقتصاد یک نامتوازن است. ببینید اختلاف دید پیدا می‌شود. حال بگذریم از اینکه در زمان دولت یازدهم شعار این بود که به‌وسیله برجام سرمایه‌گذاری خارجی را بالا می‌بریم، سرمایه‌گذاری خارجی در زمان دولت توسعه‌گرای آقای روحانی نسبت به دولت آقای احمدی‌نژاد عدد قابل توجهی کاهش پیدا کرد، یعنی بگذریم از اینکه حتی شعار آنها هم محقق نشد.<sup>۷</sup> به هر مقدار هم امتیاز داده و هر مقدار هم به کدخدا باج می‌دهند، اما آمارها نشان می‌دهد که

۳/۲. امور ضد زیرساخت‌های هدایت؛ تعریف الگوی پیشرفت اسلامی از عدم توازن و عدم تعادل

۳/۲/۱. محوریست سرمایه‌گذاری در اقتصاد؛ یک عدم توازن از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی به دلیل ضدیت آن با نفی سبیل

موقعیت افراد را تضمین می‌کند. [۱] چنین دولتی وظیفه دارد برای همگان، زگهواره تا گور، امکانات پرستاری درمانی، بیمه بیماری و بیکاری، بازنشستگی، اعانه خانوادگی و مسکن و خدمات آموزشی و مانند آن‌ها را فراهم کند. [۲]

[۱]. رحیق اعصاب، علی؛ دانشنامه در علم سیاست، تهران، فرهنگ صبا، ۱۳۸۴، ص ۴۰۳

[۲]. آشوری، داریوش؛ دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید، ۱۳۷۳، ص ۱۶۴

۶. روحانی با بیان اینکه البته در میان اشکال مختلف ورود سرمایه خارجی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند به طور همزمان باعث ورود منابع مالی و فناوری به کشور شده و شرکت‌ها و کشورهای سرمایه‌گذار را در امنیت و ثبات سیاسی کشور ذی‌نفع کند، اظهار داشت: از این رو جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کاملترین صورت بهره‌گیری از فرصت رفع تحریم‌ها برای ارتقاء اقتصاد و امنیت کشور خواهد بود.

دکتر روحانی در صحن علنی مجلس، ۲۷ دی ۱۳۹۴، به نقل از خبرگزاری تسنیم <http://yon.ir/54qc5>

۷. به پیوست شماره ۱ مراجعه فرمائید.



سرمایه‌گذاری خارجی پایین آمده است. ما این موضوع را در همین گزارش‌ها منتشر کردیم؛ هم محاسبات داخلی این موضوع را نشان می‌دهد و هم گزارش آنکتاد<sup>۸</sup> این موضوع را نشان می‌دهد. این هم یک مسئله‌ای است و ما هم همیشه عرض کرده‌ایم که محاسبات جریان توسعه‌گرا همیشه بر روی کاغذ است و واقعی نیست. اما به‌هرحال به لحاظ تئوریک از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی نمی‌توانیم سرمایه‌گذاری خارجی را ابزار حل مشکلات اقتصادی قرار دهیم؛ زیرا نفی سبیل را به چالش خواهد کشاند، پس هر آنچه در تعارض با نفی سبیل است یک عدم توازن خواهد شد.

در مثالی دیگر اشتغال بانوان در جامعه دوره تربیت را به چالش خواهد کشاند، پس برنامه‌ریزی حکومت برای افزایش اشتغال بانوان یک عدم توازن خواهد شد. فقط توجه کنید که بنده در این جلسه می‌خواهم ملاک را بحث کنم؛ هدایت، بنیان اداره جامعه است و زیرساخت‌هایی دارد و هر آنچه با زیرساخت‌های هدایت در تعارض باشد یک نامتوازن خواهد شد.

اما ما بحث را با این افراد از نگاه نظری در این پیشنهاد شروع نکرده‌ایم؛ در اصل، تعریف کارآمدی را تغییر دادیم. یعنی دعوی را راه انداختیم و هر دو طرف در این دعوی کارآمدی هستیم؛ منتهی یک کسی کارآمدی را به محوریت بهینه شدن روابط انسانی تعریف می‌کند که همه تلاش ما در این دوره این بود که این معنای مظلوم که از آن غفلت شده است را دوباره زنده کنیم، یک نگاه هم کارآمدی را به بهینه شدن ارزش افزوده تعریف می‌کند. هرچه ارزش افزوده یک جامعه را بالا ببرد، آن کار باعث کارآمدی خواهد شد. اما آن نگاه بیان می‌کند هر چه روابط انسانی را بهینه کند، کارآمدی محسوب می‌شود. ببینید، خیلی حساب فرق می‌کند. یعنی دیگر بحث نظری آغاز نشده است، ما نقد نظری به غرب نکرده‌ایم، به آکسیوم‌های (پیش فرض‌های) غرب اشکال نگرفته‌ایم، به روش تحقیق غرب اشکال نگرفته‌ایم. نه اینکه روش تحقیق و پیش فرض‌های توسعه غربی قابلیت اشکال ندارند، خیر ما از اینجا بحث را با جریان توسعه‌گرا شروع نمی‌کنیم.

لذا ما در برنامه ششم یک بسته عدم توازن را در میان نمایندگان مجلس و در گفت‌وگوهای دوران تصمیم‌سازی برای برنامه ششم، شرح دادیم. مثلاً دائماً پرسیدیم: دولت می‌خواهد طلاق چهل و دو درصدی تهران را چه کند؟ دائماً پرسیدم، با توجه به اینکه در طول بیست و چندسال بعد از جنگ، نرخ سرمایه‌گذاری خارجی، بسیار پایین بوده چرا در برنامه ششم حجم سرمایه‌گذاری خارجی را این مقدار بزرگ و غیر واقعی در نظر گرفتید؟<sup>۹</sup> سؤالات از پایگاه کارآمدی بوده است. ما دائماً گفته‌ایم که این محاسبه غلط است. همیشه پرسیده‌ایم که مسئله افزایش جرم در جامعه را چطور می‌خواهید مدیریت کنید؟

همیشه پرسیده‌ایم چطور می‌خواهید مسئله ربا را از بانک‌ها حذف کنید؟ ربا که جنگ با خداست، یک اثر بسیار سوء در روابط انسانی دارد. طرف گرفتار است، مجبور است پولی را تهیه کند، بعد شما با تحمیل ربا پولی را به او می‌دهید و با این کار در جامعه کینه ایجاد می‌کنید. نمی‌دانم در جامعه‌ای

۸. کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل که به اختصار آنکتاد UNCTAD نامیده می‌شود. این کنفرانس گزارش‌های آماری مربوط به حوزه تجارت را به صورت سالانه ارائه می‌دهد

۹. سهم منابع خارجی در درآمد: ۱۶۰۷ هزار میلیارد ریال (۲۲.۲ درصد)؛ این آمار مربوط به لایحه برنامه ششم کشور است.



که ربا اصل است چه مقدار هزینه مادی ایجاد می‌شود؟! مسئله ربا روابط انسانی را به چالش می‌کشد! حکم اسلام برای کسی که از نظر مالی تحت فشار بوده، قرض الحسنه است. یعنی به او رفق کنید و مشکلش را حل کنید. بانک‌های ما حساب‌های قرض الحسنه را تجمیع می‌کنند، به کارکنان خودشان وام می‌دهند. این عدم توازن‌های جامعه ماست.

۳/۳. تفاهم گسترده حول الگوی پیشرفت اسلامی؛ نتیجه نقد توسعه غربی به محوریت عدم توازن‌ها

به نظرم عدم توازن‌های ما خیلی قابل تفاهم‌تر از عدم توازن‌هایی است که جریان توسعه‌گرا راجع به آن صحبت می‌کند. از وقتی سبب عدم توازن‌ها با نگاه الگوی پیشرفت را در جامعه مطرح کردیم، نخبگان و عامه مردم همه از این بحث استقبال کردند. بسیاری از این جریان‌های فکری فرهنگی که الان در حوزه انقلاب هستند، اساتید ما هستند ولی به دلیل اینکه از حوزه نقد نظری غرب شروع می‌کنند، پایگاه تفاهم آنها بسیار کم است. حداکثر کسانی که علاقه‌مند به بحث‌های نظری هستند، در این بحث‌ها شرکت می‌کنند ولی پایگاه تفاهم ما بسیار بالاست. به دلیل این‌که نقطه شروع ما، مشکلی است که توسط مردم حس می‌شود. این بحث اصلی است.

#### ۴. شناسایی عدم توازن‌های فرهنگی، اطلاع‌رسانی افکار عمومی از این عدم توازن‌ها و تبیین نسبت

##### میان عدم توازن‌های فرهنگی و اقتصادی؛ گام‌های سه‌گانه اصلاح معنای عدم تعادل و عدم توازن

۴/۱. شناسایی عدم توازن‌های فرهنگی؛ گام اول بازتعریف معنای عدم تعادل

بنابراین نقشه باید به محوریت بازخوانی مفهوم عدم توازن طراحی شود. بنده از جریان توسعه‌گرا می‌پرسم که شما چه چیزی را عدم توازن می‌دانید؟ چه چیزی را ناموزون می‌دانید؟ بحث از اینجا شروع می‌شود. باید یک سبب عدم توازن شناسایی کنیم و این را در گام اول در فضای افکار عمومی و در ذهنیت مردم کنار عدم توازن‌های جریان توسعه‌گرا تثبیت کنیم. مراحل کار را از اینجا به بعد می‌گوییم؛ یعنی می‌گوییم نقشه‌ی جبهه فکری فرهنگی باید چگونه باشد. محور این نقشه درگیر شدن با تعریف غلط از مفهوم عدم توازن است. حال چطور درگیری را آغاز کنیم؟ چند مرحله کار است. مرحله اول این است که عدم توازن‌ها با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را احصاء کنیم. البته لازم نیست، همه را احصاء کنیم. بالاخره باید تعدادی را به تفاهم برسیم. به‌عنوان مثال می‌گوییم ما در جبهه فکری فرهنگی انقلاب به دنبال مدیریت ده عدم توازن هستیم. این گام اول است.

۴/۲. اطلاع‌رسانی افکار عمومی از عدم توازن‌های شناسایی‌شده؛ گام دوم بازتعریف معنای عدم تعادل

بعد در گام دوم تلاش کنیم افکار عمومی با خبر شوند که ما چه چیزی را مشکل اداره کشور می‌دانیم، این گام دوم است که باید تثبیت شود. باید به همه بگوییم - این کار تا بخش قابل توجهی اتفاق افتاده است - ما مسئله طلاق چهل و دو درصدی شهر تهران را یک عدم توازن می‌دانیم. مسئله آسیب‌های اجتماعی، مشکلات اجتماعی، کودکان کار، مجموعه سبب مسائل اجتماعی را یک عدم توازن می‌دانیم، فاصله طبقاتی را یک عدم توازن می‌دانیم؛ بالاخره باید اینها را احصاء کنیم. بعد اینها را باید دائماً به مردم بشناسانیم و توضیح دهیم که ما مشکل کشور را چه می‌دانیم.

آنگاه آرام آرام در افکار عمومی دو دسته عدم توازن شکل می‌گیرد. مثلاً به دلیل اینکه مدیریت تحولات توسط جریان توسعه‌گرا اتفاق افتاده، آن‌ها رکود را مشکل اصلی می‌دانند؛ ایران‌هراسی را مشکل می‌دانند؛ تورم را مشکل می‌دانند؛ در گام اول هم با عدم توازن‌هایی که آن‌ها معرفی می‌کنند



کار نداریم. بلکه سعی می‌کنیم سید عدم توازن‌ها، در عدم توازن‌های معرفی شده توسط جریان توسعه‌گرا منحصر نشود، این گام اول است. در ذهن‌ها باید تثبیت شود.

در گام بعد چه کار می‌کنیم؟ وقتی تثبیت شد - این گام آرام آرام آغاز می‌شود - نسبت بین عدم توازن‌های اقتصادی را با عدم توازن‌های فرهنگی یا هدایت بحث و بررسی می‌کنیم. وارد این بحث می‌شویم که به‌عنوان مثال تغییر فرهنگ منجر به بهینه شدن بحث‌های اقتصادی می‌شود یا نه، بهینه شدن اقتصاد منجر به بهینه شدن بخش‌های فرهنگی می‌شود؟ چون آنکه می‌گوید عدم توازن - ها، عدم توازن‌های اقتصادی هستند، اقتصاد را بنیان قرار می‌دهد. آنکه می‌گوید عدم توازن‌ها، عدم توازن‌های فرهنگی هستند، هدایت را بنیان قرار می‌دهد. باید نسبت این‌ها را بررسی کنیم.

وقتی این دیالوگ ادامه پیدا کند، هرکدام از دو جریان که غلبه پیدا کند به معنای غلبه دستگاه فکری است. یعنی اگر شما بتوانید نشان دهید، ریشه مشکلات اقتصادی و عدم توازن‌های اقتصادی مسائل فرهنگی هستند در واقع جریان الگو غلبه تئوریک بر جریان توسعه غربی پیدا کرده است. البته باید مسئله محور بحث کرد. بنده در اینجا راهبرد را توضیح می‌دهم. خود این یک بحث نظری است ولی بحثی نظری ویژه هیأت‌های اندیشه‌ورز جبهه فکری فرهنگی انقلاب که به آنها توضیح می‌دهد از کجا شروع کنند و به کجا ختم کنند. کار از شناسایی عدم توازن‌های فرهنگی شروع می‌شود سپس به سمت تثبیت عدم توازن‌ها در ذهنیت عمومی، سپس به سمت نسبت‌سنجی بین عدم توازن‌های جریان توسعه‌گرا و عدم توازن‌های معرفی شده توسط جبهه فکری فرهنگی انقلاب حرکت می‌کند. ولی این دیگر بحث نظری نیست که شما بگویید: یک بحث نظری را انجام می‌دهیم و کار را پیش می‌بریم.

حال ان شاء الله تتمه‌ای از بحث نظری هسته‌های توازن باقی مانده که فردا آن را عرض می‌کنم و بعد در ادامه جلسه گزارش برنامه ششم را می‌دهم. ما آجبا چهار موضوع جهت‌ساز یا چهار زیرساخت هدایت را انتخاب کردیم؛ زیرساخت پیشگیری از جرم، زیرساخت تربیت، زیرساخت اقتصاد و زیرساخت علم؛ ما در گام اول این چهار زیرساخت یا چهار موضوع جهت‌ساز را انتخاب کردیم و بعد آمادیم عدم توازن‌ها را به محوریت این‌ها سنجیدیم و بعد برای رفع این عدم توازن‌ها راه‌حل دادیم و این شد پیوست الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برای برنامه ششم.

لذا وقتی در مناظرات و گفت‌وگوها با نماینده‌های مجلس، با نمایندگان دولت قرار می‌گرفتم، بلافاصله سؤال می‌پرسیدم و یکی از این عدم توازن‌ها را مطرح نموده و تقاضا می‌کردم که آنها راه - حل ارائه دهند؛ چون بحث از حوزه کارآمدی شروع شده بود، هیچ‌کس تقریباً نمی‌توانست بگوید - خصوصاً در مناظراتی که بیننده تلویزیونی داشت و در دانشگاه‌ها برگزار می‌شد - بحث شما بحث سخیف است. بحث ما قابل فهم بود، چون روی مسئله کارآمدی دست گذاشته بودیم. حال من اینها را فردا تشریح می‌کنم تا این نظریه هسته‌های توازن بصورت ملموس‌تر در ذهن شما شکل بگیرد ولی الان تقریباً همه بحث را گفتم. یعنی روح اصلی نظریه هسته‌های توازن را توضیح دادم.

۴/۵. انجام گام‌های سه‌گانه توسط جریان الگوی پیشرفت اسلامی در برنامه ششم توسعه



## ۵. متفاوت بودن عدم توازن و پایه تصمیم

اینجا یک بحث تکمیلی هم عرض کنم که حال ان‌شاءالله به بحث‌های آینده برسیم. آن بحث تکمیلی این است که تغییر تعریف عدم توازن با «پایه تصمیم» در «الگوی پردازش اجتماعی» چه تفاوتی دارد؟ برخی ممکن است اینها را با هم اشتباه بگیرند، الان ما می‌گوییم نقطه شروع بحث این است که تلاش کنیم مفهوم عدم توازن را بازتعریف کنیم. با این کار این ادعای کارآمدی‌ای که جریان توسعه‌گرا مدعی آن است، به چالش کشیده می‌شود. آنجا گفتیم: نقطه شروع پردازش از شناسایی پایه تصمیم شروع می‌شود. پایه تصمیم با عدم توازن فرهنگی چه فرقی دارند؟

۵/۱. مرتبط کردن یک چالش به ترجمه در پایه تصمیم  
در بحث پایه تصمیم ما مستقیماً نسبت بین یک چالش را با یک ترجمه برقرار می‌کردیم. یعنی در واقع این نکته را بیان می‌کردیم که چالش به وجود آمده نتیجه عدم توجه به ترجمه است. این بحث ما در شناسایی پایه تصمیم بود.

۵/۲. نقد تعریف چالش از نگاه جریان توسعه در عدم توازن  
در بحث عدم توازن فرهنگی ما بحث را این طور شروع نمی‌کنیم، بلکه نقطه شروع را از تعریف چالش در نگاه توسعه‌گرا شروع می‌کنیم. به عنوان مثال وقتی جریان توسعه‌گرا می‌گوید: «گپ بین پس انداز و سرمایه‌گذاری یک عدم توازن است.» خب، این عدم توازن را به محوریت بخش اقتصاد تعریف کرده است. ما این عدم توازن را بررسی کرده و مثلاً می‌گوییم این چیزی که شما به عنوان عدم توازن تعریف کردید، فلان اشکال را دارد. مثلاً شما متوجه نیستید، وقتی می‌گویید در کشور ایران پس انداز پایین است، بخشی از این پس انداز خرج حج و مراسمات عزاداری امام حسین علیه السلام می‌شود. این پس انداز درست است که در تولید به معنای ارزش افزوده نمی‌آید ولی در تولید به معنای تولید اخلاق و روابط انسانی هزینه می‌شود. نشان می‌دادیم که تعریف آنها چه اشکالی دارد.

۵/۳. ملاحظه ظرفیت طرف مقابل؛ دلیل تفاوت معنای عدم توازن و پایه تصمیم  
در این مثالی که در جلسه گذشته زدم نقطه شروع ما، نقطه شروع اوست. چرا؟ چون او حاضر نیست جریان الگوی پیشرفت را به رسمیت بشناسد. او روش تحقیق ما را قبول ندارد، الگوی ساخت ما را قبول ندارد. او می‌آید از الگوهای برنامه‌ریزی غربی استفاده می‌کند. لذا ما می‌رویم و در الگوی او بحث می‌کنیم و نشان می‌دهیم که این روش او ناکارآمد است. آن وقت در گام بعد به بحث پایه تصمیم می‌رسیم و می‌گوییم: برنامه‌ریزی از پایه تصمیم شروع می‌شود؛ پایه تصمیم عبارت از چالش‌های ناشی از عدم توجه به ترجمه‌هاست. بحث به آنجا ختم می‌شود. چرا؟ چون مشکل ما این است که اینها در کمبریج<sup>۱۰</sup> و ماساچوست<sup>۱۱</sup> و MIT<sup>۱۲</sup> درس خوانده‌اند و حاضر نیستند در قم درس بخوانند. حاضر نیستند نگاه الگوی پیشرفت را یاد بگیرند؛ لذا ما می‌رویم نگاه‌های آنها را نقد می‌کنیم. مدتی که بحث عدم توازن‌ها را مطرح کردیم، بعداً کارآمدی فکر اسلامی در مقابل فکر غربی خیلی روشن می‌شود.

۱۰. دانشگاه کمبریج در شهر کمبریج بریتانیا در کناره رودخانه کم، واقع شده است. این دانشگاه در سال ۱۲۰۹ تأسیس شده و دومین دانشگاه قدیمی در منطقه انگلیسی زبان و سومین دانشگاه قدیمی در جهان به شمار می‌آید.

۱۱. دانشگاه ماساچوست در امهرست کی از دانشگاه‌های دولتی ایالات متحده آمریکا است که در شهر امهرست در ایالت ماساچوست واقع است و به عنوان یک مجموعه تحقیقاتی با فعالیت خیلی بالا رده بندی می‌شود.

۱۲. مؤسسه فناوری ماساچوست مشهور به ام‌آی‌تی، دانشگاه خصوصی واقع در شهر کمبریج، در ایالت ماساچوست آمریکا است، که دارای پنج دانشکده اصلی، یک کالج و ۳۲۲ گروه آموزشی می‌باشد.





پس فرق شروع از عدم توازن فرهنگی و پایه تصمیم ملاحظه ظرفیت طرف مقابل است؛ اگر ظرفیت او در حد پذیرش الگو بود، به او می‌گوییم با الگوی ساخت کارکن و به جلو برو. اما اگر مانند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و مرکز تحقیقات مجمع تشخیص حاضر نبودند از جزمیت خود دست بردارند - با این همه ناکارآمدی‌ای که در برجام و غیر برجام ایجاد کردند باز دست بر نمی‌دارند و می‌گویند باید علمی رفتار کنیم - چاره‌ای نمی‌ماند مگر این که دیدگاه‌های علمی آن‌ها را نقد کنیم. پس نظریه هسته‌های توازن در واقع تنزل‌یافته الگوی پردازش است. الگوی پردازش اجتماعی که ریزالگوی سوم الگوی ساخت است برای کسانی است که به مقام مقدس برائت از نظریه‌های غربی رسیده‌اند. اما در مورد کسی که هنوز توفیق «لا اله» گفتن را پیدا نکرده است، مجبوریم به بت‌خانه‌های آن‌ها برویم و این بت‌های عدم توازن را بشکنیم تا زمینه آماده شود تا با یک مدل برنامه‌ریزی دیگری تفاهم کنیم. این راهبردی است که ما در حال پیگیری آن هستیم. بنابراین اگر دیدید ما وارد دیالوگ با جریان توسعه‌گرا شدیم، بدانید که در واقع به جنگ یک عدم توازن از نگاه آن‌ها رفته‌ایم و آن را بررسی می‌کنیم. نقطه شروع این جاست.

این چیزهایی که بنده عرض می‌کنم تکنیک‌هایی - به بیان رکیک تکنیک را به کار بردم - و حکمت‌هایی بوده که ما به کار گرفتیم و دعوای توسعه و پیشرفت در کشور تشدید شده است. وگرنه بنده در جلسات گذشته عرض کردم که فرهنگستان علوم اسلامی، الگوی تنظیم برنامه برای برنامه‌ریزی داده است ولی کسی با آن ارتباط برقرار نمی‌کند. این را فقط خود فرهنگستانی‌ها می‌دانند چیست. وقتی بحث را تأسیسی مطرح کنید، ممکن است دیگران با آن ارتباط برقرار نکنند. پس باید راهبردهایی مانند نظریه هسته‌های توازن را جلو ببریم تا درگیری آغاز شود.

حال عرض می‌کنم که بنده به اساتید و دوستان خود قبلاً این‌ها را تئوریک توضیح می‌دادم ولی برای آن‌ها اطمینان قلب حاصل نمی‌شد. حال امروزه کارآمدی این نظریه اثبات شده است. آقایان هیأت رئیسه مجلس قبل، به بنده اجازه ندادند تا همه عدم توازن‌ها را در مجلس مطرح کنیم و به هفت عدم توازن محدود شد ولی با تکیه به این هفت عدم توازن تفاهم خوبی در حوزه برنامه‌ریزی اتفاق افتاد. ان شاء الله در برنامه هفتم هم کار را جلو می‌بریم.

۵/۴. عدم امکان فرار  
جریان توسعه‌گرا از گفتگو  
با جریان الگوی پیشرفت  
اسلامی در صورت شروع  
از مفهوم عدم توازن

پس اگر برنامه هفتم را نوشتیم؛ برنامه هفتم، پنجاه عدم توازن با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت خواهد بود؛ یعنی پنجاه نقطه که در آنها چالش و ناکارآمدی وجود دارد را نقطه شروع برنامه‌ریزی قرار می‌دهیم، منتهی پنجاه نقطه‌ای که آنها معرفی کردند. با آنها وارد بحث شده و می‌گوییم آیا آن پنجاه نقطه واقعاً همین‌گونه هستند که شما می‌گویید؟ اگر شما در همان نقطه که شخص مقابل ادعا می‌کند حاضر شدید و دیالوگ را شروع کردید، دیگر شخص مقابل نمی‌تواند با سرعت صد کیلومتر از روی تمام ارزش‌های شما عبور کند و ادعای کارآمدی کند. باید همین‌جا بایستیم و ببینیم این ادعایی که کردند درست است یا خیر. این خلاصه‌ای است از نظریه هسته‌های توازن.

پس طراحی ما یک مبنا داشت و آن این بود که ما باید از نقطه کارآمدی به جنگ جریان توسعه‌گرا برویم، محور جنگ نرم در مقابل جریان توسعه‌گرا، کارآمدی است. تئوریزه‌شدن مسئله



کارآمدی در اصطلاح عدم توازن است. پس ما به نقد مفهوم عدم توازن می‌پردازیم. توسعه‌گرایان، عدم توازن را به محوریت اقتصاد تعریف می‌کنند و ما عدم توازن را به محوریت هدایت تعریف می‌کنیم و مبتنی بر نگاه خودمان سبد عدم توازن‌ها را شناسایی و معرفی می‌کنیم و در کنار سبد عدم توازن‌های آن‌ها قرار می‌دهیم. در گام آخر هم میان عدم توازن‌های خود و آن‌ها نسبت‌سنجی می‌کنیم تا ببینیم کدامشان حاکم و کدامشان تحت تأثیرند و کدامشان مؤثر هستند و با آن‌ها گفت‌وگو را شروع می‌کنیم. به این شکل جریان توسعه‌گرا نمی‌تواند از پاسخ‌گویی فرار کند، دیالوگ علمی را نپذیرد و گفت‌وگوی علمی را تعطیل کند و تمام وقت خود را بگذارد و کتب کینز و مکتب نهادگرایی و نظریات فریدمن را بخواند. مجبور می‌شود برای حفظ آبروی خود هم که شده وارد دیالوگ با جریان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت شود. کما این که شد و از این به بعد هم همین اتفاق قابلیت تکرار دارد. ان شاء الله بنده از فردا بعد از اینکه یک یا دو نکته تکمیلی راجع به نظریه هسته‌های توازن عرض کردم اجرای این نظریه را در قالب پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه ششم تشریح می‌کنم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد ﷺ



## پرسش و پاسخ

### ۱. به چالش کشیدن کارآمدی طرف مقابل؛ دلیل متفاوت بودن معجزات پیامبر ﷺ

یکی از حضار (۱): ما که می‌خواهیم کار را شروع کنیم حال چرا الگوی اسلامی را بپذیریم؟ شاید مکتب دیگری الگوی دیگری داده و آن هم فایده داشت. چرا باید الگوی اسلامی را بپذیریم؟

استاد کشوری: ببینید ما بحث را از حجیت آغاز کردیم، آغاز بحث ما از مع‌الرسول بود.

یکی از حضار (۱): بحث از حجیت نیاز به مباحث نظری ندارد؟

استاد کشوری: نقطه شروع درگیری و حساسیت ما، مسئله مع‌الرسول حرکت کردن بود، منتها برای اینکه اثبات کنم باید مع‌الرسول حرکت کنیم، گفتیم مع‌الرسول حرکت کردن کارآمدتر است. این مسئله را، هم در تحریک و عاء فکر و هم در بهینه روابط انسانی نشان دادم. حال همین بحث را در نظریه هسته‌های توازن مطرح کردم و گفتم اگر توانستید مبنای دارای حجیت خود را در موضوعی که طرف مقابل ادعای کارآمدی می‌کند تطبیق کنید و نظریه کارآمدتری ارائه کنید، این مجرای خواهد بود برای اینکه مسئله اسلامیت ارتقاء پیدا کند. بر خلاف نظریات غربی دیگر که مدعی کارآمدی هستند؛ شما در این نظریات به این جا ختم نمی‌شوید. همان‌طور که عرض کردم این یک جدال احسن است. شما می‌گویید من کارآمد هستم و بنده تکنیک‌های الگو را نشان می‌دهم و کارآمدی شما را به چالش می‌کشم. پس ابزار دست شما را گرفتم و شما دیگر نمی‌توانید یکه‌تازی کنید و بگویید ما زندگی بشر را اداره می‌کنیم.

می‌گویند در زمان پیامبران به عنوان مثال زمان حضرت عیسی علیه السلام، گروه مقابل ایشان اهل طب بودند. اطباء زبردستی بودند و مریض‌ها را شفا می‌دادند. از طریق این کارآمدی‌ای که ایجاد شده بود، مردم را به طاغوت دعوت می‌کردند. یعنی عامل جذب طب بود. در زمان حضرت موسی علیه السلام هم جادو ابزار کارآمدی بود. یعنی در حوزه سحر تصرفاتی اتفاق می‌افتاد و مردم به شگفتی واداشته می‌شدند. بعد همان سحر را مبنا قرار داده و مردم را به کفر دعوت می‌کردند. در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم به دلیل این که اخلاق تفریحی عرب خیلی فرجه بود، بحث شعر خیلی کارآمد بود. معلقات سبع، اشعار برتر عرب جاهلی بود که از کعبه آویخته شده بودند. حال پیامبرانی که در این سه صحنه قرار گرفتند، ابتدا در ادعای کارآمدی طرف مقابل چالش ایجاد کردند. حضرت موسی علیه السلام معجزاتی نشان دادند که سحر طرف مقابل به چالش کشیده شد، حضرت عیسی علیه السلام مرده را زنده کرد، رسول الله صلی الله علیه و آله هم قرآن آورد که از لحاظ نظم، نظم شگفت‌انگیزی دارد. با این سه کار، کارآمدی طرف مقابل به چالش کشیده شد و خلع ید شدند و در نهایت هدایت اتفاق افتاد. در نگاه‌های موجود که بحث از این‌جا شروع نمی‌شود.

### ۲. به چالش کشیدن کارآمدی توسعه؛ راهکار گسترش گفتمان الگوی پیشرفت اسلامی

یکی از حضار (۱): صوت واضح نیست...

استاد کشوری: پس نقطه شروع ما بهینه‌شدن روابط انسانی است. بحث توحید در مباحث الگو مفروض است. تحریک و عاء فکر که بحث آن را به صورت مفصل مطرح کردم که علت تربیت و هدایت می‌شود. حال ما با یکسری جادوگر مدرن روبرو هستیم که می‌گویند ما می‌توانیم مسائل را حل کنیم. عرض بنده این است که عصای الگوی پیشرفت اسلامی باید روی این ادعاها بیفتد. وقتی این عصا افتاد و ادعای آن‌ها به چالش کشیده شد، دیگر ابزار سحر از دست جریان توسعه‌گرا گرفته می‌شود. پس می‌توانیم فضای کشور را به سمت الگوی پیشرفت اسلامی مدیریت کنیم. نظریه هسته‌های توازن، تئوریزه شدن جدال احسن با جریان توسعه‌گراست. جریان توسعه‌گرا ادعای کارآمدی می‌کند و ما آن ادعا را به چالش می‌کشیم. بر خلاف دوستان صدرایی و



تفکیکی.<sup>۱۳</sup> برخی از دوستان انقلاب هم هایدگری<sup>۱۴</sup> هستند و بنده می‌خواستم اسم نیاورم، این‌ها هم اگر بخواهند به چالش بکشند با همین نگاه شروع می‌کنند. یعنی مبانی نظری خود را مطرح می‌کنند و می‌گویند غرب انسان‌شناسی و عاقبت و معاد را ندیده؛ یعنی دائماً روی حوزه نظری ایستاده‌اند. این خیلی متفاوت است. شما دارید با طرف مقابل جدال احسن تعریف می‌کنید. وقتی نشان دهید اتفاقات غلطی رخ داده، طبیعتاً آنها خلع سلاح می‌شوند. کاری که ما در این چهار دهه نتوانستیم انجام دهیم. یکی از حضار(۲): به شرط اینکه عملیاتی شود.

استاد کشوری: بله؛ ما عملیاتی بودن را در مباحث دیگر الگو مطرح کردیم. به عنوان مثال همین مسئله امنیت. باید سال‌ها مطالعه کنند تا بتوانند تحلیل کنند که مدل بسیج چیست. همه دنیا جمع شده‌اند تا ایران را ناامن کنند؛ اما این اتفاق نمی‌افتد. ما خیلی کارآمدی داشتیم. بنده هشت حوزه کارآمدی انقلاب از ابتدا تا کنون را بحث کرده‌ام.<sup>۱۵</sup> یکی از حضار(۲): الان که بانک به این شکل نیست...

استاد کشوری: بانک که برای ما نیست. مگر بانک برای الگوی پیشرفت است؟

یکی از حضار(۲): نه نیست؛ ولی باید راه‌حل ارائه شود.

استاد کشوری: ما در تجمیع سرمایه مسئله وقف را مطرح می‌کنیم. این‌ها بحث‌های دیگری است. ابتدا باید این امور تفکیک شوند. در جمهوری اسلامی اموری ربطی به اسلام ندارند و به پای اسلام نوشته شده‌اند. باید این‌ها را حل کنیم. مسائل اقتصادی نیز نظری حل نمی‌شوند. ما باید بنگاه‌های اقتصادی خود -همین بنگاه تولیدی خانوادگی- را راه‌اندازی کنیم. حال اگر مردم در قبال سحر توسعه‌گرایان عصای حضرت موسی را ببینند، استقبال می‌کنند. به هر حال می‌توان در حوزه نظری خواص این‌ها را خلع ید کرد. ان‌شاءالله بحث را در روزهای آتی ادامه خواهیم داد.

اللهم صل علی محمد و آل محمد ﷺ

۱۳. مکتب تفکیک (مکتب مشهد و مکتب معارفی خراسان نیز خوانده می‌شود) مکتبی در علوم مذهبی شیعی است که پیروانش بر تفکیک آموزه‌های فلسفی از روش‌های دین‌شناسی تأکید دارند.

۱۴. مارتین هایدگر (زاده ۱۸۸۹ - درگذشته ۱۹۷۶) یکی از معروفترین فیلسوفان قرن بیستم بود. او با شیوه‌ای نوین به تأمل درباره وجود پرداخت. فلسفه او بر دیدگاه‌های بسیاری از فلاسفه بعد از او اثر گذاشت. او از پیروان نازیسم عصر هیتلر و از همراهان با تصفیه نژادی بود.

۱۵. بر اساس جمع‌بندی‌های کار گروه پژوهشی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی؛ تفکر انقلاب اسلامی در مرحله نظام اسلامی (مرحله دوم انقلاب اسلامی) در هشت محور اصلی: ۱. رهبری جامعه و ساختار سیاسی (تخصیص تفکیک قوا به نظریه مترقی ولایت فقیه) ۲. قانونگذاری (تشکیل شورای نگهبان بر اساس نظریه احراز عدم مخالفت قطعی قوانین با شرع محکم) ۳. فقرزدائی و رسیدگی به امور مستضعفین (تشکیل نهادهای جهادی مانند جهاد سازندگی، کمیته امداد، ستاد اجرائی فرمان امام، بنیاد مستضعفین و...) ۴. فرهنگی، دفاعی (نظریه الهی بسیج) ۵. اطلاعاتی، امنیتی (وزارت اطلاعات) ۶. اقتصادی (تشکیل قرض الحسنه‌ها در اشکال مختلف) ۷. تربیتی (امور تربیتی و...) ۸. زیارتی (باز تعریف اماکن زیارتی؛ به عنوان مراکز فرهنگی و آموزشی) نظامات اجتماعی جدیدی را به صورت اجمالی تعریف نموده است.



### فهرست تفصیلی

۱. **مقابله با غرب از پایگاه کارآمدی؛ راهکار کنترل جریان توسعه‌گرایی وطنی** ..... ۳۵
  - ۱/۱. معتقد بودن مردم به جریان توسعه غربی با وجود ناکارآمدی‌های این جریان در طول سالیان متمادی و لزوم ارائه راه حلی برای رفع این چالش ..... ۳۵
  - ۱/۱/۱. عدم ورود جریان فکری فرهنگی انقلاب به موضوع نظریه‌پردازی برای حل مشکلات و مردم و ادعای حل مشکلات توسط توسعه غربی؛ علت تمایل مردم به جریان توسعه‌گرا ..... ۳۶
  - ۱/۲. لزوم اجتناب از نقد نظری غرب در دور جدید فعالیت‌های جبهه فکری فرهنگی انقلاب ..... ۳۷
  - ۱/۳. لزوم مقابله با جریان توسعه‌گرا از پایگاه کارآمدی و اثبات ناکارآمدی جریان توسعه‌گرا و کارآمدی جبهه انقلاب ..... ۳۷
  - ۱/۳/۱. کارآمدی با نگاه دینی و حجیت‌یافته؛ مراد جریان الگوی پیشرفت اسلامی از کارآمدی ..... ۳۸
۲. **توازن (تعادل)؛ محور کارآمدی از نگاه جریان توسعه‌گرا و لزوم به چالش کشیدن این مفهوم** ..... ۳۸
  - ۲/۱. تعادل (توازن)؛ محور کارآمدی در نگاه جریان توسعه ..... ۳۸
  - ۲/۲. لزوم به چالش کشیدن مفهوم تعادل و توازن به منظور به چالش کشیدن کارآمدی توسعه غربی ..... ۳۸
  - ۲/۲/۱. شکاف بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری؛ یکی از عدم توازن‌های ادعایی جریان توسعه‌گرا ..... ۳۹
۳. **تعریف عدم توازن توسط الگوی پیشرفت اسلامی به محوریت هدایت و زیرساخت‌های آن (عدم توازن فرهنگی)** ..... ۳۹
  - ۳/۱. تعریف عدم توازن توسط جریان توسعه‌گرا به امور نامتوازن با محوریت اقتصاد ..... ۳۹
  - ۳/۱/۱. مخالفت الگوی پیشرفت اسلامی با تعریف جریان توسعه‌گرا از عدم توازن به دلیل پردازش ناقص جهت‌سازها در صورت محور قرار گرفتن اقتصاد ..... ۳۹
  - ۳/۲. امور ضد زیرساخت‌های هدایت؛ تعریف الگوی پیشرفت اسلامی از عدم توازن و عدم تعادل ..... ۴۰
  - ۳/۲/۱. محوریت سرمایه‌گذاری در اقتصاد؛ یک عدم توازن از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی به دلیل ضدیت آن با نفی سیل ..... ۴۰
  - ۳/۲/۲. اشتغال بانوان؛ یک عدم توازن از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی به دلیل ضدیت آن با تربیت ..... ۴۱
  - ۳/۲/۳. پیشنهاد یک بسته عدم توازن با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی به برنامه ششم کشور ..... ۴۱
  - ۳/۳. تفاهم گسترده حول الگوی پیشرفت اسلامی؛ نتیجه نقد توسعه غربی به محوریت عدم توازن‌ها ..... ۴۲
۴. **شناسایی عدم توازن‌های فرهنگی، با خبر کردن افکار عمومی از این عدم توازن‌ها و تبیین نسبت میان عدم توازن‌های فرهنگی و اقتصادی؛ گام‌های سه‌گانه اصلاح معنای عدم تعادل و عدم توازن** ..... ۴۲
  - ۴/۱. شناسایی عدم توازن‌های فرهنگی؛ گام اول بازتعریف معنای عدم تعادل ..... ۴۲
  - ۴/۲. با خبر کردن افکار عمومی از عدم توازن‌های شناسایی‌شده؛ گام دوم بازتعریف معنای عدم تعادل ..... ۴۲
  - ۴/۳. تبیین نسبت بین عدم توازن‌های اقتصادی و فرهنگی؛ گام سوم بازتعریف معنای عدم تعادل و عدم توازن ..... ۴۳
  - ۴/۴. غلبه تئوریک بر جریان توسعه‌گرا؛ نتیجه اثبات محوریت عدم توازن‌های فرهنگی ..... ۴۳
  - ۴/۵. انجام گام‌های سه‌گانه توسط جریان الگوی پیشرفت اسلامی در برنامه ششم توسعه ..... ۴۳





۵. متفاوت بودن عدم توازن و پایه تصمیم ..... ۴۴

۵/۱. مرتبط کردن یک چالش به ترجمه در پایه تصمیم ..... ۴۴

۵/۲. نقد تعریف چالش از نگاه جریان توسعه در عدم توازن ..... ۴۴

۵/۳. ملاحظه ظرفیت طرف مقابل؛ دلیل تفاوت معنای عدم توازن و پایه تصمیم ..... ۴۴

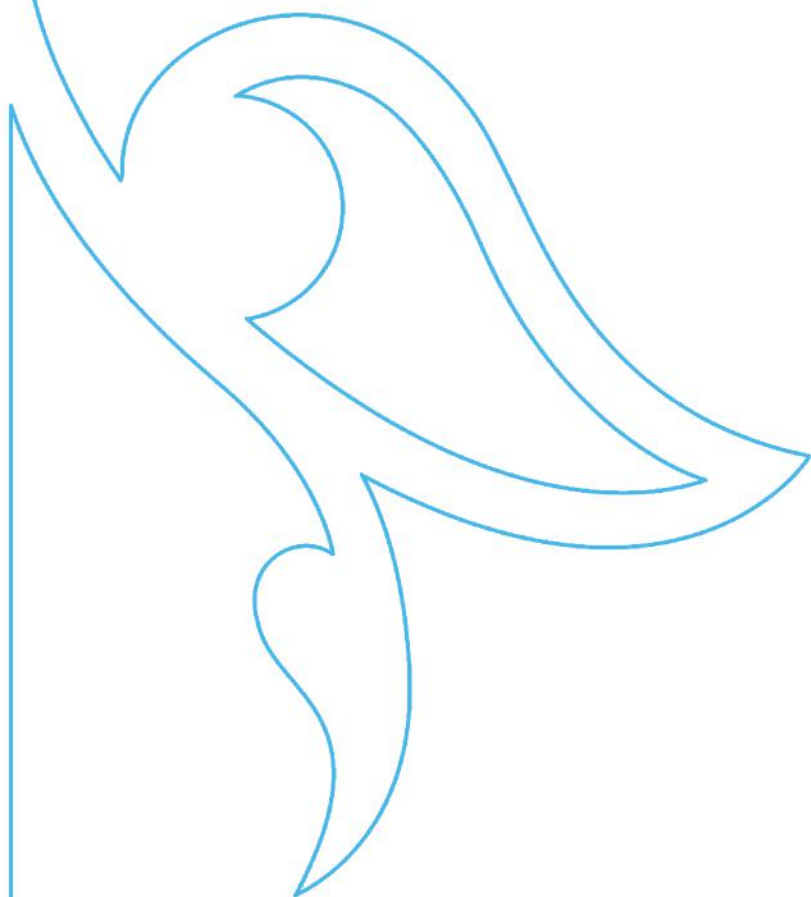
۵/۴. عدم امکان فرار جریان توسعه‌گرا از گفتگو با جریان الگوی پیشرفت اسلامی در صورت شروع از مفهوم عدم توازن ..... ۴۵

پرسش و پاسخ ..... ۴۷

۱. به چالش کشیدن کارآمدی طرف مقابل؛ دلیل متفاوت بودن معجزات پیامبر ﷺ ..... ۴۷

۲. به چالش کشیدن کارآمدی توسعه؛ راهکار گسترش گفتمان الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۴۷

## جلسه سی و هفتم



لزوم مقابله با جریان توسعه غربی در مرحله تنظیم اسناد به  
محوریت عدم توازن های فرهنگی



## شناسنامه جلسه سی و هفتم

عنوان  
لزوم مقابله با جریان توسعه غربی در مرحله تنظیم اسناد به محوریت عدم  
توازن‌های فرهنگی

تاریخ نشست  
۱۳۹۵ آذر ۲۱

مشخصات اثر  
۱۴ صفحه (قطع رحلی)

در جلسات گذشته بیان کردیم که در کشور ما جریان توسعه‌گرا تفاهم با مردم را از پایگاه کارآمدی شکل می‌دهد و مدعی است که در حل مشکلات مردم کارآمدی دارد. بنابراین باید مقابله با این جریان نیز از همین نقطه آغاز شود تا ادعای واهی کارآمدی این جریان به چالش کشیده شود. اما محور کارآمدی از نگاه جریان توسعه‌گرا چیست؟ جریان توسعه‌گرا معتقد است که برای کارآمد بودن باید عدم توازن‌ها و عدم تعادل‌های کشور را برطرف نمود. جریان انقلاب اسلامی نیز از همین نقطه وارد شده و باید نشان دهند که عدم توازن‌های ادعایی جریان توسعه‌گرا، از منظر شاخص‌های دینی عدم توازن نبوده و باید به سراغ کشف عدم توازن‌های دیگری رفت. اما تعریف جریان توسعه‌گرا از عدم توازن چیست؟ از نظر این جریان هر امر متعارض با اقتصاد یک عدم توازن محسوب می‌شود و باید تعدیل شود. اما الگوی پیشرفت اسلامی معتقد است که عدم توازن را باید به محوریت زیرساخت‌های هدایت تعریف نمود. چرا که اصل در پیشرفت جامعه بهینه روابط انسانی است و محور بهینه روابط انسانی نیز هدایت است. حال سؤال دیگری باقی مانده است که در این جلسه پاسخ داده می‌شود؛ مقابله با توسعه غربی در چند سطح امکان دارد؟ سه سطح؛ سطح اول این است که در حوزه مبانی نظری وارد گفتگو با جریان غربی گرا بشویم. سطح دوم این است که در سطح اسناد و هنگام تنظیم و تدوین آنها وارد نقد شویم. سطح آخر نیز این است که پس از اجرای اسناد، عوارض ایجادشده را به چالش بکشیم. جریان الگوی پیشرفت اسلامی معتقد است که مقابله باید در سطح دوم صورت گیرد. در جلسات آینده مقابله جریان الگوی پیشرفت اسلامی با جریان توسعه غربی در سند برنامه ششم را تشریح خواهیم کرد.

### فهرست اجمالی

۵۵	به چالش کشیدن مفهوم عدم تعادل به عنوان محور کارآمدی از نگاه جریان توسعه‌گرا؛ نقطه آغاز ایجاد جبهه‌ای جدید برای مدیریت این جریان
۶۰	لزوم مقابله با جریان توسعه‌گرا در حیطه اسناد نه در حیطه مبانی نظری اسناد و نه پس از اجرای اسناد
۶۳	اهمیت بهینه روابط انسانی در بهینه شدن رابطه با خدا؛ دلیل تأکید بر روی این مسئله



جلسه سی و هفتم: لزوم مقابله با جریان توسعه غریزی در مرحله تنظیم اسناد و به محوریت عدم توازن های فرهنگی





### ۱. به چالش کشیدن مفهوم عدم تعادل به عنوان محور کارآمدی از نگاه جریان توسعه‌گرا؛ نقطه آغاز

#### ایجاد جبهه‌ای جدید برای مدیریت این جریان

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين لاسيما على بقية الله في الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

در جلسه گذشته عرض کردم که اگر مفهوم عدم توازن و عدم تعادل از نگاه جریان توسعه غربی به چالش کشیده شود، سطحی از درگیری را در فضای گفتمانی کشور ایجاد خواهد کرد که با درگیری حاصل از نقد مبانی نظری توسعه غربی و مدرنیته قابل مقایسه نیست. یعنی اگر شما بحث را از مفهوم لیبرالیسم و نقد آن یا اصالت سود یا هرم مزلو<sup>۱</sup> و یا از مبانی راسیونالیسم و نقد آن‌ها و امثال نقطه شروع‌هایی که جبهه فکری فرهنگی انقلاب برای نقد غرب انتخاب کرده است آغاز نمایید، یک اثر ایجاد خواهد کرد و اگر بحث را تنها از نقد مفهوم عدم توازن شروع کنید به یک سازمان‌دهی فربه‌تر و گسترده‌تر در مقابله با تفکر ناکارآمد توسعه غربی دست خواهیم یافت.

۱/۱. لزوم نقد مفهوم عدم تعادل به عنوان محور کارآمدی از نگاه جریان توسعه‌گرا به دلیل اثرگذاری بسیار بیشتر این نوع نقد نسبت به نقد مبانی نظری

۱. هرم سلسله مراتب نیازهای مزلو یا به طور خلاصه هرم مزلو، نظریه آبراهام مزلو نظریه پرداز کلاسیک مدیریت، در مورد نیازهای اساسی انسان است. در این نظریه، نیازهای آدمی در پنج طبقه قرار داده شده‌اند که به ترتیب عبارت‌اند از: نیازهای زیستی؛ نیازهای امنیتی؛ نیازهای اجتماعی؛ احترام و نهایتاً خودشکوفایی.





اگر سؤال ما این باشد آیا عدم توازن به معنای هر آن چیزی است که در مخالفت و مغایرت با اقتصاد است و این سؤال مینا قرار گرفته شود؛ در این صورت چالشی برای تفکر توسعه غربی ایجاد خواهد شد و اگر سؤال این باشد که ما نگاه غرب به انسان را قبول نداریم، چالش دیگری ایجاد می‌شود. اگر چالش را از سطح مبانی نظری شروع کنیم، بخشی از خواص جامعه طرفدار بحث‌های ما خواهند شد؛ ولی اگر بحث را از به چالش کشاندن مفهوم عدم توازن شروع کنیم، تقریباً همه گروه‌های اجتماعی درگیر بحث می‌شوند.

عرض کردیم که عدم توازن، اصطلاحی در حوزه برنامه‌ریزی برای معرفی ناکارآمدی‌های عینی است. اگر اینجا را نقطه شروع درگیری قرار دهیم، یعنی به بررسی این موضوع پرداخته‌ایم که آیا آن مواردی که در فکر توسعه غربی به عنوان ناکارآمد و ناهماهنگ معرفی می‌شوند واقعاً این‌گونه هستند یا خیر؟ در این صورت سطح تفاهم بسیار ارتقاء می‌یابد.

همچنین در جلسات گذشته خدمت شما گزارش دادم که توسعه به معنای ساده یعنی تعادل اجتماعی حول اقتصاد. بنابراین اگر هر امری در هر بخشی با این حوزه تعارض پیدا کند، از نگاه جریان توسعه‌گرا یعنی هر امر

۱/۲. عدم تعادل از نگاه  
جریان توسعه‌گرا یعنی هر امر  
ضد اقتصاد

از نظر نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تعادل اجتماعی حول زیرساخت‌های هدایت و حول مسئله هدایت، تعریف برنامه‌ریزی است. پس هر آن چه که با زیرساخت‌های هدایت دچار تعارض شود، یک عدم توازن محسوب خواهد شد. پس ما دو تعریف از عدم توازن را با یکدیگر درگیر می‌کنیم.

۱/۳. عدم توازن از نگاه  
الگوی پیشرفت اسلامی  
یعنی امور متعارض با  
زیرساخت‌های هدایت

در واقع دعوی اصلی، دعوی کارآمدی و تعریف از کارآمدی خواهد بود. زیرا غرب و تفکر غرب، پایه تفاهم خود با مردم و جامعه را از مفهوم کارآمدی در همه حوزه‌ها آغاز می‌کند، ما نیز او را در همین حوزه به چالش می‌کشیم. غرب، کارآمدی را کارآمدی بدون روابط انسانی معنا می‌کند. کارآمدی به محوریت روابط انسانی بهینه، معنایی است که الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از کارآمدی ارائه می‌دهد.

۱/۴. محور قرار دادن روابط  
انسانی توسط جریان الگوی  
پیشرفت اسلامی در تعریف  
کارآمدی و عدم توجه  
جریان توسعه‌گرا به روابط  
انسانی در تعریف کارآمدی

ما نخبگان حوزه برنامه‌ریزی و مردم را به مقایسه این دو تعریف از کارآمدی دعوت می‌کنیم. اگر کسی مدعی کارآمدی بود ولی نقش انسان‌ها را در حد جزئی از سیستم تنزل داد، یعنی انسان را جزئی از یک سیستم تعریف کرده است؛ این یک کارآمدی تحویل خواهد داد و اگر کارآمدی را به محوریت انسان‌های خلاق، ذوالفنون و ذوابعد تعریف کردیم نوع دیگری از کارآمدی را به ما تحویل می‌دهد.

پس پیشنهاد ما در نظریه هسته‌های توازن، هم جدال احسن است؛ به این معنا که ما از نقطه شروع او، شروع کرده‌ایم؛ نه از نقطه شروع خودمان، این حیث جدال احسن بودن آن است. هم اینکه نظریه هسته‌های توازن واقعاً معتقد است با اینکه چند ده سال در مورد کارآمدی در تفکر توسعه کار شده است اما به دلیل عدم لحاظ روابط انسانی در کارآمدی، تعریف بسیار ناقصی از کارآمدی ارائه شده است. مثال‌های این موضوع را در جلسات گذشته عرض کردم. مدل امنیتی‌ای که ما داریم، دارای کارآمدی بالایی است و این کارآمدی در این حد است که ایران را در ناامن‌ترین منطقه دنیا به

۱/۴/۱. محور قرار دادن  
روابط انسانی در مدل امنیتی  
توسط انقلاب اسلامی و  
محور قرار دادن تکنولوژی  
در مدل امنیتی توسط  
تئوری‌های غربی



امن‌ترین منطقه دنیا تبدیل کرده است. این یعنی کارآمدی؛ ولی پایه این کارآمدی افراد بسیجی و نظریه مترقی بسیج است. پایه این کارآمدی سلاح و تکنولوژی نیست؛ بلکه انسان‌های معتقد، پایه این کارآمدی هستند. پس می‌توانیم مردم را به مقایسه دعوت کنیم که یک نظریه‌ای مبتنی بر بهینه روابط انسانی در بخش امنیت مطرح شده است و مردم هم کارآمدی آن را احساس می‌کنند.

یک نظریه دیگر امنیت را به محوریت تکنولوژی و مانیتورینگ افراد و اشراف تعریف می‌کند. یکی از مفصل‌ترین کارهایی که دستگاه‌های اطلاعاتی غرب انجام می‌دهند، شنود اطلاعات از سراسر دنیا است. این موضوع تقریباً تبدیل به یک حقیقت واضح و روشن شده است، یعنی همه دارای اطلاعات هستند؛ تقریباً شبکه اینترنت، تلفن‌های همراه و خانگی و ... به‌طور کامل شنود می‌شوند؛ یعنی از طرفی ارتباط بین انسان‌ها را تسهیل نموده‌اند و از طرف دیگر تمام اطلاعات دنیا را شنود می‌کنند. برخی تصور می‌کنند این موضوع فقط به فضای مجازی اختصاص دارد؛ تلفن‌های خانگی و همراه نیز شامل این موضوع هستند. در تحلیل امنیت، امنیت را با محوریت اشراف اطلاعاتی تحلیل می‌کنند تا بدانند که در دنیا چه اتفاقاتی می‌افتد و سپس عکس‌العمل لازم را برای کنترل این حوادث طراحی کنند.

پایه کار آن‌ها تکنولوژی است؛ اما پایه کار در مدل‌های امنیت ما روابط انسانی است، البته نه اینکه از تکنولوژی استفاده نکنیم و متغیرهای فرعی را در نظر نگیریم؛ آن‌ها را نیز در سر جای خودش استفاده می‌کنیم؛ اما متغیر اصلی، انسان‌هایی هستند که دارای عزم و اراده‌اند و مفهوم سود به معنای سود اخروی و سود اجتماعی را درک می‌کنند. چنین انسانی حاضر است برای جامعه خودش فداکاری کند و احساس غبن<sup>۲</sup> و ضرر نداشته باشد؛ اینکه بتوانیم انسان معتقدی به وجود بیاوریم فقط از فرآیند هدایت امکان‌پذیر است؛ بحث از کارآمدی است اما کارآمدی به محوریت روابط انسانی؛ پیشرفت‌های تکنولوژیکی ایران در طول چهار دهه تحریم، نشانگر تجربی مناسبی از این نظریه است؛ بحث تولید میله<sup>۳</sup> سوخت<sup>۴</sup> توسط شهید شهریاری<sup>۵</sup> از این نمونه بود.

مذاکره‌کنندگان ما می‌گفتند وقتی سوخت راکتور تهران تمام شد، ما این سوخت بیست درصد<sup>۶</sup> را از غرب طلب کردیم و غرب از تأمین این نیاز برای جمهوری اسلامی ایران امتناع کرد. ما تهدید کردیم که این کار را می‌کنیم؛ آن مذاکره‌کننده برای من تعریف می‌کرد که آن مقام غربی لبخندی از

۲. ضرر

۳. اورانیوم غنی شده، معمولاً به‌صورت قرص‌هایی که سطح مقطعشان به‌اندازه یک سکه معمولی و ضخامتشان در حدود دو و نیم سانتیمتر است در راکتورها به مصرف می‌رسند. این قرص‌ها روی هم قرار داده‌شده و میله‌هایی را تشکیل می‌دهند که به میله سوخت موسوم است.

۴. مجید شهریاری (۱۳۴۵-۸ آذر ۱۳۸۹) استاد دانشگاه شهید بهشتی، فیزیک‌دان و دانشمند هسته‌ای متولد زنجان بود که در تاریخ ۸ آذر ۱۳۸۹ ترور شد و به شهادت رسید.

۵. سعید جلیلی؛ زمانی که سوخت این راکتور در حال پایان بود، به آژانس نامه نوشتیم که سوخت ۲۰ درصد را در اختیار ما قرار دهید اما آنان بهانه آورده و از دادن آن امتناع کردند و من در پاسخ گفتم اگر آن را به ما ندهید ما خودمان برای ساخت آن اقدام می‌کنیم آن‌ها در مقابل این حرف لبخند زدند، زیرا این کار از لحاظ علمی بسیار سخت بود ولی وقتی تفکری از جنس دفاع مقدس وارد کار شد، شهید شهریاری در مقابل لبخند غربی‌ها به عرصه ساخت سوخت ۲۰ درصد وارد شد و این‌ها نمادی از ظهور تمدن جدید بود و فیزیک‌دانان ما، مبتنی بر همین اندیشه بسیجی، به این مسئله ورود پیدا کرده و موفق شدند.



روی تحقیر زد و ما را تحقیر کرد که چنین چیزی امکان ندارد. اگر بگوییم فرآیند تولید های تک‌ها<sup>۶</sup> (Hi Tech) کاملاً پیچیده است، تولید این محصول جزء پیچیده‌ترین‌هاست؛ این اتفاق افتاد اما پشت این قضیه یک بسیجی نماز شب خوان بود که برای اعتقاداتش کار می‌کرد و حتی یک ریال نیز از جمهوری اسلامی برای این کار دریافت نکرد. در تمام طول سال‌های دفاع مقدس این اتفاق افتاده است؛ یعنی بن‌بست شکنی و خلاقیت به محوریت بهینه شدن روابط انسانی اتفاق افتاده است؛ انسان‌هایی که در طراحی‌ها، به‌عنوان محور قرار گرفتند و کارها را جلو بردند. مثال‌های فراوان دیگری نیز می‌توان زد؛ خاطرات عملیات کربلای ۴ و ۵ را مرور فرمودید؛ ما در عملیات کربلای ۴ شکست خوردیم؛ در آن عملیات وقتی فرمانده با فرماندهای گردان خود یکی‌یکی ارتباط برقرار می‌کرد تا ببیند در چه وضعیتی هستند، با فرمانده گردان لرستان ارتباط می‌گیرد و او از پشت بی‌سیم می‌گوید ما خط را شکستیم! خط چیست؟ پیچیده‌ترین طرح امنیتی که مستشاران نظامی اسرائیل و آمریکا برای عراق طراحی کرده‌اند تا جلوی نفوذ ایرانی‌ها را بگیرند. مردان با اراده‌ای از لرستان توانستند از موانع پیچیده چند لایه افسانه‌ای عبور کنند؛ وقتی جلسه فرماندهان در پادگان گلف اهواز<sup>۷</sup> تشکیل می‌شود، نقشه عملیات کربلای ۵ از روی مدل نفوذ گردان لرستان در کربلای ۴ طراحی می‌شود و ما در کربلای ۵ به پیروزی می‌رسیم؛ در طول این ۴ دهه دوران انقلاب اسلامی، از این دست تجربه‌ها بسیار است.

متغیر اصلی جدال کارآمدی را می‌توان، ایمان و بهینه شدن روابط انسانی قرار داد. همین الان جناب آقای ظریف متوهم هستند که مسئله سوریه با مذاکرات قابل حل است. اخیراً در سفر به ژاپن، این حرف ناکارآمد را برای حل مسائل منطقه مطرح کردند؛<sup>۸</sup> فکر انقلاب اسلامی، مسئله داعش و مسئله پشتیبانی استکبار از داعش را با تشکیل حشدالشعبی حل کرد. در حال حاضر که بنده با شما صحبت می‌کنم این قضیه حل شده است؛ چند منطقه کوچک تا رسیدن داستان داعش به نقطه نهایی مانده است. دیشب شورای امنیت و مجمع عمومی در حال تلاش بودند تا در عراق اعلام آتش‌بس کنند.<sup>۹</sup> خوب است آقای ظریف و دوستان جریان توسعه‌گرا توجه کنند؛ برخی از همین آقایان به آقا نامه نوشته بودند که فرماندهان سپاه قدس به شما دروغ می‌گویند؛ در قضیه بحران سوریه و عراق، همه‌چیز به ضرر ماست؛ قبلاً این حرف‌ها را می‌زدند؛ زمانی که هنوز برای امثال آقای سریع‌القلم -

۱/۴/۴. عدم توجه به بهینه روابط انسانی در تعریف کارآمدی؛ دلیل شکست نظریات توسعه غربی در عرصه‌های مختلف

۶. فناوری‌هایی با طراحی پیچیده

۷. "گلف" یا "پایگاه منتظران شهادت"، ساختمانی سنگی واقع در بالای تپه در میدان مدرس اهواز است که به دلیل ناشناخته بودن و موقعیت مناسب جغرافیایی و امنیتی آن، در طول دوران دفاع مقدس، به‌عنوان محل مناسبی برای جلسات مسئولین عالی‌رتبه و فرماندهان به‌منظور هماهنگی امور دفاعی و تدوین راهبرد جبهه‌ها مورداستفاده قرار گرفت.

۸. آقای ظریف در ادامه تأکید کرد که در دوران ریاست جمهوری آقای روحانی، آن‌ها مسئله هسته‌ای را بازتعریف کردند و روش متفاوتی برای حل مسئله مطرح کردند که سرانجام حاصل آن توافق بین‌المللی برجام بود. وزیر امور خارجه ایران خطاب به دانشگاهیان ژاپنی و تعدادی از دیپلمات‌های خارجی مقیم ژاپن که در این سخنرانی حضور داشتند گفت که می‌توان از روش دستیابی به توافق هسته‌ای برای حل مسئله سوریه نیز استفاده کرد. او حضور یا عدم حضور اسد در آینده سوریه را مانند پافشاری صددرصدی ایران و آمریکا بر سر مواضعشان در موضوع هسته‌ای دانسته و گفته است این شکل پافشاری در مورد مسئله سوریه باعث می‌شود که «این صدمه تا ابد ادامه پیدا کند.»

<http://fa.euronews.com/2016/12/08/zarif-japan-diplomatic-trip> بهرینوز

۹. مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌ای برای آتش‌بس در تمام سوریه را به تصویب رساند.

<https://ir.sputniknews.com/world/201612092049879> خبرگزاری اسپوتنیک



که دیروز یادداشتی نوشتند و بعد از سه سال، منتقد برجام شدند<sup>۱۰</sup> - قضایا واضح نبود، طراحی‌های دیگری نیز انجام شد؛ طراحی‌هایی که منجر به تشکیل حشدالشعبی شد. اگر در قضایای هسته‌ای و تحریم‌ها نیز، کارآمدی را به محوریت روابط انسانی تعریف می‌کردیم، نه امثال بابک زنجانی‌ها متولد می‌شدند و نه اسناد ناقص‌الخلقه‌ای مانند برجام که چاه ویل پردردسری شده، تدوین نمی‌شد که باید همه تلاش کنیم تا این همه تعهد یک‌طرفه در برجام را مدیریت کرده و حل کنیم.

عرض بنده این است که ما می‌توانیم با به چالش کشیدن مفهوم کارآمدی - که در نگاه

توسعه‌گرا ذیل اصطلاح عدم توازن تئوریزه می‌شود - یک جبهه جدیدی را در مقابل جریان توسعه‌گرا و برای مدیریت جریان توسعه‌گرا بازکنیم. اجازه ندهیم که این جریان ابتدا در تئوری‌های تولیدی خود - خواهش می‌کنم دوستان جبهه فکری فرهنگی انقلاب توجه کنند - نظریه‌ای را مانند سیاست خارجی توسعه‌گرا تدوین کنند تا به صراحت بگویند، اگر می‌خواهیم توسعه پیدا کنیم، فعالیت‌های منطقه‌ای ما نباید در مقابله با اسرائیل قرار بگیرد. این حرکت انقلابی در روابط بین‌الملل، یک عدم توازن است. ادعای آن‌ها این است که حرکت انقلاب اسلامی در منطقه یک عدم توازن است. سپس از دل آن برجام بیرون آمد و حالا هم که نقض برجام بیرون آمد.

امروز قرارداد با بوئینگ امضاء شده است. بنده عرض می‌کنم که هواپیمایی به دست ما نخواهد رسید. این قرارداد را نیز نقض می‌کنند؛ این کارها، فعالیت‌های تبلیغاتی است که بگویند برجام زنده است. خداوند متعال در ۱۴۰۰ سال پیش، مرگ نظریه برجام را اعلام کرده است. متأسفانه قرآن نمی‌خوانند. محال است که دشمنان بر پیمان خود استوار بوده و به نفع ما حرکتی بکنند، «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ»؛ «استدلال قرآن این است که «لَا أَيْمَانَ لَهُمْ» اهل وفای به پیمان خود نیستند. این کارهای تبلیغاتی را می‌کنند که بگویند برجام زنده است.

عرض بنده آن است که ابتدا اجازه دادیم که نظریه تدوین و تصویب شد؛ جدال با جریان توسعه‌گرا را در بخش تولید نظریه آغاز نکردیم و وقتی نظریه معیوب سیاست خارجی توسعه‌گرا به میوه رسید، در این میوه که برجام بود، شروع به چالش کشیدن کردیم. در حالی که باید بصیرت به خرج داده و در ابتدای نظریه، درگیری را آغاز کنیم؛ تاریخ تدوین نظریه سیاست خارجی توسعه‌گرا را

۱۰. برای مخاطبان و جامعه مدنی ایرانی توجیه نشد که برجام، حل‌وفصل مسائل ایران و آمریکا نیست. و حتی مقدمه‌ای بر گشایش مشکلات ایران و غرب و ایران و منطقه نیز نیست. نظام تحریم علیه ایران بسیار وسیع‌تر از نظام تحریم هسته‌ای است. اگر مسائل سیاست خارجی ایران با غرب، آمریکا و منطقه را صد بدانیم، اختلاف هسته‌ای ده از صد است. همان‌طور که از متن برجام قابل استناد است حل‌وفصل موضوع هسته‌ای، فقط بعضی گشایش‌ها را تسهیل می‌کند اما طیفی از اختلافات و تحریم‌ها باقی می‌ماند. دایره اصطکاک‌های سیاست خارجی ایران در نظام بین‌الملل، شعاعی به مراتب وسیع‌تر از دایره موضوع هسته‌ای است و چه بسا موضوع هسته‌ای، انعکاس اختلاف‌های جدی‌تر است. اصولاً در سیاست بین‌الملل، عنصری به نام "اعتماد" وجود ندارد که ما بتوانیم آن را با عقد قرارداد به دست آوریم. سیاست منافع است و بس، حتی میان انگلستان و آمریکا که شبیه‌ترین دو کشور در نظام بین‌الملل هستند.

وبسایت شخصی محمود سریع القلم

۱۱. وَ إِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ. /سوره مبارکه توبه، آیه ۱۲ و اگر پیمان‌های خود را پس از تعهدشان شکستند و در دین شما زبان به طعن و عیب گشودند پس با (این) پیشوایان کفر بجنگید، که آن‌ها را هیچ تعهدی نیست، باشد که بازایستند.



در فضای مجازی جستجو کنید. این نظریه در سال ۱۳۸۶، در مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت تصویب شد.<sup>۱۲</sup> آقایان روحانی و نوبخت و سریع‌القلم و ... سخنرانی کردند و همه در تبیین این نظریه ناکارآمد شریک شدند؛ حالا که این رسوایی به وجود آمده، امیدوارم لینک این خبر را در فضای مجازی بردارند. همان روزها سایت مرکز تحقیقات مجمع تشخیص را بررسی می‌کردم که به این نظریه برخوردیم، ابتدا تصمیم گرفتیم سلسله یادداشت‌هایی را بنویسیم اما بعد از نوشتن یادداشت اول منصرف شدیم؛ همان یادداشت اول در فضای مجازی موجود است؛<sup>۱۳</sup> نقدی بر سیاست خارجی توسعه‌گرا؛<sup>۱۳</sup> بنده در آن یادداشت عرض کردم که این نظریه در آینده، برخلاف قانون اساسی و توصیه‌های امام در روابط بین‌الملل خواهد بود. البته دوستان توجه نکردند و با اکراه آن را منتشر کردند. بعدها که برجام تصویب شد به یکی از همان دوستان رسانه‌ای گفتم که چرا آن روز این موضوع را جدی نگرفتید؟ او گفت فکر نمی‌کردیم این نظریه مبنای عمل قرار گیرد. داستان غفلت‌های تلخ نیروهای انقلاب این‌گونه است.

اکنون که تفکر توسعه غربی برای چند صدمین بار در هفتادسال اخیر به چالش کشیده شده است، باید به سمت بازتعریف مجدد نظریه‌ها برویم. باید مراقب باشیم که چه چیزی را به‌عنوان رافع مشکلات مردم ایران معرفی می‌کنند و باید در همان نظریات، آن‌ها را به چالش بکشیم تا نظریه غلط، به‌صورت بنیادی، گسترش و مبنای عمل قرار نگیرد؛ این راه درستی است و نظریه هسته‌های توازن این موضوع را بیان می‌کند.

## ۲. لزوم مقابله با جریان توسعه‌گرا در حیطه اسناد نه در حیطه مبانی نظری اسناد و نه پس از اجرای

### اسناد

برای مقابله با فکر غلط توسعه غربی، سه مرحله قابل‌تصور است. مرحله اول شامل چالش در مبانی نظری و روش تحقیق است که نیروهای انقلاب به‌صورت مفصل این کار را انجام می‌دهند. مرحله دیگر آن است که مبانی نظری و روش تحقیق و مباحث تئوریک تبدیل به یک نظریه اجرایی شوند؛ سندی که قرار است پیشنهاد و اجرا گردد. مرحله دیگر آن است که بگذاریم سند اجرایی شود -مانند برجام- و سپس در مرحله اجرا، آن را به چالش بکشیم.

نظریه هسته‌های توازن می‌گوید اگر در قسمت اول با تفکر توسعه غربی مواجه شویم، این فکر و این درگیری فقط مورد توجه خواص قرار می‌گیرد. اگر بعد از اجرا درگیر شویم مورد توجه عامه مردم قرار می‌گیرد؛ اما خسارت‌های نرمش قهرمانانه را هم دارد. ما نرمش قهرمانانه پر از خسارت را پذیرفتیم، اگر در خاطر داشته باشیم مقام معظم رهبری می‌فرمودند: ما ضرر نخواهیم کرد. درست

۲/۱. امکان مقابله با فکر غلط غربی در سه مرحله

۲/۲. مقابله با فکر غلط در مرحله تدوین و تنظیم اسناد از طریق حساسیت بر روی عدم توازن‌های معرفی‌شده؛ پیشنهاد شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

۱۲. کنفرانس ملی سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا چهارشنبه برگزار می‌شود. به گزارش خبرنگار مهر، دکتر محمد سلطانی فر دبیر علمی کنفرانس ملی سند چشم‌انداز بیست‌ساله و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا، صبح امروز در محل مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام به تبیین اهداف و ویژگی‌های این کنفرانس ملی که قرار است روز چهارشنبه ۸ اسفند برگزار شود پرداخت. وی اهداف اصلی این کنفرانس را جذب منابع بین‌المللی برای توسعه، ایجاد حفظ و ثبات در محیط بین‌الملل، تسهیل سازی مناسب از کشور به‌عنوان یک فرصت جمعی و تعامل با کشورهای منطقه و بین‌الملل توصیف کرد.

خبرگزاری مهر <http://www.mehrnews.com/news/644591>

۱۳. متن کامل یادداشت در پایگاه خبری تحلیلی ۵۹۸ به آدرس <http://www.598.ir/fa/news/149628>



است که بالاخره ضررهایی را می‌دهیم - این سیمانی که در راکتور اراک ریخته می‌شود، این بدعهدی‌هایی که زاییده می‌شود، این فرصتی که تلف می‌شود، همه این موارد هزینه هستند - اما در نهایت باعث غنی‌سازی تجربه در میان مردم ایران می‌شود. ۱۴ پس اگر در کارآمدی هم درگیر شویم، باید با هزینه مسئله را جلو ببریم.

بهترین راه این نقطه وسط است، آن زمانی که سند خود را برای اجرا پیشنهاد می‌کنند، ببینیم چه چیزی را عدم توازن معرفی کرده‌اند و آن نقطه را به چالش بکشیم. چون سند و اسنادی که نوشته می‌شوند، از یک طرف به مبانی نظری مرتبط هستند، از یک سو هم به مشکلات عینی مرتبط هستند. لذا اگر نظریات کاربردی پیشنهادی را به چالش بکشیم، هم قابل تفاهم‌تر با عامه مردم هستند - لذا مشکل نقد مبانی نظری غرب را پیدا نمی‌کند - و هم قبل از اینکه اجرایی شود و خسارت به بار بیاورد جلوی آن را گرفتیم. این توضیحات تکمیلی بنده درباره نظریه هسته‌های توازن بود.

لذا الآن خود ما این کار را شروع کرده‌ایم؛ باینکه کتاب‌های مکتب نهادگرایی و نوکینزی در ایران در حال تدریس هستند. مثلاً شما می‌دانید که کلیات منکیو در حال حاضر در دانشگاه امام صادق علیه السلام هم تدریس می‌شود. ۱۵ اگر ما به آنجا رفته و این نظریه را به چالش بکشیم، این کار فقط به درد دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه السلام می‌خورد. اگر عوارض اجرای سیاست‌های پولی و مالی و ربوی را به چالش بکشیم - مانند داستان همین فیش‌های حقوقی نجومی<sup>۱۶</sup> که همه در حال به چالش کشیدن آن هستند - درست است که تلنگر ایجاد می‌کند اما وقتی اجازه می‌دهید که یک نظریه غلط اجرا شود واقعاً خسارت بزرگی ایجاد کرده است. باید چالش‌های آن را افشا کنیم. ما بر روی برنامه ششم با این برنامه غلط درگیر شدیم، گفتیم برنامه ششم انعکاس نظریه کینز و نوکینزی‌ها و نهادگراهاست. لذا خیلی قابل تفاهم‌تر شد.

الآن ما در حوزه شهرسازی و مدیریت شهری مخالف TOD هستیم. ۱۷ یک دور در نقد TOD بحث کنیم، ما transit-oriented development را به صورت نظری بحث کرده و بحث‌های نظری حمل و نقل توسعه‌ای را مطرح نموده و به چالش می‌کشیم، این یک نقطه شروع است. یک نقطه شروع هم مانند کارهایی است که دوستان فعال فکری فرهنگی در مشهد انجام می‌دهند؛

۱۴. البته بنده همچنان که گفتم خوش‌بین نیستم؛ من فکر نمی‌کنم [از] این مذاکرات آن نتیجه‌ای را که ملت ایران انتظار دارد، به دست بیاید، لکن تجربه‌ای است و پشتوانه تجربی ملت ایران را افزایش خواهد داد و تقویت خواهد کرد؛ ایرادی ندارد اما لازم است ملت بیدار باشد.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانش‌آموزان، ۱۳ آبان ۱۳۹۲

۱۵. نیکلاس جورج منکیو (Nicholas Gregory Mankiw)؛ متولد ۱۹۵۸ در نیوجرسی آمریکا. دکترای اقتصاد از دانشگاه پرینستون؛ صاحب دو کتاب اقتصاد خرد و اقتصاد مقدماتی؛ اصلی‌ترین نظریه‌پرداز مکتب نوکینزی‌ها

۱۶. فیش‌های نجومی (حقوق‌های نجومی) عبارتی بود که در سال ۱۳۹۵ در اعتراض به دریافت‌های حیرت‌انگیز برخی مدیران بانکی و دولتی دولت یازدهم در جامعه رایج شد. عدم پیگیری موضوع توسط دولت منجر به جریحه‌دار شدن احساسات عمومی نسبت به این موضوع شد.

۱۷. الگوی توسعه مبتنی بر حمل و نقل عمومی یا TOD (transit oriented development) نوعی از الگوی مدیریت شهری مبتنی بر تسهیل حمل و نقل در شهرها است. جهت اجرای الگوی TOD، دو شرط قابل‌تعریف است: (۱) قابلیت به‌کارگیری در الگوی شهر انطباقی (۲) پتانسیل لازم شهر برای ایفای نقش در تغییر یا تعدیل هدفمند ساختار عملکردی. بر مبنای این دو شرط دو معیار نیز برای پیاده‌سازی این الگو در نظر گرفته می‌شود: (۱) سطح توسعه‌یافتگی و (۲) موقعیت شهری، به‌عنوان معیارهای تشخیص ایستگاه‌های قابل‌تبدیل به مراکز TOD؛ جهت مطالعه رجوع کنید به:

Barker, J. Barry. (2004). "Transit-Oriented Development, Washington, D. C: National Academy Press





عوارض مدیریت شهری غرب‌گرا را به چالش می‌کشند. مانند اینجا که برجام را به چالش کشیده‌اند، در مشهد نیز عوارض اجتماعی سیاسی فرهنگی این نوع مدیریت را به چالش می‌کشند. شما می‌دانید که این نوع مدیریت در پروژه شهرداری میدان شهدای مشهد، شش هزار شاکی خصوصی دارد. دوستان ما در مشهد این موضوع را به چالش می‌کشند و می‌گویند چرا یک پروژه باید شش هزار شاکی داشته باشد. وقتی شما شش هزار شاکی خصوصی دارید، به معنای -به اصطلاح رکیک- سوزاندن سرمایه اجتماعی و از بین بردن اعتماد مردم است. درست است که پروژه اقتصادی است اما به قیمت ناراضی کردن شش هزار نفر که این افراد حتماً دوست و رفیق هم دارند تمام شده است. پس شهرداری مشهد به راحتی در یک پروژه اقتصادی صد هزار نفر - که همه اخبار را دریافت می‌کنند - را در مشهد ناراضی کرده است. یک‌راه هم این بود. یک‌راه هم ما به دوستان پیشنهاد کرده‌ایم؛ انعکاس TOD در سند توسعه شهر مشهد<sup>۱۸</sup> را نقد کنند که به فضل الهی این دیدگاه در حال تقویت است. وقتی برنامه در حال طراحی است، باید آنجا ورود پیدا کرده و برنامه را به چالش بکشید. این کار در همه جا قابل تعمیم است.

یکی از اساتید محترم در حال برگشت از یک جلسه مناظره در حوزه علمیه قم بودند، موضوع مناظره نسبت مذاکره با کفار در آیات قرآن بود. بنده خدمت آن استاد محترم رسیدم و گفتم این کار شما کار بسیار خوبی است اما هم دیربازده است و هم فقط به درد خواص می‌خورد که مثلاً شما از سوره براءت قواعد روابط بین‌الملل با نگاه اسلامی را استخراج کنید. این کار درازمدت است و به درد خواص می‌خورد. از طرف دیگر بقیه دوستان حزب‌اللهی هم در حال نقد کردن برجام هستند و مثلاً می‌گویند بند چند برجام فلان اشکال را دارد. در حال حاضر همین تحریم‌های ایسا (ISA) نقض چند بند برجام است؟ مثلاً ما برای نقد بندهای برجام را آورده و بگوییم این موارد نقض شده‌اند. بنده به آن استاد محترم عرض کردم که ببینید؛ واسطه بین نظریات غلط در حوزه روابط بین‌الملل و مسئله برجام سندی در مجمع تشخیص مصلحت نظام به نام نظریه سیاست خارجه توسعه‌گراست. ما باید این سند را می‌زدیم که نزدیک. ببینید باید در این نقطه جبهه ایجاد کنیم.

۲/۲/۳. عدم نقد نظریه سیاست خارجی توسعه‌گرا و نقد برجام به‌عنوان میوه این نظریه؛ اشکال جبهه فکری - فرهنگی انقلاب

این هشدار الان بنده شبیه هشدار چند سال پیش بنده راجع به سیاست خارجه توسعه‌گراست. آقایان در حال حاضر مطابق با سند آموزش در یونسکو در حال بازتعریف سند آموزش و پرورش ایران هستند. الآن وقت آغاز درگیری است، نباید بگذاریم سند آموزش در ایران از تصویبات یونسکو متأثر شود. چون معنای ساده این حرف آن است که سازمان‌های بین‌المللی برای نسل آینده ما یک برنامه خطرناکی طراحی کرده‌اند تا همه آن‌ها یک نگاه سکولار و مبتنی بر توسعه پیدا کنند. الآن باید

۲/۲/۴. لزوم تمرکز نیروهای انقلاب در حال حاضر بر روی سند ۲۰۳۰ و ایجاد عواقب بسیار خطرناک در صورت غفلت از این سند

۱۸. شهرداری مشهد به‌عنوان نماینده قاطبه شهروندان و زائران، باهدف پاسخ‌گویی به نیاز کلیه ذی‌نفعان شهری در سال ۱۳۹۲ با بررسی تجارب مشابه و انجام امور مقدماتی ازجمله تهیه شرح خدمات و آموزش کارشناسان داخلی بستر آغاز تدوین این سند راهبردی و حیاتی را برای شهر فراهم کرد. در سال ۱۳۹۳ با توجه به جایگاه شورای محترم اسلامی شهر به‌عنوان تنها نهاد قانونی در مدیریت و هماهنگی امور شهری و لزوم همکاری کلیه ذی‌نفعان شهری در تنظیم و اجرای راهبردهای توسعه شهری این امر مهم در دستور کار قرار گرفته و امید است تا با رویکردی آینده‌پژوهانه، استراتژیک و مشارکتی و با بهره‌گیری از تلاش‌های انجام‌شده تاکنون در شهر، اهداف و نتایج یادشده در زمانی کوتاه عملیاتی شود.

وبسایت معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهرداری مشهد CDS.html -سند-راهبردی-توسعه-شهر-مشهد- [https://planning.mashhad.ir/portal\\_content/1239967](https://planning.mashhad.ir/portal_content/1239967)



سروصدای بچه‌های حزب‌اللهی و مطالبه نیروهای انقلاب بر روی این سند متمرکز شود. چرا؟ چون سند تحول بنیادین در حال کنار گذاشته شدن است. یعنی چه که ما سند آموزش کشور را با اسناد بین‌المللی در حوزه آموزش متناسب کنیم؟! آن‌هم سازمان‌های بین‌المللی که صهیونیست‌ها آن‌ها را اداره می‌کنند.

حال اگر از این سند هم غفلت کردیم، شما خواهید دید که یک دهه یا دو دهه بعد صدای آن بلند خواهد شد. یعنی نسلی تربیت می‌شوند که با شاخصه‌های جهانی تربیت‌شده‌اند نه با شاخصه‌های مترقی فکر اسلامی. یعنی مشکل تفکر پیدا می‌کنند و دعوای ما با کفر دعوای فکر است. بنده بارها این جمله را بیان کرده‌ام که با دخالت سازمان‌های بین‌المللی با دخالت استکبار، با دخالت توسعه غربی در کشور مخالف هستیم به دلیل اینکه توسعه و کفر و استکبار؛ فکر انسان‌ها را به فکر تجربی محدود می‌کنند. درحالی‌که پنج سطح فکر متصور است. این دعوای کمی نیست، دعوای بر سر سند آموزش و پرورش یعنی دعوا بر سر اینکه جامعه ما در دو دهه آینده به چه مقدار فکورتر است. دعوای فکر دعوای محوری انبیاء علیهم‌السلام بوده است. ما باید این موضوع را جدی بگیریم. درحال حاضر سند این در حال تصویب است.

این توضیحات تکمیلی بنده راجع به نظریه هسته‌های توازن است. باید عدم توازن‌ها را به چالش بکشیم. اینکه در نظام آموزش و پرورش ما آموزش‌های اقتصاد سرمایه‌داری محور نیست را یک عدم توازن می‌دانند. باید این حرف را به چالش کشید. ما هم اینکه نظام آموزش و پرورش نمی‌تواند زمینه‌های بهینه شدن روابط انسانی را مهیا کند را یک عدم توازن می‌دانیم. اگر دعوا را از این نقطه شروع کنیم، تفاهم عمومی خواهد شد. واقعاً مشکل اصلی آموزش و پرورش ما این است که نمی‌توانند آموزش‌های مربوط به اقتصاد سرمایه‌داری را آموزش دهند؟! باید افشاگری کنیم تا مردم متوجه شوند. یا مشکل اصلی این است که نمی‌تواند به انسان‌ها بگوید با انسان‌های محیط اطراف خود به چه شکلی رفتار کنند؟ اگر توانستیم بهینه شدن روابط انسانی و مفاهیم حاکم بر آن را در ذهن نسل آینده جا بیندازیم، رفاه بیشتری به دست می‌آوریم و سطح فکر جامعه ارتقا پیدا می‌کند.

### ۳. اهمیت بهینه روابط انسانی در بهینه شدن رابطه با خدا؛ دلیل تأکید بر روی این مسئله

بعضی از دوستان به بنده یک اشکال کوچک را مطرح کردند؛ گفتند که اساس اسلام رابطه با خدا است، اما چرا شما مدام در مباحث بر روی بهینه شدن روابط انسانی تأکید می‌کنید؟ بنده به ایشان عرض کردم به دلیل اینکه مسئله ارتباط با خدا زائیده روابط انسان‌ها با یکدیگر است.

به دو معنا؛ معنای اول اینکه اگر شما می‌خواهید به یک انسانی بگویید خدا اصل است، این کار را باید از طریق سایر انسان‌ها بیان کنید، باید از طریق پدر و مادر به او بگویید. پدر و مادر و یک خانواده خوب، مظهر یک روابط انسانی بهینه است. وقتی انسان‌ها حقوق همدیگر را شناختند، پدر، حق تربیت فرزند را جدی گرفت، مادر حق تربیت فرزند را جدی گرفت، زن و شوهر حق همدیگر را جدی گرفتند، خروجی این خانواده خوب انسان‌های موحد خواهد شد. شما در محیطی غیر از خانواده

۳/۱. روابط انسان‌ها با یکدیگر؛ منشأ ایجاد رابطه با خدا  
۳/۱/۱. لزوم داشتن روابط انسانی بهینه برای انتقال توحید به افراد جامعه؛ دلیل اول محوریت روابط انسانی در گسترش توحید



- ۳/۱/۲. حل مشکلات  
مردم؛ بزرگ‌ترین عبادت در  
اسلام و حل مشکل فکری  
انسان‌ها در صورت بهینه  
روابط انسانی
- که نمی‌توانید توحید را جا بیندازید. پس روابط انسانی مقدمه بهینه شدن رابطه فرد با خدا است. این یک بحث است.  
از سمت دیگر هم هیچ عبادتی در اسلام به اندازه خدمت به خلق ارزش ندارد. یعنی اگر کسی می‌خواهد به سمت خدا میانبر بزند، باید به سمت حل مشکلات مردم برود. این موضوع جزء مسلمات روایات ماست.<sup>۱۹</sup> اگر توانستیم مشکلات انسان‌ها را حل کنیم - که این مشکلات، مشکلات فکری را نیز در برمی‌گیرند - مشکلات مالی را نیز در برمی‌گیرند [به خدا نزدیک‌تر خواهیم شد].
- ۳/۲. ربا، جنگ با خدا به  
دلیل به چالش کشیدن بهینه  
روابط انسانی
- چرا اسلام با ربا مخالف است؟ چرا ربا را جنگ با خدا می‌دانند؟ چون در یک طرف ربا، ربا گیرنده‌ای قرار دارد که مشکلی دارد و شما دقیقاً وقتی که کسی مشکل دارد، بدترین فشار را با مکانیزم ربا به او وارد می‌کنید. خدا از این کار به جنگ با خدا تعبیر کرده است. یعنی جنگ با خدا دقیقاً در آنجایی اتفاق می‌افتد که شما انسان روبروی خود را له می‌کنید. دقیقاً وقتی که نیاز به دست‌گیری دارد، او را از هستی ساقط کرده و از بین می‌برید. خداوند از این کار به جنگ با خدا تعبیر کرده است. داستان این است.
- ۳/۳. وضع حدود بسیار  
سنگین برای زنا (محصنه یا  
غیر محصنه) به دلیل تخریب  
خانواده و در نتیجه تخریب  
بهینه روابط انسانی
- راجع به مسئله حدود و تعزیرات حول نهاد خانواده نیز همین‌طور است. این مسئله جزء احکام سخت اسلام است؛ یک شخصی به یک خانواده‌ای تعدی کند، یعنی مرز یک خانواده را بشکند، در این صورت جریمه‌ها خیلی سنگین باید پرداخت کند. برخلاف وقتی که خانواده تشکیل نشده و روابط نامشروع بین دو مجرد اتفاق می‌افتد. در آنجا هم حکم سنگین است؛ اما وقتی خانواده تشکیل شد، حکم ده‌ها برابر سنگین‌تر است. به چه دلیل هر دو حکم سنگین هستند؟ هم در حکم اول؛ یعنی در مورد روابط نامشروع بین دو مجرد و هم در حکم دوم یعنی رابطه نامشروع در مسئله زن حصن‌دار<sup>۲۰</sup> احکام سنگینی وجود دارد؛ زیرا هر دو ضد بهینه روابط انسانی عمل می‌کنند. خانواده مرکز تربیت انسان‌هاست؛ لذا اسلام با حدود سنگین از آن مراقبت کرد. هرکجا داستان را پیگیری می‌کنیم به مسئله روابط انسانی بهینه بازمی‌گردد. اصلاً بهینه روابط انسانی ظرف رشد توحید است.
- ۳/۴. آماده شدن زمینه برای  
خداپرستی؛ نتیجه بهینه  
روابط انسانی
- اگر می‌خواهید خداپرستی را به شکل قابل تفاهم برای تمام انسان‌ها بحث کنید باید به تمام انسان‌ها محبت کنید. یک‌زمانی هست که برای انسان‌ها سخنرانی می‌کنید که یک اثر دارد و یک‌زمان هم هست که به انسان‌ها رفق و محبت می‌کنید [که اثر بالاتری دارد]. رفق و محبت به انسان‌ها در ذهن کسی که مورد رفق و محبت واقع شده تأمل ایجاد می‌کند. اگر روابط انسانی بهینه شود زمینه برای خداپرستی آماده می‌شود. درست است که هدف غایی اسلام این است که انسان را

۱۹. محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن ابن محبوب، عن محمد بن القاسم الهاشمی، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من لم يهتم بأمر المسلمین فلیس بمسلم.

امام صادق عليه السلام فرمودند: هرکس صبح کند و به امور مسلمین اهتمام نرزد، مسلمان نیست.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تاریخ وفات ۳۲۹ هـ ق، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۱۶۴



به تسبیح - با انواع و اقسام خود<sup>۲۱</sup> - برساند، اما ابتدا باید روابط انسانی بهینه شود. اصلاً بهینه روابط انسانی، زیرساخت فهم تسبیح است. این‌ها بحث‌هایی است که در اعتقادات و معنای تسبیح آن‌ها را عرض خواهیم کرد. این جزء بحث‌های سنگین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است؛ این‌که اصلاً چگونه در جامعه‌ای تسبیح متولد می‌شود. این‌ها برای کلاس‌های تکمیلی الگوست. اما به هر حال شروع کار از بهینه‌شدن روابط انسانی است.

حال ما دعوا با جریان توسعه غربی را از این نقطه شروع می‌کنیم؛ ما به آن‌ها می‌گوییم کارآمدی‌ای که شما ادعای آن را دارید، مفهوم روابط انسانی را نادیده گرفته است، پس اصلاً کارآمدی نیست. وقتی انسان‌ها به چالش کشیده شوند، یعنی همه‌چیز به چالش کشیده می‌شود. فکر، علم، اقتصاد و ... به چالش کشیده می‌شود، زیرا انسان محور تمام بخش‌ها است. پس چرا ادعای کارآمدی می‌کنید؟ پس چرا این‌همه اصرار می‌کنید که این تعریف غلط - هر آن چیزی که در تعارض با محوریت بخش اقتصاد است یک نامتوازن است - را مطرح کنید؟ نخیر؛ هر آن چیزی که در تعارض با محوریت انسان هدایت‌یافته است یک عدم توازن محسوب می‌شود. اصلاً سبک و گستره دعوا با جریان توسعه‌گرا تفاوت پیدا می‌کند.

ما هم الآن چند موضوع را در دستور کار قرار داده‌ایم. سند توسعه شهر مشهد موضوع نقد جدی جبهه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در آینده است. در سند برنامه ششم، تتمه درگیری را طراحی می‌کنیم که به فضل الهی از هفته آینده آغاز می‌شود. باید تمام تلاش خود را کنیم تا این سند به فکر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نزدیک شود، این کار مهمی است. این‌شاءالله در سال‌های بعد اگر آقای نوبخت بر سر کار بودند - فکر نمی‌کنم دولت رأی بیاورد - به آن‌ها وعده می‌دهم که سر سند بودجه هم سال به سال نحوه بودجه ریزی را به چالش خواهیم کشید. سند حوزه کشاورزی را باید جدی گرفت.

حوزه سلامت را هم باید جدی گرفت. با این محصولات بیمار تراریخته، قرار است انسان‌های ناسالم جسمی هم داشته باشیم؛ دوستان ترجمه یک سند بین‌المللی را به بنده دادند که در آن نوشته شده بود برنامه دارند تا سال ۱۴۸۰ جمعیت ایران را به دو میلیون نفر کاهش دهند. یعنی سازمان‌های بین‌المللی چنین برنامه‌ای دارند. آن‌ها دیده‌اند که با تفکر شیعه و تفکر اهل بیت به صورت مستقیم نمی‌توان درافتاد، به همین خاطر برنامه انحلال بلندمدتی طراحی کرده‌اند. تراریخته را جزء سیاست‌های کنترل جمعیت بدانید. داستان تراریخته این است. اینکه ما همیشه عرض کردیم احتمال ترور بیولوژیک مردم ایران وجود دارد، در واقع مراد همین طرح‌های تکمیلی کنترل جمعیت است که جمعیت شیعه را کم کند و شیعه اصلاً قدرت طراحی هم نداشته باشد. این‌ها چنین برنامه‌هایی دارند. حال ما یکی یکی این مطالب را بحث می‌کنیم.

۲۱. برای انسان‌ها بزرگ‌ترین مقام، مقام تسبیح است. یعنی متوجه شوند یک موجود بی‌نقص وجود دارد و به آن اعتراف کنند. این تسبیح است اما باید این عملی باشد نه فقط بر زبان، یعنی فقط به یک مبدأ رجوع کنند. وقتی شما به یک مبدأ رجوع کنید و بقیه را مورد توجه قرار ندهید، یعنی فقط یک نفر را بدون عیب می‌دانید. تسبیحات اربعه انواع و اقسام تسبیح هستند.



بنده خواهش می‌کنم که دوستان فکری فرهنگی انقلاب اسلامی و خصوصاً دوستان جبهه  
الگوی اسلامی که بخش برجسته جبهه فکری فرهنگی انقلاب هستند توجه کنند که جدال ما با  
سؤالات به‌منظور به چالش کشیدن کارآمدی ادعایی تفکر توسعه غربی، جدال سؤال محور است. جدال نرمی است که محوریتش مسائل نظری به معنای  
کشیدن کارآمدی ادعایی تفکر توسعه غربی، جدال سؤال محور است. جدال نرمی است که محوریتش مسائل نظری به معنای  
جریان توسعه‌گرا؛ محور آکادمیک و مسائل کاربردی به معنای بررسی آثار نیست، بلکه نظام سؤالاتی حول مفهوم کارآمدی  
مقابله جبهه الگوی پیشرفت است. در زمان برنامه ششم هجده سؤال مطرح شد، بیست‌وپنج سؤال راجع به سند توسعه شهر مشهد  
اسلامی با تفکر توسعه غربی داریم. کار ما در جلسات و گفت‌وگوها این است که این سؤالات را مطرح کنیم و بپرسیم تا این  
سؤالات در افکار عمومی زنده شوند.

لذا ما همیشه وقتی قصد داریم عملیاتی را شروع کنیم، عملیات را با تبیین نظام سؤالات خودمان  
از آن سند مدعی کارآمدی شروع می‌کنیم. اگر نتوانند آن نظام سؤالات را جواب دهند برای افکار  
عمومی واضح می‌شود که این‌ها کارآمد نیستند. این روح برنامه عملیاتی جبهه الگو علیه جبهه  
ناکارآمد توسعه غربی است.

حال ان‌شاءالله از فردا در ادامه جلسات که زمان بسیار کمی هم هست - در سه جلسه باقیمانده -  
توضیح می‌دهم که ما در برنامه ششم - که مبتنی بر این نگاه تنوریک است - بر روی چند عدم  
توازن دست گذاشتیم و این عدم توازن‌ها توسط چه نظریاتی پشتیبانی می‌شدند و ناظر به کدام  
موضوعات جهت‌ساز بودند. یعنی در واقع گزارش عملیات برنامه ششم را خدمت شما ارائه می‌کنم.  
بفصله تبارک و تعالی.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی‌القاسم محمد ﷺ



### فهرست تفصیلی

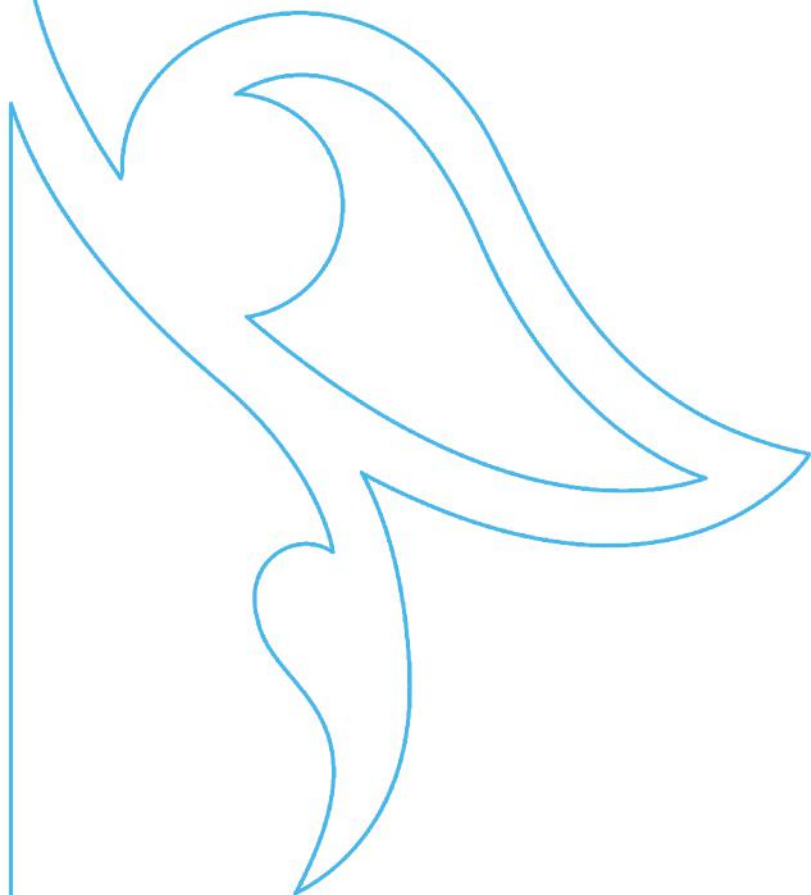
۱. به چالش کشیدن مفهوم عدم تعادل به‌عنوان محور کارآمدی از نگاه جریان توسعه‌گرا؛ نقطه آغاز ایجاد جبهه‌ای جدید برای مدیریت این جریان ..... ۵۵
- ۱/۲. عدم تعادل از نگاه جریان توسعه‌گرا یعنی هر امر ضد اقتصاد ..... ۵۶
- ۱/۳. عدم توازن از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی یعنی امور متعارض با زیرساخت‌های هدایت ..... ۵۶
- ۱/۴. محور قرار دادن روابط انسانی توسط جریان الگوی پیشرفت اسلامی در تعریف کارآمدی و عدم توجه جریان توسعه‌گرا به روابط انسانی در تعریف کارآمدی ..... ۵۶
- ۱/۴/۱. محور قرار دادن روابط انسانی در مدل امنیتی توسط انقلاب اسلامی و محور قرار دادن تکنولوژی در مدل امنیتی توسط تئوری‌های غربی ..... ۵۶
- ۱/۴/۳. تعریف کارآمدی به محوریت روابط انسانی؛ دلیل موفقیت‌های انقلاب در عرصه‌های مختلف ..... ۵۷
- ۱/۴/۲. وجود بیشتری امنیت در کشور در ناامن‌ترین منطقه دنیا؛ نتیجه محور قرار دادن بهینه روابط انسانی در نظریه امنیتی ..... ۵۷
- ۱/۴/۴. عدم توجه به بهینه روابط انسانی در تعریف کارآمدی؛ دلیل شکست نظریات توسعه غربی در عرصه‌های مختلف ..... ۵۸
- ۱/۵. به چالش کشیدن تعریف جریان توسعه‌گرا از کارآمدی و عدم تعادل؛ عامل ایجاد جبهه‌ای جدید برای مقابله با جریان توسعه‌گرا ..... ۵۹
۲. لزوم مقابله با جریان توسعه‌گرا در حیطة اسناد نه در حیطة مبانی نظری اسناد و نه پس از اجرای اسناد ..... ۶۰
- ۲/۲. مقابله با فکر غلط در مرحله تدوین و تنظیم اسناد از طریق حساسیت بر روی عدم توازن‌های معرفی شده؛ پیشنهاد نظریه هسته‌های توازن ..... ۶۰
- ۲/۱. امکان مقابله با فکر غلط غربی در سه مرحله ..... ۶۰
- ۲/۲/۱. نقد نظریات اقتصادی کینزی و نهادگرایی توسط جریان الگوی پیشرفت اسلامی در سند برنامه ششم در عوض نقد تئوریک و صرف؛ نمونه‌ای از نقد در مرحله تنظیم سند ..... ۶۱
- ۲/۲/۲. نقد مدیریت شهری TOD در عوض نقد عوارض مدیریت شهری غرب‌گرا؛ نمونه‌ای دیگر از نقد در مرحله تنظیم سند ..... ۶۱
- ۲/۲/۳. عدم نقد نظریه سیاست خارجی توسعه‌گرا و نقد برجام به‌عنوان میوه این نظریه؛ اشکال جبهه فکری-فرهنگی انقلاب ..... ۶۲
- ۲/۲/۴. لزوم تمرکز نیروهای انقلاب در حال حاضر بر روی سند ۲۰۳۰ و ایجاد عواقب بسیار خطرناک در صورت غفلت از این سند ..... ۶۲
- ۲/۲/۵. لزوم توجه به اسناد حوزه سلامت به دلیل گسترش محصولات مانند تراریخته در این اسناد ..... ۶۵
۳. اهمیت روابط بهینه روابط انسانی در بهینه شدن رابطه با خدا؛ دلیل تأکید بر روی بهینه روابط انسانی ..... ۶۳
- ۳/۱. روابط انسان‌ها با یکدیگر؛ منشأ ایجاد رابطه با خدا ..... ۶۳
- ۳/۱/۱. لزوم داشتن روابط انسانی بهینه برای انتقال توحید به افراد جامعه؛ دلیل اول محوریت روابط انسانی در گسترش توحید ..... ۶۳





- ۳/۱/۲. حل مشکلات مردم؛ بزرگ‌ترین عبادت در اسلام و حل مشکل فکری انسان‌ها در صورت بهینه روابط انسانی ..... ۶۴
- ۳/۲. به چالش کشیدن بهینه روابط انسانی؛ دلیل جنگ با خدا خواندن ربا ..... ۶۴
- ۳/۳. وضع حدود بسیار سنگین برای زنا به دلیل تخریب خانواده و در نتیجه تخریب بهینه روابط انسانی ..... ۶۴
- ۳/۴. آماده شدن زمینه برای خداپرستی؛ نتیجه بهینه روابط انسانی ..... ۶۴
- ۳/۵. ناکارآمد بودن کارآمدی ادعایی جریان توسعه‌گرا به دلیل نادیده گرفتن روابط انسانی در تعریف کارآمدی ..... ۶۵
- ۳/۵/۱. طرح نظامی از سؤالات به‌منظور به چالش کشیدن کارآمدی ادعایی جریان توسعه‌گرا؛ محور مقابله جبهه الگوی پیشرفت اسلامی با تفکر توسعه غربی ..... ۶۶

# جلسه سی و هشتم



تشریح عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز تربیت در  
برنامه ششم توسعه



## شناسنامه جلسه سی و هشتم

عنوان  
تشریح عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز تربیت در برنامه ششم توسعه

تاریخ نشست  
۱۳۹۵ اردیبهرد

مشخصات اثر  
۱۴ صفحه (قطع رحلی)

در جلسات گذشته بیان شد که الگوی پیشرفت اسلامی بر اساس نظریه هسته‌های توازن فرهنگی با جریان توسعه‌گرا مقابله می‌کند. اما نکته مهم این است که این راهکار تا به حال در چندین حوزه امتحان شده و موفق بوده است. یکی از این حوزه‌ها برنامه ششم توسعه است؛ جریان الگوی پیشرفت اسلامی با استفاده از نظریه هسته‌های توازن فرهنگی وارد برنامه ششم شد و با جریان توسعه‌گرا مقابله نموده و گفتمان الگو را گسترش داد.

در برنامه ششم کشور چهار دسته عدم توازن فرهنگی شناسایی شده بود: عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز تربیت، عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز پیشگیری از جرم، عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز علم و عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز اقتصاد.

در این جلسه عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز تربیت تشریح می‌شود. در مجموع هفت عدم توازن فرهنگی مرتبط با جهت‌ساز تربیت در برنامه ششم شناسایی شده است که این هفت مورد به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به نوع مدیریت شهری فعلی باز می‌گردند. در حال حاضر مدیریت شهری به گونه‌ای است که نیازهای خانوار را در خارج از محله تأمین می‌کند. خانواده‌ها چهار نوع نیاز اصلی دارند که تأمین هر یک از این نیازهای چهارگانه در خارج از محله یک عدم توازن فرهنگی محسوب می‌شود؛ چراکه موجب جدایی مکرر اعضای خانواده از یکدیگر می‌شود و وقتی اعضای خانواده مکرر از یکدیگر جدا شدند دیگر فرصتی برای تربیت باقی نخواهد ماند. این چهار نیاز اصلی عبارتند از: نیازهای شغلی، نیازهای تفریحی، نیازهای روزمره و نیازهای تحصیلی.

اما وقتی مدیریت شهری این چهار نوع نیاز را در محله تأمین نمی‌کند سه عدم توازن فرهنگی دیگر نیز ایجاد می‌شود. یک مورد از این عدم توازن‌ها به گسترش سفرهای درون‌شهری باز می‌گردد. وقتی مدیریت شهری نیازهای خانوار را در محله تأمین نمی‌کند، افراد باید دائماً از محله خود خارج شوند و همین موضوع موجب ایجاد آلودگی هوا و آلودگی صوتی می‌شود که این موضوعات مخمل سلامت روانی جامعه هستند.

اگر نیازها در محله تأمین نشوند تعرف و شناخت میان افراد جامعه از بین می‌رود. از بین رفتن تعرف حداقل دو اثر سوء دارد. زمانی که شناخت بین افراد جامعه وجود نداشته باشد انتخاب همسر با مشکلات عدیده‌ای روبرو خواهد شد و در موارد زیادی نیز زوجین در انتخاب دچار اشتباه می‌شوند و در نتیجه خانواده‌ی خوبی تشکیل نمی‌دهند. مشکل دیگر این است که تعرف زیرساخت بهینه روابط انسانی است و زمانی که تعرف از بین می‌رود بهینه روابط انسانی بسیار مشکل شده و این موضوع نیز به عنوان یک عدم توازن خواهد بود.

### فهرست اجمالی

۵۵	به چالش کشیدن مفهوم عدم تعادل به عنوان محور کارآمدی از نگاه جریان توسعه‌گرا؛ نقطه آغاز ایجاد جبهه‌ای جدید برای مدیریت این جریان
۶۰	لزوم مقابله با جریان توسعه‌گرا در حیطه اسناد نه در حیطه مبانی نظری اسناد و نه پس از اجرای اسناد
۶۳	اهمیت بهینه روابط انسانی در بهینه شدن رابطه با خدا؛ دلیل تأکید بر روی این مسئله



جایگاه سی و هشتم: تشریح عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز تربیت در برنامه ششم توسعه







### ۱. درگیری با جریان توسعه‌گرا به محوریت نظریه هسته‌های توازن فرهنگی؛ راهکار الگوی پیشرفت

#### اسلامی برای مقابله با جریان توسعه‌گرا

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و الصلاة و السلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و علی اهل بینه الطیبین الطاهرین لاسیما علی بقیة الله فی الأرضین ارواحنا لآماله الفداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف.

در جلسه گذشته ابعاد بیشتری از نظریه «هسته‌های توازن فرهنگی» را محضر شما گزارش دادم. ۱/۱. عدم امکان فرار جریان عرض کردم که نظریه هسته‌های توازن فرهنگی، نقطه شروع خود را بازتعریف مفهوم عدم توازن در نگاه جریان توسعه‌گربی قرار می‌دهد. یعنی نقطه آغاز را نقطه فهم جریان توسعه‌گربی قرار می‌دهد و بعد بحث را به پایه تصمیم و یا تعریف جدید از عدم توازن هدایت می‌کند. اما برای کسانی که به مقام برائت از نگاه توسعه‌گربی رسیده‌اند، خود الگوی ساخت کفایت می‌کند. در واقع نظریه هسته‌های توازن نوعی جدال احسن است برای اینکه راه فرار از گفت‌وگو را برای جریان توسعه‌گربی ببندد. این یک مسأله واقعی است که جریان توسعه‌گربی خیلی اهل گفت‌وگو با مخالفین نیست. بعد از آن مناظره آخری که ما در شبکه خبر جمهوری اسلامی با یکی از آقایان داشتیم، ایشان (طرف مناظره) بعد از مناظره به بنده می‌گفت: به ما گفتند این مناظرات ادامه پیدا نکنند. امروز هم جلسه‌ای داشتیم برای اینکه دور جدید نقد برنامه ششم را به مناسبت اینکه برنامه ششم در آستانه طرح در صحن علنی مجلس شورای اسلامی است را برنامه‌ریزی کنیم، باز این معنا و این خبر از طریق دیگری مورد تأکید قرار گرفت. اینکه بحث از نظام مفاهیم آنها، هیچ‌گاه مورد استقبال قرار نمی‌گیرد، یک واقعیت است. م‌لوارد مختلفی دارد و این آخرین نمونه‌هایی است که خدمت شما عرض کردم. بنابراین حتماً





باید نظریه هسته‌های توازن را جدی بگیریم در غیر اینصورت آقایان وارد گفت‌وگو نخواهند شد و انتظار دارند ما بحث‌های آنها را بپذیریم. شاید این یک حقیقت تلخ است که آقای سریع‌القلم در یادداشت اخیر خود در مورد تبلیغاتی‌بودن مسأله برج‌ها به آن اعتراف کردند. دوستان ما خیلی تلاش کردند که در همان دوران ارتباط بگیرند تا گفت‌وگویی صورت بگیرد؛ اما ایشان موافقت نکردند. خوب این موارد یک روالی است که در کشور ما در حال تکرار شدن است. لذا اگر ما بخواهیم بر نگاه‌های خودمان تأکید کنیم و بخواهیم بحث‌ها را به صورت اثباتی جلو ببریم، با توجه به شرایط خاصی که در جریان توسعه‌گرا هست هیچ‌گاه یک گفت‌وگوی ملی آغاز نخواهد شد. اگر هم موفق نشویم گفت‌وگوی ملی را حول مفهوم پیشرفت، پیشرفتی که با بوم و ارزش‌ها تناسب داشته باشد آغاز کنیم، عزم ملی به وجود نخواهد آمد. اگر گفت‌وگوی ملی حول پیشرفت شکل نگیرد، آثار خود را در کف خیابان نشان خواهد داد؛ یعنی به اردو‌کشی‌های خیابانی و نزاع‌های سیاسی تند ختم خواهد شد. عوارض بسیار جدی‌ای در فقدان نظریه‌پردازی و فقدان نقد و گفت‌وگوی علمی عمیق برای جامعه ما متصور خواهد بود، عواقب سوئی متصور است.

نقدهایی که از پایگاه کارآمدی به نگاه توسعه غربی وارد می‌شود موجب می‌گردد که افکار عمومی درگیر نگاه الگوی پیشرفت اسلامی شود.

اخیراً در ماجرای امضای قرارداد برای ساخت ده کشتی با شرکتی کره‌ای، مسئولین اظهار می‌کنند که نزدیک به پنج هزار نفر بیکار خواهند شد.<sup>۲</sup> باید از این نقطه شروع کنیم که تدابیر پیشنهادی جریان توسعه غربی بخشی است و محاسبات آن ناکارآمد است. وقتی ما با یک شرکت خارجی قرارداد ببندیم، شاید اندکی کیفیت ارتقا پیدا کند، شاید اندکی زمان ساخت کشتی کاهش پیدا کند؛ اما این بحث‌هایی که دوستان مطرح می‌کنند، تمام ملاک‌های یک محاسبه صحیح نیست. مثلاً سود اجتماعی هم در میان است. اگر این قراردادها اجرا شوند، ما با پنج هزار خانواده بیکار مواجه خواهیم شد. خود این کار یک ضرر است. اگر از طریق معامله با یک شرکت خارجی مثلاً سود اقتصادی معینی نصیب کشور می‌شود؛ باید این موضوع را یک‌طرف قرار داد و ضررهای اقتصادی ناشی از فروپاشی نهاد خانواده-هم‌ضررهای اجتماعی آن، هم‌ضررهای حوزه سلامت، هم‌ضررهای امنیتی و همه این‌ها- را باید طرف دیگر معادله قرارداد. این تک‌بعدی بودن در نگاه توسعه غربی مثال‌های روزانه دارد؛ یعنی به این شکل نیست که اگر شما بحث را از تغییر تعریف در کارآمدی شروع کردید، یک یا دو مثال پیش‌روی شما باشد. به دلیل اینکه این نگاه فعال است و در حال برنامه‌ریزی برای تسریع فرآیند مدرنیزاسیون برای ایران است، تقریباً نگاه خود را به همه بخش‌ها تطبیق می‌کند و ما اگر می‌خواهیم کشور دچار فاجعه نشود باید مواظبتی جدی را شروع کنیم، آن‌هم نه به نحو سیاسی که این پنج هزار کارگر بیکار شده را تبدیل به پُتکی برای عقب‌راندن جناح مقابل کنیم، خیر؛ دعوا باید به این معنایی که بنده عرض کردم و یک دعوای محاسباتی باشد. یعنی حتی اگر ملاک هم

۱/۲. لزوم به چالش کشیدن معنای عدم توازن از نگاه توسعه غربی و تثبیت معنای عدم توازن از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

۲. قرارداد خرید ۱۰ فروند کشتی از کره جنوبی امضا شد.



ارزش افزوده است، شما می‌توانید هزینه‌های اقتصادی ناشی از بیکارکردن این حجم از کارگر را یک‌طرف معادله بنویسد و سود اقتصادی ناشی از مثلاً عقد قرارداد با یک شرکت کره‌ای را یک‌طرف قضیه بنویسد؛ بعد هر دو را با یکدیگر محاسبه کنید و ببینید آیا واقعاً در برآیند کل، ما در همین مبنای ارزش افزوده سود می‌بریم و یا ضرر می‌کنیم. عدالت و مسائلی و مانند اینکه ما نباید ظلم بکنیم نیز در سر جای خودشان قابل تفاهم هستند. اما علی‌المبنای این موارد می‌توانیم وارد دیالوگ شویم و این چالش‌ها را برای این نگاه غلط ایجاد کنیم.

## ۲. شناسایی هفت عدم توازن مرتبط با جهت‌ساز تربیت در برنامه ششم

اگر ما بخواهیم این نگاه را در برنامه ششم تطبیق کنیم باید بگوییم: در برنامه ششم چهار دسته عدم توازن مهم با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دیده نشده است و ما سعی کردیم این چهار دسته عدم توازن در ذهنیت مدیران و نخبگان جامعه مورد توجه قرار گیرد.

۲/۱. وجود چهار دسته عدم توازن مرتبط با مسائل جهت‌ساز در برنامه ششم

دسته اول عدم توازن‌هایی که در برنامه ششم به آنها توجه نشد، عدم توازن‌های مرتبط با مسأله تربیت بود. یعنی یک سری امور ضد جهت‌ساز تربیت در کشور وجود دارد که نظام برنامه‌ریزی به آنها توجه نکرده است. این بخش اول بحث‌های الگو در نقد برنامه ششم بود. دسته دوم عدم توازن‌های حاد کشور، تعارض‌هایی بود که حول محور پیشگیری از جرم در کشور در حال حاضر وجود دارد و بازهم در برنامه ششم به آنها توجهی نشده بود. دسته سوم عدم توازن‌هایی که برنامه ششم به آنها توجهی نکرده بود، عدم توازن‌های مرتبط با مقاوم‌سازی اقتصاد بود که به این مورد هم در برنامه ششم توجه جدی نشد. دسته چهارم عدم توازن‌ها، عدم توازن‌های مرتبط با حوزه علم است. یعنی چهار جهت‌ساز از نوع دوم جهت‌سازها.

اگر به خاطر داشته باشید نوع دوم جهت‌سازها، مسائل جهت‌ساز بودند. در اولین نقشه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در تعریف مسائل جهت‌ساز این چنین آمده است؛ موضوع جهت‌ساز به موضوعاتی اطلاق می‌شود که همه ابعاد شخصیت را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این چهار دسته جهت‌ساز در کشور توسط نظام برنامه‌ریزی، دولت محترم یازدهم، مجلس شورای اسلامی و حتی

۲/۲. تبیین عدم توازن‌های چهارگانه؛ گام اول فعالیت جریان الگوی پیشرفت اسلامی در برنامه ششم

می‌خواهم عرض کنم توسط قوه محترم قضاییه در حال تضعیف هستند. این چهار دسته جهت‌ساز همین الآن که در حال صحبت هستیم در حال به چالش کشیده شدن هستند. ما باید شروع می‌کردیم و این عدم توازن‌های مرتبط با مسائل جهت‌ساز را برای جامعه تشریح می‌کردیم، این گام اول بود که ما این کار را انجام دادیم.

۲/۳. نوع مدل مدیریت شهری؛ اولین و مهم‌ترین عدم توازن مرتبط با جهت‌ساز تربیت و شکل‌گیری هفت عدم توازن توسط این مدل

الآن بنده توضیح می‌دهد عدم توازن‌هایی که جهت‌ساز تربیت را به چالش کشیده‌اند، چند نوع بودند. اولین و مهم‌ترین مورد از این عدم توازن‌هایی که مرتبط با جهت‌ساز تربیت هستند، عبارت از مدیریت شهری متمرکز بود. این تقریباً اولین عدم توازن مهمی بود که ما در برنامه ششم راجع به آن صحبت کردیم.

اجازه دهید بنده این موضوع را توضیح دهم؛ در برنامه ششم کشور بحثی را مطرح کردیم که اگر شما می‌خواهید خانواده‌ها را حفظ کنید، باید نیازهای چهارگانه‌ی خانواده را در محل زندگی خانواده



۲/۳/۱. تأمین نیازهای چهارگانه خانوار در خارج از محله؛ دلیل اصلی ضدیت مدیریت شهری با نهاد خانواده به عنوان محور اصلی تربیت

تأمین کنید. چهار نوع نیاز اساسی برای هر خانواده متصور است که عبارت‌اند از نیازهای تفریحی، نیازهای شغلی، نیازهای تحصیلی و نیازهای روزمره. خانواده در روز با این چهار نوع نیاز درگیر است. حالا یک تصویر این است که ما این نیازها را خارج از محل زندگی خانواده تأمین کنیم. این، یک فرض است که در حال حاضر رواج دارد؛ یعنی تأمین نیاز شغل، تحصیل، تفریح و نیازهای روزمره افراد تقریباً خارج از محل زندگی است.

۲/۳/۱/۱. تأمین نیازهای شغلی در خارج از محله؛ یکی از عدم توازن‌های مرتبط با تربیت در حوزه مدیریت شهری

خارج بودن نیازهای شغلی در خارج از محله کاملاً واضح است، تقریباً محل کار اکثریت مردمی که در تهران و در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند، کیلومترها از محل زندگی‌شان دور است. از یک‌طرف نمی‌توانیم به خانواده‌ها بگوییم نیازهای شغلی خود را نادیده بگیرید. از طرف دیگر به شکلی شغل را تأمین می‌کنیم که این تأمین شغل باعث تضعیف نهاد خانواده می‌شود؛ یعنی پدر خانواده غیر از ساعاتی که در محل کار خود سپری می‌کند، یک ساعت قابل توجهی را نیز به رفت‌وآمد اختصاص می‌دهد. معنای اینکه محل شغل دور از محل زندگی باشد، این است که اکثر وقت فرد شاغل، خارج از [محل زندگی] خانواده او سپری می‌شود. وقتی هم که در اختیار خانواده قرار می‌گیرد، تقریباً خسته‌ی محض است و به همین دلیل سطح ارتباط او با خانواده کاهش جدی پیدا می‌کند. این یک واقعیت است.

۲/۳/۱/۱/۱. جدا بودن پدر و مادر از خانواده به مدت زیاد و از بین رفتن کارکرد تربیتی آنها؛ نتیجه تأمین نیازهای شغلی در خارج از محله

حال شما با یک پدر و مادر خسته روبرو هستید که در بیشتر اوقات روز خارج از منزل هستند. آن موقعی هم که در منزل هستند، فرد خسته‌ای محسوب می‌شوند. خب این پدر و مادر نمی‌توانند کارکرد تربیتی داشته باشند. پس بین نحوه تأمین نیازهای شغلی و حفظ نهاد خانواده، تضادی وجود دارد و به اصطلاح؛ این نوع تأمین شغل، یک عدم توازن محسوب می‌شود. این، یکی از عدم توازن‌هایی است که ما در بحث‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بحث کرده‌ایم؛ خانواده نهاد اصلی شکل‌دادن به شخصیت است. پس ما باید این نهاد را از حیث روابط و عواطف فریه کنیم. این موضوع لابد منه (چاره ای نیست) است، ما چاره‌ای جز این کار نداریم. اگر به تربیت - به معنایی که ما در جلسات گذشته عرض کردیم، یعنی ذکر ضربدر فکر در پنج مرحله - احتیاج داریم که داریم، پس باید نهاد مدیریت‌یکننده‌ی تربیت را نیز به رسمیت بشناسیم. پس باید شغل را با نهاد خانواده هماهنگ کنیم نه اینکه به بهانه تأمین شغل نهاد خانواده را به چالش بکشیم. جریان توسعه‌گرا بر روی کاغذ می‌گوید خانواده نیاز به شغل دارد؛ اما به شکلی شغل را تأمین می‌کند که دیگر چیزی از خانواده باقی نمی‌ماند. این یک عدم توازن است که ما راجع به آن صحبت کرده‌ایم.

۲/۳/۱/۲. مدل تأمین نیازهای تفریحی؛ یکی دیگر از عدم توازن‌های مرتبط با تربیت در حوزه مدیریت شهری

یکی دیگر از عدم توازن‌هایی که مرتبط با مسأله تربیت است، یعنی جز دسته عدم توازن‌های مرتبط با موضوع جهت‌ساز تربیت است، نحوه تأمین نیازهای تفریحی خانواده است.

اولاً در مسأله تفریح اشکالی وجود دارد مبنی بر اینکه در حال حاضر مفهوم تفریح به سرگرمی تنزل پیدا کرده است. تفریح در معنای صحیح خود یعنی عامل برطرف‌کننده‌ی کسالت. در روایت داریم که «الْكَسَلُ يَضُرُّ بِالْدِّينِ وَ الدُّنْيَا»<sup>۳</sup> وجود کسالت در انسان‌ها به قدری مضر است که حضرت

۳. الإمام الباقر (ع): الكسل يضر بالدين والدنيا

تنبلی به دین و دنیا زیان می‌رساند.



می‌فرماید «يَضُرُّ بِالْدِّينِ وَ الدُّنْيَا». بنابراین اگر صحبت از تفریح به میان می‌آید باید تفریح به شکلی باشد که کسالت را برطرف کند. این اولین نکته در مورد تأمین نیازهای تفریحی است. در حال حاضر با مفهوم سرگرمی روبرو هستیم نه با مفهوم تفریح؛ فرض کنید اختلاف بین زن و شوهر در زندگی شهری و مدرن منجر به ایجاد کسالت شدید می‌شود؛ اختلاف در محیط کار و در بین محیط همکاران موجب کسالت شدید می‌شود؛ زیرا در مباحث فنی الگوی پیشرفت گفته‌ایم که مهم‌ترین عامل ایجاد کسالت، روابط انسانی غیر بهینه است. همسر نامطلوب، بالاترین سطح کسالت را ایجاد خواهد کرد؛ همکار حسود و غیر خیرخواه نیز بالاترین سطح کسالت را ایجاد می‌کند؛ بنابراین از یک‌سو کسالت و عوامل ایجادکننده آن به دلیل فقدان برنامه‌ریزی برای بهینه شدن روابط انسانی در حد اعلی در جامعه وجود دارد؛ از سوی دیگر انسان کسل را به شهربازی، پارک آبی و یا بازی کامپیوتری دعوت می‌کنیم؛ با این کار در واقع این انسان را سرگرم نموده و به او مسکن زده‌ایم؛ در او فرح ایجاد نکردیم، بلکه در او نسبت به کسالتی که مبتلای به آن است فراموشی ایجاد کردیم. بنابراین دومین نکته‌ای که در بحث عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز تربیت بحث کردیم این بود که معنای تفریح به سرگرمی تنزل یافته است.

ضمناً نحوه تأمین نیاز تفریحی نیز به شکلی است که اعضای خانواده برای سرگرم شدن مجبور به جدایی از یکدیگر می‌شوند. یا جدا شدن فیزیکی و یا جدا شدن عاطفی به معنای تضعیف ارتباط گرم اعضای خانواده. اعضای خانواده به صورت جسمی در کنار یکدیگرند؛ اما باهم ارتباط کلامی و عاطفی ندارند. سرگرمی‌های مجازی به شکلی است که ارتباط اعضای خانواده را تضعیف می‌کند. در سرگرمی‌های غیر فضای مجازی نیز عمده محل‌های سرگرم‌کننده در خارج از محیط زندگی هستند؛ یعنی انسان‌ها به بهانه تفریح از یکدیگر جدا می‌شوند. این نیز یک عدم توازن است.<sup>۴</sup> این موضوع، بحث پرداخته‌ای است؛ اما در مجموع، چون مدیریت تفریحی به رفع کسالت کمک نمی‌کند، یک عدم توازن محسوب می‌شود.

مجلسی، محمد باقر؛ بحارالانوار، متوفی: ۱۱۱۰ ق؛ نشر: مؤسسه الوفاء بیروت؛ ج ۷۸؛ ص ۱۸۰؛ ح ۶۴

۴. بحثی در شهرداری مشهد و بین دو معاونت فضای سبز و معاونت فرهنگی شهر مشهد اتفاق افتاده بود مبنی بر اینکه آیا مدیریت پارک‌ها باید به عهده معاونت فرهنگی باشد یا به عهده معاونت فضای سبز و خدمات شهری؟ این بحث در حال حاضر نیز حل و فصل نشده است. استدلال آن دسته از افرادی که می‌گفتند مدیریت پارک‌ها را باید به عهده معاونت فرهنگی گذاشت این بود که پارک، محل حضور انسان‌هاست و مدیریت آن باید به عهده کسانی باشد که قدرت طراحی‌های فرهنگی دارند. استدلال دسته دیگری که مدعی مدیریت پارک به وسیله خدمات شهری و فضای سبز بودند این بود که اساس پارک، فضای محیطی پارک است و این یک کار فنی پیچیده است، در نتیجه مدیریت فضای سبز باید کار را به عهده بگیرد. بنده در آن جلسه وقتی مورد سؤال در این باره قرار گرفتم به آن‌ها عرض کردم: در کوتاه مدت قطعاً حق با معاونت فرهنگی است؛ یعنی باید پارک را به یک محل فرهنگی تبدیل کنیم؛ اما توجه کنید که در کوتاه مدت این‌گونه است. عمده جدال در این است که آیا پارک توانایی ایجاد تفریح را دارد؟ آیا می‌توانیم تفریح را در پارک خلاصه کنیم؟ یعنی برای رفع روابط انسانی کسل‌کننده برنامه‌ریزی نکنیم سپس دعوت کنیم که افراد در فضای سبز حضور پیدا کنند تا رفع کسالت اتفاق بیافتد. یکی دیگر از موارد جدال آن بود که پارک‌های بزرگ بسازیم یا پارک‌های کوچک؟ مجدداً ما با این ملاک قضاوت کردیم که پارک محله به دلیل آنکه حداقل مفهوم سرگرمی را در کنار محل زندگی خانواده تأمین می‌کند اولویت بیشتری بر پارک‌های بزرگ دارد. پارک‌های بزرگ را شاید برای تقویت توریسم تجویز کنیم؛ مثلاً شهری که مسافرپذیر است؛ اما شهرداری نباید از این موضوع غفلت کند که تفریح را در محله تأمین نماید؛ زیرا در غیر این صورت افراد به بهانه تفریح، محله را ترک می‌کنند.



مشکل سومی که وجود دارد و باید به آن توجه کنیم، مسأله نحوه تأمین نیازهای روزمره است. اخیراً با تأسیس مگامال‌ها و هایپرمارکت‌ها،<sup>۵</sup> تأمین نیازهای روزمره نیز در خارج از محله اتفاق می‌افتد. مدیران هایپرمارکت جنوب شهر تهران، اعلام کرده‌اند که تأمین نیازهای روزمره پانصد هزار نفر را به عهده گرفته‌ایم.<sup>۶</sup> این یعنی پانصد هزار نفر، تا بیست محله از محله خود خارج می‌شوند و برای تأمین نیازهای روزمره به یک محل رجوع می‌کنند. این موضوع به معنای به چالش کشیده شدن مشاغل خرد و ورشکسته شدن و از رونق افتادن آن‌ها است. مشکل دیگر آن است که افراد باید وقت بیشتری برای تأمین نیازهای روزمره خود بگذارند و از محله خارج شوند.

۲/۳/۱/۳. مدل تأمین نیازهای روزمره؛ از دیگر عدم توازن‌های مرتبط با تربیت در مدل مدیریت شهری

در مورد نیازهای تحصیلی نیز همین اتفاق می‌افتد. به دلیل آن‌که ادعا می‌کنند مدارس دولتی دارای کیفیت مناسبی ندارند، محل تحصیل را در خارج از محله تعریف می‌کنند. معنای این سخن آن است که انسان‌ها برای تحصیل و تأمین نیازهای روزمره باید از کنار اعضای خانواده خود جدا شوند، این یک قاعده کلی است. در خانواده، روابط و عواطف اصل است و باید فربه شود؛ خانواده را یکبار به بهانه شغل، یکبار به بهانه تفریح، یکبار به بهانه تحصیل و یکبار هم بهانه تأمین نیازهای روزمره از یکدیگر جدا می‌کنیم.

۲/۳/۱/۴. مدل تأمین نیازهای تحصیلی؛ یکی دیگر از عدم توازن‌های مرتبط با تربیت در مدل مدیریت شهری

البته در این بین تدابیر خرد نیز اندیشیده می‌شود. به‌عنوان مثال، خانواده‌ها به‌صورت دسته‌جمعی به خرید در هایپرمارکت‌ها می‌روند؛ اما داستان اصلی آن این است که محله را از محل زندگی و استقرار افراد به محل خواب افراد تبدیل کرده‌ایم. در محله، ماهیت زندگی وجود ندارد. هر چهار نوع نحوه تأمین نیازها، عدم توازن است، یعنی چهار عدم توازن مهم است. اگر خانواده را می‌خواهیم باید تحصیل را در محل زندگی خانواده ببریم. تأمین نیازهای روزمره را نیز به محله زندگی خانواده ببریم. باید در مورد نیازهای شغلی و تفریحی هم همین‌طور عمل کنیم. یعنی این کاری است که باید انجام شود. ولی الان مدیریت کلان کشور - که مبتنی بر توسعه غربی است - این موضوع را نمی‌بیند.

۲/۳/۲. لزوم تأمین نیازهای چهارگانه خانوار در محله به منظور تقویت خانواده و تربیت

اگر محله به محل تأمین نیازهای خانواده تبدیل شد، سه اتفاق دیگر هم رخ می‌دهد که بر تربیت مؤثر هستند؛ یکی این است که با کاهش سفرهای درون‌شهری، سلامت روانی جامعه ارتقاء پیدا می‌کند؛ یعنی علت عمده سفرهای درون‌شهری این است که نیازها خارج از محله است و این آلودگی هوا و این سروصدای زندگی ماشینی از تبعات این مسأله است.

۲/۳/۳. ایجاد سه عدم توازن دیگر حول جهت‌ساز تربیت؛ نتیجه عدم تأمین نیازهای خانوار در محله

اگر نیازها در محله تأمین شود، تعریف هم در محله ارتقاء پیدا می‌کند. تعریف یعنی شناخت بینابینی، شناخت طرفینی گسترده. اگر این اتفاق رخ دهد، افراد همدیگر را می‌شناسند و این شناخت تکیه‌گاه حل بسیاری از معضلات خواهد شد. از جمله مسأله تشکیل خانواده. الآن چون در محله‌های ما تعریف وجود ندارد و تعریف به چالش کشیده شده، است سایت‌های همسریابی جایگزین این مسأله شده‌اند. از طریق فضای مجازی نمی‌توان شناخت لازم برای ازدواج را تأمین کرد. لذا برای خانواده چالش ایجاد می‌کند. تعریف، امنیت هم می‌آورد، تعریف انتخاب همسر صحیح هم می‌آورد، تعریف

۵. فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای

۶. رئیس اتاق اصناف ایران: در حال حاضر هایپرمارکت‌ها و فروشگاه‌های زنجیره‌ای حدود ۴ درصد از نیاز شهری مثل تهران - در حدود ۵۰۰ هزار نفر - را برطرف می‌کنند.



شناخت مسائل اجتماعی را هم زیاد می‌کند. لذا به‌عنوان مثال مسأله تکدی‌گری کاملاً مدیریت می‌شود. ده‌ها خاصیت بر مسأله‌ی تعریف بار می‌شود.

خب، چهار عدم توازن داشتیم، رعایت نکردیم، عدم توازن‌های دیگر هم ایجاد شد، عدم توازن‌های ناشی از فقدان تعریف، عدم توازن‌های ناشی از اینکه ما یک محل زندگی نداریم. امنیت نیز به چالش کشیده می‌شود. در زمان قدیم مرسوم بود که اگر افرادی در محله بودند، دزد محله کاملاً شناسایی شده و تحت نظر عامه مردم بود، لذا مسأله امنیت در محله خیلی مدیریت می‌شد. الآن این تعریف از بین رفته است و همه در همه‌جا رفت‌وآمد دائمی دارند و حالا می‌خواهند از طریق مانیتورینگ و دوربین، مسأله را مدیریت کنند.<sup>۷</sup> این شش یا هفت مورد که بنده عرض کردم، عدم توازن‌های حول جهت‌ساز تربیت بودند.

ما در مذاکراتی که با هیأت رئیسه مجلس قبل داشتیم که بنده حالا اینجا می‌گویم -گرچه فایل ۲/۴. وارد کردن یکی از صوتی آن جلسات هم موجود است، بعداً آنها منتشر می‌شود- برای اولین بار مشاهده کردم که در ذهن برخی از اعضای هیأت رئیسه مجلس قبل -که ما با هم جلسه داشتیم تا این عدم توازن‌ها را در برنامه ششم بگنجانیم- یک نگاه اقتصادی حاکم بود؛ یعنی نگاه توسعه آنها را فتح کرده بود. لذا یک گفت‌وگوی بسیار جدی در چند مرحله بین دوستان ما و آنها اتفاق افتاد. از همه‌ی این عدم توازن‌های مرتبط با حوزه تربیت یک موضوع در مجموع پیشنهادها وارد شد؛ آن هم اینکه آموزش و پرورش را مکلف کنیم تا ماهیت مدارس محله‌ای را حفظ کند.<sup>۸</sup> ماهیت محله به چهار متغیر وابسته بود و ما در برنامه ششم یک مورد را وارد کردیم که تقویت ماهیت مدارس محله بود تا حداقل دانش‌آموزان به بهانه تحصیل از محله خارج نشوند. محل تحصیل در آن محلاتی که دارای مدرسه است، در همان محله باقی بماند و دیگر تصمیم نگیرند که [محل آموزش را] منطقه‌ای کنند. ظاهراً در آموزش و پرورش این روال طی می‌شود. یعنی منطقه -که منطقه ممکن است شامل چندین محله باشد- را ملاک توزیع مدرسه قرار می‌دهند. حال این یک مورد از عدم توازن‌ها بود که وارد برنامه شد. البته این یک کار بخشی بود ولی با آن می‌شد کار را شروع کرد. این پیشنهاد به عدم توازن‌های مرتبط با مسأله تربیت مربوط می‌شود. حال این راه باز است و ما در ادامه به دنبال هستیم؛ داستان مدیریت شهری‌ای که در ماه رمضان ۱۴۳۷ -یعنی همین ماه رمضان- مطرح کردیم، این بود که می‌خواستیم توضیح دهیم اگر شما تربیت را می‌خواهید، خانواده را باید حفظ کنید و اگر خانواده را

۷. تعداد دوربین‌های امنیتی موجود در کشور انگلیس به نسبت جمعیت این کشور، در دنیا رتبه نخست را دارد. حداقل ۴/۸ میلیون عدد دوربین در انگلستان به رصد مردم می‌پردازد.

<http://www.vjc.ir/fa/news/3831012> باشگاه خبرنگاران جوان

۸. در راستای تحقق گام اول تغییرات در نظام برنامه ریزی کشور مبتنی بر مفاهیم الگوی پیشرفت اسلامی - با تاکید بر ده سال گفتمان سازی برای الگوی پیشرفت اسلامی - دستگاه‌ها و سازمان‌های ذیل موظف می‌شوند در طول سال‌های اجرای برنامه ششم مأموریت‌های ذیل را عملیاتی نموده و گزارش آن را برای بررسی و تکمیل در نیمه اول سال پنجم برنامه در اختیار قوای سه‌گانه و نهادهای مرتبط با الگوی پیشرفت قرار دهند:  
الف: برای بهبود فضای حاکم بر نهاد خانواده:

۱- وزارت آموزش و پرورش با همکاری شهرداری‌های مناطق موظف هستند به منظور تقویت ماهیت محلات و تقویت نهاد خانواده رویکرد تمرکز مدارس در محلات را دنبال نمایند.

بخشی از متن احکام برنامه پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم کشور





حفظ می‌کنید باید ماهیت محله‌ای را حفظ کنید. محله، سپر نهاد خانواده است. اگر محله وجود داشت، همین محله هفت عدم توازن مرتبط با جهت‌ساز تربیت را مدیریت می‌کند. چهار مورد از این عدم توازن‌ها مستقیم با مدیریت شهری مرتبط بود، سه مورد نیز زائیده آن چهار عدم‌توازن اولیه بودند.

در یک جمله اگر ما محله داشتیم، تعریف داریم. تعریف آن بحثی است که نباید اجازه دهیم در یک جامعه کاهش پیدا کند. تعریف موجب بهینه روابط انسانی می‌شود؛ چون اگر روابط انسانی بهینه می‌خواهید، پس باید انسان‌ها یکدیگر را خوب بشناسند. اگر انسان‌ها چیزی را نشناسند، با او انس نمی‌گیرند و الان انسان مدرن، انسان گمنام است، انسان مدرن، انسان ناشناخته است تا جایی که حتی خبر می‌آید در شهر تهران پیرمردی یک هفته است از دنیا رفته و از بوی تعفن جنازه‌اش متوجه از دنیا رفتنش می‌شوند. این اتفاقات در این شهر رخ می‌دهد؛ اینها خیلی بروز پیدا می‌کند و این زشتی برای همه آشکار می‌شود. حال چرا این‌طور می‌شود؟ چون اساساً شناختی میان همسایگان وجود ندارد. اگر روابط انسانی را می‌خواهیم باید تعریف را ارتقاء دهیم. این موضوع به بحثی که مطرح کردیم نیز مرتبط است.

ما راجع به این مسائل گفت‌وگو کردیم، الان کتاب مدیریت شهری هم منتشر شده است و در دسترس هست. ما نمی‌توانیم بگوییم ما فقط نیاز به تربیت داریم، بعد بنده‌ی طلبه در صدا و سیما، در مسجد، در هیأت، در وبلاگ، در تلگرام، در اینستاگرام یک نکته تربیتی بنویسم و تلقی کنم که من برای تربیت کار کردم، نه؛ تربیت بیش از اینکه از بیان متأثر باشد از نظم اجتماعی متأثر است. تربیت در خانواده است، خانواده هم در محله دوام می‌آورد. حفظ محل زندگی خانواده‌ها باید دغدغه اصلی مدیریت شهری شود.

چون در این بحث آسیب‌های اجتماعی هم مطرح می‌شود این معضلات راهکار دولتی ندارند. بنده همین‌جا عرض کنم که مسأله کودکان کار، مسأله یتیمان، مسأله زنان سرپرست خانوار و این مشکلات حادث اجتماعی که ما داریم، هیچ‌کدام راهکار دولتی ندارند. باید مردم پای کار بیایند تا مسأله حل شود. نمی‌شود یک وزارتخانه و یک سازمان درست شود و این مسائل را مدیریت کند. حالا وقتی می‌خواهید مردم را پای کار بیاورید، باید تعریف مردم نسبت به این موضوعات را ارتقاء دهید تا بعد مبتنی بر ارتقاء تعریف، مشارکت برای حل این مسائل ایجاد کنید. متأسفانه اجلاس‌های برگزار شد که جناب آقای رئیس‌جمهور هم شرکت کرده بودند.<sup>۹</sup> ایشان در این اجلاس دعوت کردند که NGOها فعال شوند و مدیریت معضلات اجتماعی را به عهده گیرند.<sup>۱۰</sup> NGO یک مجموعه انسان خیریه هستند که از طریق فضای مجازی، از طریق تبلیغات گسترده، تازه با هم آشنا می‌شوند. چقدر طول

۹. اجلاس‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در تهران؛ سالن اجلاس سران، اردیبهشت ۱۳۹۵

۱۰. رئیس‌جمهوری با بیان اینکه امروز مشکلات و در عین حال اهداف بلندی پیش رو داریم، گفت: برای حل مشکلات موجود، نیازمند سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد هستیم.

دکتر روحانی خاطر نشان کرد: در عرصه محیط زیست تأمین آب، سلامت مردم و مبارزه با آسیب‌های اجتماعی، نیاز داریم تشکل‌های غیردولتی در این زمینه‌ها در کنار دولت وارد عمل شوند تا مشکلات را حل و فصل کنیم.

پایگاه رسمی دکتر حسین روحانی، [http://rouhani.ir/event.php?event\\_id=569](http://rouhani.ir/event.php?event_id=569)



خواهد کشید که این NGOها بتوانند نسبت به انسان‌هایی که دچار مشکل هستند شناخت عمیق پیدا کنند. سازماندهی NGOها برای حل مسائل اجتماعی بسیار نسخه‌ی ناکارآمدی است، زیرا پایه آن ارتقاء تعرف نیست. هر جا تعرف کاهش یافت ما تصمیم‌های غیر کارشناسی گرفتیم. فقط در این حوزه هم نیست؛ بنده در جلسات گذشته نیز عرض کرده‌ام که ما با آمایش سرزمینی مخالف هستیم؛ نه به این دلیل که به اطلاعات منطقه‌ی مورد برنامه‌ریزی را احتیاج نداریم، بلکه به این دلیل که با مدل‌های موجود آمایش، اطلاعات دقیقی از منطقه بدست نخواهد آمد. در بسیاری از مواقع برای اجرای یک طرح کشاورزی در یک منطقه، با یک هفته وقت گذاشتن و صحبت با اهالی آن منطقه، اطلاعات آمایشی بسیار دقیق‌تری به دست می‌آید تا زمانی است که شما از وزارت‌خانه خود دستور یک طرح آمایشی را دریافت کنید. هر کجا تعرف کاهش یابد تصمیمات غیر کارشناسی اتخاذ می‌شود. در NGOها نیز فقدان تعرف وجود دارد.

برای حل مسائل اجتماعی باید مدیریت محله‌ای را احیا کرد. در محله آدم‌ها با یکدیگر در حال زندگی کردن هستند و لازم نیست به آنها بگوییم که بیایید وبلاگ، مقاله و آمار بخوانید تا بفهمید که در محل زندگیتان چه می‌گذرد. بعد از پنج یا چهار یا ده سال زندگی در یک محله به صورت طبیعی اطلاعاتی از کالبد محله تا انسان‌های محله تا مشکلات محله در شما شکل خواهد گرفت. لذا از مسجدی که محور محله است و افراد در آن محله زندگی می‌کنند [اطلاعات خوبی استخراج می‌شود]. مراد بنده از مسجد این ساختمان‌هایی که مناره دارند نیست. مراد بنده آن ساختمانی است که وسط یک محله ساخته شده است. به این نیز باید دقت کرد که در فقه شیعه، مسجد محله عنوان وجود دارد.<sup>۱۱</sup> مسجدی که در وسط محله است یا مثلاً مسجد بازار یا مسجد اعتکاف که آنها مساجد خاصی هستند. مسجدی با عنوان محله ضمیمه شده است. پس معلوم می‌شود یک محله‌ای وجود دارد که این مسجد، مرکز مدیریت آن است. اگر این محله وجود داشته باشد پس مسأله تعرف هم به وجود خواهد آمد. در این صورت مسجد می‌تواند سوار بر این تعرف بسیاری از مسائل را مدیریت نماید.<sup>۱۲</sup> بنابراین این دسته اول از عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز تربیت بود که عرض کردم اگر

۱۱. ابي ره قال حدثني احمد بن إدريس عن محمد بن أحمد عن محمد بن حسان الرازي عن النوفلي عن السكوني عن جعفر بن محمد عن أبان بن علي قال صلاة في البيت المقدس تعدل ألف صلاة و صلاة في مسجد الأعمش مائة صلاة و صلاة في مسجد القبيلة خمس و عشرون صلاة و صلاة في مسجد السوق اثنتي عشرة صلاة و صلاة الرجل في بيته وحده صلاة واحدة.

امام صادق عليه السلام از امیرالمؤمنین عليه السلام نقل فرمودند که خواندن یک نماز در مسجد الاقصی برابر هزار نماز است و در مسجد جامع شهر برابر صد نماز و در مسجد محله بیست و پنج نماز و در مسجد بازار برابر دوازده نماز است و نماز فرد در خانه خود و به تنهایی برابر یک نماز است.

*ابن بابویه، محمد بن علی؛ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، تاریخ وفات مؤلف: ۳۸۱ ق، قم، دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ ق، ص ۳۱*

۱۲. اینکه مشاهده می‌کنید جریان موجود در دولت توسعه‌گرایی یازدهم تا این حد روی فضای ارتباطات آزاد و فضای مجازی تأکید می‌کند به این دلیل است که برای برنامه‌ریزی و برای آن که انسان را جزء شهروند جهان امروز قرار دهند به ارتقاء شناخت آنها نیاز دارند. اگر نتوانند شناخت آنها را ارتقاء دهند نمی‌توانند برای آنها برنامه‌ریزی جهانی انجام دهند. این شناخت‌ها هم، شناخت‌های مرتبط با هم‌زیستی مدرن است که متأسفانه در حال ایجاد زیرساخت‌های آنها در جامعه ما هستند. برای بنده جالب است که با بررسی زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و همچنین روایات و سیره رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، تمام تصمیم‌های دقیق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مبتنی بر یک درک عمومی یافتیم. در حالی که در آن زمان فضای مجازی وجود نداشته است. این درک عمومی به چه دلیل در جامعه ایجاد می‌شده است؟ به این دلیل که سازماندهی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مبتنی بر سازماندهی خانواده‌محور و محله‌محور بوده است. اگر این‌گونه نباشد در این صورت ما مجبوریم طرح‌های فضای مجازی و طرح‌های اطلاعاتی ناقص و از این دست معضلات را در نظام برنامه‌ریزی را امضاء کنیم.

*انتقال از متن*



مدیریت شود ما به تعرف خواهیم رسید. تعرف هم زیر ساخت بهینه روابط انسانی در یک جامعه است. این شاءالله فردا وارد بحث خواهیم شد و یک گزارش تکمیلی از بسته‌های دیگر عدم توازن‌هایی که ما در برنامه ششم روی آن‌ها متمرکز شده‌ایم را خدمت شما عرض خواهیم کرد. ولی تلاشی که دوستان ما انجام دادند یعنی آنچه که به عنوان پیشنهاد به مجلس رفت و هم اکنون در اختیار مجلس است، در مجموع هفت عدم توازن دارد. در حالی که ما فقط در مورد بحث عدم توازن‌های مرتبط با تربیت هفت عدم توازن را بحث کردیم؛ ولی به دلیل کم‌عمق بودن گفتمان الگوی پیشرفت و به این دلیل که ایجاد فضای گفت‌وگویی بسیار کم عمق بود تنها هفت مورد از آنها برای تبدیل شدن به حکم برنامه به مجلس پیشنهاد شد.<sup>۱۳</sup> که امیدواریم این هفت مورد هم تصویب شود؛ اما اصل عدم توازن‌هایی که در پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه ششم بحث کرده بودیم بیش از بیست مورد بوده است.

### ۳. تمرکز بر روی عدم توازن‌های حاد کشور، معرفی ده ماده خطرناک برنامه ششم به نخبگان؛

#### رئوس فعالیت‌های الگوی پیشرفت اسلامی در برنامه ششم

نکته‌ی دیگر را نیز عرض کنم - این شاءالله در جلسه بعد عدم توازن‌های دیگر از نگاه الگوی پیشرفت را بحث خواهیم کرد- و آن اینکه ما در برنامه ششم دو کار را انجام دادیم؛ یکی متمرکز شدن روی عدم توازن‌های حاد کشور که جریان توسعه‌گرا آنها را ندیده بود یا نمی‌خواست ببیند. کار دیگر آنکه ده ماده خطرناک در برنامه ششم را به نخبگان معرفی کردیم تا آنها تغییر کنند.

همه‌ی این ده ماده خطرناک به نوعی روابط انسانی جامعه ما را از این وضعیتی که اکنون قرار دارد ضعیف‌تر می‌کردند. برای مثال ماده مربوط به تراریخته‌ها جزء اینها بود. بنده دیروز نیز عرض کردم که به این دلیل ما روی تراریخته‌ها حساس شدیم، چون می‌دانستیم ظرف دو دهه گذشته سیاست‌های جمعیتی در ایران از سوی سازمان ملل در حال اجراست.

اولین باری که خود بنده با این پرونده خطرناک آشنا شدم به وسیله کتاب مرحوم علامه طهرانی<sup>۱۴</sup> در بیست و اندی سال پیش بود که عنوان کتاب ایشان این بود «کاهش جمعیت، ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین».<sup>۱۵</sup> این در زمانی بود که تازه بحث‌های سیاست‌های کاهش جمعیت مطرح شده بود. خلاصه در این دو دهه ما با خواندن آثار امثال مرحوم علامه طهرانی و دیگر گزارش‌ها حواسمان بود که یک سلسله طرح در ایران در حال اجراست که اساساً مسأله جمعیت در ایران را با چالش جدی روبرو کند. این طرح‌ها ابعادی داشت برای مثال بحث کنترل نسل و دو فرزند که البته اینها بخشی از کار بود.

۳/۱. تراریخته‌ها؛ یکی از مواد خطرناک برنامه ششم و ماده‌ای در جهت سیاست‌های کنترل جمعیت

۱۳. متن کامل این هفت ماده در پیوست شماره ۱ ذکر شده است.

۱۴. سید محمدحسین حسینی طهرانی معروف به علامه طهرانی (۱۳۰۵ تهران - ۱۳۷۴ مشهد) عارف، حکیم و فقیه بوده است.

۱۵. «رساله نکاحیه» یا «کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین» کتابی است از «علامه سید محمدحسین حسینی طهرانی» که در قالب ۳۴۶ صفحه توسط انتشارات علامه طباطبایی راهی بازار نشر شده است. این کتاب حاصل سخنرانی‌های ایشان در رمضان ۱۳۹۰ قمری در مسجد قائم تهران است.



بعد که اخبار پرونده را دائماً مرور می‌کردیم - این پرونده بیش از دو دهه در ذهن ما باز بود - به بحث تراریخته‌ها رسیدیم. جالب این است که آقای ظریف ده یا پانزده سال پیش که در کنفرانس زیستی در سازمان ملل حضور داشتند می‌نویسند از طریق این محصولات تراریخته می‌توان کنترل نسل، عقیمی و سرطان ایجاد کرد.<sup>۱۶</sup> ایشان نیز به این مسأله تأکید کرده بودند و دوستان ما هم زحمت کشیدند و این نامه را رسانه‌ای کردند. بعد هم شنیدم که به آقای ظریف اعتراض شده بود تا ایشان نظر خود را پس بگیرند؛ نظری که ایشان چندین سال پیش و در زمان دولت اصلاحات بیان کرده بودند. بعد هم که آقای کنت مک‌کوین<sup>۱۷</sup> به ایران سفر کرد<sup>۱۸</sup> قضیه برای ما خیلی محرز شد. در زمانی که حواس همه دوستان ما به این بود که سند ناکارآمد بگرام امضاء نشود؛ چندین طراحی خطرناک دیگر در ایران جلو رفت. یکی همین سفر آقای کنت مک‌کوین به ایران بود. می‌دانید که ایشان رئیس پرزیدنت جایزه جهانی غذاست. یکی از ده‌ها پیشنهاد بنیاد راکفلرها، جایزه جهانی غذا است؛ یعنی تأمین مالی این جایزه از سوی صهیونیست‌ها اتفاق می‌افتد. وقتی ما اینها را رسانه‌ای نموده و مطرح کردیم عکس‌العمل‌های جدی ایجاد شد. هنوز هم این سؤال ما بی‌جواب مانده است که این آقای کنت مک‌کوین چرا به ایران سفر کرده است. در حالی که یک مقام امنیتی آمریکایی است! در مذاکرات آنها با وزیر جهاد کشاورزی چه گذشت؟ هنوز هم به این سؤال پاسخ نداده‌اند. به هر حال برای ما مسجل شد که قضیه خیلی مشکوک است.<sup>۱۹</sup>

آن ده ماده خطرناک طراحی‌هایی بودند که روابط انسانی ما را بیش از این به چالش بکشند؛ یک مصداق از آنها همین مسأله تراریخته‌ها است. در اثر این شواهدی که بخشی از آن را عرض کردم و مفصل آن را در جای دیگری مطرح کرده‌ام بخش دوم فعالیت‌های ما نیز پیش رفت؛ یعنی الحمدالله حساسیت‌ها در خصوص این ده ماده خطرناک در برنامه ششم بیشتر بین نماینده‌ها جاری است. در آخرین بررسی بنده بخش قابل توجهی از این مواد خطرناک دچار تغییرات اساسی و بنیادین شده است. یعنی خوشبختانه حساسیت در مورد آنها جدی بوده است. ولی اصل داستان این است که ما باید به دنبال شناسایی عدم توازن‌های موجود می‌رفتیم و برای رفع این عدم توازن‌ها برنامه می‌دادیم. ان‌شاءالله امیدوارم خدای متعال عنایت نماید و مسأله تا اندازه قابل توجهی روبه جلو حرکت کند.

وصلی الله علی سیدنا ونبینا ابی القاسم مصطفی محمد ﷺ

۱۶. این امکان وجود خواهد داشت که حتی به صورت سلاح مورد بهره‌برداری قرار گرفته و یا با استفاده از ژن‌های خاصی حالات جسمی، روانی انسان‌ها را تغییر داده و محیط زیست را به نابودی بکشانند. فرضاً با نصب ژن عقیمی بر روی گندم، تولیدکنندگان آن قادرند نسلی از یک کشور را عقیم ساخته یا با پیوند ژنتیک ژن‌های مولد اخلاق پست نظیر درنده‌خویی کوسه‌ها یا صفات رذیله خوک‌ها بر محصولات کشاورزی می‌توانند آن را به گروهی از انسان‌های کشور هدف خود منتقل سازند.

خبرگزاری تسنیم - کد مطلب: ۹۸۱۲۹۴ - تاریخ مطلب: ۱۳۹۴/۱۱/۰۵

۱۷. کنت مک‌کوین Kenneth Mc. Quinn سفیر سابق ایالات متحده در کامبوج که هم اکنون پرزیدنت بنیاد جایزه جهانی غذا - از بنیادهای وابسته به سازمان صهیونیستی راکفلرها - است.

۱۸. کنت ام. کوئین که سابقه عضویت در شورای امنیت ملی آمریکا را در پرونده‌اش دارد، طی سفری به ایران آمد و چنان توسط وزیر کشاورزی ایران مورد تقدیر قرار گرفت که از این میزبانی شگفت‌زده شد. او گفت: وزیر کشاورزی ایران برای من «ایستاده کف می‌زد».

خبرگزاری تسنیم <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/01/15/1369710>

۱۹. مسأله تراریخته‌ها توسط خبرگزاری تسنیم به صورت مبسوط مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. برای مطالعه بیشتر به صفحه پرونده علمی نقد تراریخته مراجعه نمایید.



## پرسش و پاسخ

### ۱. لزوم پرداختن نیروهای انقلاب بر روی تراریخته‌ها تا زمان تصویب قانون منع تجاری‌سازی

یکی از حضار: در حال حاضر وضعیت تراریخته‌ها به چه شکل است؟

استاد کشوری: در سطح کمیسیون برای منع قانونی تجاری‌سازی تراریخته‌ها مصوبه وجود دارد، ظاهراً هنوز کمیسیون تلفیق تصمیمی نگرفته است ولی فضا، فضای نسبتاً خوبی است. به نظر می‌رسد باید کارهای جدی‌تری صورت بگیرد تا خیال‌مان جمع بشود. اما تا زمانی که قانون منع تجاری‌سازی تراریخته‌ها تصویب نشده، باید نگران باشیم.

یکی از حضار: الان نشانه‌ای هست که محصولات تراریخته را از بقیه محصولات بشناسیم؟

استاد کشوری: اینکه حدود ده سال است تراریخته‌ها بدون لیبل (برچسب) در بازار ایران وجود دارد، خود داستان تلخ دیگری است. این محصولات بدون لیبل وجود دارند، الان به دنبال این هستند که تجاری‌سازی را قانونی کنند. این داستان خیلی خطرناک‌تر است. گفته می‌شود که ۹۵٪ از روغن‌های کشور از محصولات تراریخته هستند،<sup>۲۰</sup> ولی این در بین همه‌ی مردم، عمومی نیست. البته قانونی وجود دارد که این محصولات لیبل زده شوند. کارهای زیادی باید صورت بگیرد، ما به دنبال این هستیم که این مسأله را به صورت بنیادین حل کنیم و به این سمت برویم که تولید حداکثری محصولات ارگانیک را در دستور کار قرار دهیم. ان‌شاءالله وقتی مباحث حوزه‌ی کشاورزی الگو را مطرح کردیم به صورت تفصیلی این مباحث را ارائه خواهیم داد. در یک جمله عرض می‌کنم؛ مبارزات نرم جبهه الگوی پیشرفت برای اصلاح برنامه‌ریزی‌های غلط آغاز شده است. تا چند سال پیش، این مبارزه اولیه هم وجود نداشت و جریان توسعه‌گرا هر طرحی را به عنوان پیشرفت ارائه می‌کرد تصویب می‌شد. به هر حال این مبارزه آغاز شده است. چالش در مفهوم عدم توازن و برنامه‌های پیشنهادی جریان توسعه‌گرا آغاز شده است. ان‌شاءالله به برکت اقدامات تکمیلی مؤمنین، وضعیت بهتر خواهد شد.

و صلی‌الله علی سیدنا و نبینا ابی‌القاسم مصطفی محمد ﷺ

۲۰. دکتر سمیرا کهک، دبیر شورای مشورتی مرجع ملی ایمنی زیستی در گفت‌وگو با جام‌جم: بیش از ۹۵ درصد روغن‌های مورد استفاده در ایران، وارداتی است که تمام آنها از دانه‌های سویا یا کلزا به دست می‌آیند و نوع کشت آنها نیز تراریخته است.

جام‌جم آنلاین، <http://jamejamonline.ir/online/2421327040388531549>



### فهرست تفصیلی

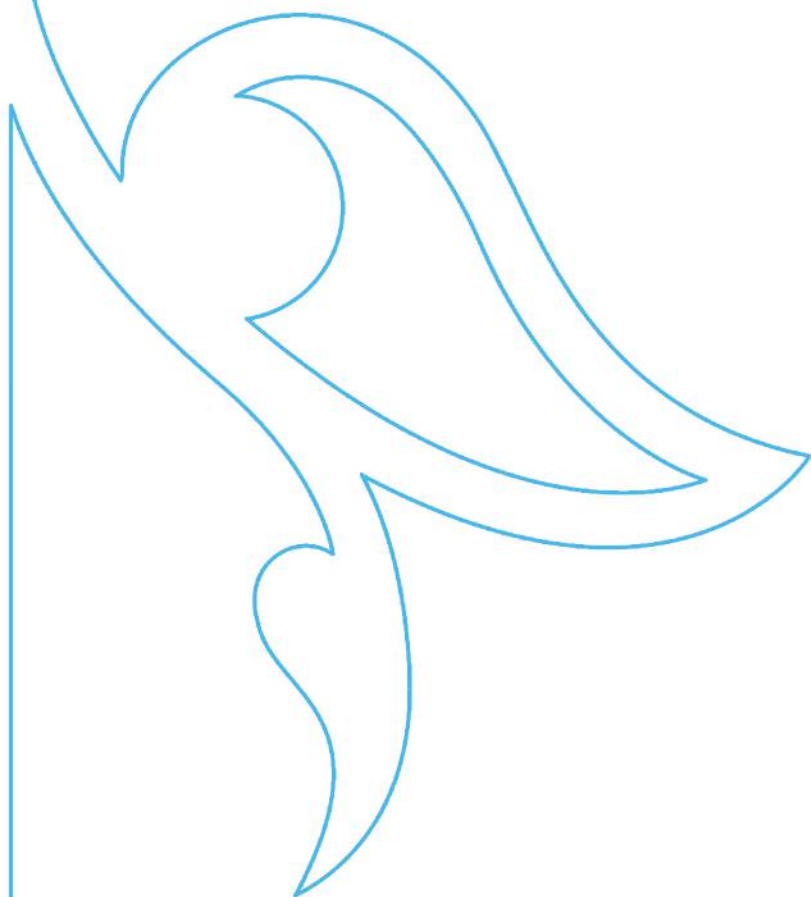
۱. درگیری با جریان توسعه‌گرا به محوریت نظریه هسته‌های توازن‌های فرهنگی؛ راهکار الگوی پیشرفت اسلامی برای مقابله با جریان توسعه‌گرا.....	۷۳
۱/۱. عدم امکان فرار جریان توسعه‌گرا از گفتگو در صورت شروع کردن بحث از مفهوم عدم توازن و بحث بر روی این مفهوم .....	۷۳
۱/۲. لزوم به چالش کشیدن معنای عدم توازن از نگاه توسعه غربی و تثبیت معنای عدم توازن از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی .....	۷۴
۲. شناسایی هفت عدم توازن مرتبط با جهت‌ساز تربیت در برنامه ششم.....	۷۵
۲/۱. وجود چهار دسته عدم توازن مرتبط با مسائل جهت‌ساز در برنامه ششم.....	۷۵
۲/۳. نوع مدل مدیریت شهری؛ اولین و مهم‌ترین عدم توازن مرتبط با جهت‌ساز تربیت و شکل‌گیری هفت عدم توازن توسط این مدل .....	۷۵
۲/۲. تبیین عدم توازن‌های چهارگانه؛ گام اول فعالیت جریان الگوی پیشرفت اسلامی در برنامه ششم.....	۷۵
۲/۳/۱. تأمین نیازهای چهارگانه خانوار در خارج از محله؛ دلیل اصلی ضدیت مدیریت شهری با نهاد خانواده به عنوان محور اصلی تربیت .....	۷۶
۲/۳/۱/۱. تأمین نیازهای شغلی در خارج از محله؛ یکی از عدم توازن‌های مرتبط با تربیت در حوزه مدیریت شهری .....	۷۶
۲/۳/۱/۱/۱. جدا بودن پدر و مادر از خانواده به مدت زیاد و از بین رفتن کارکرد تربیتی آنها؛ نتیجه تأمین نیازهای شغلی در خارج از محله .....	۷۶
۲/۳/۱/۲. مدل تأمین نیازهای تفریحی؛ یکی دیگر از عدم توازن‌های مرتبط با تربیت در حوزه مدیریت شهری .....	۷۶
۲/۳/۱/۲/۱. تعریف حداقلی تعریف ناتوانی این تعریف در رفع کسالت؛ اشکال اول مدل تأمین نیازهای تفریحی .....	۷۶





- ۲/۳/۱/۲/۲. جدا شدن اعضای خانواده به صورت فیزیکی یا عاطفی برای تأمین نیازهای تفریحی؛ اشکال دوم مدل تأمین نیازهای تفریحی ..... ۷۷
- ۲/۳/۱/۳. مدل تأمین نیازهای روزمره؛ از دیگر عدم توازن‌های مرتبط با تربیت در مدل مدیریت شهری ..... ۷۸
- ۲/۳/۱/۴. مدل تأمین نیازهای تحصیلی؛ یکی دیگر از عدم توازن‌های مرتبط با تربیت در مدل مدیریت شهری ..... ۷۸
- ۲/۳/۲. لزوم تأمین نیازهای چهارگانه خانوار در محله به منظور تقویت خانواده و تربیت ..... ۷۸
- ۲/۳/۳. ایجاد سه عدم توازن دیگر حول جهت‌ساز تربیت؛ نتیجه عدم تأمین نیازهای خانوار در محله ..... ۷۸
- ۲/۳/۴. لزوم تأمین نیازهای خانوار در محله و قرار دادن محله به عنوان سپر نهاد خانواده ..... ۷۹
- ۲/۴. وارد کردن یکی از هفت عدم توازن فرهنگی شناسایی شده توسط الگوی پیشرفت اسلامی به برنامه ششم کشور ..... ۷۹
- ۲/۳/۴/۱. گسترش تعرف و در نتیجه بهینه روابط انسانی و حل معضلات اجتماعی؛ یکی از نتایج تأمین نیازهای خانوار در محله ۸۰.
۳. تمرکز بر روی عدم توازن‌های حاد کشور، معرفی ده ماده خطرناک برنامه ششم به نخبگان؛ رئوس فعالیت‌های الگوی پیشرفت اسلامی در برنامه ششم ..... ۸۲
- ۳/۱. تراریخته‌ها؛ یکی از مواد خطرناک برنامه ششم و ماده‌ای در جهت سیاست‌های کنترل جمعیت ..... ۸۲
- پرسش و پاسخ ..... ۸۴
۱. لزوم پرداختن نیروهای انقلاب بر روی تراریخته‌ها تا زمان تصویب قانون منع تجاری‌سازی ..... ۸۴

## جلسه سی و نهم



تشریح عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز علم و  
پیشگیری از جرم در برنامه ششم توسعه

## شناسنامه جلسه سی و نهم



عنوان  
تشریح عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز علم و پیشگیری از جرم در برنامه  
ششم توسعه

تاریخ نشست  
۱۳۹۵ آذر ۲۴

مشخصات اثر  
۱۴ صفحه (قطع رحلی)

در جلسه گذشته عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز تربیت را تشریح کردیم. در این جلسه به تشریح عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز علم و پیشگیری از جرم خواهیم پرداخت. در مورد پیشگیری از جرم ابتدا باید گفت اصل مسأله پیشگیری از جرم به عنوان یک امر عقلانی پذیرفته شده است. در حال حاضر در کشور چهار نظریه راجع به پیشگیری از جرم وجود دارد؛ پیشگیری ساختاری، پیشگیری کیفری، پیشگیری توسعه‌ای و پیشگیری محیطی.

برای داشتن قضاوت صحیح نسبت به این چهار نظریه باید یک سؤال محوری را مطرح کرده و از هر یک بخواهیم که به این سؤال پاسخ دهند. "ریشه‌ی وقوع جرم چیست؟" اما نکته اینجاست که هیچ یک از این نظریات پاسخ صحیح و کاملی برای این موضوع ندارند.

از منظر فکر اسلامی ریشه وقوع جرم اراده انسان‌هاست و اراده‌ی انسان‌ها نیز از نگرش‌های آنها نشأت می‌گیرد؛ در واقع انسان‌ها تحت نگرش‌های غلط، تصمیمات غلط نیز می‌گیرند و این تصمیمات در عناوین مجرمانه ظاهر می‌شوند. پس از منظر فکر اسلامی برای کنترل جرم باید نگرش‌ها را اصلاح کرد. اصلی‌ترین نهادی که قادر به اصلاح نگرش‌های افراد می‌باشد نهاد خانواده است.

با توجه به مقدمات فوق سؤال اصلی این است که عدم توازن حوزه پیشگیری از جرم چیست؟ نداشتن تحلیلی صحیح نسبت به ریشه وقوع جرم، اصلی‌ترین عدم توازن این حوزه است. برای رفع این عدم توازن، الگوی پیشرفت اسلامی دو راهکار را در برنامه ششم پیشنهاد کرده است. راهکار اول این است که قوه قضائیه گزارش‌های راهبردی فصلی خود را منتشر کرده و ریشه‌ی انواع و اقسام جرائم را تشریح کند. دومین کار این است که کارشناسان قوه قضائیه در صحن مجلس و کمیسیون حضور پیدا کنند و نسبت به لایحه و طرح‌ها اظهار نظر نموده و آسیب‌های اجتماعی طرح‌ها را بیان کنند.

عدم توازن دیگری که در برنامه ششم مورد توجه قرار گرفته، عدم توازن مرتبط با جهت‌ساز علم است. اداره فرایند‌های جامعه بر مبنای اصول علمی امری است پذیرفته شده و نمی‌توان کشور را با تصمیمات خلق‌الساعة اداره کرد. اما مشکل اصلی این است که در حال حاضر کشور ما در عرصه علم به آفت ترجمه‌گرایی مبتلاست و علم مبتنی بر ترجمه قادر به شناسایی صحیح مسائل و واقعیات کشور نیست و در نتیجه نمی‌تواند مشکلات را حل کند.

حال چگونه این عدم توازن را برطرف کنیم؟ پیشنهاد الگوی پیشرفت اسلامی به برنامه ششم این است که در وزارت علوم مرکزی تشکیل شود که سؤالات و چالش‌های فعلی جمهوری اسلامی را بر مبنای افق‌نمایی انقلاب اسلامی استخراج نموده و با اساتید و دانشجویان در میان بگذارد. این سؤالات می‌توانند ترجمه‌زدایی از علم را به نحو چشم‌گیری به پیش ببرند.

### فهرست اجمالی

۳۵	۱. پیشگیری از جرم؛ یکی از جهت‌سازها و وجود چهار نظریه در حال حاضر برای تکفل این امر
۳۸	۲. تقویت نهاد خانواده و اجرای حدود و تعذیرات؛ دو عامل اصلی پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم
۳۹	۳. عدم اطلاع بسیاری از مسئولین از ریشه وقوع جرم؛ عدم توازن فرهنگی مرتبط با پیشگیری از جرم و رفع این عدم توازن با عمیق کردن هها حول ریشه وقوع جرم
۴۲	۴. ترجمه‌گرایی؛ یکی از عدم توازن‌های فرهنگی مرتبط با جهت‌ساز علم
۴۴	۵. تشکیل بانک سؤالات فعلی جمهوری اسلامی ایران؛ راهکار الگوی پیشرفت اسلامی برای رفع آفت ترجمه‌گرایی
۴۷	پرسش و پاسخ



**جایگاه چهاردهم: استفاده از روش‌های تجربی و پژوهش‌پوشیم؛ عامل اضمحلال روابط انسانی به دلیل عدم اشراف این روش‌ها بر فطرت انسان**







### ۱. پیشگیری از جرم؛ یکی از جهت‌سازها و وجود چهار نظریه در حال حاضر برای تکفل این امر

سلام علیکم و رحمه الله بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من شیطان الرجیم الحمد لله رب العلمین و الصلاه و السلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و علی اهل بینه الطیبین الطاهرین سیما بقیه الله فی الارضین ارواحنا لآماله الفداه و عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۱/۱. پیشگیری از جرم یکی از جهت‌سازهای مغفول در برنامه ششم

در جلسه گذشته عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز تربیت را به صورت اجمالی محضر دوستان تشریح کردم. امروز إن شاء الله بخش دیگری از عدم توازن‌های مرتبط با سایر جهت‌سازهای انتخاب شده برای مدیریت برنامه ششم را خدمت شما عرض خواهم کرد. یک موضوع جهت‌سازی که در برنامه ششم مورد غفلت قرار گرفته بود بحث پیشگیری از جرم بود.

ابتدا باید گفت بدیهی است که در دوگانه مقابله با جرم و پیشگیری از جرم، به طریق اولی مسئله پیشگیری از جرم کارآمدتر خواهد بود. در هر حکومتی هدف غایی و محوری دستگاه قضایی باید مسئله پیشگیری از جرم قرار بگیرد. در علت این موضوع نیز اختلاف زیادی وجود ندارد. به عنوان یک امر بدیهی تقریباً همه این را پذیرفته‌اند که ما باید برای پیشگیری از جرم برنامه داشته باشیم.

۱/۲. وجود چندین نظریه اختلاف از جایی آغاز می‌شود که راجع به مسئله پیشگیری از جرم، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و برخی از این دیدگاه‌ها منجر به کنترل جرم و تحقق مفهوم پیشگیری به صورت بنیادین نخواهد شد. هم‌اکنون در کشور ما میان مسئولین حداقل چند نظریه برای تحقق پیشگیری از جرم وجود دارد.





۱/۲/۱. پیشگیری یکی از این نظریات که بیشتر از سایر نظریات مورد توجه قرار گرفته و در مورد آن گفت‌وگو شده، ساختاری؛ یکی نظریات نظریه پیشگیری ساختاری<sup>۱</sup> است. سال‌هاست که بر اساس نظریه پیشگیری ساختاری، لایحه‌ای هم مطرح برای پیشگیری از نوشته شده است. این لایحه چند سال در مجمع تشخیص مصلحت نظام معطل ماند و بعد هم جرم تصویب شد و بعد جناب آقای روحانی رئیس جمهور محترم در نامه‌ای خطاب به رهبر معظم انقلاب نوشتند که نمی‌توان این لایحه را اجرا نمود.<sup>۲</sup> یعنی ابتدا قوه قضائیه و مجلس مبتنی بر نظریه

۱. این نوع پیشگیری که قبل از وقوع جرم انجام می‌گردد یعنی توسل به اقدام‌های غیرسرکوبگر و غیرقهرآمیز که دارای ماهیت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، وضعی، آموزشی و... هستند به منظور جامعه‌پذیر و قانونگرا ساختن افراد و حفاظت از آماج‌های جرم جهت جلوگیری از وقوع جرم. پیشگیری غیرکیفری خود در جرم‌شناسی به دو گونه وضعی و اجتماعی تقسیم شده‌اند که بیان می‌دارند:

(۱) پیشگیری اجتماعی:

پیشگیری اجتماعی مجموعه اقداماتی است که هدف آن خنثی کردن عواملی که در تکوین جرم تاثیر گذار هستند و این به معنای مداخله در محیط‌های عمومی و شخصی است. محیط‌های اجتماعی عمومی مانند محیط‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی که نسبت به همه مشترک هستند. محیط‌های اجتماعی شخصی مانند خانواده، محله و...

پیشگیری اجتماعی با استفاده از محیط‌های اجتماعی به دنبال تأثیرگذاری بر فرایند شکل‌گیری شخصیت افراد است. این تأثیرگذاری بر فرایند شکل‌گیری شخصیت از طریق اقدامات تربیتی مانند آموزش، تربیت، ترغیب و تنبیه و... عملی می‌شود. پیشگیری اجتماعی بر این نظریه استوار است که عوامل مختلفی در ایجاد جرم مؤثر هستند و این پیشگیری به دنبال شناسایی این عوامل، در صدد مهار آن‌ها بر می‌آید که در نهایت منتج به مجرم نشدن افراد، حذف یا کاهش جرایم و سالم‌سازی جامعه می‌شود.

پیشگیری اجتماعی مجموعه اقدام‌های پیشگیرانه است که بر کلیه محیط‌های پیرامون فرد که در فرایند جامعه‌پذیری نقش داشته و دارای کارکرد اجتماعی هستند تأثیر می‌گذارد. این روش پیشگیری از جرم با تمرکز بر برنامه‌های تکمیلی، سعی در بهبود بهداشت زندگی خانوادگی، آموزش، مسکن، فرصت‌های شغلی و اوقات فراغت دارد تا محیطی سالم و امن ایجاد نماید» در حقیقت پیشگیری اجتماعی «به طور مستقیم یا غیرمستقیم هدف تأثیرگذاری بر شخصیت افراد است تا از سازماندهی فعالیت خود، حول محور انگیزه‌های بزهکارانه پرهیز کنند.

(۲) پیشگیری وضعی:

پیشگیری وضعی را «اقدام پیشگیرانه معطوف به اوضاع و احوال که جرائم ممکن است در آن وضع به وقوع بپیوندند» تعریف کرده‌اند و هدف آن اتخاذ ترتیبی است که بهای ارتکاب عمل مجرمانه را برای مرتکب بیش از سود حاصل از آن گرداند چرا که از نظر طرفداران پیشگیری وضعی انسان موجودی حسابگر است و سود و زیان عملش را می‌سنجد.

<http://www.yon.ir/jsloa> وبسایت سازمان قضایی نیروهای مسلح

۲. بنابر فرموده معاون وزیر دادگستری، لایحه پیشگیری از جرم همان لایحه پیشگیری از وقوع جرم است که مجلس تصویب کرد و به شورای نگهبان ارسال شد و با ایرادات شورا دوباره به مجلس بازگشت و پس از بازگشت لایحه، به دلیل پافشاری مجلس برای رفع اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت رفت. عبدالعلی میرکوهی در این باره به مهر گفت: ۱۱ خردادماه سال جاری این لایحه برای بررسی روی میز مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفته است و امیدواریم سرنوشت این لایحه مهم مشخص شود.

حدود ۵ سال قبل آیت‌الله سید محمود شاهرودی رئیس وقت قوه قضائیه تعداد عناوین مجرمانه در قانون را ۱۰۰۰ عنوان اعلام کرد و گفت: متأسفانه مجازات بیشتر این جرائم زندان است. در این میان آیت‌الله شاهرودی به دلیل موانع متعدد نتوانست در این زمینه موفقیت چندانی به دست آورد تا اینکه پس از انتصاب آیت‌الله صادق آملی لاریجانی به عنوان رئیس قوه قضائیه موضوع کاهش عناوین مجرمانه دوباره مطرح شد.

هر چند که در دوره ریاست آیت‌الله شاهرودی بر دستگاه قضا، لایحه‌ای به نام قضا‌دایی تدوین شد؛ اما این لایحه هنوز هم به سرانجام نرسیده است و همچنان عناوین مجرمانه در حال افزایش است. لایحه‌ای ۷۰ ماده‌ای که به گفته عبدالعلی میرکوهی معاون وزیر دادگستری اگر تصویب شود ۵۰۰ عنوان مجرمانه کاهش خواهد یافت. اما قوه قضائیه به این لایحه بسنده نکرد و در تاریخ ۳۱ فروردین‌ماه سال ۹۱، حکم ایجاد معاونت پیشگیری از وقوع جرم از سوی رئیس دستگاه قضا ابلاغ و محمدباقر ذوالقدر به عنوان سرپرست این معاونت منصوب شد. پس از چند ماه فعالیت این معاونت، آرام آرام ناهماهنگی‌های میان دستگاه‌ها در بحث پیشگیری از وقوع جرم مشهود و سبب شد تا تکلیف این معاونت به واسطه تصویب قانون لایحه پیشگیری از وقوع جرم مشخص شود؛ لایحه‌ای که رو به فراموشی بود.

سال ۸۱ تأسیس کمیته پیشگیری از جرم: ماجرای پیشگیری از جرم و قانونی شدن اجرای آن به سال ۱۳۸۱ باز می‌گردد. به دنبال تأسیس شورای عالی توسعه قضایی در سال ۸۱ تشکیل کمیته پیشگیری از وقوع جرم زیر نظر کمیسیون تدوین سیاست جنایی و اصلاح قوانین کیفری در دستور کار این شورا قرار گرفت.



پیشگیری ساختاری، بحثی را آماده کردند اما با مخالفت شورای نگهبان مواجه شد. سپس بعد از گذشت چند سال در مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین تکلیف شد و در نهایت با مخالفت رئیس دولت یازدهم برای اجرا روبرو شد.

خلاصه پیشگیری ساختاری این است که ما باید آیین‌نامه‌ها را سختگیرانه‌تر تصویب کرده و مقررات انطباقی و دستگاه‌های نظارتی را تقویت کنیم تا پیشگیری از جرم اتفاق بیافتد. یعنی غافلانه ریشه جرم را در ساختار تعریف می‌کنند. به عنوان مثال می‌گویند چون ما در ساختار نظارت جدی نداریم پس بنابراین این مسئله منجر به انجام جرم خواهد شد که قرار بود مبتنی بر این لایحه سه قوه و بسیاری از دستگاه‌ها در کنار یکدیگر جمع شوند و تصمیماتی بگیرند تا به وسیله آن جرم را کنترل کنند. ولی نکته محوری داستان این جاست که می‌خواستند با تصمیم‌گیری دقیق‌تر روزه‌های وقوع جرم را مسدود کنند. برای مثال می‌خواستند با جلوگیری و کنترل رانت، بعداً جلوی فساد و سوء استفاده را بگیرند. این یک نظریه است. این نظریه را ابتدا خدمت شما عرض کردم؛ زیرا راجع به نظریه پیشگیری ساختاری از جرم خیلی بحث شده است.

نظریه دیگری که از سال‌های سابق مطرح بوده و در برخی نقاط نیز فرصت اجرا یافته نظریه پیشگیری محیطی است.<sup>۳</sup> پیشگیری محیطی نیز دارای تحلیلی است که بسیار به پیشگیری ساختاری شباهت دارد. محور بحث در پیشگیری محیطی این است که جرم در یک محیط اتفاق می‌افتد و ما برای جلوگیری از جرم باید محیط وقوع جرم را نا امن نماییم. مشابه همان نظریه پیشگیری ساختاری که سهم تأثیر اصلی در وقوع جرم را از آیین‌نامه‌ها، دستگاه‌های نظارتی و تصمیمات مسئولین می‌دانست، در نظریه پیشگیری محیطی هم سهم تأثیر اصلی به مسئله محیط نسبت داده شده است. این نظریه نیز در بخش‌هایی از نیروی انتظامی به کار گرفته شده است و نیروی انتظامی سعی می‌کند بر اساس این نظریه، پیشگیری از جرم را انجام دهد.<sup>۴</sup>

همچنین نظریه دیگری هم تحت عنوان پیشگیری توسعه‌ای در کشور ما مطرح است؛ در این نظریه ریشه وقوع جرم را توسعه‌نیافتگی معرفی می‌کنند و معتقد هستند که اگر شاخصه‌های توسعه

۱/۲/۲. پیشگیری محیطی؛  
دومین نظریه برای  
پیشگیری از جرم

۱/۲/۳. نظریه پیشگیری  
توسعه‌ای؛ سومین نظریه  
برای پیشگیری از جرم

سال ۸۷ اعلام وصول لایحه پیشگیری از جرم در مجلس: نتیجه تلاش این کمیته تدوین لایحه‌ای با عنوان قانون پیشگیری از جرم بود که در تاریخ ۱۱ تیر ۱۳۸۷ در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد و با آنچه در سال ۱۳۸۱ مطرح شده بود تفاوت‌های زیادی داشت. این لایحه به کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس ارسال شد تا در کمیسیون تخصصی بررسی شود. سال ۸۸ لایحه به شورای نگهبان رفت؛ در تاریخ ۱۵ مهر ۱۳۸۷ لایحه پیشگیری از جرم در کمیسیون تخصصی باز هم دچار تغییر شد و سرانجام کار بررسی این لایحه در نیمه اردیبهشت سال ۱۳۸۸ به پایان رسید و برای تأیید به شورای نگهبان ارسال شد. سال ۸۹ لایحه به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفت؛ در سال ۸۸ لایحه ۱۰ ماده‌ای پیشگیری از جرم با ۱۰ ایراد شورای نگهبان دوباره به مجلس بازگشت و در اواخر سال ۸۸ این لایحه بار دیگر با رفع ایراد به شورای نگهبان رفت؛ اما شورای نگهبان ایرادات را حل نشده دانست و مجلس هم پافشاری کرد تا اینکه لایحه سر از مجمع تشخیص مصلحت نظام در آورد.

همشهری آنلاین، کد خبر ۲۱۶۹۷۵

۳. نظریه پیشگیری محیطی: نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی بر پایه یک تفکر ساده استوار است. وقوع جرائم گوناگون در جوامع مختلف تا حد زیادی از فرصت‌های موجود در محیط اطراف ناشی می‌شود. بنابراین می‌توان با ایجاد تغییراتی در آن، ترتیبی اتخاذ نمود تا از میزان وقوع جرائم کاسته شود.

مقاله نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی نوشته رونالد کلارک

۴. به پیوست شماره ۲ مراجعه فرمائید.



در یک کشور محقق شود ما می‌توانیم به مسئله پیشگیری از جرم دست پیدا کنیم. این نظریه پیشگیری توسعه‌ای نیز طرفدارانی دارد و توسط جریانی تبلیغ می‌شود.

۱/۲/۴. نظریه پیشگیری توسعه‌ای؛ سومین نظریه برای پیشگیری از جرم

نظریه چهارم پیشگیری از جرم که در جامعه ما مطرح شده، موسوم به پیشگیری کیفری است.<sup>۵</sup> روح اصلی پیشگیری کیفری این است که اگر سرعت مجازات مجرمین ارتقاء یابد، بازدارندگی در انجام جرم را به دنبال خواهد داشت. لذا در بعضی جرائم خاص، دادگاه‌های جمهوری اسلامی تنها طی یک هفته حکم صادر می‌کنند. در واقع این تبلور این نظریه است.

۱/۳. "جرم چگونه به وجود می‌آید؟" سؤال محوری ارزیابی نظریات پیشگیری از جرم

بنده اکنون قصد نقد تفصیلی این دیدگاه‌ها را ندارم، نکته‌ای که الآن می‌خواهم مطرح کنم این است که اگر ما می‌خواهیم به یک برنامه بنیادین برای پیشگیری از جرم دست پیدا کنیم باید بدانیم سؤال محوری‌ای که می‌تواند نظریه صائب و درست را برای ما معرفی کند، این سؤال است که جرم چگونه به وجود می‌آید؟ ریشه به وجود آمدن جرم چیست؟ باید این سؤال از تمام دیدگاه‌ها پرسیده شود. در این صورت هر نگاهی که توانست ریشه انجام جرم و چگونگی وقوع آن را بهتر تحلیل کند، در عمل نیز خواهد توانست به پیشگیری موفق شود. چون داشتن یا نداشتن قدرت پیشگیری به میزان تحلیل درست از فرآیند وقوع جرم وابسته است. به همان میزانی که فرآیند وقوع جرم را فنی‌تر و عالمانه‌تر تحلیل کنید، در گام بعد می‌توانید جلوی وقوع جرم را بگیرید.

۱/۴. ناتوانی هر چهار نظریه در ارائه پاسخی کامل و تام به علت وقوع جرم

در واقع تمام این نظریاتی که بنده گفتم - ما در مکان‌های دیگری هم بحث کردیم - در پاسخ به این سؤال علیل هستند؛ یعنی واقعیت مسئله این است که نظارت و بهینه‌کردن آیین‌نامه‌ها و اتخاذ تصمیمات درست و متقن توسط مدیران، منجر به کنترل جرم نمی‌شود؛ زیرا ریشه وقوع جرم در درجه اول این آیین‌نامه‌ها نیستند. یعنی اگر شما هر چه قدر هم در بوق شفافیت بدمید و صحبت کنید و بگویید که شفافیت چاره کار است [نتیجه‌ای نخواهید گرفت].<sup>۶</sup> آیا اگر ما شفافیت را ارتقا دهیم، پیشگیری از جرم اتفاق خواهد افتاد؟ اگر واقعاً پنهان‌کاری و عدم شفافیت، ریشه وقوع جرم و جرایم است، با ارتقاء شفافیت جرایم هم - خصوصاً در بخش‌های پولی و مالی - کنترل خواهد یافت. هیچ عقل سلیمی نمی‌تواند بگوید مسئله فقدان شفافیت، ریشه اصلی وقوع جرم است، بلکه؛ ممکن است کسی بگوید پنهان‌کاری‌ها به مجرم کمک می‌کند تا کارش را سریع‌تر انجام دهد؛ اما این کار قطعاً ریشه وقوع جرم نیست. بنابراین ما هر چه قدر هم نگاه شفافیت را جدی بگیریم، نمی‌توانیم مطمئن

۵. پیشگیری واکنشی یا کیفری (Penal Prevention) پس از ارتکاب رفتار مجرمانه با استفاده از ابزارهای کیفری از رهگذر نظام عدالت کیفری اعمال می‌شود. این پیشگیری بر اساس اثری که بر جامعه و یا فرد بزهکار می‌گذارد، به دو گونه «پیشگیری واکنشی عام» و «پیشگیری واکنشی خاص» تقسیم می‌شود. پیشگیری واکنشی عام یک پیشگیری واکنشی جمع‌مدار یا گروه‌مدار است که با مخاطب قرار دادن شهروندان از طریق رعب‌انگیزی و عبرت‌آموزی جمعی، به دنبال پیشگیری از بزهکاری نخستین افراد است. پیشگیری واکنشی خاص یک پیشگیری واکنشی مجرم‌مدار است که با اعمال کیفر بر فرد بزهکار و با رعب‌انگیزی و عبرت‌آموزی فردی، درصدد پیشگیری از بزهکاری دوباره افراد است.

*نیازپور، امیرحسین؛ حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸ و ۴۹، ص ۱۷۰-۱۷۲*

۶. بنده داخل پرانتز به دوستان خود هشدار دهم که پشت سلسله جنبان داستان شفافیت در ایران، بانک جهانی است. یعنی آن‌ها به دنبال این هستند که در نظام اداری ما - خصوصاً در سیاست‌های پولی و مالی - مسئله شفافیت ارتقا پیدا کند. این داستانی است که نباید مورد غفلت واقع شود. حال اگر ما این خطی که بانک جهانی در کشور دنبال می‌کند را تحلیل نکنیم تا بفهمیم غرضش از این کار چیست و به چه دلیل در سیاست‌های پولی و مالی دولت‌ها به دنبال ارتقاء شفافیت‌هاست - من نمی‌خواهم الآن تحلیل کنم که داستان چیست زیرا به وقت مجزایی احتیاج دارد - [کارشان را به جلو خواهند برد]. این نکته خیلی مهم است.



شویم که پیشگیری از جرم به وجود خواهد آمد. این نکته فنی داستان است، زیرا فقدان شفافیت، ریشه وقوع جرم نیست.

در نظریه پیشگیری محیطی هم داستان به همین شکل است. درست است که جرم در یک محیط اتفاق می‌افتد، اما این به آن معنا نیست که محیط مادر جرم است، نخیر؛ محیط بستر وقوع جرم است. محیط بخشی از دلایلی است که جرم به وسیله آن بخش پشتیبانی و محقق می‌شود.

در مسئله پیشگیری توسعه‌ای هم همین‌گونه است؛ ما نمی‌توانیم بگوییم فقدان توسعه علت وقوع جرم است. مگر توسعه چیست؟ اولاً در توسعه‌یافته‌ترین کشورهای دنیا پیچیده‌ترین بافت جرم وجود دارد. پیداست که این حرف، خیلی حرف مجلسی و شیکی است که گوینده این را گفته تا بقیه نگویند او لال است. وگرنه در این مباحث، بحث فنی‌ای پیدا نمی‌شود. بنده تعجب می‌کنم که چرا پای این حرف‌ها در محیط‌های آکادمیک ما باز زده می‌شود. اگر مفهوم توسعه‌ای که آقایان مدعی آن هستند در هیچ جای دنیا محقق نشده، پس نظریه ادعای آقایان روی کاغذ است. اگر هم ما در حال حاضر کشور توسعه‌یافته داریم؛ پس چرا در کشورهایی که توسعه‌یافته‌تر هستند بافت جرم از همه جا پیچیده‌تر است؟ چرا وقت جامعه نخبگانی و مدیران ما به چنین نظراتی تلف شود؟ البته ما در جاهای دیگر و با حوصله‌تر این بحث‌ها را نقد کردیم.

در مسئله پیشگیری کیفی هم اگر سریع با مجرم برخورد کنید اثر عبرت‌آفرینی دارد و سطح عبرت را به جلو می‌برد؛ اما آیا فقط با ارتقاء ضریب عبرت در یک جامعه می‌توانیم جلوی جرم را بگیریم؟ یعنی ریشه وقوع جرم فقط همین است؟ این‌ها بحث‌های فنی‌ای است که بعداً باید به آن‌ها بپردازیم. نکته محوری این است که باید ریشه وقوع جرم را تحلیل کنیم.

## ۲. تقویت نهاد خانواده و اجرای حدود و تعذیرات؛ دو عامل اصلی پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم

اگر به نگاه انبیاء علیهم‌السلام رجوع کنیم می‌بینیم جرم زاینده خواست و اراده انسان‌هاست؛ یعنی متغیر و ۲/۱. نظام نگرش‌های؛ ریشه اصلی جرم مفهوم اراده است که اراده تحت نظام نگرش‌هایی اعمال می‌شود. اگر نظام نگرش‌های حاکم بر اراده دچار ضعف تئوریک، ضعف منطق و ضعف حکمت بود، اراده‌های غلط دائماً تحت تأثیر این نظام نگرش‌های غلط زاینده می‌شوند و بسیاری از آن‌ها هم عنوان مجرمانه پیدا می‌کند. اما اگر نظام نگرش‌های مؤثر بر تصمیم و اراده فرد را کنترل کردیم، در گام دوم منجر به کنترل بنیادین مسئله جرم می‌شود؛ زیرا شما عامل تأثیرگذاری بر تصمیمات را کنترل کردید؛ پس ریشه وقوع جرم به نگرش و نگاه غلط به زندگی و منفعت و محیط باز می‌گردد. همان‌طور که عرض کردم نظامی از نگرش‌های غلط، به تصمیمات فرد جهت می‌دهند تا این تصمیمات به سمت یک جهت مجرمانه و سوء مدیریت شود. اگر واقعاً کسی می‌خواهد مسئله جرم را کنترل کند، باید راهی برای اثرگذاری بر «نظام نگرش‌های مؤثر بر تصمیم‌گیری فرد» پیدا کند.

حالا ما در بحث‌های مفصل الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت گفته‌ایم که فرآیند تأثیرگذاری بر ۲/۲. هدایت؛ فرایند نظام نگرش‌های مؤثر بر تصمیم‌گیری فرد همین فرآیند هدایت است. یعنی اگر ما توانستیم نظام نگرش‌ها را تغییر دهیم، می‌توانیم در گام بعد میوه آن را بچینیم. میوه آن هم این است که تولید نگرش‌ها



کارخانه تصمیمات غلط بسیار محدود می‌شود و این کمک می‌کند به اینکه افراد تصمیمات غلط نگیرند.

حال اگر از بین این تئوری‌های گفته شده می‌توان برای اثرگذاری بر نظام نگرش‌ها خروجی گرفت، پس به همان نسبت می‌توان از این تئوری‌ها برای کنترل ریشه‌ای جامعه استفاده کرد. اگر این تئوری‌ها قدرت این را ندارند که نظام نگرش‌های مؤثر بر تصمیمات افراد یک جامعه را مدیریت کنند، راه پیشگیری از جرم کنترل نگرش‌های افراد یک جامعه می‌شود. پیشگیری بنیادین از کنترل نظام نگرش‌های افراد جامعه شروع می‌شود. زیرا نگرش‌ها ریشه جرم هستند. اگر می‌خواهیم جرم را کنترل کنیم، باید نگرش‌ها را اصلاح کنیم.

۲/۳. نهاد خانواده: در نظریه «پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم»، مهم‌ترین نهاد مدیریت کننده نگرش‌ها، نهاد خانواده معرفی شده است. اگر خانواده از حیث روابط و عواطف و ابعاد مختلفی که برای یک خانواده اسلامی متصور است، فربه شود نتیجه آن این است که نگرش‌های افراد بهینه می‌شود؛ یعنی گاهی اوقات که انسان به حکمت خانواده توجه می‌کند، به همان روایت حضرت رسول ﷺ می‌رسد که خانواده و ازدواج نصف دین است.<sup>۷</sup> وقتی ما فقط و فقط خانواده را داشته باشیم، ده‌ها خروجی مثبت از جمله در حوزه پیشگیری از جرم دریافت می‌کنیم. در نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم هسته اصلی برای پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم مسئله خانواده است که خانواده کنترل نگرش می‌کند و بهینه‌شدن نگرش‌ها را متکفل می‌شود.

۲/۵. حدود و تعزیرات: مسئله حدود و تعزیرات که در پیشگیری کیفی راجع به آن بحث شده، هسته فرعی اصلاح نگرش‌هاست؛ زیرا اگر شما در مقابل جرایم به وقوع پیوسته توانستید با جرایم برخورد سریع کنید، این موضوع آثار عبرت آموزی دارد، یعنی سطح تدبیر جامعه را به جلو می‌برد. در اسلام حدود و تعزیرات به شکلی طراحی شده‌اند که عاقبت فعل سوء را در مقابل افراد جامعه قرار می‌دهند؛ شما در آیه قرآن خوانده‌اید که وقتی قرار است حدی جاری شود، طایفه‌ای از مؤمنین برای اجرای حکم دعوت شوند؛<sup>۸</sup> یعنی طایفه‌ای از مؤمنین نسبت به عاقبت یک فعل خطرناک متذکر شوند. این یعنی افزایش سطح تدبیر در جامعه. ولی باید توجه کنیم که این هسته فرعی کنترل نگرش‌هاست. نگرش‌ها را می‌توان در روبنا هم به وسیله فرآیند تدبیر اصلاح کرد ولی اگر در زیربنا به وسیله نهاد خانواده نگرش‌ها را به درستی پایه‌گذاری کردیم، این کار یک کار اساسی محسوب می‌شود. پس در نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم دو هسته برای فربه‌کردن امر پیشگیری وجود دارد؛ یکی تقویت نهاد خانواده و دیگری گسترش حدود و تعزیرات.

۷. رسول الله ﷺ: إِذَا تَزَوَّجَ الْعَبْدُ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ نِصْفَ الدِّينِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النَّصْفِ الْبَاقِي

هر گاه آدمی ازدواج کند، نصف دین را به دست آورده است و برای نصف دیگر باید تقوای خدا پیشه کند.

علاءالدین علی بن حسام؛ وفات: ۹۷۷ ق؛ کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال؛ انتشارات مؤسسه الرساله بیروت لبنان؛ حدیث ۴۴۰۳

۸. الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشَهِدَ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ آیه ۲ سوره مبارکه نور

به زن زناکار و مرد زناکار صد تازیانه بزنید، و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، نباید شما را در [اجرای] دین خدا درباره آن دو نفر دلسوزی و مهربانی بگیرید، و باید گروهی از مؤمنان، شاهد مجازات آن دو نفر باشند.



در روایت هست که گاهی اوقات اثر اجرای یک حد در جامعه اسلامی بیشتر از چهل روز بارش باران است.<sup>۹</sup> یعنی به این صورت برکت ایجاد می‌کند. باران علت احیاء همه چیز است و حد و تعزیر هم -در روایت در خصوص حد آمده- باعث گسترش برکت و احیا در یک جامعه می‌شود؛ زیرا حدود جزء احکام مؤید فرآیند تدبیر هستند. در واقع به دلیل اینکه حدود تدبیر را تقویت می‌کنند و تدبیر سطح سوم فکر است، گسترش فکر موجب احیا می‌شود. سرّ این روایت که فرمودند اگر حدود اجرا شود، بیشتر از چهل روز برکت برای اجرای یک حد متصور است؛ این است که حدود، تحریک بخشی از وعاء فکر را در سطح سوم متکفل می‌شود. پس باید در فرآیند پیشگیری از جرم، بحث را به نقطه اصلی وقوع جرم هدایت کرد. یعنی اگر کسی به دنبال این است که پیشگیری از جرم را محقق کند، باید بداند که جرم از کجا متولد می‌شود و همان محل تولد و ریشه وقوع جرم را به چالش بکشد. بنابراین تحلیلی که عرض کردم، نظام نگرش‌های فرد، منشأ وقوع جرم است. با هیچکدام از آن تئوری‌های پیشگیری محیطی، ساختاری یا توسعه‌ای نمی‌تواند به صورت بنیادین این نظام نگرش‌ها را اصلاح کرد.

### ۳. عدم اطلاع بسیاری از مسئولین از ریشه وقوع جرم؛ عدم توازن فرهنگی مرتبط با پیشگیری از

#### جرم و رفع این عدم توازن با عمیق کردن هها حول ریشه وقوع جرم

پس سخن در این است که ما باید از ریشه وقوع جرم بحث کنیم. حال چند عدم توازن در راستای تحقق پیشگیری بنیادین وجود دارد. اولین عدم توازن در کشور ما این است که اصلاً گفت‌وگو راجع به چگونگی وقوع جرم یک گفت‌وگوی بسیار کم‌عمق و کم‌اثر هست. هیچ‌کس راجع به این مسئله در کشور صحبت نمی‌کند، خود این یک عدم توازن است.

لذا ما در برنامه ششم پیشنهادی به قوه‌ی محترم قضائیه دادیم و آن این بود که مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه را مکلف کند تا دو کار انجام دهد که این دو کار هر دو منجر به این می‌شوند که ابتدا گفت‌وگو راجع به ریشه‌های وقوع و تحقق جرم، در جامعه پررنگ‌تر شود و نقطه آغاز هم همین است. آن دو پیشنهاد این است که قوه قضائیه ابتدائاً به صورت فصلی مکلف شود با تحلیل مسئله محور جرائم اتفاق افتاده، ریشه‌های وقوع جرم را بحث کند، البته نه به صورت تئوریک و نظری. می‌دانید که یکی از بالاترین آمار وقوع جرائم در کشور، جرائم مربوط به چک است؛<sup>۱۰</sup> جرایم مربوط به نهاد خانواده است. اینها در رأس هرم جرایم کشور هستند. مسئله چک و مسائل مالی جرم بسیار پرتکراری محسوب می‌شود. در ادامه نیز باقی جرائمی که در کشور اتفاق می‌افتد قرار دارد.

۹. قال رسول الله ﷺ: اِقَامَةُ حَدِّ خَيْرٌ مِنْ مَطَرٍ اَرْبَعِينَ صَبَاحًا  
اجرای یک حد از بارش چهل شبانه روز باران بهتر است.

حر عاملی، وسائل الشیعه، نشر دار الاحیاء التراث العربی بیروت ۱۴۱۲ ق، ج ۱۸، ص ۳۰۸

۱۰. آمارها در حالی از ورود سالانه ۱۱ میلیون پرونده قضائی به دادگاههای کشور خبر می‌دهند که بنا به گفته‌های وکلا و قضات، طلاق، کلاهبرداری، خیانت در امانت و چک بلا محل بیشترین تعداد پرونده‌های قضایی را به خود اختصاص داده است.

گزارش تفصیلی این موضوع در خبرگزاری مهر ارائه شده است: <http://www.mehrnews.com/news/1139187>





قوه قضائیه باید گزارش‌های راهبردی‌ای<sup>۱۱</sup> به صورت فصلی منتشر کند که قسمت اول آن بیان بافت جرم در کشور باشد و بعد ریشه‌های وقوع جرم را برای مسئولین بحث کند. بنده از بعضی مسئولین قوه قضائیه خواهش کردم و به آن‌ها گفتم شما در کشور از کسانی می‌خواهید در مسئله پیشگیری از جرم به شما کمک کنند که آن افراد و آن مدیران خودشان تحلیلی ندارند از اینکه جرم چطور اتفاق می‌افتد ولی مقام مسئول و مقام تصمیم‌گیری هستند. یکی از فقیرترین حوزه‌های گفتگو در کشور همین است. با آنکه قوه قضائیه سالانه حدود ۱۵ میلیون خدمت قضائی ارائه می‌کند<sup>۱۲</sup> - و این حاکی از وجود پرونده‌های متراکم در قوه قضائیه است - ولی گفت‌وگو راجع به پیشگیری از جرم، یک گفت‌وگوی کم‌عمق است. ما می‌دانیم که مسئله پیشگیری از جرم فقط با همت قوه قضائیه حل نمی‌شود. لذا قوه قضائیه اگر بخواهد همه را سر موضوع پیشگیری از جرم بسیج کند، باید گفتگو راجع به چگونگی وقوع جرم را در جامعه رونق دهد. این کار خصوصاً باید در میان مسئولان رونق بگیرد. وقتی تحلیل مسئول عالی‌رتبه ما از چگونگی وقوع جرم یک تحلیل کودکانه است؛ خب تصمیمی هم که برای کنترل جرم اتخاذ می‌کند یک تحلیل کودکانه خواهد بود. لذا در سیاست‌های ابلاغی امام خامنه‌ای علیه‌السلام؛ برای بحث قوه قضائیه روی بحث پیشگیری، تکیه‌ای جدی شده است.<sup>۱۳</sup> نقطه آغاز پیشگیری همین بحث‌ها و گفت‌وگوهاست. لذا این اولین حکم است. اگر قوه قضائیه می‌خواهد به سمت پیشگیری برود، باید ابتدا در قالب گزارش‌های راهبردی و سایر اشکال گفتمانی، گفتگو راجع به ریشه‌های وقوع جرم را آغاز کند.

۳/۳. عمیق کردن گفتگو  
 دومین حکمی که - در واقع این هم ناظر به همان عدم توازن اول است - ما در برنامه ششم پیشنهاد کردیم این بود که در آئین‌نامه مجلس - برخی از کارشناسان مجلس به بنده می‌گفتند: این حکم باید به‌عنوان اصلاح آئین‌نامه مجلس پیشنهاد شود، ما در برنامه ششم پیشنهاد دادیم که چه در آئین‌نامه مجلس، چه در قالب برنامه ششم باید که کارشناسان حوزه پیشگیری قوه قضائیه قبل از اعلام نظر در کمیسیون‌ها و قبل از رأی‌گیری در صحن مجلس، راجع به همه لوایح به محوریت مسئله پیشگیری از جرم اعلام نظر کنند. چطور الان نماینده دولت قبل از رأی‌گیری، نظر دولت را اعلام می‌کند و با نمایندگان صحبت می‌کند. منتهی ممکن است در مخالفت یا موافقت دولت نسبت به یک طرح، مسئله مالی مدنظر باشد؛ حال نماینده قوه قضائیه هم باید با محوریت مسئله پیشگیری از جرم، در صحن مجلس و در کمیسیون‌ها اعلام نظر کند. یعنی هشدار دهد که اگر این قانون تصویب شد، مثلاً ده‌نوع جرم را زمینه‌سازی می‌کند. به تدریج با تحقق این دو پیشنهاد و پیشنهادهای دیگری که لازم نیست در برنامه ششم باشد ولی در همین بسته پیشنهادهای تبیینی راجع به وقوع جرم است، می‌توانیم این مسئله را حل کنیم.

۱۱. البته باید دقت کرد که مراد از گزارش راهبردی، تعریفی است که الگوی پیشرفت اسلامی از گزارش راهبردی ارائه داده است. این تعریف در دوره تبیین گزارش راهبردی از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی به صورت بسیار اجمالی مورد بحث قرار گرفته است.

۱۲. وزیر دادگستری گفت: تعداد پرونده‌های وارد شده به قوه قضائیه در سال ۹۴ بالغ بر ۱۴ میلیون و ۶۲۱ هزار و ۹۴۵ فقره است.  
 خبرگزاری تابناک: <http://www.tabnak.ir/fa/news/601380>

۱۳. اهتمام به پیشگیری از وقوع جرم و لزوم همکاری سایر دستگاه‌ها با قوه قضائیه در این زمینه.

بند سوم سیاست کلی قضایی پنج‌ساله ابلاغ شده توسط مقام معظم رهبری (ابلاغی ۱۳۸۸/۰۹/۰۲)



پس الآن ما در بحث بسته عدم توازن‌های مرتبط با پیشگیری از جرم با یک عدم توازن مهم روبرو هستیم. یک امر ناموزون بسیار مهم و آن اینکه مسئولین ما نمی‌دانند چطور جرم در حال رخ دادن است؟ من این را از پیش خود نمی‌گویم، از بحث‌هایی می‌گویم که در گفت‌وگوها می‌شنوم؛ از بررسی لوایح مجلس می‌گویم، وقتی همه با قدرت می‌گویند پیشگیری ساختاری باید پیش رود و بعد هم پیش نرفته است - الان چند سال است که پیش نرفته است، شاید شش یا هفت سال است - پیداست که ما فقر گفت‌وگو در زمینه بحث جرم داریم، باید این را حل کرد. لذا اگر ما گفت‌وگو راجع به ریشه‌ی وقوع جرم را در جامعه ارتقاء دهیم، بعداً در این حوزه مسئله اتخاذ تدابیر هم بهینه خواهد شد. اینکه گفت‌وگو راجع به چگونگی وقوع جرم وجود ندارد، خودش یک عدم‌توازن است که باید بحث شود.

#### ۴. ترجمه‌گرایی؛ یکی از عدم توازن‌های فرهنگی مرتبط با جهت‌ساز علم

بخش دیگر از مباحث به عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز علم اختصاص دارد. اینجا هم ما یک بسته بحث مطرح کردیم که من خلاصه آن را محضر شما گزارش می‌دهم؛ اینجا هم یک بحث بدیهی وجود دارد و آن اینکه کشور باید علمی اداره شود. تصمیمات خلق‌الساعه، مضرترین مسئله برای اداره یک کشور هستند. تصمیماتی که مبتنی بر آراء کارشناسی نباشند خود موضع یک عدم توازن بزرگ هستند. این حرف، فنی و منطقی است. حال فرض کنید ما می‌خواهیم کشور را علمی اداره کنیم.

نقطه اول اداره علمی یک کشور این است که تئوری‌های علمی، بحث‌های علمی و کتاب‌های علمی‌ای که در یک کشور نوشته می‌شوند، همه ناظر به مسائل بومی یک کشور باشند. این دیگر اول بحث است؛ یعنی کسی که کتابی برای تدریس در دانشگاه می‌نویسد، این کتاب باید ناظر بر مسئله آن کشور باشد.

در کشور ما، تقریباً فرایند ترجمه بالاترین سرعت را نسبت به سایر نقاط جهان دارد. من این را از روی عمد عرض می‌کنم؛ غرب زده‌های ما در کشور، به تمام معنا زیارت‌نامه برای غرب می‌خوانند. این را به شهادت کتاب‌ها و مقالات انتقادی که در ایران وجود دارد، عرض می‌کنم. شما همین امروز فقط آمار مقالات و گفت‌وگوهای انتقادی در کشور پاکستان را نسبت به غرب با گفت‌وگوهای انتقادی در ایران نسبت به غرب مقایسه کنید؛ بسیار پر حجم است. حال کار ندارم که بر چه مبنایی انتقاد می‌کنند؛ ولی من می‌خواهم بگویم، انتقاد به غرب در کشور ما یک انتقاد پر دامنه، پر بحث و پر گفت‌وگو نیست. حتی می‌خواهم بالاتر بگویم؛ تعداد تولیدات جریان پسامدرن بای‌نحوکان و بای‌نحوقسی که در آنجا وجود دارد [بیشتر است]. مثلاً در کشورهای غربی حزب سبزها<sup>۱۴</sup> وجود دارد، حزب سبزها باقی‌مانده و تبدیل‌یافته حزب کمونیست هستند که در آن کشورها وجود دارند و هنوز

۱۴. حزب سبز ایالات متحده (Green Party of the United States) یکی از احزاب فعال در عرصه سیاست آمریکا از دهه ۱۹۸۰ به بعد بوده‌است. توجه رسانه‌ها به این حزب با کاندیداتوری رالف نیدر در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۹۹۶ و ۲۰۰۰ آغاز شد. حزب سبز در سال‌های اخیر سایر احزاب سبز در ایالات مختلف آمریکا را تحت‌الشعاع خود قرار داده‌است. نامزدهای این حزب در انتخابات نوامبر ۲۰۰۸ سنیتا مک کینی برای ریاست‌جمهوری و رزا کلمنته برای پست معاون رئیس‌جمهور بودند که ۱۶۱۱ هزار رأی را به خود اختصاص دادند.



منتقد وضعیت موجود هستند. به اصطلاح جریان‌های ملی در کشورهای غربی وجود دارند که هنوز منتقد هستند. منتقدین غرب در کشورهای غربی ده‌ها گروه هستند. حجم تولیدات آنها نسبت به انتقاداتی که به مدرنیته دارند، ده‌ها برابر و صدها برابر هم‌های انتقادی در ایران است. این خیلی چیز عجیبی است و به نظر بنده نیاز است که یک بررسی روان‌شناسانه راجع به آن شود.

حالا ما یک دیدگاه‌های کوچکی هم در اینجا داریم که بعد باید گزارش آنها را نیز بدهم. با توجه به این وضعیت ترجمه‌ای که در کشور ایران وجود دارد که وضعیت بسیار وخیمی هم است [باید کاری کرد]. مثلاً همین پوزیتیویست‌ها که از اوایل قرن قبل بوده‌اند، یعنی بیش از صدسال است که بحث آنها مطرح شده است؛ اما در ایران هنوز فلسفه پوزیتیویستی به عنوان یک نگاه نوع مطرح می‌شود و مورد تأکید قرار می‌گیرد. وقتی نگاه، ترجمه‌ای است اولین اتفاقی که می‌افتد این است که شناسایی مسئله صورت نمی‌گیرد. این عدم توازن اصلی ما در حوزه جهت‌ساز علم است.

ما یک دعوای جدی با جریان غرب‌گرا و روشن‌فکر در کشور داریم که این دوستان بسیاری از مسائل را نمی‌بینند. همین الان که ما در حال ه با یکدیگر هستیم، حلب آزاد شده است. درست وقتی حلب آزاد شده است که آمریکا تحریم‌های ایسا (Isa) را علیه ما تمدید کرده است. یعنی برجام نوشته شده و تحریم‌ها تمدید شده است؛ اما ما در یک حوزه دیگری آمریکا را به چالش کشانده‌ایم، بدون اینکه مذاکره و ه کنیم. در همین شرایط وزیر محترم خارجه مصاحبه می‌کند و می‌گوید: سوریه برجام دیگری می‌خواهد؛ چیزی شبیه به این عبارت، البته ایشان به این صراحت بیان نکرده‌اند. یعنی خیلی واقع‌بینانه حرف نمی‌زنند، عرض بنده همین است. اولین گام در بحث‌های علمی این است که واقعیت‌ها را قبول کنیم. شاید هم این موضوع به خاطر رقابت‌های تند جناحی در کشور ماست و یا به هر دلیل دیگری، الآن نمی‌خواهم راجع به آن خیلی بحث کنم. به هر حال عرض بنده این است که مهم‌ترین مشکل این جریان علمی فکری در کشور این است که واقعیت‌های درون کشور را شناسایی نمی‌کند، بر روی واقعیت‌ها دست نمی‌گذارد.

فکر انقلاب اسلامی واقعاً کارآمد است، واقعاً این فکر اسلامی در بسیج توده‌ها و ایجاد مشارکت یک سری کارآمدی‌ها نشان داده است؛ خوب بیاییم به این کارآمدی‌ها اعتراف کنیم، نقد کنیم، عیب‌های آن را بگیریم تا اینکه بهینه شود. چرا مثلاً وقتی می‌خواهیم راجع به دموکراسی و مشارکت صحبت کنیم، رأی دادن را ملاک قرار می‌دهیم؟! مشارکت می‌تواند باجان و مال و آبرو باشد، این‌ها هم یک نوع مشارکت هستند. اتفاقاً اگر مشارکت را به این شکل معنا کنیم، این موضوع در ایران بیش از همه جا وجود دارد. چرا هیچ استاد جامعه‌شناسی و علوم سیاسی در ایران بیان نمی‌گوید که هیأت‌های مذهبی یک نوع تکامل یافته از مشارکت مردمی هستند که این مشارکت، مشارکت پایداری است، مشارکتی است که اتفاقاً حتی دولت‌ها هم با آن مخالف کرده‌اند. حالا بالاخره در حال حاضر دولت جمهوری اسلامی جزء معدود دولت‌هایی است که با علما و جریان فکری مذهبی ایران همراهی کرده است. ما در دوره‌های مختلف تاریخی دولت‌های مخالف با این جریان را داشته‌ایم، فقط حکومت پهلوی هم نبوده است. خوب چطور می‌شود که حتی دولت مخالف است اما چنین مشارکتی اتفاق می‌افتد؟! این نوع مشارکت آثار مدنی-اجتماعی جدی هم داشته است.

۴/۴. عدم شناسایی مسائل و واقعیات کشور؛ نتیجه ترجمه‌گرایی در علم و یکی از عدم توازن‌های حول جهت‌ساز علم

۴/۴/۱. ندیدن شکست برجام و ندیدن پیروزی جبهه مقاومت در حلب و آزاد شدن این شهر؛ یکی از واقعیات‌های دیده‌نشده توسط جریان توسعه‌گرا

۴/۴/۲. ندیدن مشارکت عمیق در کشور تا حد بذل جان؛ یکی دیگر از واقعیات‌های دیده‌نشده توسط جریان توسعه‌گرا



بنده در جلسات قبل عرض کردم، بسیاری از مسائل اجتماعی ما فقط به این دلیل حاد نمی‌شود که پای هیأت‌ها و مساجد در میان است و خیریه‌ها و کمک‌هایی که از طرف هیأت‌مساجد ناظر به این مسائل اجتماعی تولید می‌شود. خب این‌ها یک سری بحث‌های علمی است. اگر دعوی مشارکت است و شما خیلی مسئله مشارکت مردم و جدا شدن از دیکتاتوری را در مباحث ملاک می‌دانید، پس این نوع مشارکت که خیلی بیشتر از رأی است و ابعاد دیگری از مشارکت‌های علمی که انقلاب اسلامی درست کرده است؛ این همه خلاقیت و تکنولوژی در دوران جنگ و این موارد همه قابل مطالعه هستند.

همه این موارد در حال انکار شدن است. وقتی جریان غرب‌گرا و روشن‌فکر دائماً به دنبال انکار واقعیت‌ها است، آقای وزیر خارجه فرموده است: برجام به زندگی خود ادامه خواهد داد، برجام نخواهد مرد.<sup>۱۵</sup> [آقای وزیر] جسد برجام بر روی زمین است، چند بار نقض شده است، شما دوباره می‌خواهید با تنفس مصنوعی مسئله را نگه دارید! اگر می‌خواهیم علمی رفتار کنیم، باید واقعیت‌ها را ببینیم. بله ما واقعیت‌ها را می‌بینیم؛ به‌وسیله برجام فروش نفت ما بیشتر شد؛ اما آن طرف داستان را هم بگویید که در حال حاضر وزارت نفت ما به سمت تهائُر رفته است؛<sup>۱۶</sup> یعنی نفت می‌فروشیم اما به دلیل تحریم پولی و مالی نمی‌توانیم پول آن را برگردانیم. آیا این کار دارای مزیت است؟ اگر افزایش فروش نفت یک مزیت است، یک مزیت بسیار اولیه محسوب می‌شود و قطعاً در توازن نسبت بین این مزیت و همه امتیازهایی که ما به غرب داده‌ایم نیست. یا مثلاً یک مزیت دیگری هم برای برجام تعریف می‌کنند. خیلی خوب است که جریان توسعه‌گرا بیاید و انصاف بدهد، وقتی انصاف می‌دهد انسان متوجه می‌شود که می‌خواهند علمی رفتار کنند و این مسئله را می‌شناسند.

## ۵. تشکیل بانک سؤالات فعلی جمهوری اسلامی ایران؛ راهکار الگوی پیشرفت اسلامی برای رفع آفت

### ترجمه‌گرایی

حالا ما در حوزه‌های مختلف این مشکل را داریم، فضای ترجمه‌ای مسئله را درست تشخیص ۵/۱. لزوم مقابله با آفت نمی‌دهد، واقعیت‌ها را اعتراف نمی‌کنند، در این صورت هم بحث علمی ایجاد نخواهد شد. لذا ما حتماً ترجمه‌گرایی به عنوان یکی از عدم توازن‌های کشور به عنوان یک عدم توازن باید مسئله علم ترجمه‌ای را مدیریت کنیم.

حالا به چه شکلی این موضوع را مدیریت کنیم؟ زیرا از یک‌سو کشور باید علمی اداره شود، از یک‌سو علم باید ناظر به مسئله ما باشد و علم ترجمه‌ای چنین خاصیتی را ندارد. هم مسئله و هم تحلیل ناظر به یک کشور دیگری است و کتاب آن در این کشور ترجمه شده است. نمی‌توانیم از آن

۱۵. ظریف در جمع اعضای مؤسسه امور بین‌الملل ژاپن (JIIA)، گفت: ما به همراه دوستان خود در جامعه بین‌المللی تلاش خواهیم کرد که برجام و اجرای آن ادامه پیدا کند. با توجه به این مسائل و مقدماتی که اشاره کردم من اعتقاد دارم توافق برجام به حیات خود ادامه خواهد داد.

خبرگزاری ایسنا: <http://www.isna.ir/news/95091810752>

۱۶. پول نفت همچنان بلوکه است / سیف: بهتر است در خارج از کشور نگهداری شود!

روزنامه کیهان ۱۰ بهمن ۱۳۹۵

رئیس کل بانک مرکزی در برنامه نگاه یک (۹ بهمن ۱۳۹۵): بهتر است ارز حاصل از صادرات نفت در حسابی در خارج از کشور نگهداری شده و برای واردات از آن استفاده شود؛



استفاده کنیم. حالا باید فرایند ترجمه‌زدایی از پایان‌نامه‌ها را شروع کنیم. اگر این فرآیند ترجمه‌زدایی از پایان‌نامه‌ها را شروع کنیم، یک عدم توازن بزرگ را در کشور مدیریت کرده‌ایم. کدام عدم توازن؟ عدم توازن عدم شناخت مسائل، عدم شناخت واقعیت‌ها که ناهماهنگی بزرگی است.

شما دیده‌اید که گاهی اوقات وضعیت در جمهوری اسلامی خیلی حاد می‌شود، یک دولتی بر سرکار می‌آیند - بنده در همه دولت‌ها این مثل را دارم - مثلاً شعار خود را رفع تحریم‌ها قرار می‌دهد، بعد در آخر عمر دولت می‌بینیم که از همه دلواپس‌تر و از همه منتقدتر خود همین اعضای دولت هستند. می‌دانید ریشه این کار کجاست؟ بنده واقعاً ریشه این کار را آقای روحانی و آقای ظریف و آقای رفسنجانی و غیره نمی‌دانم، اشتباه آنها این است که دائماً با مشاوره‌هایی که کتاب‌های غربی را خوانده‌اند، مشاوره کرده‌اند. البته باید از آنها مطالبه شود که چرا به این شکل بحث می‌کنند، اما ریشه اصلی به آن علوم ترجمه‌ای برمی‌گردد. لذا اگر برخی مثلاً استعفا بدهند و نباشند، آن تفکر ترجمه‌ای همچنان در کشور ما موجود است. پس ما باید منتظر انسان‌های جدیدی باشیم که به همین شکل غیرواقعی فکر کنند. ببینید بنده از یک داستان سیاسی تند، یک نتیجه‌گیری علمی برای کشور می‌گیریم، خواهش می‌کنم که تفاوت بحث‌های ما را دقت کنید. بنده می‌فهمم که کشور در چاه برجام افتاده است، می‌فهمم که برجام ناکارآمدی پیدا کرده است اما نباید ناکارآمدی‌های برجام را به تصمیمات آقای ظریف محدود کنیم و بیان کنیم که آقای ظریف بود که این کار را کرد. یک‌قدم قبل‌تر آن معادلاتی است که در ذهن آقای ظریف است و الان در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود، آن نقاط را باید به چالش کشید.

اگر ما توانستیم از این موارد بهره‌برداری عمیق کنیم، هم جذب حداکثری داریم و هم انشقاق در جامعه ایجاد نمی‌شود. آنها بالاخره یک اشتباهی کرده‌اند، مگر ما تعداد کمی دولت‌مرد داشته‌ایم که اشتباه کرده‌اند؟ اما اشتباه توسعه‌گراها جدی‌تر است و هم ما قبول داریم اما در همه این موارد واقعاً مقصر اصلی توسعه غربی است، مقصر اصلی کنفرانسی است که در سال ۱۳۸۶ در مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام برگزار شده<sup>۱۷</sup> و در آنجا گفته شد باید نظریه سیاست خارجه توسعه‌گرا مبنای تنظیم روابط بین‌الملل ما باشد. ببینید مقصر اصلی مراکز تصمیم‌ساز در جمهوری اسلامی هستند، آن فکر غلط تصمیم‌ساز است.

لذا اگر ما از آن استفاده کنیم، داستان آموزنده‌ای است؛ هم‌زمانی تحریم‌های ایسا که نقض فاحش برجام است و آزادسازی حلب که اثبات کارآمدی تئوری مقاومت در مقابل با آمریکا است که دو نگاه کاملاً مقابل یکدیگر هستند و ما می‌توانیم از این موضوع استفاده کنیم و به این سمت برویم که ترجمه‌زدایی را در کشور تسریع کنیم.

۱۷. کنفرانس ملی سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا به همت مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام؛



ما در برنامه ششم برای اینکه ترجمه‌زدایی تسریع شود، یک پیشنهاد داده‌ایم. بنده خواهش می‌کنم که بر روی این پیشنهاد دقت فرمایید؛ پیشنهاد ما این است که نظام سؤالات فعلی جمهوری اسلامی را توسط یک مرکز با دپارتمان‌های دانشگاه‌ها، با اساتید و دانشجویان در میان بگذاریم و از آنها برای سؤالات تقاضای پاسخ کنیم. حالا که در فضای ترجمه‌ای قرار گرفته‌ایم نیاز به یک مرکز پردازنده نظام سؤالات مرحله دولت اسلامی داریم. جای این موضوع در ساختارهای جمهوری اسلامی خالی است. اگر ما بتوانیم سؤال جدید جمهوری اسلامی را در حوزه صنعت، در حوزه مدیریت شهری، در حوزه بیوتکنولوژی، در حوزه علوم سیاسی، در حوزه مدل‌های جنگی<sup>۱۸</sup> و در کل بتوانیم فضا را درست تحلیل کنیم [کار رو به جلو خواهد رفت]. مثلاً سؤال کنیم که فضای جنگ نامتقارن را چکار کنیم؟ این سؤال یک سؤال در حوزه امنیت می‌شود، در حوزه صنعت به این سمت برویم که عدم تمرکز در صنعت را سؤال قرار دهیم. در حوزه مدیریت شهری ماهیت محله‌ای را سؤال قرار دهیم. اگر دستگاهی در جمهوری اسلامی به وجود بیاید و بتواند نظام سؤالات این مرحله را با اساتید و دانشجویان و مدیران دپارتمان‌های ما تفاهم کند، در گام اول می‌توانیم حداقل بین بیست تا سی درصد پایان‌نامه‌ها را به سمت نیازهای خودمان جهت دهیم. این پیشنهادی بوده که ما در برنامه ششم داده‌ایم، یعنی مرکز شناسایی، تبیین و حمایت از سؤالات مرحله دولت اسلامی باید در وزارت علوم تشکیل شود.

منطق شناسایی و تبیین نظام سؤالات مبتنی بر این مرحله همان الگوی ساختی است که بنده در جلسات گذشته تشریح کردم. اما غیر از اینکه به منطق آن نیاز داریم که سؤالات باید حول جهت‌سازها بحث شود، باید سؤالات تحقق جهت‌سازها بحث شود که منطق آن را توضیح دادم. ما به چنین مرکزی نیاز داریم، در حال حاضر این موضوع یک عدم توازن بزرگ است.

شما این پیشنهاد ما را با کارهایی که الآن در حوزه ترجمه‌زدایی انجام می‌شود، مقایسه کنید؛ ۵/۲/۱/۲. ناکارآمدی همین الآن بنده در دانشگاه شریف اطلاعیه‌ای دیدم مبنی بر اینکه می‌خواهند دوباره برای تحقق علوم انسانی، فلسفه غرب را بحث کنند. کل کارهایی که ما برای مدیریت فضای ترجمه‌ای داریم، کارهایی است که در حوزه مبانی نظری است. حاج‌آقای قمی (مسئول کل حوزه‌های دانشجویی دانشگاه‌های تهران) به بنده می‌گفت: جلسه‌ای در این دانشگاه شریف تشکیل شده است، در یک طرف قضیه اساتید فرهنگستان علوم اسلامی قم حضور داشتند که به این جلسه دعوت شده بودند، در یک طرف قضیه هم پسر آقای سروش و برخی دیگر از این طیف را آورده‌اند که راجع به غرب بحث کنند. ایشان به بنده می‌گفت وقتی در دانشگاه شریف این اطلاعیه را زدیم و جلسه شروع شد، تعداد دانشجویان کمتر از اساتید مدعو بود! ببینید این مدل که ما مدام همایش و جلسه بگذاریم و از مبانی نظری بحث کنیم به این میزان ناکارآمد است؛ اصلاً از این موضوع استقبال نمی‌شود. حالا

۱۸. امروز فرمانده محترم ارتش در تلویزیون مصاحبه می‌کردند و فرمودند فرمانده کل قوا در جلسه‌ای به ما گفته‌اند که تحلیل بنده از جنگ‌های آینده این است که جنگ‌های آینده جنگ نامتقارن است. یعنی یک نظریه را با فرماندهان مطرح و تفاهم کرده‌اند و حالا دارند آرایش کل نیروهای نظامی را بر اساس آن نظریه مدیریت می‌کنند. این موضوع را گزارش می‌دادند.

انتقال از متن





برخی از جلسات هم داریم که در آنها چهارصد نفر شرکت می‌کنند اما مگر می‌توان با چهارصد نفر تحول در علوم انسانی را شروع و مدیریت کرد؟! این عرض بنده است.

جلسات باید از بحث‌های نظری خارج شود و به سمت ایده‌ای که ما در نظریه هسته‌های توازن مطرح کردیم برود. بهتر بگوییم؛ نباید جلسات نظری نقد غرب، محور مقابله جبهه انقلاب با پدیده ترجمه شود. این کار، کارآمد نیست و قبلاً هم امتحان خود را پس داده است. اگر مبتنی بر این بحث یک عدم توازن را ملاک قرار دادید و بحث کردید، سطح مشارکت خیلی ارتقا پیدا می‌کند و تفاهم خیلی بالاتر می‌رود. این هم عدم توازن مرتبط با جهت‌ساز علم است که ما در برنامه ششم برای آن پیشنهاد داده‌ایم. یعنی خود ترجمه‌ای بودن معادلات یک عدم توازن است. مانند حوزه پیشگیری که عدم شناخت ریشه‌ای جرم یک عدم توازن بود. یک عدم توازن دیگری در حوزه مقاوم‌سازی اقتصاد است که ان‌شاءالله آن را نیز مطرح خواهیم کرد.

ان‌شاءالله فردا که جلسه آخر این دوره مبارک است یک بحث تکمیلی را در مورد مفهوم برنامه‌ریزی مطرح می‌کنم که خود آن، منشأ چهل جلسه بحث است. دلیل اینکه فردا می‌خواهم راجع به حوزه برنامه‌ریزی یک بحث تکمیلی را مطرح کنم، این است که ما در این چهل جلسه، مقدمات حوزه برنامه‌ریزی را مطرح کردیم. لذا بعداً که کتاب آن هم منتشر شد نام این کتاب ساختار کلی برنامه‌ریزی است. آن بحثی را که مطرح می‌کنم، آغازی است بر معادلات پیشرفت، معادلات بخشی الگوی پیشرفت برای برنامه‌ریزی که ان‌شاءالله اگر عمری بود و خداوند متعال وسعتی داد و همتی در میان بود، آن بحث‌های تکمیلی را نیز مطرح خواهیم کرد. یعنی این بحثی که ما در حوزه برنامه‌ریزی در حال حاضر مطرح کردیم مقدمات است، البته مقدماتی که نمی‌شد آنها را مطرح نکرد. یعنی باید بدانیم تعریف‌های اصلی در حوزه برنامه‌ریزی چیست. ما تقریباً این تعاریف را در این دوره مطرح کردیم. ان‌شاءالله فردا گزارش آن بحث را خدمت شما خواهیم داد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی‌القاسم محمد ﷺ



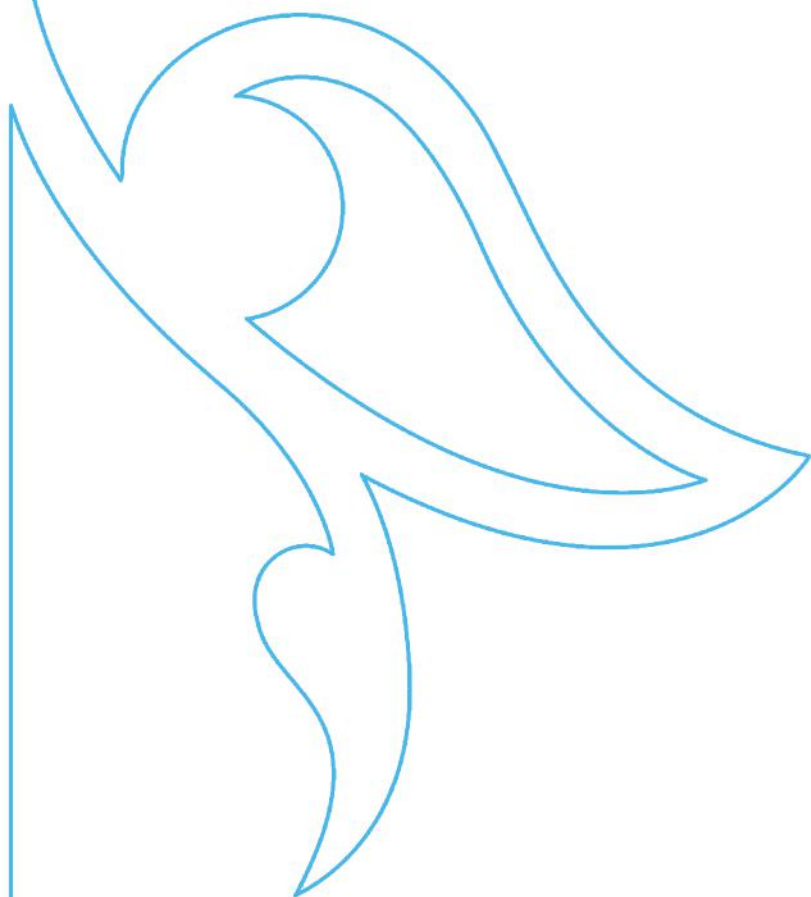
### فهرست تفصیلی

- ۱/۱. پیشگیری از جرم یکی از جهت‌سازهای مغفول در برنامه ششم..... ۹۱
۱. پیشگیری از جرم؛ یکی از جهت‌سازها و وجود چهار نظریه در حال حاضر برای تکفل این امر ..... ۹۱
- ۱/۲. وجود چندین نظریه برای پیشگیری از جرم ..... ۹۱
- ۱/۲/۱. پیشگیری ساختاری؛ یکی نظریات مطرح برای پیشگیری از جرم ..... ۹۲
- ۱/۲/۳. نظریه پیشگیری توسعه‌ای؛ سومین نظریه برای پیشگیری از جرم ..... ۹۳
- ۱/۲/۲. پیشگیری محیطی؛ دومین نظریه برای پیشگیری از جرم ..... ۹۳
- ۱/۲/۴. نظریه پیشگیری توسعه‌ای؛ سومین نظریه برای پیشگیری از جرم ..... ۹۴
- ۱/۴. ناتوانی هر چهار نظریه در ارائه پاسخی کامل و تام به علت وقوع جرم ..... ۹۴
- ۱/۳. "جرم چگونه به وجود می‌آید؟"؛ سؤال محوری ارزیابی نظریات پیشگیری از جرم ..... ۹۴
۲. تقویت نهاد خانواده و اجرای حدود و تعذیرات؛ دو عامل اصلی پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم ..... ۹۵
- ۲/۲. هدایت؛ فرایند تأثیرگذاری بر نظام نگرش‌ها ..... ۹۵
- ۲/۱. نظام نگرش‌های؛ ریشه ایجاد جرم از نگاه انبیاء علیهم‌السلام و لزوم مدیریت نگرش‌ها برای پیشگیری از جرم ..... ۹۵
- ۲/۳. نهاد خانواده؛ مهم‌ترین نهاد مدیریت‌کننده نگرش‌ها و هدایت و لزوم تقویت نهاد خانواده به منظور پیشگیری از جرم ..... ۹۶
- ۲/۵. حدود و تعذیرات؛ دومین عامل اصلی اصلاح نگرش‌های افراد جامعه ..... ۹۶
- ۲/۵/۱. تحریک سطح سوم و عاء فکر توسط حدود؛ دلیل نگرش‌ساز بودن آنها ..... ۹۷
۳. عدم اطلاع بسیاری از مسئولین از ریشه وقوع جرم؛ عدم توازن فرهنگی مرتبط با پیشگیری از جرم و رفع این عدم توازن با عمیق‌کردن  
 همه‌ها حول ریشه وقوع جرم ..... ۹۷
- ۳/۱. عدم بحث راجع به چگونگی وقوع جرم؛ اولین عدم توازن مرتبط با پیشگیری از جرم ..... ۹۷
- ۳/۲. عمیق‌کردن گفتگو حول چگونگی وقوع جرم از طریق نوشتن گزارش‌های راهبردی فصلی توسط قوه قضائیه؛ پیشنهاد اول الگوی  
 پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم ..... ۹۷
- ۳/۳. عمیق‌کردن گفتگو راجع به ریشه وقوع جرم از طریق حضور کارشناسان قوه قضائیه در مجلس و اعلام نظر در مورد لوایح و  
 طرح‌ها؛ پیشنهاد دوم الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم ..... ۹۸
- ۴/۱. لزوم اداره علمی کشور و عدم امکان اداره کشور با تصمیمات خلق الساعة ..... ۹۹
۴. ترجمه‌گرایی؛ یکی از عدم توازن‌های فرهنگی مرتبط با جهت‌ساز علم ..... ۹۹



- ۴/۲. لزوم تطبیق تئوری‌های علمی با مسائل بومی یک کشور ..... ۹۹
- ۴/۳. رشد عجیب ترجمه‌گرایی و تبعیت از تئوری‌های غربی در ایران؛ مشکل حال حاضر نظام علمی ..... ۹۹
- ۴/۴. عدم شناسایی مسائل و واقعیات کشور؛ نتیجه ترجمه‌گرایی در علم و یکی از عدم توازن‌های حول جهت‌ساز علم ..... ۱۰۰
- ۴/۴/۱. ندیدن شکست برجام و ندیدن پیروزی جبهه مقاومت در حلب و آزاد شدن این شهر؛ یکی از واقعیتهای دیده‌نشده توسط جریان توسعه‌گرا ..... ۱۰۰
- ۴/۴/۲. ندیدن مشارکت عمیق در کشور تا حد بذل جان؛ یکی دیگر از واقعیتهای دیده‌نشده توسط جریان توسعه‌گرا ..... ۱۰۰
- ۵. تشکیل بانک سؤالات فعلی جمهوری اسلامی ایران؛ راهکار الگوی پیشرفت اسلامی برای رفع آفت ترجمه‌گرایی ..... ۱۰۱**
- ۵/۱. لزوم مقابله با آفت ترجمه‌گرایی به عنوان یکی از عدم توازن‌های کشور ..... ۱۰۱
- ۵/۲. تشکیل مرکزی در وزارت علوم برای استخراج نظام سؤالات فعلی جمهوری اسلامی و ارائه آن به اساتید دانشگاه و دانشجویان؛ پیشنهاد الگوی پیشرفت اسلامی برای ترجمه‌زدایی از علم ..... ۱۰۳
- ۵/۲/۱/۲. ناکارآمدی روش‌های فعلی در ترجمه‌زدایی از علم به دلیل محصور شدن در نقد میانی نظری غرب ..... ۱۰۳
- ۵/۲/۱. الگوی ساخت؛ منطق شناسایی و تبیین نظام سؤالات ..... ۱۰۳

# جلسه هجدهم



تشریح عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز اقتصاد در  
برنامه ششم توسعه



## شناسنامه جلسه چهارم

عنوان  
تشریح عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز اقتصاد در برنامه ششم توسعه

تاریخ نشست  
۱۳۹۵ آذر

مشخصات اثر  
۱۳ صفحه (قطع رحلی)

مباحث این جلسه به تشریح عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز اقتصاد اختصاص دارد. از منظر الگوی پیشرفت اسلامی یکی از عدم توازن‌های حاد حوزه اقتصاد تفکیک ارزش از اعتبار است و یک امر اعتباری به نام پول به عنوان مبنای معامله قرار گرفته است.

اما تفکیک ارزش از اعتبار و قرار دادن پول به عنوان مبنای معامله چه اثرات سوئی دارد؟ اولین اثر سوء آن بلاموضوع شدن بخشی زیادی از حکم زکات است؛ چرا که بخشی زیادی از احکام زکات مربوط به سکه و نقره‌ای است که مسکوک هستند و در معامله استفاده می‌شوند. اما در حال حاضر مبنای معاملات پول است و طلا و نقره به صورت زینتی یا شمش نگه‌داری می‌شوند و به همین دلیل زکات به آنها تعلق نمی‌گیرد.

دومین اشکال تفکیک ارزش از اعتبار این است که در حال حاضر دلار به عنوان ارز واسط قرار گرفته است و در بسیاری از مواقع کشور آمریکا با عدم رعایت معادله نشر اسکناس اقتصاد کشورهای دیگر را ویران نموده و برای آنها مشکلات امنیتی ایجاد می‌کند.

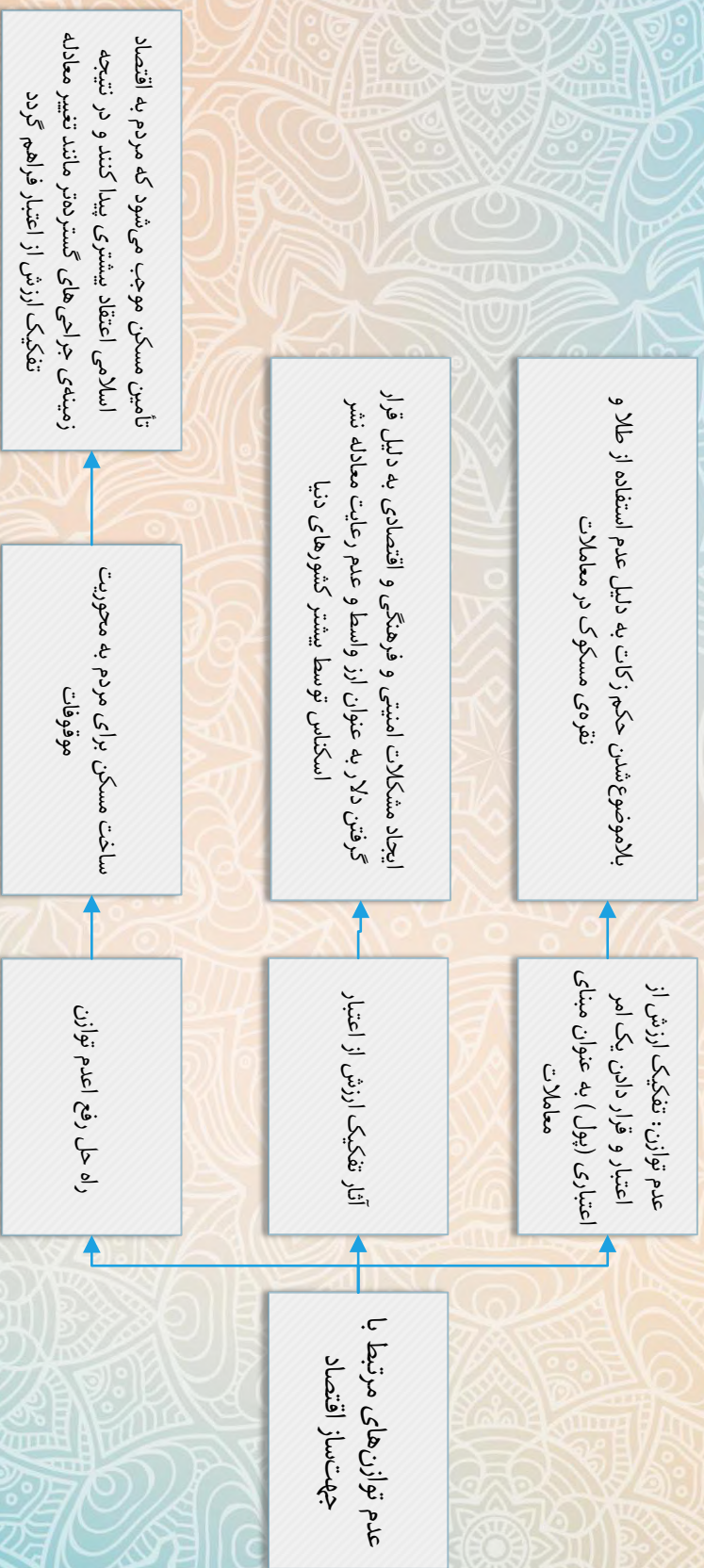
حال چگونه این عدم توازن را رفع کنیم؟ ابتدا باید به این نکته توجه کرد که یک‌باره نمی‌توان مبنای معامله را تغییر داد، بلکه باید برای این کار زمینه‌سازی نمود. زمینه‌سازی‌ای که الگوی پیشرفت اسلامی در برنامه ششم پیشنهاد داده این است که مسکن مردم ایران را به محوریت وقف تأمین کنیم. زمانی که مردم کارآمدی اقتصاد اسلامی را در حل مشکل مسکن ببینند به تدریج این زمینه پیش می‌آید که جراحی‌های عمیق‌تری نیز در اقتصاد انجام دهیم.

### فهرست اجمالی

۱۱۱	تفکیک ارزش از اعتبار؛ عدم توازن مرتبط با جهت ساز اقتصاد و ایجاد زمینه‌ی تغییر این معادله از طریق تأمین مسکن مردم با وقف و معتقدکردن مردم به اقتصاد اسلامی
۱۱۶	لزوم انجام کار فکری گسترده برای مقابله با جریان توسعه‌گرا و تحقق مرحله دولت اسلامی
۱۲۲	طی دوره‌ی کارشناسی الگوی پیشرفت اسلامی؛ یکی از سطوح فعالیت با شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی



جایگاه چهارم: تشریح عدم توان‌های مرتبط با جهتمساز اقتصاد در برنامه ششم توسعه







### ۱. تفکیک ارزش از اعتبار؛ عدم توازن مرتبط با جهت‌ساز اقتصاد و ایجاد زمینه‌ی تغییر این معادله از

#### طریق تأمین مسکن مردم با وقف و معتقدکردن مردم به اقتصاد اسلامی

سلام علیکم و رحمة الله و بركاته بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين لاسيما على بقية الله في الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف.

۱/۱. تفکیک ارزش از شیء اعتباری (پول) به

در جلسه گذشته سه عدم توازن مهم کشور را خدمت شما شرح دادم؛ بسته چهارم عدم توازن‌هایی که امروزه در کشور وضعیت حادی دارد و ما در پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم این عدم توازن‌ها را مطرح کردیم، عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز معیشت یا جهت‌ساز اقتصاد است. عدم توازنی که در حوزه اقتصاد خیلی چالش ایجاد می‌کند و منشأ ده‌ها مشکل هم هست، تفکیک بین ارزش و اعتبار است.

نظام پولی و مالی کشور، در درون خود ده‌ها مشکل دارد که این مشکلات را به زندگی مردم تحمیل می‌کند. به عنوان مثال مسئله تورم در کشور ما و دیگر کشورها یک مشکل است؛ تقریباً در هر کجا که توانستند تورم را تکریمی کنند - خصوصاً در کشورهای در حال توسعه - ضربات سنگینی به زندگی طبقات متوسط وارد شده است. یعنی از یک سو شاخص تورم در بعضی از کشورها



تک رقمی شده است، اما تمام تدابیری که به کار گرفته شده‌اند تا شاخص تورم را کاهش دهند، مسأله تولید و درآمد طبقه‌ی متوسط را به چالش کشیده‌اند.

بحث محاسبه نسبت بین اعتباری که در جامعه تحت عنوان پول در جریان است و پشتوانه‌ی آن، یکی دیگر از چالش‌های جدی در نظام اقتصادی است. معادله‌ای به نام معادله نشر اسکناس<sup>۱</sup> مطرح است که این معادله، عهده‌دار محاسبه نسبت بین ارزش و اعتبار است. حال در این حوزه ده‌ها مشکل دیگر هم قابل بازخوانی و شکافته شدن است.

۱/۱/۱. عدم امکان قرار

دادن یک شیء اعتباری به

عنوان مبنای مبادله

ما در مباحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بحثی را مطرح کردیم که بنده خواهش می‌کنم با توجه مضاعفی در این جلسه آخر به این بحث عنایت فرمایید؛ و آن این است که اساساً ما می‌توانیم در سیاست‌های پولی و مالی بین ارزش و اعتبار تفکیک قائل شویم. و یا اینکه باید در یک شیب معقول و با اتخاذ سیاست‌های زمینه‌ای و زیرساختی به این سمت حرکت کنیم که ابزار مبادله را در حوزه اقتصاد، ابزار ارزشمندی قرار دهیم؛ یعنی الآن پولی که ما با آن تبادل انجام می‌دهیم، ارزشی ندارد. از منظر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت این موضوع که ما برای یک شیء بی‌ارزش اعتباری تعریف می‌کنیم و بعد بر اساس آن اعتبار مبادلات اقتصادی خود را سازماندهی می‌کنیم، یک عدم توازن و یک ناهماهنگی بزرگ است. سیاست‌ها باید در طول شاید یک یا دو دهه آینده به سمتی حرکت کنند که خود ابزار مبادله دارای ارزش باشد.

این نکته‌ای است که ما در برنامه ششم یک حرکت زیرساختی و زمینه‌ای را برای آن پیشنهاد داده‌ایم. به هر حال الآن تمام اقتصادهای دنیا بر اساس همین معادله خاص پول اقتصاد خود را تنظیم می‌کنند و یک گسترش جهانی پیدا کرده است و نمی‌توان یک‌شبه قضیه را بازگرداند، باید حتماً کارهای زیرساختی و زمینه‌ای انجام شود. یک بخش از این زیرساخت‌ها همین نظریه بنگاه‌های وقف محوری است که ما آن را در برنامه ششم پیشنهاد دادیم. خلاصه این نظریه آن است که از ظرفیت تجمع سرمایه حول وقف، برای حل مشکلات اقتصادی مردم استفاده کنیم. اگر مردم کارکرد وقف - که یک حکم اقتصادی برای حل مشکلات است - را بیشتر در زندگی خود درک و احساس کنند، یک باور عمیق‌تری به وجود می‌آید تا ما به جراحی‌های بزرگتر در حوزه اقتصاد درست بزنیم، ولی هدف نهایی این است که آن عدم توازن را برداریم.

۱/۲. بلاموضوع شدن

بخش قابل توجهی از حکم

زکات به دلیل از قرار ندادن

طلا و نقره مسکوک به

عنوان مبنای معامله؛ نتیجه

اول تفکیک ارزش از اعتبار

۱. از نظر علم اقتصاد چاپ اسکناس و انتشار پول، نیازمند پشتوانه است و دولت‌ها به میزان پشتوانه پولی که در اختیار دارند، مجاز به انتشار اسکناس می‌باشند. در زمان حاضر علاوه بر طلا و ارزهای معتبر، پشتوانه‌های دیگری نظیر تولید و قدرت اقتصادی و ثبات اقتصادی و سیاسی کشورها، عملاً به عنوان پشتوانه پول مورد توجه است. مثلاً برخی کشورها زمانی حجم پول را گسترش می‌دهند که تحولاتی در تولید به وجود آید. به عبارت دیگر با گسترش تولید و فعالیت اقتصادی نیاز به پول برای داد و ستد بیشتر می‌شود؛ لذا می‌توان پول جدید منتشر کرد.

مبانی و اصول علم اقتصاد، بدالله دادگر، تیمور رحمانی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۴، صص ۳۰۳ - ۳۴۴.



حاضر بود. مسأله زکات یک مسأله بسیار مهم تلقی می‌شد تا جایی که اگر فرمانداری از طرف پیامبر ﷺ یا امیرالمؤمنین علیه السلام منصوب می‌شد، دو حکم دریافت می‌کرد؛ یکی حکم امارت و دیگری حکم جمع‌آوری زکات.<sup>۲</sup> زکات تقریباً منبع اصلی تجمع سرمایه برای رسیدگی به امور فقرا و گسترش آبادانی در مناطقی که حکومت اسلامی دایر می‌شد بود. حکم زکات در اقلام خاصی است که مهم‌ترین آنها طلا و نقره‌ی مسکوک است، یعنی طلا و نقره‌ای که ابزار مبادله است. درست است که مسأله زکات در مورد گاو، گوسفند، گندم، جو، کشمش و سایر اقلام هم ثابت است ولی آن موضوعی که باعث می‌شد از زکات یک تجمع سرمایه‌ی عمده تأمین شود، بحث طلا و نقره مسکوک بود.

خُب با روی کار آمدن سیاست‌های پولی و مالی جدید، الآن دیگر طلا و نقره مسکوک وجود خارجی ندارد؛ یعنی طلا و نقره‌ها، طلا و نقره‌هایی هستند که در مسأله‌ی زینتی به کار می‌روند و یا به صورت شمش هستند و به عنوان پشتوانه‌ی پول نگهداری می‌شوند. ما طلا و نقره مسکوک نداریم تا حکم حیاتی زکات روی آن بار شود. این اولین اتفاق بدی است که رخ داده است. البته از طرف دیگر نیز حجم‌ها زیاد است و می‌گویند احکام اقتصادی اسلام ناکارآمد است. فشار زیادی آورده و می‌گویند مجموعه بسته احکام اقتصادی اسلام الآن قابلیت اجرا ندارد و این را به عنوان یک نقص معرفی می‌کنند؛ اما در این طرف داستان کسی بحث نمی‌کند که همین تفکیک ارزش از اعتبار که در علم اقتصاد اتفاق افتاده، این مشکل را ایجاد نموده و منجر به این شده است که چالش جدی برای سیاست‌های پولی و مالی اسلام ایجاد شود. این اولین مشکلی است که تفکیک اعتبار از ارزش درست کرده است.

دومین مشکلی که ایجاد شده این است که نحوه‌ی محاسبه نسبت بین این دو موضوع به چالش جدی کشیده شده و پر از تقلب شده است. الآن به دلیل اینکه در مبادلات جهانی ارز واسط بر روی دلار بسته شده است، یک اتفاق بسیار خطرناک در حوزه اقتصاد جهانی اتفاق در حال وقوع است و آن این است که چاپ دلار تقریباً بریده‌ی از معادلات نشر اسکناس اتفاق می‌افتد؛ چون بانک مرکزی آمریکا بر روی دلار نظارت دارد، در قواعد محاسبه آن ارزش را رعایت نمی‌کنند و همین‌طور چاپ می‌شود. آن شُک ارزی‌ای که حدود یک دهه پیش در چین به وجود آمد، به همین دلیل بود؛ یعنی نسبت به به ارز واسط دلار اعتمادی ایجاد شده بود و تقریباً پشتوانه‌ی ارزی اکثر کشورها - خصوصاً کشور چین - دلار بود. با عدم رعایت معادله‌ی نشر اسکناس تقریباً ارزش پشتوانه‌ی ارزی چین حدود یک‌سوم کاهش پیدا کرد؛ یعنی با طراحی‌ای که بانک مرکزی آمریکا انجام داد، ثروت یک کشور را به چالش کشید. این یک مسأله مهم است که اتفاق افتاده است.

در کشور ما هم همین‌طور است؛ شما اخبار دولت‌های مختلف را که مطالعه بفرمایید [متوجه می‌شوید که] یک چیز بروز خارجی دارد و آن این است که همه دولت‌های ما متهم به چاپ اسکناس بدون رعایت معادله نشر اسکناس هستند؛ یعنی درست است که بر روی کاغذ معادله‌ای نوشته شده

۲. اشاره به نامه ۵۳ نهج البلاغه؛ حکم انتصاب مالک اشتر به امارت مصر



که باید نسبت به میزان تولید ناخالص ملی و نسبت به میزان ذخایر ارزی اسکناس چاپ کنیم، ولی عملاً این معادله رعایت نمی‌شود.

وقتی شما پول بدون پشتوانه را چاپ می‌کنید و پول بدون ارزش را روانه بازار می‌کنید، به اندازه تحریک تقاضایی که این پول ایجاد می‌کند، قدرت عرضه ندارید و این موضوع باعث گسترش مسأله تورم می‌شود. حالا هم که بحث کارت‌های اعتباری و حذف اسکناس مطرح شده، داستان خیلی عجیب‌تر شده است؛ یعنی اصلاً اسکناس هم موضوع تبادل نیست، بلکه اعتباری است که بانک به صاحب حساب خودش می‌دهد و ممکن است این اعتبار را تا ده برابر پشتوانه پول افزایش دهد که اصطلاحاً به آن پول پرفشار یا ارتقاء پایه پولی می‌گویند.

باید به این موضوعات به صورت ریشه‌ای فکر کرد. من گاهی اوقات به پیشنهاداتی که بانک مرکزی برای مسائل اقتصادی ارائه می‌دهد فکر می‌کنم؛ آنها دائماً تحریک تقاضا را کنترل می‌کنند تا جایی که حتی نیازهای اولیه خانواده هم به چالش کشیده می‌شود. وقتی شما برای کنترل ناکارآمدی معادله نشر اسکناس، تقاضا را محدود کردید؛ آثار تضعیف نهاد خانواده هم بر این کار بار می‌شود. الآن در جامعه ما این طور است؛ جناب آقای رئیس جمهور دائماً بحث می‌کنند که ما تورم را کنترل کردیم و واقعیت داستان این است که تورم کنترل شده است ولی این کار با کنترل تحریک بخش تولید و عرضه و تقاضا صورت گرفته است؛ یعنی این طور نیست که یک روال طبیعی رخ داده باشد.

خُب یا باید این آفات را پذیرفته - یعنی یا باید بپذیریم که احکام اسلام بلاموضوع هستند - و با این موضوع کنار بیاییم که معادله نشر اسکناس دائماً نقض شود و چالش‌های سیاسی-امنیتی بر این سیاست‌های پولی و مالی غلط ایجاد شود و یا اینکه به تدریج زمینه‌سازی کرده و به این سمت برویم که حداقل در گام اول، ایده‌ی قطع ارتباط بین اعتبار و ارزش را مطرح کنیم. آن حرفی که بصورت صریح در حوزه اقتصاد به دنبال آن هستیم و شاید دو دهه دیگر هم طول بکشد که این حرف عملیاتی شود، این است که ابزار مبادله باید خودش دارای ارزش باشد. نمی‌توان ابزار مبادله را اعتبار دید و به نسبت یک ارزش برای آن محاسبه نوشت. این خلاصه بحث ما در حوزه عدم‌توازن‌های مربوط به حوزه اقتصاد است.

مبنتی بر این موضوع، برای رفع این عدم توازن و ناهماهنگی بحث استفاده از وقف را در حل نیازهای مسکن مطرح کرده‌ایم. اگر ما محاسبات مسکن مهر - یعنی تعدادی مسکنی که در مسکن مهر ساختیم و پولی که برای آن خرج کردیم - را اصل قرار دهیم و بخواهیم از ظرفیت وقف برای ساختن چنین مسکنی با چنین ظرفیتی استفاده کنیم، چیزی حدود ده سال طول می‌کشد تا ما مشکل مسکن ایران را حل کنیم. طبق محاسبات بانک مرکزی هزینه تأمین مسکن در سید نیازهای خانوار شصت الی هفتاد درصد هزینه‌ها را تشکیل می‌دهد، این خیلی عدد بالایی است.<sup>۳</sup> یعنی اگر زندگی

۱/۴. ساخت مسکن با استفاده از ظرفیت وقف و حل مسکن مردم ایران ظرف ده سال؛ پیشنهادی الگوی پیشرفت اسلامی برای رفع عدم توازن مرتبط با جهت‌ساز اقتصاد

۳. مسکن در سال ۱۳۹۴ در شهر تهران ۵۰ درصد هزینه‌های سالانه خانوار را به خود اختصاص داده است. (طبق جدول شماره ۴۹ سند بانک مرکزی) این آمار برای کل کشور ۳۵ درصد است.

مشاهده اصل سند در: آدرس مطلب در پایگاه رسمی بانک مرکزی: [www.cbi.ir/page/15187.aspx](http://www.cbi.ir/page/15187.aspx)



۱/۴/۱. زمینه‌سازی برای  
 معتقد شدن مردم به اقتصاد  
 اسلامی و حرکت به سمت  
 تغییر اصل تفکیک ارزش  
 از اعتبار

خانواده‌ای اداره می‌شود، حدود شصت درصد هزینه‌های این خانواده برای رفع نیازهای مسکن و حواشی آن صرف می‌شود. اگر ما بتوانیم به ظرفیت وقف - که مزیت وقف، بحث املاک و مستقلات است - جهت داده و آن را به این سمت ببریم که مسکن وقفی بسازیم، معنایش این است که با قدرت وقف توانستیم شصت یا هفتاد درصد از هزینه‌های تشکیل خانواده را کم کنیم.

این در شرایط فعلی و برای حل مشکلات زندگی مردم یک معجزه محسوب می‌شود؛ معجزه‌ای که صاحب آن معجزه در گام بعد می‌تواند کارهای بزرگ‌تر را هم انجام دهد. توجه کنید که اگر قرار است اتفاقی در حوزه‌ی سیاست‌های پولی، مالی و اقتصادی رخ دهد، حتماً مردم باید در این اتفاق مشارکت کنند. اگر مردم همراهی نکنند، کار جلو نمی‌رود. این یک اصل مسلم در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. حال چطور در مردم بحث ایجاد کنیم؟ چطور مردم را قانع کنیم که سیاست‌های کینزی برای اداره حوزه اقتصاد مفید نبوده و ناکارآمد است؟ این موضوع حتماً با منبر، وعظ و سخنرانی اتفاق نمی‌افتد. پیشنهادی که ما به دنبال آن هستیم این است که از ظرفیت وقف برای حل مشکلات اقتصادی خصوصاً مسأله مسکن استفاده کنیم.

اگر آستان قدس رضوی اعلام کند که قرار است امام رضا علیه السلام در همه شهرهای ایران شهرک‌های وقفی بسازد؛ به نظر من اعتمادی که به حضرت رضا علیه السلام و مسائل دینی هست، ظرف کمتر از ده سال سرمایه‌ی مورد نیاز برای حل مشکل مسکن را از بین مردم جمع می‌کند. اگر این اتفاق رخ دهد، یک آیه و یک معجزه برای آن نگاهی است که می‌خواهد جراحی‌های اساسی در حوزه اقتصاد ایجاد کند. اگر ما این کارها را جدی نگرفته و به برگزاری چند سمینار و همایش در تبیین اقتصاد اسلامی اکتفاء کنیم، هیچ اعتمادی به وجود نخواهد آمد و بعد هم مشارکتی ایجاد نخواهد شد، این نکته مهمی است.

لذا درست است که در پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم کشور، ما یک حکم اقتصادی دادیم ولی این حکم اقتصادی به تنهایی در صورت تحقق این قدرت را دارد که جامعه را قانع کند که اقتصاد اسلامی کارآمدتر از اقتصاد غربی است. این نکته مهمی است که باید همه به آن توجه کنند. پس در مجموع در پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم کشور، چهار دسته عدم توازن را در طول این دو سال بحث کردیم؛ عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز تربیت، عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز علم، عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز پیشگیری از جرم و عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز اقتصاد.

در مجموع حدود بیست عدم توازن بود که اینها را آماده کرده بودیم که با کارشکنی هیئت رئیسه مجلس قبل حدود هفت مورد از آنها به صحن مجلس راه پیدا کرد. به فضل الهی از هفته‌ی آینده که مجلس فعلی می‌خواهد برنامه ششم را در سه شیفت پیگیری کند ما نیز یک نبرد نهایی داریم برای اینکه این هفت عدم توازن و راه حل‌هایی که ارائه داده‌ایم را به قانون تبدیل کنیم. اگر به فضل الهی این اتفاق رخ دهد ما کار را یک گام جلو برده‌ایم؛ در واقع در شرایطی که توسعه‌گراترین دولت جمهوری اسلامی بر سر کار بود و هیچ‌کس امید نداشت که بتوانیم برنامه‌های غربی را به چالش بکشیم، تنها پروژه‌ای که به ثمر رسید همین پروژه‌ی مدیریت برنامه ششم بود؛ یعنی اجازه داده نشد

که سند برنامه ششم آنچنان که جریان توسعه‌گرا دوست دارد تصویب شود. به نظر بنده - کما اینکه برخی از دوستان نیز در جلسات گفته بودند - جریان توسعه‌گرایی وطنی سخت‌ترین دوران برنامه‌ریزی را تجربه کرد. علت نیز این بود که به برنامه ششم نقد نظری وارد نشد، بلکه واقعاً پیشنهادهای عملی‌ای در این میان مطرح شد که مورد اقبال نسبی نیز قرار گرفت.

## ۲. لزوم انجام کار فکری گسترده برای مقابله با جریان توسعه‌گرا و تحقق مرحله دولت اسلامی

بنده این بحث را در اینجا خاتمه می‌دهم و یک نکته تکمیلی را خدمت شما عرض کنم. همان‌طور که عرض کردم طبق نظریه هسته‌های توازن فرهنگی ما باید دو کار را انجام دهیم؛ یکی به چالش کشیدن مفهوم عدم توازن و مصادیق عدم توازن از نگاه جریان توسعه غربی. کار دیگر نیز معرفی عدم توازن‌های فرهنگی با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. این چهار دسته عدم توازنی که بحث کردم، مصادیق کار دوم است؛ یعنی ما با نگاه خودمان بر روی عدم توازن‌ها و ناهماهنگی‌های کشور دست گذاشته، کار تبیینی و تبلیغی کرده و آن را جا انداختیم. این، یک کار بود؛ کار دیگر این بود که عدم توازن‌های معرفی شده توسط جریان توسعه غربی را به چالش کشیدیم؛ این عدم توازن‌ها همان ده حکم خطرناکی بودند که ما همیشه گفتیم در برنامه ششم وجود دارند. الآن که بنده دارم خدمت شما گزارش می‌دهم تقریباً تمام این احکام خطرناک تغییر پیدا کرده‌اند و دیروز وقتی ما داشتیم در جلسه سی و نهم خدمت شما راجع به خطرات تراریخته بحث می‌کردیم، کمیسیون تلفیق مجلس، واردات، مصرف و کشت تراریخته‌ها را ممنوع کرد؛ و با ممنوعیت تراریخته‌ها دیگر چیزی از احکام خطرناک برنامه ششم باقی نمانده است. ولی در کارهای اثباتی هنوز راه درازی در پیش داریم و باید این فعالیت‌ها را مدیریت کنیم.

خُب بنده در اینجا بحثی که ما در چهل روز گذشته راجع به مفهوم برنامه‌ریزی با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت داشتیم را پایان می‌دهم. همان‌طور که عرض کردم متن تدوین‌شده‌ی این دوره‌ی چهل‌روزه به همت کمیته تدوین اولین نقشه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ظرف دو یا سه ماه آینده در اختیار همه علاقه‌مندان به فکر الگوی پیشرفت اسلامی قرار می‌گیرد. البته این دوره، مبادی برنامه‌ریزی بود و ما کلیات برنامه‌ریزی با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را شرح دادیم. از خدای متعال توفیق می‌خواهم که ان‌شاءالله در سال‌های آینده معادلات بخشی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را بحث کنیم، درست مانند همین معادله‌ای که در اینجا توضیح دادم مبنی بر اینکه اگر ما بخواهیم ارزش واقعی را ابزار مبادله قرار دهیم این کار چه الزاماتی دارد. همچنین بحث‌هایی که در حوزه استراتژی صنعت در طول این دوره به آن اشاره کردم و بحث‌های مهمی که ما تحت عنوان الگوی تولید خانوادگی مطرح کرده‌ایم [از معادلات بخشی هستند]. الگوی تولید خانوادگی نقش مردم را در حوزه اقتصاد افزایش می‌دهد. تا به حال که ما داریم در این زمینه صحبت می‌کنیم

۴. عضو کمیسیون کشاورزی مجلس گفت: ممنوعیت تولید، واردات و مصرف تراریخته‌ها بعد از تصویب در کمیسیون کشاورزی در کمیسیون تلفیق مجلس نیز مصوب شد تا با پایان کار کمیسیون تلفیق در صحن علنی مجلس مطرح شود.





نظریه‌ی جایگزینی [برای الگوهای تولید فعلی] مطرح نشده است و اگر این بحث‌ها را مطرح نکنیم مجبور می‌شویم بحث‌های توسعه غربی را مورد عمل قرار دهیم.

ان شاءالله اگر خدای متعال توفیق دهد ما در روزها و ماه‌های آینده بدون فوت وقت [دوره چهل‌روزه‌ی دیگر را شروع خواهیم کرد]. در این چهار دهه‌ی گذشته بسیار کم‌کاری شد و قدر انقلاب اسلامی دانسته نشد؛ نه حوزه‌ی علمیه‌ی قم قدر انقلاب و این فرصت تاریخی را دانست و نه دانشگاه‌ها و نه مؤمنین ما قدر انقلاب را ندانستند. ما باید از ابتدای انقلاب کارهای فکری سنگینی انجام می‌دادیم تا بتوانیم پرچم اسلام را تا قبل از ظهور حضرت ولی عصر<sup>ع</sup> بالا نگه داشته و ان شاءالله زمینه‌ساز ظهور ایشان باشیم. بالاخره کم‌کاری‌هایی انجام شده است، البته کار نیز کار سنگینی بوده است؛ چهاردهه هجمه طراحی شده علیه انقلاب اسلامی در همه ابعاد وجود داشته و شاید این هجمه‌ها باعث شده که سلف صالح ما و نیروهای انقلاب در نسل قبلی، کار فکری عمیق راجع به انقلاب اسلامی را در دستور کار قرار ندهند؛ حالا یا توان نبوده و یا غفلت صورت گرفته است؛ بعضی جاها غفلت بوده و بعضی جاها واقعاً توان نبوده و بنده نمی‌خواهم الآن قضاوت کنم. عرض بنده این است که انقلاب اسلامی اگر می‌خواهد بماند نیازمند کار فکری سنگین و عمیق است. من همه شما و همه کسانی که در کشور به دنبال اخبار الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هستند را دعوت می‌کنم که به پیمان حلف‌الفضول<sup>۵</sup> دوران انقلاب اسلامی بیبندید. ما پیمان بسته‌ایم که نگذاریم ناکارآمدی‌های توسعه غربی به برنامه تبدیل شده و به نام انقلاب اسلامی تمام شود. لذا بلافاصله بعد از اتمام این دوره در حد اینکه تهمه‌ی این کار را از لحاظ رسانه‌ای تدوین نموده و مقدماتی را برای کار بعدی طراحی کنیم یک توقف کوتاهی می‌کنیم و ان شاءالله چله‌ی دوم شروع می‌شود. نیت ما این است که این چله‌ها را در سراسر کشور راه بیان‌دازیم تا ان شاءالله جریانی شکل بگیرد. مهم‌ترین ویژگی این جریان آن است که دیگر فقط نقد نمی‌کند، بلکه خود را مجهز به راه حل‌های جدی می‌داند.

اگر این کار را انجام نداده و کار فکری لازم را انجام ندهیم، استحالته‌ی انقلاب قطعی است. چند روز از نقض برجام گذشته است<sup>۶</sup> و تفکر برجام که مبتنی بر توسعه غربی است به چالش کشیده شده و ناکارآمدی آن اثبات شده است و تقریباً در حال حاضر همه در کشور دلوپس هستند و هیچ‌کس وجود ندارد که دلوپس چاه ویل برجام نباشد، حالا یک عده‌ای مانند تیم مذاکره‌کننده کمتر بروز می‌دهند و عده‌ای نیز بیشتر بروز می‌دهند. در چنین شرایطی از عجایب زمان ما این است که آقای ظریف به کشور ژاپن تشریف برده و در آنجا می‌فرمایند سوریه نیز یک برجام دیگر می‌خواهد. دلیل

۵. پیمان جوانمردان؛ حلف‌الفضول به معنای پیمان جوانمردان، اشاره به عهد و پیمانی دارد که قبل از بعثت حضرت پیامبر (ص) به همراه عده‌ای از جوانان مکه در خانه عبدالله بن جدعان اجتماع کردند و سوگند یاد کردند تا از ستم‌دیدگان و افراد غریبه‌ای را که وارد شهر می‌شوند و مورد ستم زورمندان و اقع می‌شوند یاری کنند.

برای مطالعه بیشتر رک: ابومحمد عبدالملک بن هشام (۲۱۳ یا ۲۱۸ق)؛ السیرة النبویة لابن هشام؛ انتشارات المعرفه، بیروت لبنان؛ ص ۴۲

۶. در واقع تمدید قانون‌های ISA به معنای نقض فاحش برجام است و بالاخره آقای روحانی نیز انصاف به خرج داده و برای اولین بار اعلام کردند که نقض برجام اتفاق افتاده است.



اینکه ایشان چرا اینقدر امیدوار بوده، اطمینان خاطر داشته و اعتماد به نفس دارند که یک نظریه شکست خورده را به عنوان راه حل به ملت ایران معرفی کنند بیش از اینکه تقصیر خود آنها باشد، تقصیر جبهه فکری - فرهنگی انقلاب است. این تقصیر چیست؟ آن تقصیر این است که ما هیچ وقت راجع به مسائل کشور کار فکری گسترده انجام ندادیم. پیداست وقتی ده‌ها مشکل در کشور وجود دارد و دوستان انقلاب ریاضت فکری برای این کارها را در دستور کار خود قرار نمی‌دهند، جریان توسعه‌گرا توهم می‌زند که کارآمد است و خود را به عنوان تک‌نسخه به ملت ایران تحمیل می‌کند. در حالی که اگر مقابل هر حرف غلط اینها - خصوصاً حرف‌های راهبردی اینها - یک اجماع و جبهه‌ای به وجود بیاید که این حرف‌ها را به چالش بکشد شاید ظرف چهار یا پنج سال آینده آنها بی‌مهابا خود را به عنوان تدبیر و راه حل به ملت ما معرفی نمی‌کنند.

این داستانی است که ما باید آن را پیگیری کنیم و بنده هرچقدر فکر می‌کنم که ما چطور می‌توانیم - این فکر کردن راجع به انقلاب نیز یک فکر جمعی بوده و حدود دو دهه نیز طول کشیده است - به سمت عصر ظهور حرکت کنیم، هیچ چیزی به ذهن بنده نمی‌آید به جز همین نکته‌ای که عرض می‌کنم؛ ما باید کار فکری مسئله‌محور انجام دهیم، کار فکری مسئله‌محور نه کار فکری انتزاعی مانند اینکه چهارصد جلسه بحث‌های فلسفی بگوییم ولی یک خط راه حل از آنها بیرون نیاید. باید مسائل کشور را شناخته و برای آنها کارهای فکری سنگین انجام دهیم.

آقا از این به جهاد کبیر تعبیر کرده‌اند.<sup>۷</sup> این کار واقعاً سختی دارد و نظم زندگی کسانی که وارد این عرصه می‌شوند، شبیه نظم زندگی رزمندگان اسلام در دوران دفاع مقدس است؛ نمی‌توان عادی زندگی کرد ولی راه دیگری نیز وجود ندارد. اگر قرار است به سرعت به سمت عصر ظهور حرکت کنیم، باید این نظم و مسئولیت را بپذیریم.

ما دیشب در جلسه‌ای که با دوستان خودمان داشتیم هفت یا هشت مسئله را برشمردیم که در حال حاضر راه حل ندارند و تمام آنها نیز هویت اسلامی این مملکت را به چالش می‌کشند. خُب باید برای اینها برنامه‌ای داشته باشیم. در ماه‌های آینده لایحه‌ای از طرف دولت به مجلس می‌آید تحت عنوان لایحه جامع مدیریت شهری. اگر این لایحه به شکلی که الآن هست تصویب و اجرا شود آمار طلاق در سراسر کشور ارتقا می‌یابد؛ یعنی خانواده‌ها را تضعیف و دچار فروپاشی می‌کند. از همین حالا باید به فکر این لایحه باشیم و نباید اجازه دهیم که این لایحه تصویب و اجرا شود و بعد از آن اعتراض کنیم که چرا طلاق در شهر تهران ۴۲ درصد است. البته اگر این روال ادامه پیدا کند به ۵۰ درصد می‌رسد.

ما در شرایط بسیار ویژه‌ای به سر می‌بریم؛ اگر نبود اقدام بصیرانه و شجاعانه جمعی از دوستان انقلاب بر سر قضیه خطرناک تراریخته‌ها، این موضوع نیز الآن تصویب شده بود. مسئله تراریخته‌ها

۲/۲. لزوم مسئله‌محور بودن کار فکری برای انقلاب و پرهیز از طرح مباحث انتزاعی

۲/۲/۱. لایحه جامع مدیریت شهری؛ یکی از مسائل خطرناک و لزوم مقابله با این موضوع

۲/۲/۲. محصلات تراریخته؛ یکی دیگر از

مسائل خطرناک پیش‌روی انقلاب اسلامی

۷. در بین جهادها جهادی هست که خدای متعال در قرآن آن را «جهاد کبیر» نام نهاده؛ و جُهدْهُمُ بِهٖ جِهَادًا کَبِیْرًا؛ در سوره‌ی مبارکه‌ی فرقان است؛ «به» یعنی به قرآن، «جُهدْهُمُ بِهٖ» یعنی به وسیله‌ی قرآن با آنها جهاد کن؛ جِهَادًا کَبِیْرًا... ایستادگی و مقاومت و عدم تبعیت. اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال به آن گفته جهاد کبیر.



یک طراحی مخفی بود و از یک دوره‌ای به بعد در میان جمعی از دوستان انقلاب تصمیم گرفته شد که این طراحی آشکار شود و وقتی آشکار شد تازه الآن در حال واضح شدن است که چه خطری مملکت ایران را تهدید می‌کند. جناب آقای جلالی - رئیس پدافند غیر عامل کشور - گفته‌اند که احتمال ترور بیولوژیک ملت ایران وجود دارد، ما در مقابل چنین جبهه‌ای قرار داریم.

الآن خبر رسیده است که آموزش و پرورش سند ملی آموزشی سال ۲۰۳۰<sup>۸</sup> را در دستور کار قرار داده است. این طور که گزارش می‌دهند - بنده هنوز خودم متن سند را ندیده‌ام - بسیاری از مفاد سند ۲۰۳۰، مشابه سند آموزشی ای است که یونسکو پیشنهاد داده است. حُب اگر این گزارش درست باشد - که شواهد قطعی می‌گوید این گزارش درست است و ما فقط خود سند را ندیده‌ایم - باید دانست که محورهای آموزش‌های یونسکو تربیت شهروند جهانی است. قرار است در مدارس ما همان مفاهیمی که زیرساخت پذیرش نظم موجود جهانی هستند را به فرزندان ما آموزش دهند. شما فکر کنید همین یک‌قلم اتفاق در کشور ما اتفاق بیافتد. معنای این حرف به چالش کشیده شدن هویت شیعه و هویت انقلاب اسلامی است. ده‌ها نوع خطر از این دست خطرها در کمین انقلاب اسلامی است. باید آستین‌ها را بالا زد و تنبلی‌ها را کنار گذاشت؛ باید عهد خود را با حضرت ولی عصر علیه السلام تجدید کنیم؛ باید قیامی اتفاق بیافتد تا این مسیر سخت انقلاب در مرحله دولت اسلامی را پشت سر بگذاریم.

عرض بنده آن است که به فضل خدای متعال جبهه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با تمامی سختی‌هایی که داشت در کشور پا گرفت و علامت آن نیز این است که همه با نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت جلسه برگزار می‌کنند، اظهار نظر می‌کنند و موضع‌گیری می‌کنند. علامت موفقیت این است که در زمان این دولت، بیش از ۱۰ مسئول ارشد دولتی به طور مکرر مجبور به پاسخگویی نسبت به سؤالات مطرح شده توسط جبهه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت شدند. فضا، بسیار جدی شده است، اما بنده عرض می‌کنم که «كَزَّرِعَ أَخْرَجَ شَطَأَهُ»؛<sup>۹</sup> یک جوانه‌ای زده است و بیش از این نیست؛ باید از این جوانه مواظبت نمود و برای آن برنامه‌ی محافظت ریخت. همه باید کمک کنند تا «فَاسْتَعْلَطَ فَاسْتَوَى» اتفاق بیافتد و این جوانه سرپا بایستد.

اگر ان شاء الله این مسیر طی شود به نظر می‌رسد مرحله دولت اسلامی را در دو دهه آینده پشت سر خواهیم گذاشت. اگر نقشه وجود داشته باشد کار سنگینی نیست. دو دهه یعنی همین دو دهه‌ای که با زعامت رهبر معظم انقلاب پشت سر گذاشتیم؛ بسیار زود گذشت، این دو دهه‌ی پیشرو نیز زود خواهد گذاشت. در دهه ششم و هفتم انقلاب می‌توانیم به مفهوم جامعه اسلامی فکر کنیم. سود این

۲/۳. طی مرحله دولت اسلامی؛ در صورت انجام ۲۰ سال کار فکری عمیق و سخت برای انقلاب اسلامی

۸. ر.ک: پیوست شماره ۱

۹. مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءٌ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وَجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمِثْلَهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَّرِعَ أَخْرَجَ شَطَأَهُ فَازَرَهُ فَاسْتَعْلَطَ فَاسْتَوَى عَلَى سَوْفِهِ يَعْجِبُ الزَّرَّاعُ لِيَكْبِتَ بِهِمُ الْكُفَّارُ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛ سوره مبارکه فتح آیه ۲۹

محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربانند آنان را در رکوع و سجود می بینی فضل و خشنودی خدا را خواستارند علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود در چهره هایشان است این صفت ایشان است در تورات و مثل آنها در انجیل چون کشته ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستبر شود و بر ساقه های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است

موفقیت را چه کسی می‌برد؟ امثال ما که در وسط میدان ایستادیم و شانه‌هایمان را به زیر این بار بزرگ دادیم و کار فکری و برنامه‌ریزی کردیم؛ پس ما سود خواهیم برد.

بنده این نکته را عرض کنم؛ کام من تلخ شد تا ما بتوانیم اولین چهل روز را برگزار کنیم و یک تیم استقامت کنند و کار سازماندهی شود. ان‌شاءالله آماده باشند برای چهل روزهای بعدی؛ چند سال به طول انجامید تا این چند نفر پیدا شوند و آماده شوند. یعنی قسمت سخت کار تقریباً طی شده است و کار، وجود خارجی پیدا کرده است. دیگر آقای نوبخت نمی‌توانند بگویند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بحث و کارشناس و پیشنهاد ندارد. این حرف‌ها دیگر قابل تکرار نیست در حالی که در ابتدای این دولت این موضوعات وجود داشت. پس می‌شود این کارها را دنبال نموده، برنامه‌ریزی کرد و کار را جلو برد.

دوستان به صورت مکرر به بنده گفته‌اند که بسیاری از دوستان در اقصی نقاط کشور از طریق فضای مجازی بحث را دنبال می‌کردند. بنده از همه آن دوستان تشکر می‌کنم و به همه‌ی آنها هم برای قسمت آخر مبارزه علیه برنامه ششم که هفته آینده شروع می‌شود و هم برای برنامه‌های بعدی الگو مانند مدیریت شهری در شهر مشهد اعلام آماده‌باش می‌دهم. ما بعد از اتمام عملیات برنامه ششم، بنا داریم پرونده‌ی سند توسعه شهر مشهد را در کشور باز کنیم؛ عزیزان! اگر برای مشهد فکری نکنیم، مشهد در دو دهه‌ی آینده و یا کمتر، مانند شهر دبی خواهد شد. یعنی نه تنها هویت اسلامی نخواهد داشت، بلکه نگاه به زیارت به ابزار درآمد تنزل خواهد یافت. این موارد جزء اتفاقات عجیبی است که در حال رخ دادن است و علت همه این موارد، همان نکته‌ای است که عرض کردم؛ مؤمنین کمتر به دنبال کارهای فکری به صورت مسئله‌محور رفته‌اند. مسائل پیش روی کشور را کمتر درک می‌کنند و وقت کمی برایش می‌گذارند. اگر بخواهیم تجمعی تشکیل بدهیم یا کار کوتاه‌مدتی انجام دهیم، همه هستند؛ اما اگر گفته شود که ۵ سال زمان لازم است تا نقشه‌ای را برای مرحله دولت اسلامی تدوین کنیم و همه باید کمک کنند، در اواسط کار شاید ۵۰ نفر یا کمتر باقی بمانند.

تا این نقیصه حل نشود خبری از عصر ظهور نیست؛ نسل پیش از ما یک بار با مال و جان و فرزند و آبرو و خانواده و همه چیز به میدان آمدند و این پرچم را برافراشتند؛ اکنون پرچم به نام اسلام است اما برنامه‌ها، غربی هستند. دیده‌اید که بسیار پررو و چشم‌دریده و بی‌انصاف هستند. خودشان در بخش آموزش و اجتماعی و اقتصادی و سیاست خارجی و ... برنامه‌ریزی می‌کنند، اما وقتی شکست‌ها واضح می‌شود، به نام انقلاب می‌نویسند. این مشکل انقلاب است. باید فکری به حال این موضوعات کرد. وقتی وضعیت اینگونه است و آنها نیز مسئولیت کار خودشان را نمی‌پذیرند، ما باید یک بسم الله بگوییم و زیر بار این مسئولیت‌ها برویم. یک دهه بعد کسانی مسئولیت معاونت‌های طرح و برنامه‌ی وزارتخانه‌ها و کمیسیون‌های مجلس و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و ... را بر عهده می‌گیرند که مجهز به فکر محاسباتی الگوی پیشرفت هستند. این امر یک کار تاریخی قابل دسترس و ممکن است. شجاعت و انگیزه بالا و معامله با خدا می‌خواهد. اجر چنین کاری را با پول نمی‌توان حساب کرد. باید با خدا معامله نمود تا هر هزینه‌ای که لازم است بپردازیم تا این کار به سرانجام برسد. از همه دوستان تشکر می‌کنم که بحث‌ها را تحمل فرمودید و شخص



بنده را نیز تحمل فرمودید. از همه شما تشکر می‌کنم که این دوره ۴۰ روزه را پیگیری نمودید. ان شاء الله اگر خداوند متعال توفیق بدهد با بحث‌های تفصیلی الگوی پیشرفت در خدمت همه برادران و خواهران عزیز خواهیم بود.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد ﷺ



### پرسش و پاسخ

#### ۱. طی دوره‌ی کارشناسی الگوی پیشرفت اسلامی؛ یکی از سطوح فعالیت با شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

یکی از حضار: دوستانی که پیگیر موضوع هستند علاوه بر آنکه در جلسات فکری حضور می‌یابند، چه کمک دیگری می‌توانند به موضوع کنند؟

حجت‌الاسلام کشوری: ما مراحل تربیت کارشناس را قبلاً بحث کرده‌ایم که از حسن الاستماع آغاز می‌شود و گام‌های تضارب و تدوین و نظام مقایسه و حسن السؤال را طی می‌کند. آغاز دوره کارشناسی حسن الاستماع است؛ علاوه بر آن ما پیش از هر عملیات نرم، نقشه عملیات را منتشر می‌کنیم. دوستان به تبع توانمندی‌هایی که دارند می‌توانند انتخاب کنند که چگونه کمک کنند.

یکی از حضار: در مورد برنامه‌ی آموزش ۲۰۳۰ چگونه می‌شود که موضوع در دستور کار قرار گرفته در حالی که به تصویب مجلس نرسیده است؟ مگر نباید هر توافقنامه‌ای که با خارجی‌ها بسته می‌شود، از نظر مجلس عبور کند و مصوبه‌ی مجلس را به همراه داشته باشد؟

حجت‌الاسلام کشوری: بله، مقرر شده که هر توافقنامه‌ای که با خارج از کشور منعقد می‌شود در مجلس تصویب شود؛ اما انگار این روال‌ها قرار نیست رعایت شود. البته ما با این بخش حقوقی کاری نداریم؛ اگر سند ملی آموزش جدی شود باید عملیاتی در نقد آن انجام دهیم تا اجازه ندهیم این موضوع شکل بگیرد؛ زیرا اگر قرار باشد آموزش و پرورش کشور با مفاهیم توسعه‌ی غربی تنظیم شود، در نسل بعد همه چیز از دست خواهد رفت. این سند یک نفوذ فکری جدی در کشور محسوب می‌شود.

یکی از حضار: حتی سند ۱۴۰۰ نیز زیر سؤال می‌رود ...

حجت‌الاسلام کشوری: بله! همه چیز زیر سؤال می‌رود. در آینده، جدال فکر توسعه و فکر الگو یک جدال جدی‌ای خواهد بود. ان شاء الله سازماندهی ما نیز به گونه‌ای باشد که بتوانیم بر این موضوع غلبه پیدا کنیم.



### فهرست تفصیلی

۱. تفکیک ارزش از اعتبار؛ عدم توازن مرتبط با جهت‌ساز اقتصاد و ایجاد زمینه‌ی تغییر این معادله از طریق تأمین مسکن مردم با وقف و معتقدکردن مردم به اقتصاد اسلامی ..... ۱۱۱
- ۱/۱. تفکیک ارزش از اعتبار و قرار دادن یک شیء اعتباری (پول) به عنوان مبنای معامله؛ یکی از عدم توازن‌های مرتبط با جهت‌ساز اقتصاد ..... ۱۱۱
- ۱/۱/۱. عدم امکان قرار دادن یک شیء اعتباری به عنوان مبنای مبادله ..... ۱۱۲
- ۱/۲. بلاموضوع شدن بخش قابل توجهی از حکم زکات به دلیل از قرار ندادن طلا و نقره مسکوک به عنوان مبنای معامله؛ نتیجه اول تفکیک ارزش از اعتبار ..... ۱۱۲
- ۱/۳. ایجاد چالش‌های امنیتی و فرهنگی و سیاسی به دلیل محوریت دلار در مبادلات جهانی و ارز واسط و عدم رعایت معادله نشر اسکناس توسط اکثر کشورهای جهان؛ نتیجه دوم تفکیک ارزش از اعتبار ..... ۱۱۳
- ۱/۴. ساخت مسکن با استفاده از ظرفیت وقف و حل مسکن مردم ایران ظرف ده‌سال؛ پیشنهادی الگوی پیشرفت اسلامی برای رفع عدم توازن مرتبط با جهت‌ساز اقتصاد ..... ۱۱۴
- ۱/۴/۱. زمینه‌سازی برای معتقد شدن مردم به اقتصاد اسلامی و حرکت به سمت تغییر اصل تفکیک ارزش از اعتبار ..... ۱۱۵
۲. لزوم انجام کار فکری گسترده برای مقابله با جریان توسعه‌گرا و تحقق مرحله دولت اسلامی ..... ۱۱۶
- ۲/۱. استحاله انقلاب اسلامی؛ نتیجه شوم غفلت از کار فکری برای انقلاب ..... ۱۱۷
- ۲/۲. لزوم مسأله‌محور بودن کار فکری برای انقلاب و پرهیز از طرح مباحث انتزاعی ..... ۱۱۸
- ۲/۲/۲. محصولات تراریخته؛ یکی دیگر از مسائل خطرناک پیش‌روی انقلاب اسلامی ..... ۱۱۹
- ۲/۲/۱. لایه جامع مدیریت شهری؛ یکی از مسائل خطرناک و لزوم مقابله با این موضوع ..... ۱۱۸
- ۲/۲/۳. سند آموزش ۲۰۳۰؛ از دیگر مسائل خطرناک پیش‌روی انقلاب اسلامی ..... ۱۱۹
- ۲/۳. طی مرحله دولت اسلامی؛ در صورت انجام ۲۰ سال کار فکری عمیق و سخت برای انقلاب اسلامی ..... ۱۱۹
- پرسش و پاسخ ..... ۱۲۲
۱. طی دوره‌ی کارشناسی الگوی پیشرفت اسلامی؛ یکی از سطوح فعالیت با شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۱۲۲



**پیشگفتار** رهبران کشورهای عضو سازمان ملل متحد، در سپتامبر ۲۰۱۵ در اجلاس عالی‌رتبه این سازمان متعهد شدند تا اهداف دستور کار جهانی توسعه پایدار ۲۰۳۰ را که نتیجه یک فرآیند گسترده مشورتی در سطح جهانی بود، در سیاست‌گذاری کلان ملی خود از اول ژانویه ۲۰۱۶ مد نظر داشته باشند. این دستور کار، دارای ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه است. آموزش که هدف چهارم این دستور کار است،<sup>۱</sup> در تحقق کلیه اهداف این دستور کار، به‌طور مستقیم (اهداف ۱۲، ۸، ۵، ۳، ۱۰ و ۱۳) و غیرمستقیم بقیه اهداف) نقش اصلی و محوری را برعهده دارد. در نشست‌هایی که در خرداد ماه سال جاری با حضور دبیران کل (کمیسیون‌های ملی) بیش از یکصد و سی کشور و معاونان ذیربط سازمان یونسکو در شهر شانگهای کشور چین برگزار شد، هدف چهارم به اتفاق آرا به عنوان اولویت اول دستور کار جهانی ۲۰۳۰ شناخته شد و تأکید گردید که آموزش نه تنها به هدف چهارم محدود

نمی‌شود، بلکه لازم است به‌عنوان اساس موفقیت سایر اهداف توسعه پایدار مورد توجه قرار گیرد.

از آنجائی که سازمان یونسکو به‌عنوان یک نهاد بین‌المللی موفق در امر آموزش شناخته می‌شود، اجرای هدف چهارم توسعه پایدار ۲۰۳۰ با عنوان «به سوی آموزش و یادگیری مادام‌العمر با کیفیت، برابر و فراگیر برای همه» به عهده این سازمان نهاده شده است و سازمان مذکور با ایفای سه نقش هدایت و هماهنگی، نظارت و گزارش‌دهی، و ارتقای ظرفیت کارشناسی دولت‌ها، اجرای این هدف مهم را پس از تصویب نهائی چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰ در سی و هشتمین کنفرانس عمومی یونسکو در نوامبر ۲۰۱۵، آغاز کرده است.

اینک سازمان یونسکو و کلیه عاملان جامعه بین‌المللی، کارشناسان و ذی‌نفعان جهان، تجربه اجرای اهداف شش‌گانه برنامه آموزش برای همه ۲۰۱۵-۲۰۰۰)<sup>۲</sup> را دارند و به همین دلیل توصیه‌های مکرر این سازمان بر جلب مشارکت کلیه شرکا در یک رویکرد فرابخشی، اعم از نهادهای رسمی و غیررسمی، دولتی و خصوصی است.

نکته قابل توجه دیگر این است که آموزش فراگیر در چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰، به مراتب دامنه‌ای گسترده‌تر و تکالیفی وسیع‌تر از برنامه آموزش برای همه دارد و علاوه بر حوزه‌های ناتمام آموزش برای همه، حوزه‌های دیگر آموزش از جمله: اشتغال و توسعه مهارت‌ها، آموزش فنی- حرفه‌ای، آموزش عالی، آموزش سلامت و بهداشت، آموزش‌های اجتماعی و شهروندی را نیز در برمی‌گیرد، تا فرایند گذار به سوی جوامع یادگیرنده و دانش‌بنیان با کمترین مشکل صورت پذیرد. با وجود این شرایط، روشن است که وزارت آموزش و پرورش به تنهایی نمی‌تواند از عهده انجام این تکالیف برآید. به همین دلیل، از نهادهای ذیربط جهانی مثل: یونسکو، یونیسف، برنامه توسعه ملل متحد، صندوق جمعیت ملل متحد و بانک جهانی و نهادهای ملی ذیربط در سطح هر کشور انتظار می‌رود که در تحقق هدف چهارم و اهداف ویژه دستور کار توسعه پایدار ۲۰۳۰ پایمردی و اهتمام ورزند. کمیسیون ملی یونسکو ایران که مطابق با بند ۷ اساسنامه سازمان یونسکو، نهاد متولی اجرای چارچوب عمل‌های جهانی در ایران است، از بدو فرایند تهیه و نهائی‌سازی چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰ در یونسکو، در خصوص محتوای این سند مشورت‌های گسترده ملی را با نهادهای ذیربط، متخصصان و صاحب‌نظران ارشد و نیز کمیته‌های ملی تخصصی به‌منظور جمع‌بندی نقطه نظرات جمهوری اسلامی ایران به عمل آورد و بدین ترتیب دیدگاه‌های کشورمان را در زمینه چارچوب عمل- جهانی آموزش ۲۰۳۰، از طریق نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در یونسکو به دبیرخانه اسپیک ارائه کرد.

پس از تصویب نهائی چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰ در یونسکو در نوامبر ۲۰۱۵، کمیسیون ملی یونسکو بر اساس رهنمودهای فنی که از سوی یونسکو برای هدایت چارچوب عمل در سطح ملی دریافت کرد، ضمن طرح موضوع در کمیته‌های-آموزش عالی و آموزش و توسعه پایدار، گروه آموزش این کمیسیون که اعضای آن‌ها از متخصصان برجسته علمی و آموزشی کشور و نمایندگان وزارت‌خانه‌های آموزش و پرورش؛ علوم، تحقیقات و فناوری؛ بهداشت درمان و آموزش پزشکی؛ تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، رؤسای دانشگاه‌های فرهنگیان، فنی- حرفه‌ای و علمی- کاربردی هستند، تهیه سند ملی آموزش ۲۰۳۰ را در دستور کار خود قرار داد. براین اساس، قرار شد که تعداد ۳۰ کارگروه ملی تشکیل شود تا مطابق با شرح وظایف سازمانی خود، مسئولیت تهیه سند آموزش ۲۰۳۰ را بر عهده گیرند.

عناوین این کارگروه‌ها عبارت‌اند از:

- ۱-آموزش ابتدائی ۲-آموزش متوسطه ۳-سنجش و ارزیابی کیفیت و یادگیری ۴-مراقبت اوان کودکی، آموزش پیش دبستانی و ابتدائی ۵-آموزش فنی و حرفه‌ای و مهارتی رسمی (متوسطه) ۶-آموزش عالی مهارتی ۷-آموزش فنی و حرفه‌ای و مهارتی غیررسمی ۸-دسترسی به آموزش عالی با کیفیت و برابر ۹-کارآفرینی با تأکید بر کار شایسته ۱۰-برابرسازی فرصت‌های آموزشی و اجتماعی برای زنان و دختران ۱۱-دسترسی برابر اقشار آسیب‌پذیر به آموزش ۱۲-آموزش دانش‌آموزان با نیازهای ویژه ۱۳- توسعه سوادآموزی و مقابله با کم‌سوادی ۱۴- آموزش توسعه پایدار در آموزش ابتدائی و متوسطه با تأکید بر ایجاد هماهنگی بین بخشی ۱۵-آموزش توسعه پایدار در آموزش عالی ۱۶-آموزش سلامت و شیوه‌های زندگی سالم و بهداشتی ۱۷- مدارس و تجهیزات آموزشی در سطوح ابتدائی و متوسطه ۱۸- دانشگاه‌ها و نهادهای آموزش عالی ۱۹- فناوری و تجهیزات آموزشی غیر رسمی مهارتی ۲۰- توسعه همکاری‌های علمی و بین‌المللی در آموزش عالی ۲۱- توسعه همکاری‌های بین‌المللی در آموزش مهندسی ۲۲- توسعه همکاری‌های علمی و بین‌المللی در زمینه تربیت معلم ۲۳- تأمین اعتبار برنامه‌های آموزش ۲۴، ۲۰۳۰ - شاخص‌های آموزش ۲۰۳۰، ۲۵- اسناد کلان بالادستی و آموزش ۲۰۳۰، ۲۶- ارتباط با مراجع سیاست‌گذار، جامعه علمی و پژوهشی، انجمن‌های علمی و سازمان‌های مردم نهاد و آموزش ۲۰۳۰، ۲۷- ترویج هماهنگی نهادی و بین بخشی در ساختارهای دولتی ۲۸- مطبوعات و آموزش ۲۰۳۰، ۲۹- اطلاع‌رسانی به دانشگاه‌ها و نهادهای آموزش عالی ۳۰- رسانه‌های جمعی و آموزش ۲۰۳۰

این کارگروه‌ها، براساس راهنمای فنی تهیه سند ملی آموزش ۲۰۳۰ که توسط کمیته‌های ملی گروه آموزش کمیسیون تهیه و تصویب شده بود، به طور هماهنگ و منسجم، نقشه راه پیشنهادی خود را در زمینه آموزش ۲۰۳۰ مطابق با تجارب عملکردی و اسناد کلان بالادستی در زمان‌بندی مشخص ارائه کردند. در این مرحله، کمیته تلفیق سند تشکیل شد و با نظارت فنی و علمی که بر چارچوب تهیه سند ملی انجام داد، زمینه لازم را برای انتشار ویرایش اول سند ملی آموزش ۲۰۳۰ فراهم ساخت. به موازات تهیه سند ملی آموزش ۲۰۳۰ توسط کمیسیون ملی یونسکو، طرح تشکیل کارگروه ملی اجرای آموزش ۲۰۳۰، در سه جلسه متوالی کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری دولت به ریاست وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری و با حضور برخی از اعضای محترم دولت از جمله: وزیران محترم آموزش و پرورش، صنعت و معدن، معاون محترم علمی و فناوری ریاست جمهوری، معاون آموزشی، پژوهشی و فرهنگی سازمان برنامه و بودجه، ریاست محترم سازمان انرژی اتمی ایران، ریاست محترم سازمان حفاظت محیط زیست و برخی از معاونان ذی‌ربط وزارتخانه‌ها و دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نهایتاً به تصویب هیأت دولت رسید؛ که اسناد و ساختار این کارگروه در صفحات (۱۰۲-۱۰۳) سند آمده است.

لازم است ذکر شود که بخشی از این اقدامات انجام گرفته، به‌عنوان گزارش عملکرد جمهوری اسلامی ایران در طرح پیمایش ظرفیت سازی آموزش ۲۰۳۰ که توسط دفتر منطقه ای آموزش یونسکو در بانکوک اجرا شد، به یونسکو ارائه گردید و جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از کشورهای پیشگام در منطقه آسیا و اقیانوسیه در زمینه آمادگی و تمهید تدارکات لازم برای اجرای آموزش ۲۰۳۰ مورد تقدیر قرار گرفت.

در اینجا بر خود لازم می‌دانیم از جناب آقایان: دکتر فرهادی، وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری، دکتر فانی و دکتر فخرالدین احمدی دانش آشتیانی وزیران محترم سابق و فعلی آموزش و پرورش، دکتر علی ربیعی، وزیر محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی و دکتر سید حسن قاضی زاده هاشمی، وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و آقای دکتر محمد رضا واعظ مهدوی، معاون محترم امور آموزشی و فرهنگی سازمان برنامه و بودجه که حمایت های لازم را از فعالیت کارگروه‌ها برای تهیه سند ملی آموزش ۲۰۳۰ به‌عمل آوردند، تشکر و قدردانی نماییم.

از رؤسا و اعضای محترم کارگروه‌های تهیه سند ملی آموزش ۲۰۳۰ و نیز اعضای کمیته که سند حاضر، حاصل تلاش و همفکری آن‌هاست و اسامی آنان در پایان این مجموعه آورده شده است، صمیمانه تشکر می‌کنیم.

در خاتمه، از همکاران خود در بخش آموزش کمیسیون ملی یونسکو خصوصاً سرکار خانم دکتر محب حسینی، مدیر محترم بخش آموزش این کمیسیون، به سبب همکاری مستمری که با نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در یونسکو جهت انعکاس نظرات کشورمان در مرحله تهیه و نهائی سازی چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰ به‌عمل آورد و نیز تلاش یک ساله ای که برای تهیه و نهائی سازی سند ملی آموزش ۲۰۳۰ از طریق ارائه مشورت‌های فنی یونسکو به کارگروه‌های تهیه سند و کمیته های ملی آموزش و آموزش عالی به‌عمل آورد، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

امیدوارم به پاس قدردانی از تلاش‌های ارزشمند این عزیزان، همه دست‌اندرکاران اجرای این سند؛ اعم از اعضای کارگروه ملی آموزش ۲۰۳۰ که دبیرخانه آن در وزارت آموزش و پرورش مستقر است و سایر نهادها و ذی‌نفعان آموزش و توسعه پایدار در کشورمان، توجه و همت لازم را برای تحقق اهداف آن مصروف نمایند.

## پیوست شماره ۲

## متن کامل احکام برنامه پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم کشور

در راستای تحقق گام اول تغییرات در نظام برنامه‌ریزی کشور مبتنی بر مفاهیم الگوی پیشرفت اسلامی - با تاکید بر ده سال گفتمان سازی برای الگوی پیشرفت اسلامی - دستگاه‌ها و سازمان‌های ذیل موظف می‌شوند در طول سالهای اجرای برنامه ششم مأموریت‌های ذیل را عملیاتی نموده و گزارش آن را برای بررسی و تکمیل در نیمه اول سال پنجم برنامه در اختیار قوای سه‌گانه و نهادهای مرتبط با الگوی پیشرفت قرار دهند:

## الف: برای بهبود فضای حاکم بر نهاد خانواده:

- ۱- وزارت آموزش و پرورش با همکاری شهرداری‌های مناطق موظف هستند به منظور تقویت ماهیت محلات و تقویت نهاد خانواده رویکرد تمرکز مدارس در محلات را دنبال نمایند.
  - ۲- وزارت آموزش و پرورش مکلف است به منظور تقویت سلول بنیادین جامعه اسلامی آموزش‌ها و مهارت‌های مرتبط با نهاد خانواده را در تمام پایه‌ها درسی گسترش دهد.
- تبصره: تدوین کتب آموزشی مربوطه و برگزاری کارگاه‌های آموزشی در این زمینه با هماهنگی حوزه علمیه قم انجام شود.
- ۳- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است به منظور تقویت نقش و حضور بانوان در نهاد خانواده نیست به تغییر قوانین اشتغال بانوان و آسان‌سازی این قوانین اقدام نماید و لایحه مربوط به قوانین اشتغال بانوان را تا پایان سال دوم برنامه برای تصویب به مجلس تقدیم نماید.

## ب: برای تحقق پیش‌گیری بنیادین اسلامی از جرم:

- ۴- قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران موظف است برای جلوگیری از ایجاد و گسترش جرم از مجرای برنامه‌ها و قوانین مصوب با همکاری قوه مقننه؛ زمینه حضور کارشناسان حوزه پیش‌گیری از جرم را در جلسات کمیسیون‌ها و صحن علنی مجلس فراهم آورد.
- ۵- قوه قضائیه جمهوری اسلامی موظف است به منظور گسترش فضای تصمیم‌سازی مبتنی بر پیش‌گیری بنیادین اسلامی از جرم به صورت فصلی در مورد زمینه‌های ساختاری، فرهنگی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی وقوع جرم گزارش‌های راهبردی تفصیلی را منتشر نماید.

## ج: برای مقابله با فضای ترجمه‌گرایی در تدوین پایان نامه‌ها:

- ۶- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی موظف است به منظور ارائه راه حل‌های علمی برای مسائل مرحله دولت سازی اسلامی مرکز شناسایی، تفاهم و حمایت از نظام مسائل این مرحله را - با تاکید بر استفاده از مفاهیم الگوی پیشرفت اسلامی ایجاد نماید.

## د: برای گسترش مقاومت اقتصادی:

- ۷- سازمان اوقاف و امور خیریه مکلف است به منظور حل مشکلات معیشتی مردم و مقاوم‌سازی اقتصاد حداکثر تا ظرفیت ۱۰۰۰ خانوار به ایجاد محله‌ها وقفی اقدام نماید.

تبصره: طراحی محله‌ها و معماری آن‌ها باید از اصول الگوی پیشرفت اسلامی تبعیت نماید.



### پیوست شماره ۳؛ استفاده از پیشگیری محیطی توسط نیروی انتظامی

معاون اجتماعی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) سرعت، فرصت و سهولت را ۳ مؤلفه اصلی در بروز سرقت، می‌داند.

به گزارش پایگاه خبری پلیس (<http://yon.ir/CXqyz>)، سردار «سعید منتظر المهدی» در مطلبی که در این پایگاه منتشر شد به بررسی علل و عوامل سرقت در جامعه پرداخت.

در چندین پژوهش پیمایشی انجام شده در سطح ملی توسط معاونت اجتماعی ناجا نشان داده شد که:

۱. سرقت همواره یکی از دغدغه‌های نخستین شهروندان ایرانی، اعم از زن و مرد است و جالب آنکه، مشخص شده است که ترس از سرقت اولین بیم و هراس کودکان و نوجوانان است.

۲. ترس از دستبرد به اموال تاثیر مستقیم، فوری و شدید بر احساس امنیت شهروندان، از کوچک تا بزرگ بر جای می‌گذارد. بر اساس شواهد آماری متقن، این پدیده حدود ۲۰ درصد از 'نالامنی' شهروندان را تبیین می‌نماید یعنی چنانچه روزی به کلی این ترس از میان رانده شود حدود ۲۰ درصد بر احساس امنیت عمومی مردم جامعه افزوده می‌شود.

۳. پدیده سرقت تاثیر منفی معناداری بر شأن و منزلت و اقتدار پلیس بر جای می‌گذارد، یعنی با کاهش 'نرخ وقوع' پدیده سرقت در جامعه به صورت چشمگیری بر شأن پلیس و اقتداری که آنان برای پلیس قائل اند، افزوده می‌شود.

۴. اولین مطالبه بیش از دو سوم شهروندان از پلیس، مبارزه فراگیر و اثر گذار با جرم سرقت است.

از این چند یافته مختصر می‌توان نتیجه گرفت که در مداخله با پدیده شایع سرقت، یک ضرورت اساسی و نیاز فوری است. از آن گذشته به نظر می‌رسد برای مداخله و مقابله با پدیده سرقت می‌بایست عزمی جدی و مشارکت همگان از جمله مردم مدنظر قرار گیرد.

اما مداخله در پدیده سرقت زمانی اثرگذارتر است که اولاً، ماهیت آن پدیده به دقت بازشناخته و ثانیاً اقدامات صورت گرفته، خواه در زمینه پیشگیری و خواه در زمینه مقابله و مداخله، با تدابیر از پیش اندیشیده شده و در چارچوب راهبردهای متقن و بر اساس اصول و روش‌های دقیق علمی، به سامان برسند. به همین سبب، من در این مجال در پی آن هستم تا با یادآوری نکاتی چند، زمینه و بستر ذهنی را برای تحقق این دو الزام یعنی شناخت ماهیت سرقت و روشمند ساختن اقدامات فراهم کنم. شناخت ماهیت سرقت

سرقت یک واژه عربی است که در زبان فارسی امروزی از آن با مفاهیمی نظیر 'دزدی' 'دزدیدن' 'دزدی کردن' و ... یاد می‌شود، از نظر آسیب‌شناسان منظور از سرقت، برداشتن مال دیگران بدون آگاهی و رضایت آنان است. حقوقدانان نیز سرقت را ربودن مال دیگری به طور پنهانی ( ماده ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی ) می‌دانند.

برخی حقوقدانان سرقت را به انواع ۱۴ گانه از جمله سرقت توأم با آزار، سرقت مسلحانه و ... تقسیم می‌نمایند.

نرخ وقوع سرقت

پلیس بین الملل در سال ۲۰۰۰ طی یک بررسی تطبیقی میزان وقوع سرقت در ۹۳ کشور جهان را بررسی نموده است، در گزارش پلیس بین المللی ایران با وقوع ۱۲۳ هزار فقره سرقت در ردیف بیست و سوم قرار گرفته است. در کشورهای مختلف جهان، به ویژه کشورهای توسعه یافته ای نظیر انگلستان، آمریکا، آلمان، ژاپن و آفریقای جنوبی و فرانسه آمار سرقت در سال ۲۰۱۳ نسبت به سال ۲۰۰۰ حداقل ۵ برابر شده است. این آمار به ویژه در سه سال اخیر و به دنبال بروز بحران‌های شدید اقتصادی، سیری شتابان یافته است، این شیوع فزاینده و آمار رو به رشد بیانگر آن است که سرقت به یک 'پدیده اجتماعی' تبدیل شده است و لاجرم از میان راندن آن جز با مداخلات اجتماعی میسر نخواهد بود.

علت شناسی سرقت

سرقت به عنوان یک جرم و پدیده انحرافی، همانند جرائم و کجروی‌های دیگر، دارای دو دسته عامل است:

۱. عوامل زمینه ساز ( دور ) و ۲- عوامل بروز دهنده ( نزدیک ).

عوامل زمینه ساز سرقت را می‌توان به ۵ دسته تقسیم کرد:

۱. عوامل اقتصادی

۲. عوامل روان شناختی

۳. عوامل اجتماعی (جامعه شناختی)

۴. عوامل زیست شناختی

۵. عوامل فرهنگی

متولیان هر یک از ۵ رویکرد مزبور شواهد فراوانی در تایید ادعای خویش نشان کرده اند. مثلاً حامیان رویکرد اقتصادی نشان داده اند که اولاً با بروز بحران های اقتصادی بر شدت جرم سرقت افزوده می شود. ثانیاً: با افزایش اشتغال از میزان سرقت کاسته می شود. ثالثاً: میزان سرقت در میان طبقات کمتر برخوردار جامعه بیش از طبقات دیگر است.

متولیان رویکرد روان شناختی نیز نشان داده اند که سرقت، همانند هر رفتار و عمل دیگر 'آموخته می شود'، آنان با انجام مطالعات طولی مختلف نشان داده اند که عواملی نظیر 'همانند سازی با الگوهای ناهنجار'، 'فشار هنجارهای همسالان'، 'یادگیری مشاهده ای' (از طریق مشاهده الگوهای تلویزیونی) و 'سوپرایگوی ضعیف' سهم زیادی در سوق دادن افراد جامعه به سوی کجروی های مختلف، از جمله سرقت دارند.

اما متولیان رویکرد جامعه شناختی از عواملی نظیر 'نابرابری اقتصادی'، 'آنومی'، 'عدم توزیع عادلانه منابع کمیاب ثروت'، 'قدرت و منزلت'، 'ساختارهای معیوب نظارتی' و 'فقدان کنترل اجتماعی' مهمترین عوامل دخیل در پدیده سرقت هستند. متولیان رویکرد زیست شناختی نیز بر نقش 'آمادگی های بیولوژیکی'، 'بد کارکردی های ارگانیکی' و نظایر تاکید می ورزند. متولیان رویکرد فرهنگی نیز بر نقش برخی هنجارهای 'خرده فرهنگی'، کاهش باورهای دینی و نظایر آن تاکید می کنند.

لیکن، واقعیت آن است که هیچ یک از این ۵ رویکرد به تنهایی قادر به تبیین کامل پدیده سرقت نیست. چه، در ارتکاب این پدیده همواره بیش از یک عامل نقش و سهم دارند. به عنوان مثال نابرابری و فقر (به عنوان یک متغیر اقتصادی) تنها زمانی می تواند منجر به گرایش به سرقت شود که اولاً تبدیل به یک انگیزش روانی (مثلاً احساس تبعیض) شود و ثانیاً: ترس از کنترل اجتماعی (به عنوان یک عامل جامعه شناختی) از میان برود.

اما، دسته دوم عوامل موثر در ظهور و بروز پدیده سرقت (یعنی دست یازیدن فرد کجرو به سرقت) 'عوامل نزدیک' هستند. مهم ترین این عوامل عبارتند از:

۱. امکان؛ یعنی جایی که انجام سرقت در آن آسان و احتمال گیر افتادن ضعیف باشد.

۲. گمنامی؛ یعنی شرایطی که در آن احتمال شناخته شدن محدود باشد.

۳. فرصت؛ یعنی زمان و فرصتی که دستبرد زدن را تسهیل کند.

۴. سهولت؛ یعنی شرایطی که با فرصت کمتر بتوان به مال بهتر دست یافت (هزینه - فایده)

۵. قبح اندک؛ مالی که دستبرد زدن به آن سرزنش اجتماعی کمتری را در پی داشته باشد احتمال به سرقت رفتنش بیش تر است.

۶. برانگیختگی؛ افرادی که به سبب مصرف مواد روانگردان سطح هوشیاری اشان مختل شده است شانس بیش تری برای دست یازیدن به سرقت دارند.

سارق کیست؟

تلاش های نظری زیادی برای معرفی تیپولوژیک سارقان به عمل آمده است. اما تاکنون سنخ شخصیتی ویژه ای معرفی نشده است که اتفاق نظر زیادی بر سر آن وجود داشته باشد. با وجود این، برخی پژوهش ها شواهدی در مورد افراد سارق به دست داده اند.

برخی از آن شواهد چنین اند

۱. اغلب سارقین از تحصیلات پایینی برخوردارند.

۲. بسیاری از سارقین متعلق به خانواده های ناهنجار است.

۳. بسیاری از سارقین حتی در کودکی مبادرت به انجام سرقت های ریز کرده اند.



۴. بسیاری از سارقین متعلق به مناطق حاشیه ای هستند.
۵. احتمال سرقت در بین مهاجرین بیش تر است.
۶. اغلب سارقین سابقه جرائم دیگری نیز دارند.
۷. شیوع اختلالات شخصیتی در بین سارقین بیش از جمعیت عمومی است.
۸. میزان سوء استفاده از مواد میان سارقین بیش از جمعیت عمومی است.
۹. میزان محکومیت یکی از اعضای خانواده سارقین بیش از جمعیت عمومی است.
۱۰. میانگین بهره هوشی سارقین کمتر از میانگین جامعه است (اگر چه ممکن است در بین سارقین افراد باهوشی هم باشند اما تعداد آنها اندک است) و البته سرعت آنان زیاد می باشد.

روش های مداخله در عوامل نزدیک

۱۱. تبدیل پدیده سرقت به یک مسئله عام و اجتماعی و درگیر کردن شهروندان در آن از طریق:

- شناسایی سارقین و معرفی به پلیس
- کنترل محیط های آسیب پذیر
- افزایش مراقبت از اموال و ....
- افزایش گشت مردمی در محلات
- شناسنامه دار کردن سارقین محلات و کنترل اجتماعی آنها.
- کنترل مستمر افراد سابقه دار و آنهايي که مدتی را در کانون اصلاح و تربیت گذرانده اند.
- افزایش روشنایی معابر
- افزایش کنترل محیطی ( دوربین های مدار بسته )
- شدت بخشیدن به اقدامات کلانتریها در کنترل حوزه های استحفاظی
- کنترل مستقیم و غیر مستقیم تمام معتادان محلات
- از میان راندن بی نظمی های فیزیکی در سطح شهر
- برگزاری مانورهای پلیسی برای مقابله با سرقت
- انجام عملیات روانی - رسانه ای فراگیر











## نظام اصطلاحات

نظام اصطلاحات دیگران	نظام اصطلاحات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
خارجی توسعه‌گرا	
پوزیتیویست	
لیبرالیسم	روابط انسانی
راسیونالیسم	الگوی ساخت
تعادل	هدایت
راندمان	جهت‌ساز
رکود	ترجمه
تورم	جهت
پایه پولی	نظریه هسته‌های توازن فرهنگی
پول پرفشار	جهت‌ساز
آکسیوم	پایه سؤال
ارزش افزوده	پایه تصمیم
مکتب نهادگرایی	الگوی پردازش اجتماعی
لیبرالیسم	بنگاه تولید خانوادگی
هرم نیازهای مازلو	سود اجتماعی
آمایش سرزمین	مدیریت محله‌محور
NGO	تعرف
پیشگیری کیفی	نظام نگرش‌های مؤثر بر تصمیم‌گیری فرد
پیشگیری توسعه‌ای	پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم
پیشگیری محیطی	
پیشگیری ساختاری	

## نظام سوالات

<p>۱. برنامه‌ریزی اسلامی یعنی چه؟</p> <p>۲. چگونه با جریان توسعه‌گرا تفاهم کرده و آنها را به سمت برنامه‌ریزی اسلامی سوق دهیم؟</p> <p>۳. نقطه شروع تفاهم با جریان توسعه‌گرا چیست؟</p> <p>۴. مفهوم عدم توازن در جریان توسعه‌گرا چه معنایی دارد؟</p>	<p>جلسه سی و چهارم</p>
<p>۱. نقطه شروع تفاهم با جریان توسعه‌گرا چیست؟</p> <p>۲. محور کارآمدی از منظر جریان توسعه‌گرا چه چیزی می‌باشد؟</p> <p>۳. از منظر جریان توسعه‌گرا چه چیزهایی عدم توازن و عدم تعادل محسوب می‌شوند؟</p> <p>۴. چگونه ادعای جریان توسعه‌گرا مبنی بر اینکه هزینه‌های حج و عزاداری عدم توازن محسوب می‌شوند را به چالش بکشیم؟</p> <p>۵. برای به چالش کشیدن کارآمدی جریان توسعه‌گرا حول مفهوم عدم توازن باید چند کار انجام دهیم؟</p>	<p>جلسه سی و پنجم</p>
<p>۱. چرا با وجود ناکارآمدی‌های فراوان جریان توسعه‌گرا، مردم بازهم به توسعه غربی امیدوار هستند؟</p> <p>۲. آیا جبهه فکری-فرهنگی انقلاب اسلامی مصاف خود با جریان توسعه‌گرا را باید به محوریت نقد نظری ادامه دهد؟</p> <p>۳. از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی محور درگیری با جریان توسعه‌گرا چیست؟</p> <p>۴. با تکیه بر چه مفهومی کارآمدی جریان توسعه‌گرا را به چالش بکشیم؟</p> <p>۵. مراد جریان توسعه‌گرا از عدم توازن چه چیزی می‌باشد؟</p> <p>۶. چه اشکالاتی بر عدم توازن فاصله پس‌انداز و سرمایه‌گذاری وارد است؟</p> <p>۷. جریان الگوی پیشرفت اسلامی چه چیزهایی را عدم توازن می‌داند؟</p> <p>۸. گام‌های سه‌گانه‌ی اصلاح معنای عدم توازن چیست؟</p> <p>۹. استفاده از نظریه هسته‌های توان چه نتیجه‌ای دربر دارد؟</p> <p>۱۰. تفاوت عدم توازن و پایه تصمیم چیست؟</p>	<p>جلسه سی و ششم</p>
<p>۱. چند نوع روش برای نقد جریان توسعه‌گرا وجود دارد؟</p> <p>۲. از منظرا لگوی پیشرفت اسلامی، کدام‌یک از روش‌های نقد مؤثرتر است؟</p> <p>۳. نقد کارآمدی جریان توسعه‌گرا به محوریت چه مفهومی انجام می‌شود؟</p> <p>۴. مراد جریان توسعه‌گرا از مفهوم عدم توازن چیست؟</p> <p>۵. مراد جریان الگوی پیشرفت اسلامی از مفهوم عدم توازن چیست؟</p> <p>۶. تعریف جریان توسعه‌گرا از مفهوم عدم توازن چه اشکالی دارد؟</p> <p>۷. مقابله با جریان توسعه‌گرا در چند سطح صورت می‌پذیرد؟</p>	<p>جلسه سی و هفتم</p>

<p>۸. اشکال نقد مبانی نظری توسعه چیست؟</p> <p>۹. اشکال آثار و عوارض اسناد توسعه چیست؟</p> <p>۱۰. جریان الگوی پیشرفت اسلامی با کدامیک از اسناد جریان توسعه مقابله کرده است؟</p> <p>۱۱. چرا روابط انسانی برای الگوی پیشرفت اسلامی اهمیت دارد؟</p>	
<p>۱. الگوی پیشرفت اسلامی چند عدم توازن فرهنگی را در برنامه ششم شناسایی کرده است؟</p> <p>۲. چند عدم توازن مرتبط با جهت‌ساز تربیت در برنامه ششم وجود دارد؟</p> <p>۳. مدیریت شهری چند عدم توازن را برای جهت‌ساز تربیت ایجاد می‌کند؟</p> <p>۴. مدیریت شهری فعلی نیازهای خانوار را چگونه تأمین می‌کند؟</p> <p>۵. اگر نیازهای خانوار در محله تأمین شوند چه مزیت‌هایی ایجاد می‌گردد؟</p> <p>۶. الگوی پیشرفت اسلامی در برنامه ششم چند نوع فعالیت کلی انجام داد؟</p> <p>۷. تراریخته‌ها چه خطراتی برای ملت ایران دارد؟</p>	<p>جلسه سی و هشتم</p>
<p>۱. در حال حاضر چند نظریه راجع به پیشگیری از جرم به عنوان یک موضوع جهت‌ساز وجود دارد؟</p> <p>۲. راهکار پیشگیری ساختاری برای پیشگیری از جرم چیست؟</p> <p>۳. پیشگیری توسعه‌ای چه راهکاری برای پیشگیری از جرم دارد؟</p> <p>۴. پیشگیری محیطی چگونه می‌خواهد از جرم پیشگیری کند؟</p> <p>۵. راهکار نظریه پیشگیری ساختاری برای پیشگیری از جرم چیست؟</p> <p>۶. با چه ملاکی میان این چهار نظریه قضاوت کنیم؟</p> <p>۷. ریشه جرم از نگاه اسلامی چیست؟</p> <p>۸. راهکار مدیریت نگرش‌ها چیست؟</p> <p>۹. کدام نهاد متکفل اصلی اصلاح نگرش‌های افراد جامعه است؟</p> <p>۱۰. عدم توازن مرتبط با حوزه پیشگیری از جرم چیست؟</p> <p>۱۱. الگوی پیشرفت اسلامی چه پیشنهادهایی را برای رفع عدم توازن‌های مرتبط با پیشگیری از جرم ارائه داده است؟</p> <p>۱۲. عدم توازن مرتبط با جهت‌ساز علم چیست؟</p> <p>۱۳. مشکل علم ترجمه‌ای چیست؟</p> <p>۱۴. الگوی پیشرفت اسلامی چه راهکاری برای رفع عدم توازن علم ترجمه‌ای دارد؟</p>	<p>جلسه سی و نهم</p>
<p>۱۵. عدم توازن مرتبط با جهت‌ساز اقتصاد چیست؟</p> <p>۱۶. تفکیک ارزش از اعتبار و قرار دادن پول به عنوان مبنای معامله چه اثرات سوئی دارد؟</p> <p>۱۷. راهکار الگوی پیشرفت اسلامی برای رفع این عدم توازن چیست؟</p> <p>۱۸. ساخت مسکن به محوریت وقف چه تأثیری در رفع عدم توازن مرتبط با جهت‌ساز اقتصاد دارد؟</p>	<p>جلسه چهارم</p>

## فهرست منابع

---

۱. قرآن کریم
۲. الکافی / شیخ کلینی
۳. بیانات مقام عظمای ولایت حضرت امام خامنه‌ای عجله
۴. نهج البلاغه / شیخ رضی
۵. علل الشرایع / شیخ صدوق
۶. علی بن جعفر الصادق؛ مسائل علی بن جعفر علیه السلام و مستدرکاتها
۷. بهاءالدین خرمشاهی؛ پوزیتیویسم منطقی
۸. رضائیان، علی؛ مدیریت رفتار سازمانی
۹. ابن بابویه، محمد بن علی؛ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال
۱۰. علاءالدین علی بن حسام؛ وفات: ۹۷۷ ق؛ کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال